تألیف:
عبدالعظیم ولیان

# پاکستان

کتابفروشی زوار
تهران - کراچی - لاهور



شاهنشاه دانشمند و رهبر عالیقدر ملت
ایران اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی



حضرت فیلڈ مارشال ایوب خان
ریاست جمہور پاکستان

کلیاتی از:

اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی

# پاکستان

تألیف و نگارش


عبدالعظیم ولیان

لیسانسیه علوم سیاسی



از انتشارات کتابفروشی زوار

تهران - کراچی - لاهور

چاپ دوم

مهرماه ۱۳۳۹

EMBASSY OF PAKISTAN
TEHRAN

17th October, 1960

Dear Major Waliyan,

It gives me great pleasure to convey to you the deep appreciation of the Government of Pakistan of the book "The Political Economic and Social Conditions of Pakistan" which you have so ably and painstakingly compiled.

The book contains encyclopaedic information on Pakistan's past history and present problems in an easily understandable form and I am sure it will greatly help our Iranian brethren to appreciate the movement for the establishment of an Independent Muslim State of Pakistan which, as you have rightly pointed out, owes much of its cultural, literary and religious heritage to Iran's great past. In this sense it will substantially contribute towards better, closer and friendlier understanding between the two brotherly people who are linked in their past, present and future by so many ties.

In conclusion may I take this opportunity to convey to you my personal thanks and congratulations upon this noteworthy contribution.

Yours sincerely,

(Akhtar Husain)

سفارت کبرای پاکستان
تهران ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰

**آقای سرگرد ولیان عزیز**

مایه نهایت مسرت اینجانب است که **مراتب قدردانی فوق‌العاده دولت پاکستان را** در مورد کتابی که تحت عنوان اوضاع سیاسی و اقتصادی واجتماعی پاکستان باچنان تعمق وموشکافی تألیف نموده‌اید بشما ابلاغ دارم .

کتاب مزبور که بسبك بسیارساده وشیوا نوشته شده حاوی اطلاعات دقیق درباره تاریخ گذشته پاکستان وهمچنین مسائلی است که امروزه این کشور باآن روبرو میباشد و نگارنده یقین دارد که این کتاب تا حد زیادی ببرادران ایرانی ما درفهم ودرك نهضتی که موجب پیدایش کشور مستقل اسلامی پاکستان گردید کمك خواهد کرد وشما در این گفته که پاکستان قسمت عظیمی از مواریث فرهنگی وادبی و دینی خود را مدیون ومرهون گذشته باعظمت ایران میباشد کاملا صائب میباشید و از این نظر بدون تردید در ایجاد حسن تفاهم بیشتر ونزدیکتر میان دو ملت برادر که در گذشته وحال وآینده بوسیله علائق وروابط گوناگون بیکدیگر مربوطند مؤثر خواهد بود .

در خاتمه از فرصت استفاده نموده مراتب سپاسگذاری وتبریکات صمیمانه خود را در مورد این موفقیت ارزنده بشما تقدیم میدارم .

دوستدار ـ اختر حسین
سفیر کبیر پاکستان در ایران

## فهرست مطالبی که در این کتاب ملاحظه خواهید نمود


مقدمه نویسنده

پیش گفتار از دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی

اظهار نظری ازدکتر خواجه عبدالحمیدعرفانی وابسته فرهنگی و مطبوعاتی سفارت پاکستان - ایران

۱- کلیاتی ازگذشته تاریخی پاکستان — ازصفحه ۲ تاصفحه ۳۲

۲- جغرافیای انسانی پاکستان — ازصفحه ۳۳ تاصفحه ۵۷

الف- جمعیت:

- مشخصات جمعیت
- تراکم جمعیت درشهرهای مهم پاکستان
- عشایر پاکستان
- اقلیت‌های مذهبی موجود در کشور
- مهاجرین
- زبان مردم پاکستان

ب - اوضاع اجتماعی پاکستان

ج - اوضاع فرهنگی پاکستان

۳- کلیاتی ازاقتصادیات پاکستان — ازصفحه ۵۹ تاصفحه ۹۹

الف - کشاورزی:

- برنامه آبیاری و پروژه‌های مربوطه
- تقسیم آب رودخانه‌ها، اختلاف بادولت هند
- فرآوردهای مهم کشاورزی
- تامین مواد خوراکی وحبوبات
- استقراررژیم جدید درپاکستان- رفورم ارضی

ب - صنایع:

- تحول ورشد صنایع درپاکستان
- برنامه صنعتی کردن کشور
- فعالیت‌های مربوطه بهاکتشاف نفتی

ج - رژیم پولی وبانکی :

- اخذ کمك از کشورهای خارجی .
- طرح کلمبو.

- ترقی هزینه زندگی .
- ذخایر ارزی .
د - بازرگانی خارجی .
ه - بودجه عمومی .
**۴- مشکلات سیاسی پاکستان** از صفحه ۱۰۱ تا صفحه ۱۵۲
الف - مسئله کشمیر:
- وضعیت کشمیر در موقع تقسیم شبه قاره هندوستان
- تفویض استقلال - دخالت سازمان ملل متحد .
- نظر هندوستان در مورد مسئله کشمیر .
- نظر پاکستان در مورد مسئله کشمیر .
ب - اختلافات ناشی از تقسیم آب رودخانه‌ها:
- کلیات .
- پیشنهاد بانك بین‌المللی برای رفع اختلافات .
ج - اختلاف پاکستان و افغانستان - مسئله پشتونستان .
د - سیاست نفوذی شوروی در پاکستان .
**۵- پاکستان و پیمان‌های منطقه‌ای:** از صفحه ۱۵۳ تا صفحه ۱۷۳
- کلیات - انعقاد قرارداد نظامی با دولت آمریکا .
- پاکستان و پیمان منطقه‌ای جنوب خاوری آسیا
- عضویت پاکستان در پیمان مرکزی (پیمان بغداد سابق)
- درجه علاقمندی پاکستان باین پیمان‌ها .
**۶- کلیاتی درباره ارتش پاکستان** از صفحه ۱۷۵ تا صفحه ۱۸۰
- ارتش پاکستان
- هزینه نگاهداری ارتش
- انضباط ارتش
- روحیه ارتش
- روابط پرسنل
- سازمان
- آموزش افسران و افراد
- تدارکات
- باشگاهها .
- نیروی مرزی
**۷- آیندهٔ پاکستان در جهان بین‌الملل :** از صفحه ۱۸۲ تا صفحه ۱۹۰
ضمیمه‌ای به بخش کلیاتی از اقتصادیات پاکستان
ضمیمه‌ای به بخش مشکلات سیاسی و اقتصادی پاکستان
فهرست منابعی که برای تهیه این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است:

## مقدمه نویسنده

درفروردین سال ۱۳۳۷ فرصتی دست داد تانویسنده باسمت عضویت هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی ایران برای بازدید از ارتش کشور همسایه و برادر خودمان پاکستان بآن سرزمین مسافرت نموده وضمن بازدید ارتش پر ارزش این متفق صمیمی و انجام مسافرتهائی در سراسر منطقه پاکستان غربی از نزدیك با نحوه تفکر وترتیب زندگانی مردم این قسمت از جهان (دره سند) که ازقدیم واز دوهزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح مرکز تمدن آسیائی بوده وهنوز نیز بسیاری از باستان شناسان معروف دنیا بقایای این تمدن کهن را در خطه آن جستجو مینمایند آشنائی حاصل نماید.

در طی این مسافرت بود که توفیق حاصل شد ( درتاریخ ۱۹ فروردین سال ۳۷ مطابق با هشتم آوریل سال ۱۹۵۸ ) تا هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی ایران برای اولین بار در سالن کنفرانس ستاد ارتش زمینی پاکستان در راول پندی با فیلدمارشال ایوب‌خان رئیس جمهور فعلی پاکستان (که درآن روزها با درجه ژنرالی فرماندهی ارتش زمینی پاکستان را عهده‌دار بودند ) ملاقات و مذاکره نماید.

ذکر آنچه که در این ملاقات ومذاکرات مورد بحث و گفتگو واقع شدتاآنجا که جنبه نظامی را دربر داشته باشد ازموضوع بحث ما خارج ولی آنچه که باید بدان اشاره نمود نحوه تفکرو علاقمندی خالی ازشائبه فیلدمارشال ایوب‌خان نسبت به شاهنشاه و دولت وملت ایران می‌باشد که ازهر جهت قابل ستایش و تقدیر میباشد .

مسلماً هیچ یك از اعضای هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی ایران در قبول این حقیقت غیر قابل تغییر تاریخ که اندك بیگانگی در روابط صوری و معنوی ملتین ایران و پاکستان وجود نداشته‌و نخواهد داشت تردیدی نداشتند ولی این اظهارات صمیمانه مردی که امروز زمام امور کشور پاکستان را دست گرفته و در مدت زمامداری خودنیز هم آهنك با مساعی متقابل شاهنشاه ایران در موارد عدیده عملا قدمهای مؤثری

را در تشیید روابط صمیمانه دو ملت برداشته باندازه‌ای در روحیه فردفرد اعضای هیئت
نظامی ارتش شاهنشاهی ایران مؤثر واقع گردید که حدی را برآن متصور نبوده و در
قبال این همه لطف وصفابود که این جانب در مراجعت ازمسافرت پاکستان مصمم گردیدم
تا بسهم خود با استفاده از فرصت مناسبی وتاآنجاکه امکانات اجازه دهد باتألیف کتاب
مختصری ولوهرقدر ناچیز وبدون ارزش قدمی را درشناساندن بیشتر این متفق صمیمی
و پرارزش خودمان: «پاکستان» بجلو بردارم و درانجام این نظرضمن استفاده ازلطف
و مرحمت سرشار استادان ودوستان دانشمند وباارزش خود (بویژه سرکارسرهنك‌دکتر
پاشائی) کتاب حاضررا تهیه وآماده نمودم که یك نسخه ازچاپ اول آنرا در مسافرت
اخیرخود بپاکستان درلاهورو در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به حضرت فیلد
مارشال ایوب‌خان ریاست جمهور پاکستان تقدیم واینك چاپ‌دوم‌آنرا با مختصرتغییراتی
به علاقمندان مطالعه‌آن عرضه میدارد.

**بسهم خود وهم آهنگ باکلیه هم میهنان عزیز آرزومندم که ملت برادر ما پاکستان تحت رهبری حضرت فیلد مارشال ایوب خان ریاست جمهور وسایر شخصیت‌های وطن پرست آن کشور روزبروز درمسائل‌سیاسی و اقتصادی و اجتماعی وابسته بخود موفقیت بیشتری راکسب نموده و در بمورد اجراگذاردن برنامه پنجساله دوم پاکستان‌که به‌برنامه سختی برای خوشبختی معروف گردیده توفیق کاملی را حاصل نماید.**

تهران ـ مهر ماه ۱۳۳۹

سرگرد توپخانه ـ عبدالعظیم ولیان

## پیش گفتار از :

دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی

سیزده سال پیش یعنی درتاریخ بیست وسوم مرداد ۱۳۲۶ (چهاردهم اوت ۱۹۴۷) مژده آزادی هفتاد میلیون مسلمان وتشکیل کشور مستقل پاکستان موجب مسرت خاطر ایرانیان گردید و استقلال آن کشور باخوشوقتی از طرف دولت شاهنشاهی برسمیت شناخته شد.

ایرانیان خرسند بودند که ملتی عظیم و شریف رشد سیاسی خود را باز یافته وگردن از قید استعمار آزاد کرده است آنهم ملتی همکیش وهمسایه که با ما روابط ناگسستنی نژادی وفرهنگی واقتصادی دارد وهمواره بابرادران ایرانی خود سرنوشت وسرگذشت مشترکی داشته است.

این ملت باستانی که برمبانی فرهنگ اسلامی ایرانی بوجودآمده وآئین مقدس محمدی راهمراه بافرهنگ ومعارف و تمدن و زبان ایرانی آموخته است از مدتی نزدیك بهزارسال پیش راه خود را از برادران هندو جدا ساخت ووحدتی در داخل هند بوجود آورد که ازهرجهت باسایر طبقات متفاوت وازآنان ممتازبود وفکر وعقیدت وآداب و سنن وتمدنی مستقل داشت.

مسلمانان هند ملیت خود رابراین آئین تازه بنا کردند ودرپرتوآن قرنها براغلب نواحی آباد هند حکم راندند واگرفترتی پیش آمد و چندی ناگزیر تن باسارت دادند بازهمان فرهنك وتمدن قلوب آنان راقوی ومتحد ساخت تااینکه بحمدالله فرصت مناسبی یافتند وبامجاهدت وفداکاری درفش پاکستان مستقل رابرافراشتند وبسرعت منازل ترقی ومراحل عظمت را طی میکنند.

بزرگترین وعمیق‌ترین تحول وانقلابی که درشبه قاره هندوستان پدید آمده واز لحاظ وسعت دامنه و قوت تأثیر ودوام و ثبات نظیری برای‌آن نمیتوان یافت بوسیله اسلام درآن سرزمین صورت گرفته است.

آئین اسلام درسال ٤٤ هجری بوسیله سپاهیان اسلام بسرداری مهلب‌بن ابی‌صفره ازراه خراسان وافغانستان کنونی بهند راه یافت وتاحدود پیشاور پیش رفت ودرسال ۹۳ هجری ازسمت مغرب وطریق بلوچستان ودریای عمان بوسیله محمد بن‌قاسم‌بن حکم‌بن-

ابی عقیل داماد وپسرعم حجاج بن یوسف ثقفی وارد سند شد و بعدها وسیله سبکتکین غزنوی وپسرش محمود درقسمتی عظیم از نواحی شمالی وشمال غربی هند رایج گشت .

در پرتو اسلام میلیونها هندو که دارای افکار وعقاید والسنه وادیان وآداب وسنن گوناگون بودند بایکدیگر متحد شدند، سطح زندگی اجتماعی وفردی آنان بالا رفت و سرزمین هندوستان که تاآن زمان در حال انزوا بسر میبرد با دنیای متمدن مربوط و متصل گشت .

دامنه پیشرفت اسلام درهند تاسال ۳۶۹ هجری محدود بود وازحدود سند وبعض نقاط عشایر نشین شمال غربی فراتر نرفت .

درین مدت خطهٔ سند بصورت یکی ازاستانهای تابع خلفای اموی وعباسی یاجزئی از کشور ایران بشمارمیرفت. ولی واقعاً درآنجاحکومتیوجودنداشت وآشیانه آوارگان عرب ومیدان تاخت وتازمتمردین بود .

درحقیقت آئین اسلام وقتی مبدأ تحول درزندگی مردم هند گشت که همراه باتمدن وفرهنگ ایرانی وهمدوش بازبان وادب وعلوم وهنرهای ایران بهند راه یافت، این بار دامنهٔ نفوذآن نامحدود بود ونه تنها درسراسر هند بلکه ازآنجا به‌ممالك جنوب شرقی آسیا نیز سرایت کرد وبدون احتیاج به‌شمشیر وجنك اغلب آن نواحی راتسخیر نمود .

علما وشعرا ونویسندگان وفقها وحکما واطبا و منجمین وسایراهل دانش و کمال همراه باجنگاوران غزنوی ازایران بهند روی‌آوردند ومردم‌آن سامان علم ودین وراه و رسم زندگی بهترآموختند . هند محل تلاقی آراء وعقاید مختلف ومیدان فعالیت های فکری وهنری ازهرفرقه ودسته گردید وفرهنك وتمدن جدید سطح زندگی بومیان را بالابرد . دروازه‌های هندبروی دنیای متمدن‌بازشد . زبان وادبیات فارسی‌در هند رواج یافت و علمای‌بزرك ایرانی باتألیف کتب ورسالات درتاریخ وسنن وفلسفه ومذاهب هند، آن کشوراسرارآمیز ومنزوی رابجهانیان شناساندند .

اسلام راه نجات طبقات محروم هند بود، فشارطبقاتیوهرج ومرج اوضاع اقتصادی و فقدان عدالت اجتماعی اکثریت هندوان بخصوص طبقه فشرده پائین اجتماع را بتنگ آورده بود وبمحض اینکه باقوانین اسلام که شریعت توحید ومساوات وعدل بود مواجه شدند طبعاً بدان روی آوردند .

بعلاوه اختلافات بسیار درشئون زندگی وهمچنین جنگهای طولانی بین امراء و وجود عقاید خرافی وازهمه مهمتر رنج وزحمتی که بیك طبقه بنام طبقه نجس از طرف طبقات دیگرتحمیل میشد زمینه راازهرجهت برای پیشرفت اسلام هموارساخته بود .

☆☆☆

رفته رفته حکومتهای محلی مسلمان درگوشه و کنار هند بوجود آمد وسرداران وجنگاوران که غالباًازخراسان و افغانستان کنونی وازطریق معابر هندوکش بهند رفته بودند امرای محلی را مطیع و مغلوب ساختندو خود، خانواده‌های سلطنتی اسلامی را تشکیل دادند .

از سال ۳۶۹ تا ۱۲۷۵ هجری ( ۹۸۶ـ ۱۸۵۷ میلادی ) یعنی از نخستین حمله سبکتکین بهند تا انقراض خاندان گورکانی که قریب نه قرن میشود سی و دو خانواده مسلمان که همه فارسی زبان بودند ونژاد بعض آنان ایرانی بود درنواحی مختلف شمال وجنوب وشرق وغرب هند سلطنت کردند که اهم آنها عبارت بودند از : غزنویان ـ غوریان ـ ممالیك ـ خلجی‌ها ـ تغلقی‌ها ـ سادات ـ لودیان ـ سوریان ـ سلاطین بنگال آل بلبن ـ الیاس شاهیان ـ جامان سند ـ خاندان لنگاه در مولتان ـ ملـوك شرقی در جونپوروبهار ـ خاندان چك در كشمير ـ فاروقیان‌درخاندیس ـ ملوك گجرات ـ سلاطین بهمنی ـ عماد شاهیان ـ برید شاهیان ـ نظام شاهیان ـ عادلشاهیان ـ قطب شاهیان ـ وازهمه مهمتر ومعروفترخاندان بابری گورکانی .

هرجا یکی ازین سلطنت‌ها تأسیس میشد طبعاً آئین و فرهنك اسلام باجنبه خاص ایرانی خود درآنجارایج میگشت وایرانیان جمع میآمدند ودیری نمیگذشت که‌آن ناحیه نموداری از ایران میشد و تمدن ایرانی برجای تمدن محلی می‌نشست وفارسی گوئی و فارسی نویسی علامت مسلمانی ونشانه علم وادب بشمار میآمد .

براثر مساعی ملوك غزنوی و غوری و غلامان ایشان مانند قطب‌الدین‌آیبك و شمس‌الدین التتمش وغیاث‌الدین بلبن وهمچنین فیروزشاه وعلاءالدین خلجی وغیاث‌الدین تغلق وسلاله‌های سوری و بهمنی و سلاطین مسلمان جونپور و پادشاهان لودی آداب اسلامی وایرانی درسراسرهند رواج یافت وآن سرزمین مظهرتازه‌ای ازتجلیات فکر و روح ایران گشت .

ظهیرالدین بابر نواده تیمور در سال ۹۳۲ هجری دهلی را فتح کرد و سلطنتی عظیم درهند بوجودآورد که درحدود سه‌قرن ونیم بطول انجامید وتقریباً نیمی از این مدت بااستقلال وعظمت وعزت وحرمت همراه‌بود .

درین مدت طولانی دربار‌دهلی بزرگترین مرکز فرهنك وزبان و تمدن ایرانی بود وهزاران نفرازارباب علم وشعروهنروادب ایران درخدمت‌آن پادشاهان کریم کسب نام ونان میکردند .

پادشاهان بابری و زنان و فرزندان و حواشی و امراء ایشان غالباً بفارسی شعر میگفتند وهر یك جمعی از شاعران و علماء و هنرمندان پارسی را در کنف حمایت خود تربیت میکردند .

زبان فارسی دردوران سلطنت ایشان به‌منتهای ترقی‌رسید ومانند قدرت مغول تا اقصی نقاط هند پیش رفت وزبانهای بومی اعم ازآریائی یا دراویدی یا برمی وچینی‌و تبتی پرازلغات فارسی شد و چه بسا که ازترکیب لغات فارسی با لغات محلی زبانها و لهجه‌های تازه‌ای بوجودآمد .

الفبای فارسی برجای‌الفبای هندی (دیوناگری) نشست، خط نستعلیق ونسخ برای زبانهای نیمه فارسی اردو وپنجابی وسندی انتخاب گردید و هرچه هنر و کمال وذوق و ادب که درایران بود مانندآن یابهترازآن درهند بوجودآمد وخلاصه‌آنکه یك سلطنت

تمام عیار و کامل ایرانی بدست گورکانیان مغول درقلب هند یعنی دهلی ساخته وپرداخته شد که عناصر ترکیب کننده آن همه ایرانی بودند.

☆☆☆

مهاجران و مسافران از طبقات مختلف ایرانی بزرگترین عامل انتقال فرهنك اسلام وتمدن ایران بهند بودند.

گویند نخستین دانشمند ایرانی که بعدازاسلام بهند رفت منجم وریاضی دان مشهور ابومعشر بلخی است که چندی درشهر بنارس به‌تحصیل نجوم وریاضی برداخت. لیکن سفر او وهیچ ایرانی دیگر بقدر سفر ابوریحان محمدبن احمد البیرونی الخوارزمی (٣٦٢ـ ٤٤٠ هـ) در تاریخ روابط علمی و ادبی دو کشور ثمربخش و پر برکت نبود. وی همراه سلطان محمود غزنوی بهند رفت ولی نه برای جنك و کشورگشائی بلکه بقصد کسب علم و کمال، سالها درهند اقامت کرد، با علما و برهمنان معاشرت واز آنان کسب دانش نمود و زبان سنسکریت رایاد گرفت وبآن کتاب نوشت وآثارمشهورهند را ترجمه کرد. مهمترین ومعروفترین کتاب این دانشمند بزرگ در تاریخ وفلسفه وعقاید وعلوم و اساطیر هندی کتاب مشهور (ماللهند من مقوله) است که نخستین وبزرگترین کتاب هند شناسی است وتا امروزهم ارزش واهمیت خود راحفظ کرده است.

ازاوائل قرن پنجم هجری ایرانیان که سرزمین هند رامیدان تازه‌ای برای نشرعلم وبسط معرفت یا کسب قدرت وجمع ثروت میدیدند بدان کشورروی‌آوردند واین مسافرتها تااواخرقرن دوازدهم همچنان ادامه داشت.

اگربخواهیم فقط فهرست اسامی مشاهیر ایران راکه بهند رفته‌اند ثبت کنیم چند صحیفه رافرامیگیرد واین‌مقدمه مختصر، گنجایش آنرا ندارد همینقدربایدگفت‌فقهاوحکما ومحدثین ومنجمین ومشایخ تصوف و واعظان و خطاطان و موسیقی دانان ومورخان و صنعتگران وجنگاوران وامراء وسردارانی که بجهات مختلف وتشویق پادشاهان و حکام هند ویا بدعوت ایشان بهند رفتند ملتی مسلمان وپارسی گو و متحدالهدف براساس سنن وفرهنك وهنرایرانی بوجود آوردند که ازسایر طبقات ممتاز بود وهمین فرهنك و تمدن عالی وحدت وتشخیص آنان‌را درطول تاریخ‌ودربرابرحوادث‌سهمگین محفوظ نگاه‌داشت وگرنه همانطوریکه «سکا»هاو«هون»هاو« کوشان»هاوسایرمهاجمین‌خارجی دراقیانوس فرهنگ وسنن هندوئی غرق شدند مسلمانان هند هم تحت تاثیر جاذبه فرهنگ هندوئی واقع میشدند وامروز کشوری بصورت پاکستان بوجود نمیآمد.

☆☆☆

قدرت حکومت اسلامی درحقیقت ازآغازقرن پنجم هجری وبوسیله سلطان محمود غزنوی درنواحی شمالی وشمال غربی هند پی ریزی شد وبعدها مرتباً بروسعت دامنه‌آن افزوده گشت تااینکه درعهد سلطنت بابر وفرزندش همایون ونواده‌اش اکبرو همچنین جهانگیربن اکبر وپسراو شاه جهان وپسرشاه جهان اورنگ زیب براثرمساعی وزراء و

رجال ایرانی به‌منتهای کمال رسید وتقریباً تمام نواحی هند متمدن درقلمروایشان بود .

لیکن ازاوائل قرن هفدهم اروپائیان سود جو مانندپرتقالیهاوفرانسویهاوهلندیها وانگلیسها بدان سرزمین راه یافتند وهرج ومرج وجنگ وخونریزی بپا کردند و عاقبت بازرگانان انگلیسی وعمال کمپانی هند شرقی رقبای دیگررا ازمیدان بدر کردند وخود یکه تازمیدان شدند و با رشوه وحیله وزور، املاك بسیار بدست آوردند وسلاطین و مهاراجگان را مطیع ومواجب بگیرخود ساختند .

پادشاهان گورکانی بعد از اورنگ زیب در برابر کمپانی عاجز ماندند و دیری نگذشت که درقصر سلطنتی یعنی قلعه سرخ دهلی زندانی شدند و بحقوق بخور ونمیری قناعت‌میکردند وحال‌سایرامرای محلی هند هم بهمین منوال‌بود وهر کس قد برمیافراشت سر کوب میگردید .

حکومت کمپانی هند شرقی رسماً از سال ۱۷۶۵ میلادی آغاز گردید . درین سال بنگال براثر خیانت متنفذین محلی بدست انگلیسها افتاد و یکی از سرداران باهوش وکاردان انگلیسی بنام : رابرت کلایو از طرف کمپانی بحکومت‌آن ناحیت بر گزیده شد .

ازین پس قدرت انگلستان درهند شروع بگسترش کرد ومقاومت‌های محلی مانند مقاومت حیدرعلی وپسرش تیپوسلطان‌وهمچنین مقاومت «مراته» ها و «روهیله»ها همه باشکست‌مواجه‌شد . مردم هند بناچارتن باسارت‌دادند، آداب ورسوم و قوانین انگلیسی رواج یافت وآداب وسنن‌اسلامی وهندی تحت‌الشعاع قرار گرفت . زبان فارسی که‌زبان دولت‌ودربارهای‌اسلامی بود بفرمان‌حکام کمپانی ازرسمیت افتاد وبجای‌آن زبان‌انگلیسی رایج گردید . ارباب نفوذوقدرت خانه‌نشین‌ومواجب بگیر شدند، رابطه هند باهمسایگان بخصوص‌ایران قطع گردید وروح آزادی وملیت در آن کشور کشته شد .

در سال ۱۸۵۷ که حکمرانی هند بعهده لرد کنینگ بود مردم هند جنب وجوشی کردند و طغیانی از کلکته براه افتاد که دامنه آن بسرعت تا کانپور ولکنهو و دهلی کشیده شد .

دردهلی‌آخرین پادشاه اسمی خاندان بابری بنام بهادرشاه ومتخلص به‌ظفر که در فارسی واردو شاعری ماهر بود قیام کرد وخودراامپراطورهند خواندوهندوان ومسلمانان همه با اویاری کردند ، لیکن این کوشش که‌آخرین مقاومت استقلال طلبی بود بناکامی منجرشد وبعد ازدادن تلفات وخسارات بسیارشهر دهلی درروزچهاردهم سپتامبر۱۸۵۷ سقوط‌کرد وبهادرشاه پیر دستگیر وزندانی شد وبه‌رنگون تبعیدگردید .

☆☆☆

بعدازین وقایع دولت انگلیس بحکومت کمپانی هند شرقی خاتمه داد و بموجب فرمان ملکه ویکتوریا هند قطعه‌ای از امپراطوری انگلیس اعلام شد و ( لرد کنینگ) بعنوان نخستین نایب‌السلطنه هند منصوب گردید .

ازین پس یعنی از ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ میلادی بیست نایب‌السلطنه برهند حکومت کردند ودرین مدت نزدیك به‌نود سال اگرچه بتدریج بمردم هند کمك ها و آزادیهائی داده میشد لیکن مسلمانان کمتر مورد توجه بودند و بیشتر سنگینی استعمار را بدوش خود احساس میکردند. هندوان رفته رفته دردولت جدید بمقامات و مناصب ومال و ثروت دست یافتندلیکن مسلمانان که حاضر بتسلیم نبودند روزبروز درمانده‌تر و بینواتر میشدند. هندوان بازبان وافکار تازه قوم غالب آشنائی یافتند ودرمجالس قانون گذاری و ادارات دولتی جای خود را باز کردند. آنها هندرا وطن خود ومسلمانان را بیگانه می‌شمردند و عنصر مسلمان درخانه خود غریب ومورد تحقیر بود و دیگر دولت اسلامی وجود نداشت که ازو حمایت و جانبداری کند. باینجهت عقلای قوم بفکر چاره افتادند و برای خود حزب و دانشگاه و اتحادیه تأسیس کردند و برای بقای نوع وحفظ ملیت و قومیت خود وارد مبارزه شدند.

پیشوای این فکرمردی بود مسلمان وپرشور وشاعر ودانشمند بنام سیداحمد خان که درآغازکار با نهضت‌های استقلال طلبی هند همکاری داشت ولی پس از آنکه بحال وروزسیاه مسلمانان بیشتر واقف گردید و بعلل واقعی عقب افتادگی آنان پی‌برد برآن شد که این جماعت را از پریشانی و حقارت و فقر و عقب ماندگی بیرون آورد. باین جهت بفکر تأسیس حزب مسلمانان و مخالفت با حزب کنگرس افتاد و موفق شد درسال ۱۷۹۳ حزبی مخلوط ازمسلمانان وانگلیسها بوجودآورد واین همان حزب است که درسال ۱۹۰۶ بصورت مسلم‌لیك درآمد.

سید احمد خان تنها راه نجات مسلمانان را آشنائی با فرهنك اروپائی و همراهی باکاروان تمدن جدید میدانست وبرای وصول باین هدف به کومك روشن‌فکران انگلیسی موفق شد در سال ۱۸۹۵ در شهر کوچك «علیگره» دانشکده‌ای بنام «مدرسه علوم شرقی اسلام وانگلیس» تأسیس کند واین همان مدرسه است که بعدها بنام «دانشگاه اسلامی علیگره» خوانده شد وسبب بیداری مسلمانان و پیدا شدن فکر استقلال ورغبت اهل اسلام بفرا گرفتن زبان انگلیسی وعلوم جدید گردید واین مرکز فرهنگی بعدها شاگردانی تربیت کرد که پاکستان رابوجودآوردند وامروزهم آنرا اداره میکنند وآن دارالعلوم هنوزهم درهند بزرگترین مرکزاجتماع مسلمانان وتعلیمات اسلامی است.

اغلب مسلمانان که حال‌زارهمکیشان خودرامیدیدند ومیدانستند چاره‌ای جزاستقلال فکرو تاسیس کشوری مستقل و اسلامی درهند ندارند بحزب مسلم‌لیك می‌پیوستند ودر برابر «کنگرس» قد برافراشتند وبراثرمساعی ومجاهدت خستگی ناپذیر ومستمرایشان بود که درتاریخ بیست وسوم مرداد ۱۳۲۶ هجری شمسی گوهر استقلال بدست آمد و کشورمستقل پاکستان‌تاسیس گردیدومرحوم محمد علی جیناه که ازز‌عمای آزادیخواهان بود بحکمرانی پاکستان برگزیده شد.

☆☆☆

آنچه گفته شد مربوط است بگذشته پاکستان ومبانی استقلال آن کشور و چنانکه

ملاحظه میفرمائید این کشور براساس فرهنك و سنن اسلامی وآمیزش و ترکیب تمدن ایرانی باتمدن هندی بناشده وآثاراین ترکیب وآمیزش هنوزهم باقیست .

بنابراین دوستی دوملتایران وپاکستان مولود حوادث واحتیاجات زودگذرسیاسی نیست ،بلکهاین علقه ومحبت درخون ونژاد وتمدن وتاریخ ودین وادبیات وزبان وسنن وآداب دوملتریشه دارد ، خواستههاوهدفهای هردویکسانست وهمانطور که درگذشته تاریخ وسرگذشت مشترکیداشتهاند درآینده نیزعلیرغم هرپیشآمدی سرنوشتی مشترك خواهند داشت .

**کتاب حاضر که بوسیله افسر دانشمند وجوان سرکارسرگرد عبدالعظیم ولیان برشته تحریر درآمده و در نوغ خود بی سابقه است ضمن اشاره بگذشته پرافتخار پاکستان تاریخ سیزده سالهآن کشور را بعد از استقلال با دقت وشرحوتفصیل لازم بیان میکند وعلل سیاسی واجتماعی این رستاخیز ملی راتجزیه وتحلیل مینماید .**

سرکارسرگرد ولیان دراین کتاب تحولات سیاسیمسلمانانهندرا که منجر باستقلال پاکستان شده بررسی میکند، تاریخ وجغرافیایآن کشوررابهتفصیل شرح میدهد وضع اقتصادی وسیاسیپاکستان وروابطی که باهمسایگان دارد وهمچنین مشکلاتیراکه باآن مواجه است معلوم میدارد ، ازروابط پاکستان باهند وافغانستان و از پیمانهای منطقهای سخن میگوید ودر باره ارتش پاکستان وموقعیت بینالمللی و همچنین آینده آن کشور اطلاعات سودمندومستندی بدست میدهد وبطورخلاصه پاکستان امروزراآنطور که هست برای خوانندگان روشن میسازد .

مؤلف دانشمند باتالیف این کتاب سودمند که در حقیقت نخستین کتابیست بزبان فارسی درباره کشوردوست و همسایه ماپاکستان راهی را باز کردهاند که باید از طرف سایرمحققان ودانشمندان کشور پیروی شود تا برثروت ادبی ما افزوده گردد و مردم ایران برادران پاکستانی خود را بهتر بشناسند ودرنتیجه روابط مودتمستحکمترورشته وداد و اتحاد استوارتر گردد .

مزید توفیق مؤلف محترم ودوام اتحادومودت دو کشوردوست وهمکیش وهمسایه ایران وپاکستان راازخداوند متعال مسئلت دارد .

تهران - بیست وپنجم شهریور ۱۳۳۹

## اظهار نظری از :

دکتر خواجه عبدالحمید عرفانی
وابسته فرهنگی و مطبوعاتی
سفارت پاکستان در ایران

سیزده سال پیش در روزچهاردهـم اوت ۱۹۴۷ میلادی بعداز مبارزات مستمر و طولانی وفدارکاریهای بیدریغ تحت رهبری قائد اعظم محمدعلیجناح ( رحمه‌اله علیه) ملت مسلمان شبه قاره هند موفق‌شد کشور اسلامی ومستقلی بنام پاکستان تشکیل دهد. درآن روزهای بحرانی وسراسر غوغا و کشمکش نخستین دولتی که پاکستان را برسمیت شناخت دولت اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران بـود . مردم ایران از کشور نوبنیاد پاکستان با نهایت محبت و مهربانی وگرمی استقبال کردند و خود رادر غم وشادی آن ملت مسلمان سهیم وشریك دانستند . در مجالس دینی ومحافـل ادبی و فرهنگی و سیاسی پیوسته صحبت از مبارزات دلاورانه و فـداکاریهای مسلمانان هند و استقلال معجزه آسای پاکستان بود . روزنامه‌های ایران مقالات بیشماری در پشتیبانی از پاکستان چاپ کردند و شعرای عالی مقامی که بدرستی زبان دل مردم بشمار میروند اشعاری در باره یگانگی ووحدت دیرینه معنوی و فرهنگی این دوملت‌سرودند.

ملك‌الشعرای بهار بزرگترین شاعر معاصر باآهنك دلنوازی از تشکیل‌آن کشور همکیش و فرهنك وهمزبان چنین حسن استقبال کرده است:

همیشه لطف خدا باد یار پاکستان — بکین مباد فلك یار پاکستان
جدا نبود و نباشند ملت ایران — ز طبع‌وخوی وشعار ودثار پاکستان
گمان مبر که بود بیشتر از ایرانی — کسی بروی زمین دوستدار پاکستان

جزوه‌ها و مقالات متعددی بقلم دانشمندان ایرانی برای معرفی پاکستان نیزچاپ و منتشر گردید ولی دراین‌سیزده سال گذشته کتابی حاوی اطلاعات جامع در مورداوضاع سیاسی و اجتماعی واقتصادی‌آن کشور چاپ نشده بود .

دوست دانشمندم سر کار سرگرد عبدالعظیم ولیان دراین کتاب حوصله کم نظیری در تحقیق وجمع‌آوری مطالب متنوع در باره پاکستان نشان داده‌اند . تـالیف ارزنده ایشان برای کسانی که بخواهند با سوابق تاریخی و روابط فرهنگی ونژادی و مسائل سیاسی واقتصادی پاکستان‌آشنا شوندفوق‌العاده سودمندومفیدخواهد بود. سرکارسرگرد

ولیان از اسناد و مدارك مهمی استفاده نموده ومطالب را بنحو خوبی تنظیم و تلخیص کرده‌اند که‌خوانندگان‌در مدت کمی بامسائل گوناگون مربوط به‌پاکستان وبازمینه‌فکری و فرهنگی آنسامان آشنا میشوند

با تدوین و چاپ این کتاب گام بزرگی درراه تشیید روابط دوستی و برادری و ایجاد حس‌تفاهم‌بین دوملت‌برادر برداشته‌شده‌است. من بدوست گرامم‌سرکار سرگرد ولیان در مورد این موفقیت بزرك و کم نظیر تبریك میگویم و توفیق ایشان را در کارهای بزرگتری از خداوند متعال خواستارم . ملتین برادر ایران و پاکستان بعد از دوری دویست ساله دوباره بیکدیگر نزدیك شده‌اند وسعی و کوشش دارند که روزگار وصل خویش را باز یابند تالیف‌آقای سرگرد ولیان در این « بازجوئی » و بازیابی تاثیر بسزائی خواهد داشت .

تهران - سوم مهرماه ۱۳۳۹ شمسی

پاکستان ازجمله کشورهائی است که درآن شخصیت‌ها بیشتر از اجتماع میتوانند مظهر خدمت وپیشرفتهای اساسی باشند .

# کلیاتی از گذشتهٔ تاریخی پاکستان

# کلیاتی از گذشته تاریخی پاکستان

۱ـ شبه قاره هند و پاکستان سرزمینی که ۴۸۰ تا ۴۹۰ میلیون نفوس زنده با گذشته‌ای درخشان وخیره کننده درآن زندگی کرده ودربسیاری ازموارد بمنزله مادر تمام دنیامحسوب می‌شود ازسه‌هزارسال قبل ازمیلاد مسیح دارای تمدنی عالی بوده وفینیقی‌ها وکلیمی‌ها واعراب ازبحر احمر واقیانوس هند با سکنه ساحلی آن تجارت داشته‌اند.

این تمدن که اساس آن بعدها وسیله توپ وسرنیزه قوای بیگانه متلاشی شد درمدتی بطول ۱۵قرن موجد پیدایش مردان والاگهری چون بودا و گاندی بوده که باوجود خود جهان انسانیت وعرصه علم ودانش را زینت بخشیده‌اند.

۲ـ قسمت شمال غربی هندوستان درقرون ششم قبل ازمیلادمسیح به‌تصرف داریوش کبیر درآمد واداره این اراضی متصرفی از طرف شاهنشاه ایران به یك ساتراب واگذار گردید.

بعد ازشکست داریوش سوم وانقراض سلسله هخامنشی قسمت کوچکی از هندوستان به تصرف اسکندر کبیر درآمد و پس از فوت او تچاندرا گوپتا (Tchandragoupta) نامی‌شمال‌هندرا متصرف‌شده وسلسله جدیدی را بنام موریا (Maurya) تاسیس نمود.

درزمان دومین سلطان سلسله موریا (آسوکا) هند باعلا درجه قدرت وعظمت رسید ولی پس ازفوت آسوکا وحدت سیاسی هندوستان ازبین رفت وسرزمین مزبور به‌تعدادی ممالك جزء منقسم گردید.

۳ـ درقرن اول بعد ازمیلاد مسیح ممالك جزء هند تابع اشکانیان گردیدند

ولی پس از اشکانیان ودر قرن دوم بعد ازمیلاد هند از طرف ساکاس‌ها ( Sakas) اشغال گردید .

٤ ـ درقرن‌ششم‌میلادی هونها (Huns) از ناحیه شمال غرب‌واردهندوستان شده ، پنجاب و کشمیروهند مرکزی را متصرف شدند و درقرن‌هفتم میلادی‌اعراب بفرماندهی محمدبن قاسم قسمت مهمی ازسواحل رودسند رامتصرف وقریب‌یکقرن درآن حدود حکمفرمائی نمودند.

٥ ـ در اواخر قرن دهم واوائل قرن یازدهم پنجاب وقسمت اعظم نواحی شمالی و سرحدی را جپوتانا (Radjputana) به تصرف سلطان محمود غزنوی درآمد وجانشینان وی‌مدتها درپنجاب‌وقسمت‌های شمالی‌هندوستان سلطنت نمودند.

٦ ـ در قرن سیزدهم مغول‌ها ازناحیه افغانستان وارد هند شده ، اهالی آن سامان را قتل‌عام و دارائی‌آنها را بیغما بردند و درسال ۱۳۹۸ امیرتیمور گورگانی قسمت شمالی هندوستان را به تصرف خود درآورده و دهلی‌را فتح نمود.

۷ ـ در سال ۱۷۳۹هند شمالی‌وسیله نادرشاه افشار اشغال وده سال بعدناحیه شمال هند به تصرف احمدخان دورانی که بعد از قتل نادرشاه بسلطنت افغانستان انتخاب شده بود درآمد.

۸ ـبنابرآنچه که گذشت فاتحین ایرانی‌ویونانی وعرب ومغول ازناحیه شمال غرب وارد شبه قاره هندوستان‌شده ودرظرف چندقرن درآن قسمت‌حکومت‌نمودند در صورتی که فاتحین‌اروپائی نیزبیکار ننشسته وازطرف دریاهند را مورد حمله‌خود قراردادند ، بدین معنی که بعد ازآنکه واسکودو گاما (Vasco de gama ) سفر دریائی مشهور خود را ازپرتقال‌تاکالیکوت با موفقیت بپایان رسانید(۱٤۹۷-۱٤۹۸ میلادی) و بااستفاده از راهنمائی دریانوردان ایرانی‌راه دریائی هند بروی‌اروپائیان بازشد پرتقالی‌ها وانگلیس‌ها و فرانسویها وهلندیها راه سفرهند را درپیش گرفته‌و هریک بر گوشه‌ای از منطقه زرخیز شبه قاره هندوستان مسلط شدند ولی رفته رفته

مآل‌اندیشی انگلیسها برسایر اروپائیان رجحان پیدا نموده ورقیبان این ملت‌ودولت هریک ببندر یا جزیره‌ای رانده شدند.

انگلیسها برای نیل بمقصود خود در اوایل قرن هفدهم میلادی یك کمپانی بحری بنام کمپانی هند شرقی(East india Company) را در لندن‌تأسیس‌نموده و این کمپانی‌موفق گردیدبااستفاده‌ازاقدامات‌سرتوماس راو( Sir Thomas Rao) اولین سفیر انگلستان در دربار جهانگیر شاه هندی وخواهش شاه عباس کبیر از جهانگیرشاه کارگاهها و تجارتخانه‌های خود را دراغلب‌شهرهای هنددایرنماید.

متصدیان کمپانی هند در سال ١٦٤٠ شهر مدرس و در سال ١٦٩٠ شهر کلکته را بنا نموده و بندربمبئی را نیز از پادشاه اسپانیا (کارلوس‌دوم)خریداری نمودند.

رفته رفته کمپانی هند شرقی یکه تاز میدان شبه قاره هندوستان‌شد و املاك بسیاری‌را بدست‌آورد.

سلاطین مغول که بعد از اورنگ زیب قدرت مقاومت در برابر کمپانی هند شرقی را نداشتند در قلعه سرخ دهلی‌زندانی شدند و سایرامرای محلی‌نیزیکی‌پس از دیگری مغلوب و منکوب کمپانی هندشرقی گردیدند.

٩ - پس‌از شورش سپاهیان‌هند درسال ١٨٥٧ میلادی مجمع عمومی کمپانی هند شرقی در سال١٨٥٨ بطور فوق‌العاده تشکیل جلسه داد واضطراراً ضمن اعلام انحلال خودکلیه اختیارات خویش در هندوستان را بدولت انگلستان انتقال داد و از طرف دولت انگلستان‌وزارت هندویك هیئت چهارده‌نفری مأمور اداره هندوستان گردیده و درخود هندوستان نیزنایب‌السلطنه که از طرف‌پادشاه انگلستان انتخاب می گردید فرمانفرمای مطلق گردید.

١٠ - از سال ١٨٥٨ تا ١٩٤٧(تقریباً ٩٠ سال) بیست نایب‌السلطنه‌انگلیسی برهندوستان حکومت نموده و در این مدت تمام توجه مسئولین امر مصروف امور هندوان شده و به مسلمانان کمتر رسیدگی بعمل می‌آمد ، و روی این اصل عقلای

مسلمانان هندوستان بفکر افتادند که برای خود وحدت سیاسی مناسبی را بوجود آورند.

سید احمدخان رهبر این جنبش، حزبی مخلوط از مسلمانان وانگلیسها را بنام
**Muhammadan Anglo oriental Defence Association of upper India**
تشکیل داد و این همان حزبی است که ازسال ۱۹۰۶ ببعد بنام مسلم لیك خوانده می‌شود.

سید احمد خان تنها راه ترقی مسلمانان رادرپیشرفت فرهنگ آنها جستجو می‌نمود ودرسال ۱۸۷۵ دانشگاه علیگر را تأسیس نمود.

۱۱- نهضت فرهنگی، موجبات بیداری مسلمانان را درامور سیاسی فراهم نمود و درنتیجه درسال ۱۹۰۶ مسلمانان در داکا (پایتخت فعلی پاکستان شرقی) تصمیم گرفتند که بمنظورحفظ حقوق ومنافع خود سازمانی رابنام حزب مسلم لیك بوجود آورند.

۱۲- حمله ایتالیا به‌طرابلس وجنگ بالکان، وآزاد شدن مستملکات دولت عثمانی در اروپا موجبات تحریك و تشویق مسلمانان هندوستان را برای تشکیل حکومت مستقل هندوستان بوجود آورد.

۱۳- پس از خاتمه جنگ جهانی ۱۸ - ۱۹۱٤ که در نتیجه آن قسمتی از مستملکات دولت عثمانی درخاورمیانه مستقل ویانیمه مستقل شدند مردم شبه قاره‌هند نیز بر علیه تسلط انگلستان برهندوستان مبارزه دامنه‌دار وبی سابقه‌ای را شروع نمودند ودرچنین زمانی مولانا حسرت موهانی شاعروسیاستمدار مسلمان دریکی از جلسات حزب کنگرس که در احمدآباد تشکیل شده بود پیشنهاد استقلال کامل هندوستان رانمود ولی مهاتما گاندی که درآن موقع طرفدارآن بود که هندوستان درجرگه دول مشترك‌المنافع انگلستان (دومینیون‌ها) درآید با این پیشنهاد مخالفت نمود.

۱٤- در سال ۱۹۲۷ دولت انگلستان میسیون جان سیمون را برای اتخاذ تصمیم مناسبی در مورد اداره هندوستان باین سرزمین اعزام نمود ولی هندوها دست

ازمخالفت خود برنداشته وپیشوایان وزعمای آنان اعلام نمودند که درمنطقه نفوذ خویش کمیسیون سیمون را تحریم خواهند نمود .

درچنین زمانی بود که قائداعظم محمد علی جیناه (جیناه بمعنی لاغر نه جناح بمعنی بـال ) پیشنهاد معروف ١٤ ماده‌ای خود را که حافظ منافع مسلمانان بود اعلام نمود .

١٥- درسال ١٩٣٠ دولت انگلستان کنفرانس میز گردی رادرلندن تشکیل داد که درآن چهارده، نفرازنمایندگان انگلستان بریاست مکدونالد نخست وزیر و ٧٦ نفرنمایندگان هندوستان ازاحزاب ودستجات مختلف شرکت نمودند .

ولی این کنفرانس نیز به‌نتیجه‌ای نرسید ( گاندی در زندان بود ودراین کنفرانس شرکت نداشت )

١٦- دردسامبرسال ١٩٣١ کنفرانس دوم میز گرد باشرکت گاندی تشکیل شد ، ولی این کنفرانس نیزبعلت اختلاف نظربین هندوها ومسلمانان و انگلیس‌ها بدون نتیجه ماند ومکدونالد نخست وزیر انگلستان درحین ترك جلسه کنفرانس اظهارداشته بود : ابتدا باید مردم هندوستان باهم متحد شوند واختلافات خود رااز میان بردارند سپس طرزحکومت هندوستان تعیین گردد .

١٧ - مقارن بااین احوال جلسات سالیانه حزب مسلم لیگ بریاست اقبال شاعر وسیاستمدار معروف درالله‌آباد تشکیل گردید ومشارالیه برای اولین مرتبه در این جلسات تشکیل کشورمستقل وجداگانه پاکستان را تقاضا نمود .

این پیشنهاد اقبـال که منجر به‌تشکیل کشور جداگانه‌ای برای مسلمانان بود درآن موقع طرفدارانی نیزداشت .

١٨ - درسال ١٩٣٦ به‌پیشنهاد وترغیب اقبال ، قائد اعظم محمد علی جیناه رهبری مسلمانان هندوستان رابرعهده گرفت ودرمبارزه انتخاباتی ایالتی شرکت نمود وبالنتیجه نمایندگان حزب مسلم لیگ فرصتی راپیدا نمودند که احساسات مسلمانان را درمجالس مقننه منعکس نمایند .

۱۹ - حزب کنگره درنواحی هندونشین زمام اموررا دردست گرفت و روشی که درمورد حفظ منافع اقتصادی وسیاسی واجتماعی مسلمانان اتخاذ شد حیثیت و ارزش حزب مسلم لیگ رابالابرد .

۲۰ - درسال ۱۹۳۷ حزب مسلم لیك رسماً پیشنهاد استقلال کامل هندوستان را اعلام نمود .

۲۱ـ در سال ۱۹۳۸ اقبال بدرود حیات گفت ولی درسال ۱۹۴۰ طرح اودرباره تشکیل کشور جداگانه ومستقل پاکستان مورد قبول قائداعظم واقع شد وقطعنامه مربوط باین امر درجلسه حزب مسلم لیك درلاهور ( پایتخت فعلی پاکستان غربی ) صادر گردید .

۲۲ - یك هیأت پارلمانی از انگلستان به شبه قاره هندوستان مسافرت نمود و لردویول فرمانروای وقت هندوستان جلسه مشترکی راازحزب مسلم لیك وحزب کنگره تشکیل دادولی چون پیشنهاد لردویول متضمن منافع وخواسته های مسلمانان نبود این مذاکرات نیزبه نتیجه ای نرسید .

۲۳ - هیئتی از اعضای کابینه دولت انگلستان به شبه قاره هندوستان عزیمت نمود ولی پیشنهادات این هیأت نیزمورد موافقت قرار نگرفت.

۲۴ ـ جنگ جهانی دوم خاتمه پذیرفت و درنتیجه این جنگ هندوستان در ردیف ممالك مشترك المنافع انگلستان در آمد و باستقلالی که مدتها برای بدست آوردن آن کوشش نموده بودنایل آمد .

۲۵ - پیروزی بی سابقه حزب مسلم لیك در انتخابات عمومی سال ۱۹۴۶ بدنیا نشان داد که تقاضای حزب مسلم لیك نسبت به تشکیل دولت مسقل پاکستان تقاضای کلیه مسلمانان شبه قاره هندوستان است و بدین ترتیب ضربت بزرگی برمحافل مخالف ایجاد پاکستان وارد آورد .

۲۶ - بدین ترتیب مبارزه ایکه ازسال ۱۸۵۷ شروع شده بود باپیروزی خاتمه یافت ودر تاریخ چهاردهم اوت ۱۹۴۷ پاکستان بوجود آمد .

۲۷ - بنابر آنچه که گذشت پاکستان کشور جوانی اشت که در چهاردهم اوت ۱۹۴۷ در نتیجه نهضت مسلمانان شبه‌قاره هندوستان به پیشوائی مرحوم محمدعلی- جیناه قائد اعظم بوجود آمد و چون تأسیس این جمهوری اسلامی درسایه مجاهدت زعمای حزب مسلم لیك صورت گرفت لذا دربدو تأسیس حزب مسلم لیك بعنوان یك جمعیت ملی وآزادی بخش در سرتاسر کشور مورد احترام و تکریم مردم قرار گرفت وکلیه افرادواعضای فعال این حزب مشاغل مهم دولتی را دردست گرفتند.

۲۸ - صرفنظر ازمسلمانانی که در منطقه پاکستان غربی وشرقی بسر میبردند قریب ده‌میلیون ازنفوس مسلمان هندوستان نیزدر بدو تاسیس پاکستان سرزمینهای آباء و اجدادی خود را ترك گفته و بعنوان مهاجر وپناهنده ازترس کشت و کشتار هندوها که درآن ایام عداوت مخصوصی را نسبت به مسلمانان پیدا کرده بودند بکشور جدیدالتأسیس پاکستان وارد شدند و مهاجرت این عده مشکل بسیار بزرگ وطاقت فرسائی را برای دولت جوان پاکستان بوجودآورد.

۲۹ - سال ۱۴۹۷ برای پاکستان وحیات سیاسی آن سخت‌ترین دوره‌ای بود که یك مملکت و ملت جوان باآن مواجه‌میشد. هنوز ترکیب کشور ودستگاه‌حاکمه مملکت تعیین نشده بود ، هر کس ازراه میرسید مشاغل دولتی را احراز میکردو مسلمانان بعنوان مخالفت با هندوهاما یملك هر که را که‌میخواستندغارت‌مینمودند نبودن خوراك وپوشاك و ازهمه مهمترتهیه مسکن برای اینهمه مهاجرین مشکلات مهم دیگری بود که دولت‌پاکستان باآن‌مواجه بود واگردر اوایل‌تأسیس‌این کشور قدرت کلام و اراده‌آهنین شخص محمدعلی جیناه‌نبود بی‌شك حیات‌سیاسی‌پاکستان در سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ براثر هرج‌ومرج وآشفتگی اوضاع درمعرض‌خطرواقع میشد و دولت ثالث دیگری این کشور را درمعرض تهدید قرارمیداد.

۳۰ - قائداعظم ولیاقت علیخان باعزم‌راسخ واستفاده‌ازهمکاری عده‌ای ازرجال و جوان که همه بحزب مسلم لیك بستگی داشتند در سر تا سر کشور بگردش و مسافرت پرداخته و درهر کجا با مشگلی مواجه میگردیدند برفع آن میکوشیدند

و یا مردم را برفع مشکلات تشویق و امیدوار میساختند و بدین ترتیب در پاکستان و اوضاع هرج ومرج آن سکون و آرامش نسبی را بوجود آوردند ، اما هنوز دولت سرگرم حل مشکلات داخله کشور بود که دولت هند موضوع اشغال کشمیر را پیش آورد وچندی بعد نیزموضوع قطع آب رودخانه‌های (راوی - بیاس - ستلج - چناب) را بمیان کشید ودولت پاکستان را بامشکلات مهمتری مواجه نمود .

۳۱ - متأسفانه دریازدهم سپتامبر ۱۹۴۷ محمد علی جیناه فوت کرد وبدون این که مشکلات ومسائل عمده کشور حل شده باشد پاکستان بدون سرپرست ماند وهمینکه لیاقت علیخان بجانشینی وی تعیین گردید هندیها از آشفتگی اوضاع حد اکثر استفاده رانموده وبرای اشغال کشمیر حمله نمودند .

درچنین موقعی ابتداعشایر مسلمان سرحدی پاکستان بیاری برادران مسلمان کشمیری خود به کشمیر سرازیر شده و سپس ارتش پاکستان بفرماندهی ماژور ژنرال اکبرخان بطرف کشمیر روانه گردید ودرمنطقه جامو و کشمیر بین نیروهای مسلح هند وپاکستان جنگ شدیدی آغاز گردید که ابتدابا موفقیت نیروهای زمینی پاکستان پیشرفت میکرد وسپس بنابر مذاکرات خصوصی وتلفنی که بین نهرو نخست وزیر هند ولیاقت علی خان بوقوع پیوست قرارشد جنگ متارکه شده و موضوع ازطریق مراجعه بسازمان ملل متحد فیصله یابد .

بنابراین درتاریخ اول ژانویه ۱۹۴۸ دولت هند علیه تجاوز پاکستان به سازمان ملل متحد شکایت کرد ودرتاریخ پانزدهم ژوئیه نیز نماینده دولت پاکستان درشورای امنیت حضور سربازان پاکستان را در کشمیر اعتراف نمود . لکن اضافه کرد که این افراد برای مقابله با تجاوز هندیها وارد کشمیر شده‌اند .

۳۲ - از آن تاریخ تاکنون موضوع حاکمیت هند و پاکستان در کشمیر متنازع فیه این دودولت بوده وقریب یازده سال است که شورای امنیت برسر مسأله مزبور مشغول رسیدگیست وتاکنون میسیون های مختلفی بسرپرستی دیکسون و جارینگ ودکتر گراهام از طرف سازمان ملل برای بررسی حقانیت طرفین و میانجیگیری درمورد رفع اختلافات بکشور هند وپاکستان مسافرت نموده ونظریاتی

راابرازداشته‌اند که هیچیك ازآنها مورد قبول هند وپاکستان قرارنگرفته وهمیشه خطر بروز جنگ بین این دو کشور باقیست وهریك ازاین دو دولت قسمت اعظم بودجه خودرابرای تأمین دفاع دربرابرخطرتجاوز احتمالی دیگری بمصرف خرید اسلحه وساز وبرگ وتوسعه ارتش‌های خود میرساند .

۳۳ - بموازات مسئله کشمیر موضوع اختلاف برسر تقسیم آب رودخانه‌ها نیز روابط پاکستان وهندوستان را تیره‌تر نمود ومورد اختلاف آن بود که تقریباً پنجاه درصد ازاراضی حاصلخیز منطقه پنجاب درپاکستان غربی ازآب رودخانه‌های راوی - بیاس - ستلج - چناب آبیاری میشود و چون سرچشمه این رودخانه ها در هندوستان قراردارد دولت هند با احداث چند کانال ، آب این رودخانه ها را تحت کنترل قرارداده وباساختمان سدهای انحرافی قصد دارد که درسال ۱۹۶۲ بکلی آب این رودخانه‌هارادرتحت کنترل قراردهد تامازادآب آنهابپاکستان جریان پیدا کند.

پاکستان که معتقد است اقدام هند به کنترل آب این رودخانه‌هاممکن است به‌قحطی وخشکی سرتاسرمنطقه پنجاب منجر گردد موضوع راابتدابه‌سازمان ملل وسپس به‌بانك بین‌المللی ارجاع نمود وازسال ۱۹۵۱ تا کنون این مسئله نیز مورد مذاکره‌ومیانجیگیری نمایندگان دو کشورهندوپاکستان وبانك بین‌المللی میباشد

این دو مسئله ( مسئله کشمیر وآب رودخانه‌ها ) طی سالهای گذشته اساس مشکلات کشور پاکستان راتشکیل داده و با آنکه دولتهای وقت در داخله کشور سرگرم رتق وفتق امورسیاسی وتقویت بنیه اقتصادی ودفاعی مملکت بودند لکن قسمت‌اعظم نیروی مملکت درراه حل مسئله کشمیرورفع اختلافات مربوط بتقسیم آب رودخانه‌ها بمصرف رسیده است .

۳۴- لیاقت علی خان تاتاریخ ۱۶ اکتبرسال ۱۹۵۱ که درشهر راولپندی بقتل رسید باسمت نخست وزیر دراین کشور حکومت میکرد ودر مدت ریاست وزرائی خویش کارهای نیمه تمام قائد اعظم را مبنی برایجاد وحدت واتفاق بین مسلمانان پاکستان دنبال نمود وبامسافرتهائی بکشورهای امریکا و اروپا و کشورهای خاور

میانه ازجمله ایران دول غربی رامطمئن ساخت که پاکستان ضمن آنکه عضویت خود را درجرگه کشورهای مشترك‌المنافع حفظ مینماید سعی خواهد نمود تا در بین دول غربی‌نیز برای خود دوستان ومتحدینی را پیدا نماید.

هدف دیگر لیاقت‌علیخان نخست‌وزیر وقت پاکستان این‌بود که بااستفاده‌از حمایت حزب مسلم لیك مکتب پان‌اسلامیزم را بوجود بیاورد تا دولت پاکستان ضمن بسط مناسبات بسیار دوستانه خود با دول مسلمان خاورمیانه و آسیای جنوب خاوری بعلت داشتن حداکثر نفوس مسلمان(۷۰میلیون نفر) رهبری ملل‌مسلمان جهان را نیز برعهده بگیرد تانه تنها در مورد حل اختلافات خویش‌باهندیها ازاین حربه سیاسی استفاده نماید بلکه در بسیاری از موارد بخصوص درمراجع‌بین‌المللی برای خود وزن واعتبار سیاسی خاصی را ایجاد نماید و لیاقت علیخان تنها کسی بود که تا روز آخر حیاتش بخصوص در ایامیکه بسمت لیدر حزب مسلم لیك انتخاب گردید از این فکر جانبداری میکرد و تشکیل اتحادیه دول اسلامی را تبلیغ مینمود.

با مرگ‌لیاقت‌علیخان پاکستان‌مرد بزرگ وسیاستمدارزیرکی‌را ازدست‌داد و ازآن پس این کشوربعلت نداشتن رجال آزموده و پخته بامصائب زیادی‌بخصوص از نظرمشکلات واختلافات سیاسی در داخل کشور مواجه گردید.

۳۵ - درسال۱۹۵۱ خواجه نظام‌الدین بسمت‌فرمانروای کل پاکستان‌منصوب گردید وزمان حکومت ایشان عوامل‌کادر رهبری‌حزب مسلم لیك در نتیجه‌انتخاب آقای خلیق‌الزمان که‌او نیز مردی‌سالخورده و بی اراده‌ومعتقد بود بجای‌پاکستان باید «اسلامستان» بوجودبیاید بجان یکدیگر افتاده ودر همین اوقات بود که‌حزب مسلم لیك بعلت رشوه‌خواری وتبعیضات اداری و غیره شهرت‌ومحبوبیت خود را از دست داد وعدهٔ زیادی از رهبران حزب نامبرده کادر رهبری حزب را ترك گفته و برای خود احزاب دیگری با مرامنامه‌های مشخص دیگری را تأسیس‌نمودند و تدریجاً پاکستان بصحنه مبارزات‌سیاسی و گروکشیهای احزاب‌درآمد واین‌جریان تا اکتبر۱۹۵۸ که مقارن کودتای ژنرال ایوبخان بود ادامه‌داشت :

در دوره سه‌سال حکومت خواجه ناظم‌الدین در پاکستان تفرقه‌سیاسی بوجود آمد و کشوری که براثر اتحاد واتفاق مسلمانان ومحبوبیت حزب‌مسلم‌لیك بوجود آمده‌بود دستخ ش‌نوسانات مهمی گردید ، بدینمعنی که شخصیتهای برجسته سیاسی هر کدام عده‌ای از کارگردانان سیاسی را گردخود جمع کرده و بسیاری ازخانها و نوابان وروسای عشایر دراستانهای مختلف کشور ادعای خودمختاری نمودند .

در فاصله همین مدت بود که خان عبدالغفار ، جمعیتی بنام پیراهن سرخان را بوجودآورده و بعنوان اعلام خودمختاری مناطق پاتان‌نشین در مرکزپاکستان و افغانستان ادعای تشکیل پشتونستان را نمود ، ودولت افغانستان نیز برای آنکه اصولا با تشکیل دولت پاکستان مخالف بود بتحریکات‌خان عبدالغفار خان دامن میزد. جمعی دیگر از کارگردانان سیاسی جمعیتی را بنام‌خاکسار بوجودآورده وبا تبلیغ مرام کمونیستی اهالی‌بیسواد و مهاجرین بی‌خانه ومسکن رافریب دادوسعی میکردند باکمك تبلیغات شورویها اوضاع پاکستان را بنفع مرام کمونیسم سوق دهند .

از اینها گذشته در پاکستان شرقی نیزرجال برجسته بنگال‌شرقی بتمرکز قوا درکراچی بدبین شده و بااستفاده از تبلیغات هندیها درصدد بر آمدند برای پاکستان شرقی خودمختاری‌مطالبه نموده وبکلی‌تشکیلات اداری وسیاسی‌این‌جناح پاکستان را از پاکستان غربی‌منتزع سازند وچندین حزب سیاسی بنام عوامی لیك برهبری‌آقای حسین شهیدسهروردی و کرشاك سرامیك برهبری آقای فضل الحق فرماندار‌بنگال وجمعیت سیاسی گاناتا نتاری‌دال برهبری آقای‌دانش علیخان‌بوجود آمد وباکمك معنوی ومالی هندوها که تقریباً تعدادشان درآن جناح به‌نه‌میلیون نفرمیرسید وتماماً ثروتمند بودند برای‌تحصیل خودمختاری علیه‌حکومت‌مرکزی مشغول تبلیغ ومبارزه شدند.

۳۶ - درقبال هرج و مرج سیاسی و تفرقه شدیدی که بین اهالی استانهای پنجاب وسند وبلوچستان و پاتان وغیره برای احراز مسند قدرت ایجاد شده بود دولت پاکستان موفق گردید برای کشور قانون اساسی موقتی راتدوین نماید وبا

تشکیل مجالس استانی و مرکزی و انجام انتخابات موقتی بقسمتی از اختلافات وجاه طلبیهای رجال سیاسی وسرکردگان مناطق مختلف پایان بخشد.

بموجب این قانون اساسی پاکستان ضمن عضویت درجرگه کشورهای مشترک ـ المنافع بصورت یك جمهوری اسلامی پارلمانی درآمد که مرکب ازدوپارلمان استانی یکی در پاکستان شرقی ودیگری غربی ویك مجلس شورایملی مرکزی درپایتخت ( کراچی ) بوده است . دررأس مملکت رئیس جمهور انتخاب خواهد شد که برای مدت پنجسال از طرف نمایندگان هر سه مجلس برگزیده می‌شود . قوه مجریـه در کشور دراختیار رئیس جمهور خواهدبود که وی هیئت وزیرانی را مأموراجرای اختیارات خود خواهد کرد و هیئت دولت بریاست نخست وزیر بطوردسته جمعی در برابر مجلس شورایملی مسئولیت خواهد داشت.

نخست وزیر ووزیران بنابر تمایل رئیس جمهور انتخاب خواهندشدونخست ـ وزیری که در مجلس مرکزی اکثریت نداشته باشد ناگزیر باستعفاء خواهدبود. بموجب قانون اساسی موقتی هیچ نخست‌وزیـری بیش از دوبار حق انتخاب شدن راندارد .

مجالس استانی هر کدام دارای سیصدوده نماینده میباشند وهمیشه ده کرسی آن برای انتخاب نمایندگان زن خالی خواهد بود وپس از اینکه درقانون آینده اساسی کشور حق رأی دادن وانتخاب شدن بزنان داده شد از ده کـرسی‌های مزبور در هریك ازاستانها استفاده خواهند کرد.

همچنین بموجب قانون اساسی مقرر گردید که پس از انتخاب رئیس جمهور وتشکیل حکومت پارلمانی موقتی مطالعات وترتیبات لازم برای انتخابات‌عمومی بعمل آید .

۳۷ ـ باتدوین قانون اساسی جدید احزاب سیاسی تازه‌ای در کشور مشغول فعالیت گردیدندو خودرا برای انتخاب نمایندگان‌مجالس استانی و مرکزی آماده ساختند . ولی در همین اوقات بسیاری از رجال‌دلسوز ووطن‌پرست که معتقد شده بودندپاکستان وهیئت حاکمه آن ازایده‌ئولـوژی مرحوم قائداعظم کنار افتاده و

مملکت بسوی ورشکستگی وافلاس سیاسی واقتصادی سوق داده میشوددرخفامشغول فعالیت گردیده ودرنتیجه درسال ۱۹۵۲ کودتای ماژورا کبرخان وهمکارانش بوجود آمد ولی قبل ازاینکه توطئه کنندگان موفق بکسب قدرت شوند نیروی ارتش توطئه کنندگان رادستگیر وبازداشت نمودوپس ازمحاکمه افرادسرشناس وموجد کودتا را زندانی کرد .

در کراچی نیزعده‌ای از رجال ووزیران معتقد شده بودند که مادام که خواجه ناظم الدین در رأس کشور باشد اوضاع هرج ومرج کشور بهبود نخواهدیافت خواه ناخواه هندیها از موقعیت سست وبهم ریختگی اوضاع استفاده خواهند کرد و ناگهان کشور را موردحمله قرار داده وهمانطور که کشمیر را اشغال کردند ممکن است اساس استقلال کشور را نیزدر معرض مخاطره قرار دهند.

۳۸ – بدنبال همین افکار بود که در مارس ۱۹۵۳ آقای غلام محمد خواجه ناظم‌الدین را ملاقات وبوی پیشنهاد استعفاء کرد و نامبرده که بکلی‌دوستان خودرا ازدست داده بود پیشنهاد او را پذیرفت وغلام محمدبسمت‌فرمانروای کل پاکستان تعیین گردید ونامبرده‌آقای محمدعلی بقرارامأمور تشکیل کابینه نمود.

کابینه علی بقرا اولین دولت مقتدری بود که پس ازمرگ قائداعظم در این کشور روی‌کار میآمد وعلاوه بر عضویت ماژور ژنرال‌محمد ایوب‌خان بسمت وزیر دفاع ، نخست‌وزیرجدید شخصاً مردمقتدری‌بود وچون شخصاً نیزازاهالی پاکستان شرقی‌بود لذا برای‌اولین بارآرزوی اهالی پاکستان شرقی دایربراینکه یك‌شخصیت از پاکستان شرقی زمامداری را عهده‌دارشود برآورده شد .

در دوره ریاست‌وزرائی محمدعلی‌قدمهای مؤثری‌برای تثبیت‌اوضاع‌اقتصادی کشور وپروژه‌اجرای برنامه پنج‌ساله وتهیه مواد غذائی‌ورفع مشکلات‌ارزی‌وغیره برداشته شدوازهمه مهمترژنرال محمدایوب‌خان ضمن سفرهائی‌بانگلستان‌وامریکا موفق گردید ازکمك مالی دول مزبور بمنظور بسط ارتش وتجدید نظردر سازمان قوای مسلح کشور استفاده نماید و فی‌الواقع ارتش فعلی پاکستان مولود اقدامات ثمربخشی است که در دوره وزارت‌دفاع ژنرال ایوب‌خان صورت گرفته‌است

ثمربخشی است که دردوره وزارت دفاع ژنرال ایوبخان صورت گرفته است

ازاقدامات عمده‌محمد علی‌بقرایکی این بود که تصمیم گرفت مسئله کشمیر را از طریق مذاکرات مستقیم بامقامات هندی حل نماید وبهمین منظورهذاکراتی بین او ونهرو نخست وزیرهندآغازشد ، لکن این مذاکرات که قریب ده روزبطول انجامید بجائی نرسید وباشکست مواجه گردید واوضاع کشمیر ازسابق نیزبدتر شد زیراباشکست این مذاکرات‌دولت هندوستان شیخ عبدالله نخست وزیرورهبران ملیون مسلمان کشمیر راتوقیف نمود وعلی رغم احساسات مسلمانان پاکستان که طالب‌ادامه حکومت شیخ عبدالله بودند بخشی غلام محمدرابه‌نخست وزیری کشمیر و جامو تعیین نموده وعده زیادی از قوای خود را برای مقابله با خطر احتمالی پاکستانیها بمناطق مرزی این کشور اعزام داشت .

در خلال این ایام حزب مسلم لیك براثر عدم لیاقت عوامل وعناصر آن هر روز ضعیف‌تر میشد وچندین بار درکادر رهبری حزب انشعاباتی بوقوع پیوست که ازهمه مهمتراستعفای دسته جمعی عده‌ای ازرجال سیاسی مانند دکتر خانصاحب - سید امجد علی - مظفرعلی قزلباش - غلامعلی تالپور وملك فیروز خان نون بوده واین افراد که غالبشان ازملاکین و سرمایه داران بودند با خروج خود از حزب مسلم‌لیك ضربه شدیدی رابه‌پیکرحزب نامبرده وارد ساخته وباین اندازه نیزاکتفا نکردند وبنابرقول وقراری که محرمانه بااسکندرمیرزا، وزیر کشور گذارده بودند درتاریخ اکتبر ۱۹۵۵ حزب جمهوری خواهان رادربرابرحزب مسلم لیك بوجود آوردند وسال بعد که انتخابات برای تشکیل مجالس موقتی استانی و مرکزی صورت گرفت علنا باحزب مسلم لیك بمخالفت برخاستند .

۳۹ - روی همین دسته بندیهای سیاسی که ابتکار آن بدست ژنرال اسکندر میرزا وعامل اجرایش‌آقای دکترخانصاحب بود مقدمات سقوط کابینه محمد علی بقرا فراهم گردید و بالاخره در تاریخ یازدهم اوت ۱۹۵۵ دولت وی ساقط گردید وبلافاصله اسکندرمیرزاازطرف مجلس مقننه موقتی‌بسمت فرمانروای کل پاکستان تعیین گردید ونامبرده که مردی بسیارهوشمند وزیرك بودبدستیاری دوستان خویش

درحزب جمهوری خواه مقدمات تشکیل مجالس مقننه موقتی را در کشور فراهم ساخت ودر بیست وسوم مارس ۱۹۵٦ اولین مجلس مقننه موقتی در کراچی تشکیل گردید ودرهمان ماه اسکندرمیرزا بسمت رئیس جمهور پاکستان انتخاب ونامبرده چودری محمد علی رابسمت نخست وزیرجدید معرفی نمود .

کابینه محمد علی باشرکت کلیه دوستان و همقطاران اسکندرمیرزا درحزب جمهوریخواهان بوجودآمد وشخصیت‌های عمده عضوکابینه عبارت بودند از :

آقایان دکتر خانصاحب وزیر کشور و ارتباطات ـ ابراهیم چوندریگر وزیر دادگستری ـ سیدامجد علی‌وزیر دارائی‌وسردارامیراعظم خان وزیراسکان مهاجرین.

باتشکیل حکومت جمهوری ومعرفی نخست وزیر جدید برای اولین بـار کشور پاکستان به سیستم یك کشور پارلمانی درآمد ودرمجلس نیز نماینده گان احزاب مسلم لیك وجمهوری خواهان وعوامی لیگ وکراشك سرامیك ومنفردین درنقشهای مختلف اقلیت و اکثریت‌له وعلیه دولت شروع به‌صف آرائی وزد وبند سیاسی نمودند .

درمیان نماینده گان مجلس مرکزی که تعدادشان طبق قانون اساسی هشتاد نفربود جزچند نفربقیه ازملاکین ومتنفذین ونوابان ونوابزاده گان استانهای سند وپنجاب بلوچستان انتخاب شده‌بودند ونامبرده گان نیزچون برای پیشرفت مقاصد خویش‌دراملاك وامورتجارتی وسوء استفاده‌های دیگراحتیاج بدوستی دولت داشتند تاآنجا که مقدورشان بود ازدولت حمایت وجانبداری مینمودند . وشخص اسکندر میرزا رادراجرای مقاصدش کمك ویاری مینمودند. تنهادودسته بودند که درمجلس علیه دولت چودری محمد علی مانورسیاسی میدادند وباصف آرائی مخالف ، ارکان دولت جدید رامتزلزل میساختند ، یکدسته مسلم‌لیك‌ها بودند که از انشعاب حزب جمهوریخواه ازحزب مسلم‌لیك عصبـانی بوده ومخصوصاً از اینکه اسکندر میرزا رئیس جمهورنیز کاندید او دوست صمیمی جمهوریخواهان بود نگران ووحشت زده بودند و دسته دیگر افراد حزب عوامی‌لیك بودند که به‌سرپرستی آقـای حسین شهید سهروردی علیه دولت بمخالفت برخاسته بودند . دسته جدید چون از نفوذ

کلام وشخصیت سهروردی حداکثر استفاده رامیکردند درکلیه دوره ریاست وزرائی محمدعلی موقعیت بسیار خوبی در بین مردم پیدا کرده و چون بمردم وعده داده بودند که پس از احراز قدرت آنچه را که مسلم لیکها وعده دادند ونکردند آنها انجام خواهند دادلذا دربین قاطبه اهالی پاکستان بخصوص اهالی پاکستان شرقی محبوبیت عجیب پیدا کرده بودند وروزی نبود که در میادین بزرگ شهر میتینگهای عظیمی مبنی برطرفداری ازحزب عوامی لیك تشکیل نشود.

۴۰ ـ عاقبت حملات وصف آرائی عوامی لیکها منتج بنتیجه شده ونمایندگان حزب جمهوریخواه که دولت محمدعلی را تشکیل داده بودند حاضر شدند باعوامی لیکها ائتلاف نموده و دولت جدید بریاست آقای حسین شهیدسهروردی تشکیل گردد ودرتاریخ یازدهم سپتامبر ۱۹۵۶ دولت جدید بوسیله آقای حسین شهیدسهروردی لیدر حزب عوامی لیك تشکیل شده و افرادکابینه وی مرکب بودند ازعده‌ای ازنمایندگان حزب جمهوریخواه ازقبیل ملك فیروزخان وزیرامور خارجه و غلامعلی تالپوروزیر کشور ومیان جعفرشاه وزیر ارتباطات وعده‌ای از نمایندگان حزب عوامی لیك مانند ابوالمنصور احمد وزیر تجارت ودلدار احمد وزیر خوار وبار و ظهیرالـدین وزیر فرهنگ.

دولت جدید ابتدا ازحمایت وخوشبینی مردم نسبت به هدف وبرنامه خویش حداکثر استفاده را نمود وموفق گردید در اندك مدت قدمهای مـؤثری را در راه تثبیت اوضاع اقتصادی ومخصوصاً تحکیم مناسبات دوستانه پاکستان با دول غربی بردارد.

پاکسان که در دورهٔ حکومت محمدعلی بقراوارد پیمـان «سیتو» و در دوره حکومت چودری محمدعلی وارد پیمان بغداد ( پیمان سنتوفعلی) شده بود ، دردوره سهروردی موفق گردید که از مزایای کمکهای مالی واقتصادی امریکا حد اعلای استفاده را بنماید و ضمناً سهروردی نیز با مسافرت بکشورهای امریکا و انگلستان

به مقامات دول غربی اطمینان داد که پاکستان همواره در جرگه دول غربی باقی خواهد ماند وسیاست تحبیب شورویها در پاکستان اجراء نخواهدشد .

در حالیکه‌دولت سهروردی باکمال موفقیت مشغول کار بود ناگهان درداخل حزب وی (عوامی‌لیك) انشعابی بوقوع پیوست وعده‌ای از افرادعناصر مؤثر کادر رهبری حزب نامبرده که پشتیبان اصلی دولت بودند از حزب‌خارج شدند و حزب جدیدی را بنام نشنال عوامی پارتی تشکیل دادند که از این‌پس نقش بسیار مؤثر وخطرناکی را درحیات سیاسی پاکستان برعهده گرفت .

جریان انشعاب در حزب عوامی لیك بدین ترتیب بود کـه مرامنامه حزب نامبرده پیش‌بینی نموده بود که اولا پاکستان شرقی دارای خودمختاری گـردیده و بجز درموضوعات دفاع وسیاست خارجی بکلی در رتق وفتق مسائل داخلی آزادی عمل داشته باشد وضمناً سیاست خارجی‌پاکستان باید براساس بیطرفی مثبت‌استوار گردد وچون سهروردی که لیدر این حزب بود پس ازاحراز مقام نخست وزیـری بهیچیك از مواد مرامنامه حزب اعتنائی ننموده و حتی بر عکس سیاست خـارجی پاکستان را بیش ازپیش وابسته به پیمانهای بغداد ( پیمان سنتو ) وسیتو نمود لذا عده‌ای از عناصر افراطی وتند حزب بریاست مولانا عبدالحمیدخان بهاشانی لیدر حزب درپاکستان شرقی ، حزب‌عوامی لیك را ترك گفتند وباتشکیل حزب‌جدیدی بنام‌نشنال عوامی‌علیه دولت سهروردی بمخالفت برخاستند واز این‌پس کادررهبری این حزب‌باتقویت مالی‌سفارتخانه شوروی درپاکستان عده زیادی روزنامه‌ونماینده مجلس وناطق را اجیرنموده و درماسك وطن پرستی مـرام کمونیستی را در کشور تبلیغ کرده وشعبات‌آن در سراسرپاکستان افتتاح گردید.

حزب نشنال عوامی در تاریخ دسامبر ۱۹۵۶ در شهر داکا تأسیس گـردید و نمایندگان این حزب مانندآقایان میان افتخاردین وجی.ام. سید در داخل وخارج

مجلس علیه دولت بمانور سیاسی پرداختند و تصمیم گرفتند دولت سهروردی‌راساقط نمایند ، لکن چون شرط لازم‌وکافی برای سقوط کابینه همراه ساختن تعدادکافی نمایند گان مجلس بود لذانمایند گان این حزب نمایند گان حزب مسلم‌لیك را که آنها نیز ازسهروردی وعوامی لیکها دل پری داشتند بجانب خود کشیده و مشترکا علیه دولت شروع بمخالفت نمودند .

بایداین حقیقت رااذعان کرد که سهروردی توانست دردوره ریاست وزرائی خویش بخوبی شخصیت ومهارت خود را در حل مشکلات سیاسی نشان داده و در برخورد باحوادث و مشکلات کشور بقدری ازخود زیرکی وچالاکی بخرج داد که دولت هندوستان متوجه اهمیت و قدرت وی گردیده و مخصوصاً از ادامه زمامداری وی نگران شد .

سهروردی باکمال شجاعت علیه ادعای هندوستان درمورد کشمیرایستادگی نمود واظهارمیداشت :

« این شخصیت نهرونیست که پاکستان رازبون وعاجز کرده است بلکه‌این زبونی رجال پاکستان بوده که ما راازحل شرافتمندانه اختلافات خود باهندیهاباز داشته است » و وی شخصاً تصمیم گرفت که از طریق مذاکرات مستقیم اختلافات خود را باهند حل نماید .

سهروردی علاوه برمشکلاتی که درداخل حزب خویش ودر محیط مجلس ملی مرکزی داشت دچار عامل سرسخت دیگری نیز بود که قسمت اعظم بنیه و طاقت اورابخود مصروف میداشت واین عامل جزمخالفت‌های پنهانی اسکندرمیرزا رئیس جمهور وهمقطارانش درحزب جمهوریخواه ، چیزدیگری نبود .

بدین ترتیب که اسکندرمیرزا که مرد جاه طلب وشهرت پرستی بود تصمیم گرفته بود که حتی‌الامکان اجرای انتخابات عمومی را در کشور به‌تعویق بیندازد

و در اینمدت نیز مجلس را متقاعد سازد که قانون اساسی آینده کشور را بسیستم جمهوری امریکاتدوین نمایدوبدین ترتیب مقام نخست‌وزیری در کشورملغی گردیده وشخص رئیس جمهور با اختیارات تامی مانند رئیس جمهورامریکا به‌اعضای هیئت دولت و کشورحکومت نماید.

سهروردی که خود نیزمرد جاه طلبی بود متوجه این حب جاه و تحریکات اسکندر میرزا شده و بعناوین مختلف درسر راه مقاصد اسکندر میرزا مشکلاتی را ایجاد مینمود وعاقبت این کشمکش پنهانی بین رئیس جمهور و نخست وزیر آفتابی وعلنی گردید وطرفین برای تضعیف یکدیگر شروع به‌تحریکات وصف‌آرائی علنی نمودند.

سهروردی باسوء استفاده ازمقام خویش وصدور جوازهای مختلف صادرات و واردات، مبالغ زیادی در اختیار دوستان حزبی خود گذاشت ودر داخل و خارج مجلس ودربین مدیران جراید پولهائی خرج نمود و هدفش این بود که مردم را نسبت به‌تحریکات رئیس جمهورواقف سازدواگربتواند موجبات عزل رئیس جمهور رافراهم سازد، لکن اسکندرمیرزا زرنگتر ازسهروردی بود وچون میدانست حزب مسلم لیك که چند سالی از صحنه سیاست خارج شده هنوز دربین مردم ونمایند گان مجلس طرفداران وهواخواهانی دارد لذا بجمهوریخواهان توصیه کرد که مقدمات ائتلاف باحزب مسلم‌لیك رافراهم سازند واین کارطبق شرایطی صورت گرفت ودر نتیجه ائتلاف جمهوریخواهان و حزب مسلم‌لیك و حزب نشنال عوامی که قبلا بمخالفت بادولت برخاسته بودند، نمایند گان حزب عوامی‌لیك که پشتیبانان دولت را تشکیل میدادند دراقلیت مانده ودر تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۵۷ سهروردی ناگزیر باستعفا شد و دولت جدید ضمن ائتلاف با نمایند گان مسلم‌لیك و جمهوریخواهان بریاست آقای اسمعیل چوندریگر تشکیل گردید.

۴۱- دولت آقای چوندریگر از آغازتشکیل باهیجانات عمومی مبنی برلزوم

انجام فوری انتخابات در کشورمواجه گردید وکلیه احزاب و جمعیت های مختلف سیاسی وغیرسیاسی بوسیله نطق وتشکیل میتینك وانتشار جراید وجنجال دولت را تحت فشار گذاردند که هرچه زودتر کمیسیونی را مأمور سازد که انتخابات را در کشورعملی سازدوسرانجام براثر پافشاری افکارعمومی کمیسیون مأمورانجام انتخابات ماه نوامبر ۱۹۵۸ را موعد انجام انتخابات اعلام نمود ولی رجال سیاسی و خواص معتقد بودند که اسکندر میرزا مردی نیست که انتخابات را باین زودی در کشور اجرا نماید، زیرا شانس انتخاب شدن وی بریاست جمهوری خیلی ضعیف بود، بخصوص که در این ایام آقای سردار عبدالرب نیشتر ، لیدر حزب مسلم لیك که مردی آرام و خونسرد واز دوستان اسکندر میرزا بود فوت کرد وخان عبدالقیوم خان لیدر تند و افراطی مسلم لیك علناً علیه اسکندر میرزا قیام کرد وطی نطقهای شدید مردم را بقیام علیه تحریکات اسکندر میرزا وبرچیدن بساط حکومت وی تشویق مینمود.

اسکندر میرزا که قصدداشت بهرطریق که ممکن است انتخابات عمومی را بتعویق بیندازد ، موضوع تازه‌ای را بوسیلهٔ دوستان حزبی‌اش (جمهوریخواهان) در کشور وبین مردم عنوان نمود وافکارعمومی را باین طریق سر گرم ساخت .

نقشهٔ اسکندر میرزا این بود که این سؤال رامطرح نماید که : آیاانتخابات در پاکستان باید بسیستم مشترك انجام شود یا بسیستم جدا گانه و منظوروی این بود که آیا هندوها که تعدادشان به یازده میلیون میرسدمیتوانند مانند مسلمانان در انتخاب هر کس اعم ازمسلمان وغیر مسلمان شر کت نمایند یا باید اقلیتها بطور جدا گانه در انتخابات شر کت کنند ؟.

بهرحال این موضوع وسیله وسر گرمی خوبی برای مردم ومطبوعات گردید و مدتی افکار عمومی سر گرم این بحث سیاسی بود وعاقبت آقای چوندریگر نخست وزیر که طاقت مقابله با این جنجال سیاسی را نداشت بجبهه مشتر کی که بوسیله

نمایندگان احزاب جمهوریخواه وعوامی لیك بوجود آمده بود تسلیم شده ودر تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۵۷ استعفا داد ومقام نخست وزیری را به آقای ملك فیزوخان نون کاندیدای حزب جمهوریخواه واگذار نمود .

۴۲-دوره حکومت ملك فیروزخان نون که تاهشتم اکتبر ۱۹۵۸ بطول انجامید از سختترین وآشفته‌ترین دوران حکومت وتاریخ سیاسی پاکستان محسوب میشود بخصوص که درژوئن ۱۹۵۸ آقای دکترخانصاحب لیدرحزب جمهوریخواه درلاهور بقتل رسید وبا قتل وی حزب جمهوریخواه ستون فقرات خودرا ازدست دادوهرروز بقدرت وموقعیت حزب مسلم لیك افزوده میشد.

نطقهای شدید و انقلابی خان عبدالقیوم خان لیدر حزب مسلم لیك زمینه را برای قبول هرج ومرج آماده ساخت وعوامل حزب کمونیست نشنال عوامی که آب راگل آلود دیدند درجناحین شرقی وغربی پاکستان بوسیله تبلیغ وسمپاشی اوضاع را خراب‌تر از سابق کرده و کشور را به سوی یك انقلاب کمونیستی یاتجزیه کلی سوق میدادند .

در همین اوقات بود که خان اعظم کلات یار احمدخان بیگلربیگی که سمت ریاست کلیه قبایل بلوچ مناطق کلات وبلوچستان و مکران را داشت برای استرداد خود مختاری سابق خویش که در سال ۱۹۴۸ بوسیله مرحوم محمدعلی جیناه ازوی گرفته‌شده‌بود، واردعمل شدوچون اوضاع هرج ومرج کشور را برای انجام مقاصد خویش مستعددید تصمیم گرفت که خود مختاری بلوچستان را اعلام نماید و بهمین جهت در اواخر سپتامبر ۱۹۵۸ پرچم پاکستان را ازقلاع خویش در کلات پائین آورد و پرچم بلوچستان خودمختاررا بجای آن باحتزاز درآورد ودر نتیجه قوای ارتش که تنها سازمان مجهز ومرتب پاکستان بود بنابردستور دولت مرکزی روانه کلات گردید و ضمن زد وخورد باکسان خان اعظم ، قلاع کلات را تصرف وخان اعظم را

نیز دستگیر وزندانی وفرزند اوخان محمدداودخان را بجای پدرش بسمت خان کلات تعیین نمود.

٤۳ – در پاکستان شرقی نیز اوضاع بهتر ازپاکستان غربی نبود ، درداخل و خارج مجلس علیه حکومت پاکستان شرقی وفرماندار جدید آن که تازه تعیین شده بود حملاتی ادامه داشت ودریك جلسه مذاکرات مجلس استانی نمایندگان بجان یکدیگر افتادند در نتیجه آقای دانش نایب رئیس مجلس بدست یکی از نمایندگان مجلس و وسیله ضربت صندلی بقتل رسید وبدین ترتیب موجبات آشوب دردوجناح شرقی وغربی فراهم گردید وبروز این اوضاع اسکندر میرزا رئیس جمهور را که بدنبال فرصت میگشت بفکر انداخت که از دوستی دیرینه ژنرال محمد ایوب خان فرمانده نیروهای زمینی ارتش پاکستان استفاده کرده و علیه رژیم دموکراسی کودتا نماید وبنابراین درتاریخ هشتم اکتبر ۱۹۵۸ اسکندر میرزا وایوب خان مشترکاً در کشور کودتا نمودند وبموجب اعلامیه‌ای اصول پارلمانی رادر کشور ملغی ومجالس مرکزی واستانی رامنحل وفعالیت احزاب را ممنوع وبسیاری از رهبران سیاسی را دستگیر وزندانی ساختند .

حکومت نظامی که با زمامداری اسکندر میرزا در کشور مستقر گردید طی یك برنامه اساسی وصحیح باقاچاقچیان و عوامل مخرب شروع به مبارزه نمودودر مدت بسیار کوتاه موفق گردید نظم وآرامش را در کشور حکمفرما وبین مردم برای خود محبوبیت قابل توجهی را ایجاد نماید.

٤٤ - رژیم نظامی جدید فعالیت خودرا ادامه میداد ، لکن خطر اصطکاك عقیده بین شخص اسکندرمیرزا و ژنرال ایوب خان پیوسته رژیم را تهدیدمیکرد و همینکه اسکندر میرزا اولین کابینه خودرا بریاست ژنرال ایوب خان تشکیل داد ، ژنرال ایوبخان متوجه گردید که انتصاب وی بمقام نخست وزیری این خطر راخواهدداشت که اسکندر میرزا هروقت اراده کند اورا ازمقام نخست وزیری عزل وشخص دیگری

را بمسند نخست وزیری خواهد نشانید ، لذا درمعیت سه تن از همقطارانش ژنرال اعظم‌خان وژنرال بر کی وژنرال شیخ که‌جزء کابینهٔ جدید معرفی شده بودندتصمیم گرفتندتا علیه اسکندر میرزا کودتا نموده وبکلی‌دست اورا از صحنه سیاست کشور کوتاه نمایند .

کودتای ژنرال ایوبخان درتاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۸ صورت گرفت واسکندر میرزا ازمقام ریاست جمهوری استعفا داد وشهر کراچی را بعزم کویته و سپس‌لندن ترك گفت وازآن‌تاریخ تا کنون‌رژیم جدید که‌براساس جمهوری مطلق‌وبدون‌بوجود نخست‌وزیر میباشد درپا کستان استوار گردیده است .

موقعیت دولت‌فعلی پا کستان هر روزبیش‌از پیش‌تثبیت ومخصوصاًمحبوبیت شخص ژنرال ایوبخان در بین مردم بسیار افزایش یافته وفعلا عامل زمان بنفع‌رژیم جدید پا کستان‌کار میکند وهرچه ازعمر این دولت میگذرد چـون ثمره زحمات و مراقبتهای شبانه روزی اولیای نظامی و غیرنظامی بیشتر محسوس می‌شود مـردم بیشتر بموفقیت حتمی دولت بحل مشکلات‌امیدوار میشوند .

حادثهٔ تیراندازی هواپیماهای جنگی پا کستان به هواپیمای بمب‌افکن‌جت نیروی هوائی هندوستان که برای‌عکس برداری بآسمان شهر راولپندی آمده بود وسقوط‌آن،درافراد ارتش وافکارعمومی‌اثربسیار خوبی‌بخشیده ومردم‌بعمل شجاعانه دولت مغرور وخوشحال شده ومعتقدشده‌اند که دولت ایوبخان همانطوری که‌درحل مشکلات اقتصادی کشور ، مبارزه بافساد و رشوه‌خواری و قاچاق وغیره توفیق‌یافته در حل مشکلات‌مهم‌بین‌المللی بخصوص‌رفع اختلافات‌باهندوستان بطورشرافتمندانه نیز موفقیت حاصل خواهد کرد.

سیاست خارجی نیزا کنون‌بیش ازروزها وماههای اول به رژیم‌جدیدپا کستان روی سازگاری نشان میدهدوقرائن حکایت ازآن‌دارد که نه‌تنها دولت امریکابلکه

انگلیسها نیز تصمیم گرفته‌اند قدری جدی‌تر برای حل اشکالات پاکستان همکاری نمایند وشاید تصمیم دولت امریکا به‌تعویض‌سفیر کبیر خویش دراینکشور وانتصاب آقای‌ویلیام رانتری رئیس قسمت خاورمیانه وزارت خارجه باین سمت ، دلیل‌بارزی باشد که امریکائیها توجه خود را بپاکستان متوجه ساخته‌اند وشایدبخواهندبادادن کمك وهمکاری بیشتر با دولت پاکستان‌محمدایوب‌خان را بصورت اتاتورك‌ترکیه درآورند وبدست او شکم ملت‌را سیرو‌روح یگانگی را درمردم تقویت و خلاصه‌راه مبارزه باکمونیسم را هموارسازند .

یکی از علل عمده جلب توجه امریکائیها بپاکستان آنست که دولت فعلی بمراتب بهتر ازرژیم سابق برای مبارزه با عوامل مخرب کوشش و علاقمندی‌نشان میدهد واکنون مأمورین پلیس با کمال دقت دردوجناح پاکستان علیه فعالیت و تبلیغات مضره کمونیستهامیجنگند وکمتر روزیست که یکی دونفر باتهام فعالیت های مضره دستگیرنشوند ، مخصوصا در ناحیه پاکستان شرقی راه فعالیت هندیها ودرنواحی سرحدی افغانستان راه تحریکات‌افغانهاوعوامل مخرب روسی کم وبیش سد شده است .

آقای منظورقادر وزیرامور خـارجه پاکستان درتاریخ ۱۶ آوریل ۵۹ اظهار داشته که تادوسال دیگرانتخابات عمومی درپاکستان انجام نخواهد شدوپس ازآن انتخاباتی بفراخوراوضاع واحوال پاکستان صورت خواهد گرفت .

ژنرال ایوبخان نیز در پایان فروردین ماه سال ۱۳۳۸ (اواسط‌آوریل۵۹) در یك مصاحبه خصوصی‌باخبرنگارروزنامه ابسروانگلیسی گفته بود که درماه نوامبر یك کمیسیون برای تدوین قانون اساسی‌آینده‌پاکستان تعیین خواهیم کرد وسپس برای تصویب آن به‌آراءِ عمومی‌مراجعه میکنیم وپس‌ازتصویب بموجب قانون جدید انتخابات را در کشورمعمول خواهیم داشت .

باآنکه گاه بیگاه ازجانب‌اولیای امورمطالبی دربارهٔ امکان‌انتخابات وتعیین

تاریخ شروع آن اظهار میشود مع الوصف در بین مردم چندان علاقمندی بپایان حکومت نظامی نیست ومردم آنقدر ازهرج ومرج دمو کراسی و رجال فاسد سیاسی گذشته خاطرات تلخ دارند که ترجیح میدهند اوضاع بهمین شدت باقی بماند و مجدداً کارها بدست رجال دوره دمو کراسی نیفتد .

تنهااحزاب و کار گردانان مغرض سیاسی‌هستند که برای پایان دوره حکومت نظامی روزشماری میکنند وسعی‌میکنند هرچه زودتر انتخابات شروع شود ویالااقل دولت لیدرهای آنها را که غالبشان درزندان بسرمیبرند آزاد نماید .

بطور کلی باآنکه درحدود یکسال و اندی از عمر رژیم نظامی دراین کشور میگذرد هنوزافکارعمومی نسبت به‌اعاده‌دوره دمو کراسی‌وتجدید جنجالهای سیاسی و کشمکشهای حزبی اشتیاق وتجلی نشان نمیدهد .

ایوبخان ظرف مدت حکومت خود افکار عمومی را بنحوبسیار عاقلانه‌ای با برخورد بوقایع و حوادث داخلی سر گرم نگاهداشته و برخلاف عبدالکریم قاسم درعراق ، و عبدالناصر در جمهوری متحد عرب مطلقا ازاتخـاذ تصمیمات فوری و یکجانبه خودداری کرده است .

اگرچه موضوع تعقیب قاچاقچیان و بازداشت بسیاری ازرجال سرشناس و اخراج دوهزارکارمند فاسد ازدوائر دولت و بالاخره اجرای قـانون رفورم ارضی ازاقدامات مهم وشجاعانه او بوده لکن چون ایوبخان در اجرای آنها رعایت‌الاهم فالاهم رانموده وضمناً دراجرای‌آن رعایت افکار عمومی را کرده است بهیچوجه با اشکال مواجه نگردیده ومردم نیز از اینهمه موفقیت دولت در محیط آرام و بدون تشنج خوشحال هستند .

اگرچه مردم از دورهٔ تشنج دمو کراسی در پاکستان خاطرات تلخ داشته و مایل نیستند رژیم نظامی فعلی زمام امور را بحکومت پارلمانی و جنجالی حزبی واگذار نماید ، لکن ایوبخان تصمیم دارد قبل ازپایان سال مسیحی جاری قانون

اساسی جدید کشور رادرمعرض آراء افکار عمومی گذارده وسپس مقدمات انتخابات را در کشورفراهم سازد .

کمیسیون مأمورتدوین قانون اساسی پاکستان تقریبا کارمطالعات خودراتمام کرده وامید میرود قانون اساسی جدید پاکستان برشالوده قانون اساسی جمهوری امریکا وبنحوی که باادامه عضویت پاکستان درجرگه کشورهای مشترك المنافع نداشته باشد تدوین گردد .

ازطرف دیگردرسرتاسر کشورحوزه بندی استانهاوتشکیل انجمنهای ولایتی وشهری آغاز گردیده وبدین ترتیب مقدمات کاربرای انتخاب معتمدین محل واخذ رأی برای تصویب قانون اساسی کشورآماده شده است .

**موقعیت دولت دربرابرعوامل مخالف :**

موقعیت دولت بسیارمحکم وایوب خان بقدری بوضع پایداری رژیم حـاضر اطمینان دارد که بسیاری ازفعالیتهای مخالفین را نادیده گرفته ویا تحقیرمینماید.

ایوبخان کمافی السابق کنترل ارتش را بدست دارد و با مسافرتهای متعدد اخیرخویش بمناطق نظامی و تماس مداوم با فرماندهان و همقطاران نظامی خـود موقعیت خود را بیش ازپیش مستحکم نموده و باجریان انتقال پایتخت از کراچی بهراولپندی وسپس « پتوار » بهتروبیشتر تماس خود را بامراکز ارتشی وهمقطاران خویش حفظ خواهد نمود .

مهمترین عوامل مخالف دولت که بطورلاینقطع علیه دولت فعالیت محرمانه ویا تحریکات علنی دارند عبارتند از :

۱ ـ عدهای از ملاکین عمده که اغلب ازطبقه وزیران و نمایندگان مجلس سابق بوده وفعلا مشمول رفورم ارضی گردیدهاند. ازاین جملهاند برخی ازسرداران عشایرمختلفه .

۲ - عشایر یاغی بلوچ و معدودی از عشایر پاتان مناطق سر حدی افغانستان

۳ - عوامل حزب (کمونیست) عوامی ملی که از احساسات طبقات ناراضی بهره برداری میکنند.

٤ - اخراج شدگان از دستگاههای دولتی

ولی نحوه مبارزه دولت رادر قبال این مخالفتها بشرح زیر میتوان خلاصه نمود:

۱ - دولت بدون اینکه تبعیض قائل شود قانون رفورم ارضی را بموقع اجرا گذارده ودربرابر مقاومت هیچیك ازمخالفین ازخود ضعف نشان نداده ومعتقداست اظهار ضعف وتبعیض اجـرای کلی برنامه را مختل میسازد وبهمین جهت از چندی قبل خودرا آماده دفع هر گونه سر پیچی از طرف ملاکین مخالف اجرای قانون نموده است.

۲ - اگرچه اولین مرحله کشمکشهای افراد یاغی بلوچ با مأمورین دولت منجر به شکست یاغیان ودستگیری نوروزخان زرکزائی سر کرده یاغیان گـردید و فعلاآرامش ظاهری حکمفرما میباشد مع الوصف دولت باتقویت واحدهای گشتی خود در مناطق کلات و بلوچستان وافزایش تعداد پاسگاههای ژاندارمری و مجهز ساختن واحدها با دستگاههای بی‌سیم ووسائل مخابراتی دیگر، خودرا برای‌مقابله با حوادث‌احتمالی آینده آماده‌ساخته وضمناً باتوسعه شبکه مأمورین‌انتلیجنت‌سرویس در شهرهای سرحدی ، سعی‌میکند فعالیت‌وارتباط مأمورین روسی‌و افغانی رادر بین عشایر بلوچ وپاتان کم کند.

۳ - کمونیستها در پاکستان‌بشکل وماهیتی که در سایر کشورهای‌خاورمیانه و حتی هندوستان فعالیت داشته‌اندفعالیت وتشکیلات نداشته وچون‌تاکنون‌مقامات رسمی پاکستان تلخی‌طعم فعالیتهای مضره آنها رانچشیده‌اند بطورجدی‌وبیرحمانه در صدد مبارزه با تشکیلات‌آنها برنیامده‌اند.

ولی اخیراً با روی‌کار آمدن حکومت نظامی و بعلت تعهداتی که پاکستان

در کمیته‌های تخریب پیمانهای «سیتو» و «سنتو» برعهده گرفته برنامه‌ای برای تشدید مبارزه با کمونیستها وضع گردیده و علاوه بر آنکه کلیه تشکیلات حزب کمونیستی (عوامی ملی) ممهور وتوقیف شده سایر جمعیتها و انجمنهای مشابه کمونیستی نیز از فعالیت بازداشته شده‌اند.

اما در قبال توجه اخیر دولت بخطر کمونیست و فعالیت مخرب عوامل آن هنوز کمونیستها جنب‌وجوش وجلسات محرمانه دارند وضمن حفظ ارتباط باأمورین سفارتخانه شوروی سعی میکنند دراجتماعات کارگری کشوررخنه نموده وموقعیتهای حساسی را تحت کنترل درآورند.

٤ - ازنظر دولت فعالیتهای محرمانه اخراج شدگان دستگاه دولت، بی‌اثر وکان‌لم یکن است زیرا هروقت دولت اراده کند میتواند آنها را که رهبر مخالفین تشخیص میدهد باستناد اسناد موجودرشوه‌خواری، تعقیب وبزندان بیندازد.

**سیاست خارجی پاکستان:**

پاکستان قطعاً عضو وفادار اتحادیه‌های منطقه‌ای «سیتو» و «سنتو» باقی خواهد ماند منتهی مایل است دولت امریکا در مناسبات خویش بخصوص در مورد اعطای کمکهای نظامی و مالی واقعاً با او مانند یك‌متفق ودوست رفتار نماید.

این نکته را باید قبول نمود که اگرچه پاکستان کشوری مستقل و خود حاکم برسرنوشت سیاست داخلی وخارجی خودمیباشد لکن درعین حال‌عضو گروه کشورهای‌مشترك‌المنافع است ودربسیاری ازموارد کم وبیش درباره مسائل‌خارجی خودرا پیرو مکتب‌دیپلماسی انگلستان میداند وحتی‌الامکان سعی میکندتامناسبات خارجی خودرا باکشورهای جهان بامقتضیات سیاست خارجی انگلستان‌تطبیق‌دهد کمااینکه‌در جریانات اخیر کنفرانس‌ژنو که سیاست کجدار ومریزدولت‌انگلستان روشن شد، دولت پاکستان نیز درمناسبات خود با امریکا قدری صریح‌تر گردیدو ایوبخان اظهار داشت:

« چنانچه دولت امریکا به پاکستان بچشم یك متحد واقعی نگاه و معامله نکند ما برای تأمین احتیاجات خودناگزیریم بدولت نیرومندیگری متوسل شویم»

**مناسبات با آمریکا :**

مناسبات پاکستان با دولت امریکا بسیار حسنه و پیش‌بینی میشود با آمدن آقای ویلیام رانتری سفیر کبیر جدید امریکا بپاکستان مناسبات دولتین بر اساس صحیح‌تر وبسیط‌تر استوار شود. امریکائیهاامیدوارند با استفاده ازوجودرژیم‌مقتدر فعلی، بنیان یك حکومت‌دموکراسی واقعی درپاکستان وجودبیایدوبوسائل‌مختلف پاکستان را بصورت یك تکیه گاه مطمئن برای خود حفظ کنند.

**مناسبات با انگلستان و کشورهای کامنولت :**

مناسبات پاکستان‌با انگلستان‌حسنه وعلاوه‌بروجودآثار تسلط یکصدوپنجاه ساله انگلیسها در فرهنگ وزبان وعادات و اخلاق وخصوصیات سیاسی کشور ، هم اکنون عده زیادی ازافسران‌انگلیسی در ارتش ومؤسسات مختلف‌پاکستان‌مشغول کار هستند ووجود همین افراد وجهات بسیار دیگر انگلستان و پاکستان را بهم چسبانیده است .

پاکستان همچنین ازعضویت در گروه کشورهای مشترك‌المنافع این‌استفاده را میکند که برای اجراوپیشرفت پروژه‌های اقتصادی‌وعمرانی خویش‌از کمکهای مالی وفنی کشورهای‌عضوپیمان مانندکانادا واسترالیا ونیوزلاند استفاده‌شایان‌میبرد.

**مناسبات باشورویها :**

رژیم فعلی‌ضمن اینکه سعی‌میکندمجالی ببهانه‌تراشیهای روسها ندهد با کمال دقت مراقب است که شورویها را بدون جهت ازخود نرنجاند وآنچه هم تا کنون

از مداخلات روسها درامورداخلی کشور وهمکاری آنها با کمونیستها وعوامل‌ناراضی دیده نادیده گرفته است.

روسها نیزاز این‌طرز برخورد دولت پاکستان راضی بنظرمیرسند وامیدوارند از سیاست مسالمت‌جوئی دولت پاکستان استفاده نموده وبوسیله عمال و ماموربن خویش دیر یازود در اجتماعات ناراضی کشور رسوخ نمایند و راه را برای‌ایجادیك تحول بنفع خویش هموار سازند ولی تصور نمیرود مرد مقتدری چـون ایوبخان اجازه بدهد که از سیاست مسالمت‌آمیز دولت پاکستان سوء استفاده بعمل‌آید.

**مناسبات با هندوستان :**

رژیم فعلی پاکستان در مناسبات خود با هندوستان طرفدار نرمی و مسالمت است ومعتقد است کشیده شدن دامنه اختلافات ، مملکت را از انجام‌کارهای‌اساسی بخصوص اجرای پروژه‌های اقتصادی‌بازمیداد .

بر اساس همین حسن‌نیت ، ظرف مدت یکسال گذشته حکومت ایـوب خان توانسته‌است بسیاری‌ازمسائل‌مورداختلاف‌فیمابین دولتین هندو پاکستان‌را حل کند و چندماه قبل‌نیزدر نتیجه مسافرت‌آقای شعیب وزیردارائی پاکستان به‌هندوستان‌و مذاکره بامقامات‌هندی‌دردهلی، قسمتی‌ازاختلافات مالی‌دو کشورحل گردیدوبعداز آن‌نمایندگان‌دولتین‌هندوپاکستان‌در لندن اجتماع‌نمودتدتابا وساطت‌ومیانجیگری بانك بین‌المللی موافقتنامه نهائی حل مسئله تقسیم‌آب رودخانه‌ها راامضاء نمایند.

برسرقضیه کشمیر، دولت پاکستان پایش رااز‌جای پای حکومت‌های سابق برنداشته وددرهمان حال که راضی بحل مسالمت آمیز قضیه است در صورت ادامه وضعیت نیز حاضراست وارد جنگ شود .

بسیاری ازمطلعین خارجی مقیم کراچی‌معتقدند چون تدریجا مسئله کشمیر بصورت یك مشکل بین‌المللی درآمده وممکن است براثرسوء تدبیریکی‌ازدول‌هند یاپاکستان این موضوع سبب ایجاد اختلافات و کشمکشهای مهم بین‌المللی گردد لذا این طور شایع است که آقای رانتری سفیر کبیر امریکا در پاکستان مأموریت

دارد از طریق دیپلماسی دراین زمینه با دولت پاکستان تماس گرفته و با سیاست نرمشی که دولت پاکستان درمناسبات خود با هندوستان درپیش گرفته این امررا بنحوی حل نماید .

**مناسبات باافغانستان :**

روابط پاکستان و افغانستان بصورت ظاهر حسنه و عادیست ، لکن قرائن بسیارمحسوس نشان میدهد که مناسبات دولتین کماکان سردوبروزیك واقعه کوچك سیاسی ممکن است عقده یکی ازطرفین را باز کرده ومجدداً حوادثی نظیر وقایع سال ۱۹۵٤ را درروابط دو کشوربوجودآورد .

اگرچه ازناحیه پاکستانیهابیش ازافغانها برای گرم شدن مناسبات دو کشور علاقمندی نشان داده میشود لکن افغانها ضمن حفظ صورت ظاهرسعی میکنند هر چند یکبارباایجاد وقایع مصنوعی بدولت پاکستان خاطرنشان کنند کهآنها از ادعای خود برسر مسئلهٔ پشتونستان عدول نخواهندکرد .

موضوعی که بیش ازهمه موجبات عصبانیت پاکستانیها را فراهم ساخته یکی آنست که :

اولا- هرچند وقت یکبارپادشاه یاصدراعظم افغانستان مطالبی علیه پاکستان وله حقوق افغانها درمناطق مرزی پشتونستان بزبان میآورند واین خود بموضوع جنبه اهمیت میدهد .

ثانیا - پاکستانیها که ازخطرروز افزون روسها درافغانستان بیم دارند تصور می کنند که مقامات رسمی افغانستان بخصوص حکام مناطق مرزی دو کشور نقش عاملین مسکوراایفا میکنند وبعناوین مختلف درمسائل وموضوعات مربوط بداخله پاکستان دخالت مینمایند .

با اینکه از نظر جغرافیائی کشور پاکستان منطقه‌ای از سر زمین هندوستان میباشد که دوقسمت شرقی و غربی آن درحدود ۱۶۰۰ کیلو متر از یکدیگر فاصله دارد واین مسئله از نظر ثبات سیاسی و اقتصادی یك کشور حائز اهمیت فراوانی میباشد معهذا این کشور بعلت عدم نفوذ اقلیت‌های نژادی ومذهبی از ثبات سیاسی و اقتصادی کاملی برخوردار میباشد .

# جغرافیای انسانی پاکستان

# جغرافیای انسانی پاکستان

**الف ـ جمعیت :**

پاکستان با۳٦٤۷۳۷ میل مربع‌مساحت، ودرحدود هشتاد وسه‌میلیون‌نفوس، پرجمعیت‌ترین کشوراسلامی جهان شناخته شده ومسکن اقوام ونژادهای مختلفی میباشد که علاوه براختلاف آداب ورسوم و زبان وسنن تاریخی چــون اقلیت‌های مختلفی نیز در آن زندگی میکنند بصورت یك سرزمین قــابل مطالعه‌ای عرض اندام مینماید .

**مشخصات جمعیت پاکستان :**

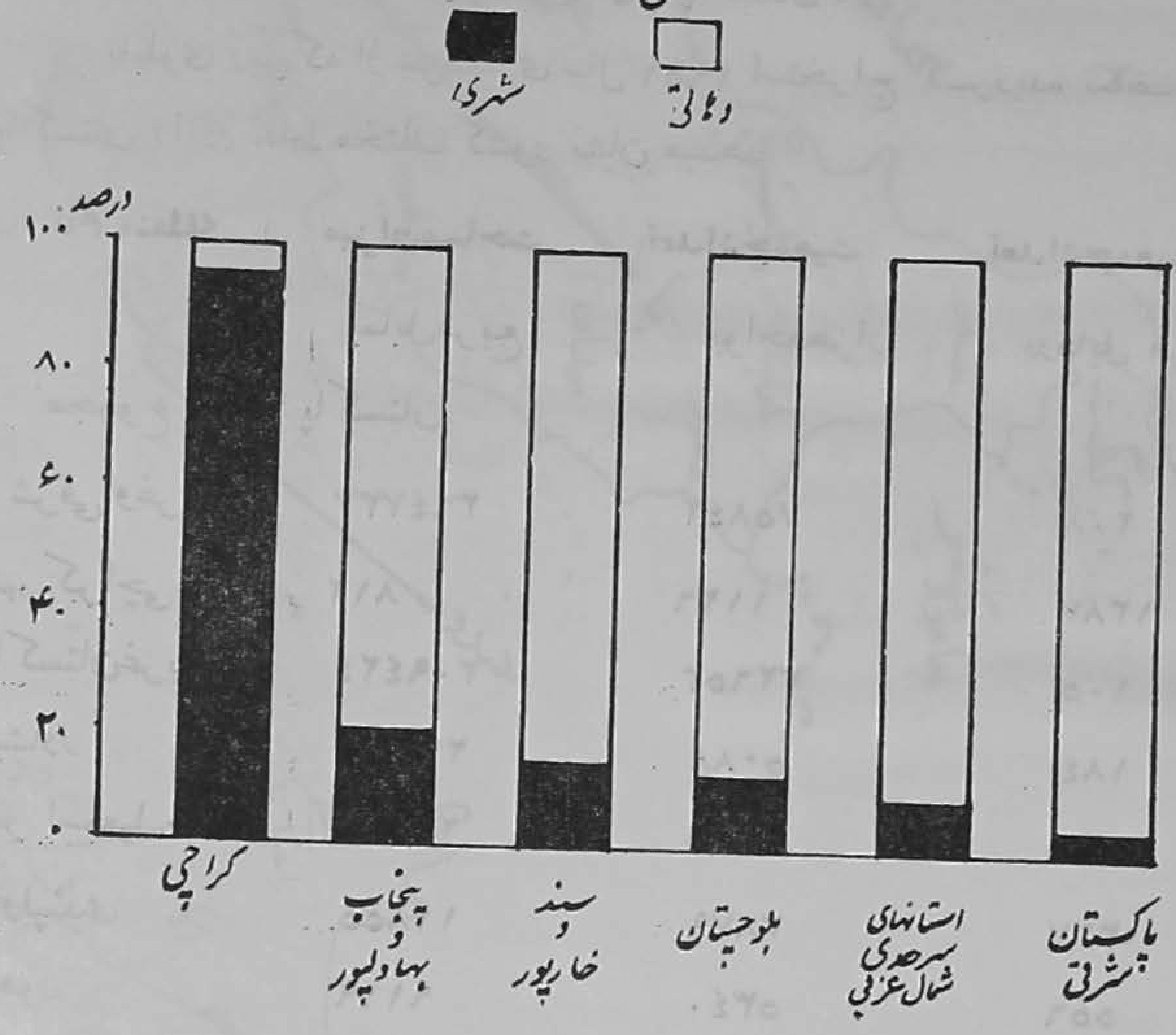
بعلت تفاوت فاحشی که در خصوصیات قومی و مذهبی نفوس این مملکت خودنمائی‌مینماید وبا اینکه‌قریب‌سیزده سال از تاریخ تشکیل‌این مملکت میگذرد هنوز موضوع ملیت بمعنی و مفهوم واقعی خودش دربین اهالی این سرزمین رسوخ نکرده‌وبهمین جهت یکی‌ازمخاطراتی که همیشه پاکستان رابه‌تجزیه‌وقبول‌تحریکات داخلی و خارجی تهدید مینماید همین فقدان روح وحدت ویگانگی دربین افراد مملکت میباشد وعلل وجود چنین تفرقه‌ای رامیتوان بشرح زیرخلاصه نمود :

ـ پاکستان ازدوقسمت غربی وشرقی تشکیل شده و هریك ازاین دوقسمت درحدود ۱٦۰۰ کیلومتر(یکهزارمیل) ازدیگری فاصله داشته ونفوس ساکن هریك ازاین دوقسمت چه‌ازحیث نژاد وزبان وچه از حیث خصوصیات اخلاقی وفرهنگی بایکدیگراختلاف فاحشی را دارا میباشند .

پاکستان تنها کشوری است دربین سایر کشورهای جهان که تأسیس‌آن بر مبنای ایدئولوژی طرفداری ازمذهب (اسلام) صورت گرفته وموجودیت آن متکی

# جمعیّت شهری و دهاتی پاکستان در ایالات و استانها

سال ۱۹۵۱



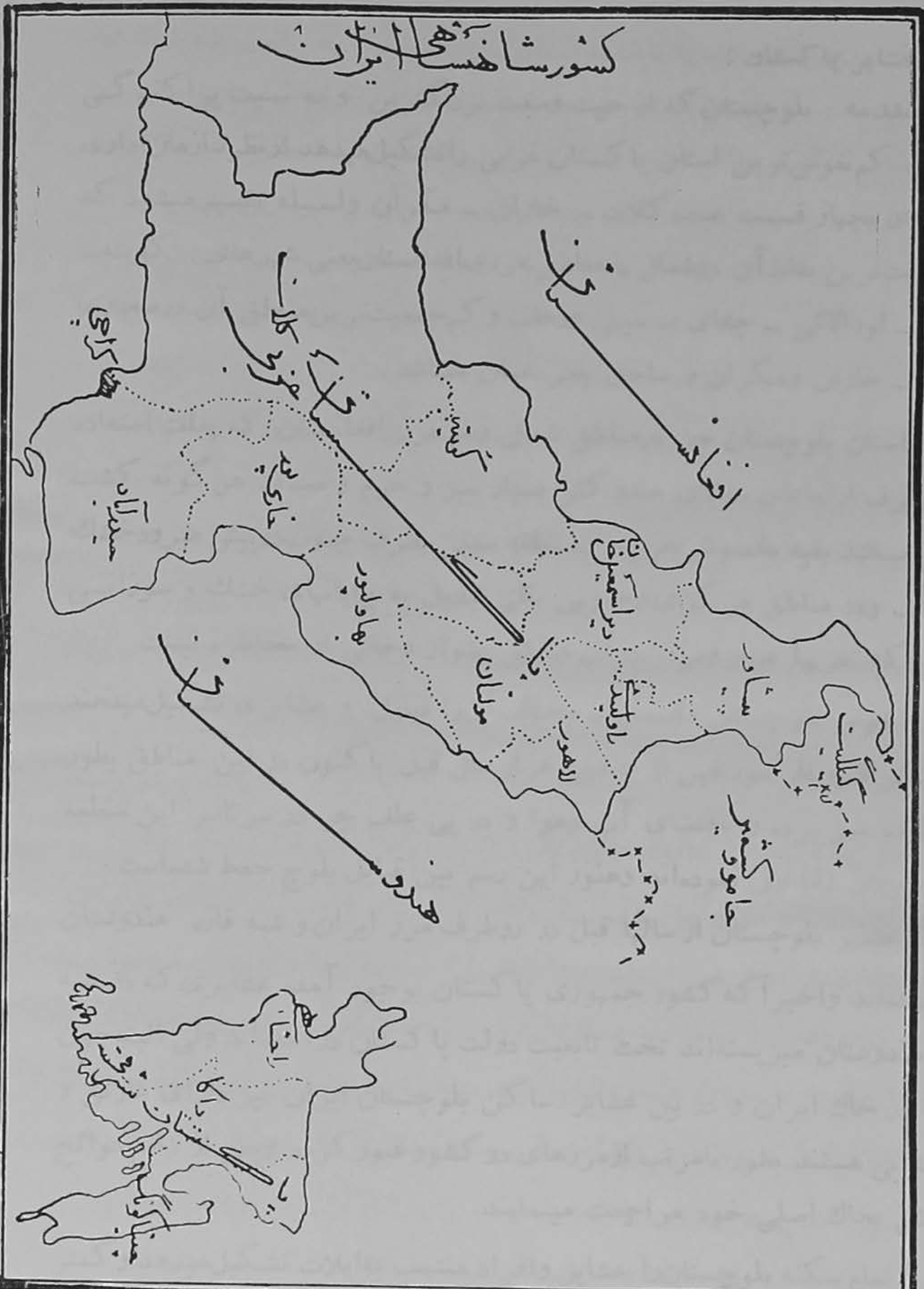
به‌روح ملیت پرستی نفوس آن نمیباشد وحال آنکه تاریخ دوازده ساله اخیر اینکشور بخوبی نشان‌داده است که عامل مذهب نتوانسته است روح یگانگی مورد لزوم را دربین افراد این‌مملکت بوجودآورد.

قسمت‌اعظم نفوس کشوررا قبایل وعشایری تشکیل‌میدهند که‌به‌مناسبت‌تفاوت شرائط طبیعی محل زندگانی و اوضاع و احوال اخلاقی و فرهنگی با یکدیگر اختلافاتی را داشته و اغلب نیز با اتکاء به سوابق تاریخی نسبت بیکدیگرخصومت میورزند.

**تراکم جمعیت در شهرهای مهم پاکستان :**

تابلوی زیر که از سرشماری سال ۱۹۵۱ استخراج گردیده تکاثف جمعیت پاکستان را در نقاط مختلف کشور نشان میدهد.

| نام منطقه | میزان مساحت بمایل‌مربع | تعداد جمعیت بواحدهزار | تعداد جمعیت نسبی درمایل مربع |
|---|---|---|---|
| مجموع منطقه پاکستان ( شرقی وغربی ) | ۳٦٤۷۳۷ | ۷۵۸٤۲ | ۲۰۸ |
| شهر کراچی | ۸۱۲ | ۱۱۲٦ | ۱۳۸۷ |
| پاکستان‌غربی | ۳۰۹٤۲٤ | ۳۲٦۵۳ | ۱۰۵ |
| پیشاور | ۲۷۵۳٦ | ۵۰۸۸ | ۱۸٤ |
| دیر اسمعیل‌خان | ۲۱۲٦۱ | ۲۰۸۵ | ۹۸ |
| راولپندی | ۱۱۸۵۵ | ۳۸۷۹ | ۳۲۷ |
| لاهور | ۹۱۱۹ | ۵۳٤۰ | ۵۵٦ |
| کویته | ۳۵۰۲۷ | ۵۸۵ | ۱٤ |
| کلات | ۹۸۹۷۵ | ۵۸۹ | ٦ |
| پاکستان‌شرقی | ۵٤۵۰۱ | ٤۲۰٦۳ | ۷۷۷ |


کشور شاهنشاهی ایران
افغانستان
پاکستان غربی
کلات
گیلگیت
جامو و کشمیر
پیشاور
دیر اسمعیل خان
راولپندی
لاهور
مولتان
کویته
بهاولپور
خارپور
حیدرآباد
کراچی
هندوستان
پاکستان شرقی
راجشاهی
داکا
چیتاگونگ

**عشایر پاکستان :**

**مقدمه** : بلوچستان که از حیث وسعت بزرگترین و به نسبت پراکندگی جمعیت، کم‌نفوس‌ترین استان پاکستان غربی راتشکیل‌میدهد ازنظرسازمان‌اداری وکشوری بچهار قسمت عمده کلات ـ خاران ـ مکران ولسبیله تقسیم میشود که پرجمعیت‌ترین نقاط آن درشمال درمناطق مرزی‌افغانستان‌یعنی شهرهای : کویته ـ پیشین ـ لورالائی ـ چغای ـ سیبی وذهاب و کم‌جمعیت‌ترین‌مناطق آن درصحاری کلات ـ خاران ومکران و ساحل بحر عمان میباشد.

استان بلوچستان جز درمناطق شمال وهم مرز افغانستان که بعلت استفاده از آب برف ارتفاعات سفلای هندوکش بسیار سبز و خرم و مستعد هر گونه کشت وزرع میباشد بقیه بخصوص هرچه ازمنطقه سیبی بطرف جنوب‌درپیش میرودخشك و کم‌آب ودر مناطق مرکزی وجنوبی بکلی تبدیل به بیابانهای خشك و سوزانی میشود که تقریباً عبور ومرور درآن مناطق دشوار وخالی از مخاطره نیست.

نفوس بلوچستان وقسمتهای مختلف‌آن‌را قبایل و عشایری تشکیل‌میدهند که‌بنا براظهارنظر مورخین از چندین هزار سال قبل تاکنون در این مناطق بطور پراکنده بسر برده و باقتضای آب وهوا و در پی علف چر در سرتاسر این منطقه وسیع ییلاق وقشلاق نموده‌اند وهنوز این رسم بین قبایل بلوچ حفظ شده‌است.

عشایر بلوچستان از سالها قبل در دوطرف مرز ایران و شبه قاره هندوستان میزیسته‌اند واخیراً که کشور جمهوری پاکستان بوجود آمده عشایری که در شبه قاره هندوستان میزیسته‌اند تحت تابعیت دولت پاکستان درآمده‌اند ولی البته‌چون غالباً در خاك ایران و در بین عشایر ساکن بلوچستان ایران نیز دارای علائق و خویشانی هستند بطور نامرتب ازمرزهای دو کشور عبور کرده وپس از رفع‌حوائج خویش بخاك اصلی خود مراجعت مینمایند.

تمام سکنه بلوچستان‌را عشایر وافراد منتسب به‌ایلات تشکیل‌میدهد و کمتر فرد بلوچی پیدا می‌شود که وابسته به‌یکی از ایلات یا عشایر نباشد وحتی کسانی

که سالها درشهرهاتوقف نموده ومتوطن شده‌اند رشته قومیت وایلی خودرافراموش نموده ودرموقع‌لزوم ازقومیت عشیره‌ای خوددفاع‌مینمایند واین موضوع مخصوصا در جوانانی که برای تحصیلات عالی بکشورهای‌خارج مسافرت‌میکنند بیشتراسباب تعجب میشود زیرا یك پزشك یا مهندس اروپا دیده بلوچ نیزپس از مراجعت از ازمسافرت واحرازشغل ومنصب روابط ایلی وعشایری خود رافراموش نمیکند ودر دوستی ودشمنی‌های عمومی ایل باسایرایلات همکاری وهم‌آهنگی میکند.

علاوه بربلوچهائی که دراستان بلوچستان وخاران وچغای بسر میبرند عده زیادی ازخانواده هــای بلوچ برای تهیه وسائل زندگی و کسب و کار و مدرسه و بیمارستان از صحــاری بلوچستان بشهرها مهاجرت نموده و درآنجا مسکون گردیده اند و از جمله در شهر های حیدرآباد ، سند و بهاولپور چندین هزار خانواده بلوچ ساکن گردیده و چون اکثریت قابل توجهی را تشکیل داده‌اند بصورت بلوچی کلنی درامورشهری محل توقف خویش دخالت نموده و مؤثر واقع شده‌اند .

**عشایر بلوچستان :**

کلمه عشایر که درمورد بلوچستان بکارمیرود دارای یك‌مفهوم‌کلی وعام‌است که نباید مطلقاً آنرا بسازمــانی شبیه عشایر ایران و تشکیلات عشایری مشابه‌آن تعبیرنمود زیرا صرف نظر از چند ایل مهم که دارای خان و خانزاده وخدم وحشم وتشکیلات کامل عشایری هستند بقیه بسیار قلیل و پراکنده و گمنام وچه بسا که یك یا دوخانواده بیست سی نفری خود را بنام یك قبیله یا عشیره معرفی مینماید وحال آنکه در ابتدای امراز کلمه عشیره یك خانوار چند صد هزار نفری درنظر انسان مجسم میشود .

فی‌المثل درمناطق مرزی ایران وپاکستان وصحاری اطراف بنادربحر عمان چند نفربلوچ درسایه یك نخلستان زندگی‌میکنند وتمام هستی وامید این چند نفر

محصول خرمای آن چند نخل میباشد وضمناً همین چند نفر خود رابنام یك قبیله میخوانند وسایرافراد بلوچ نیزبخوبی آنها را میشناسند وازنام ونشان ومحل توقف آنها اطلاع دارند .

رویهمرفته عشایر بلوچستان عقب افتاده‌ترین افراد بشردنیای کنونی هستند که با کلیه شرایط قرون وسطائی زندگی میکنند وجز یك تفنگ که غالباً آنرا خودشان میسازند ازهیچیك ازمظاهر تمدن بهره‌ای ندارند .

باآنکه بموجب آمارعمومی سرشماری سال۱۹۵۱ پاکستان اعلام گردیده که ۵۰ درصد افراد بلوچ سواد دارند لکن عموماً بلوچهائیکه خارج از شهرها بسر میبرند بیسواد ودرمعتقدات مذهبی‌خویش بسیارخرافاتی هستند .

مذهب غالبشان تسنن وحنفی است ویك عده نیز بنام بلوچهای ذکری معروف هستند که مانند کاکا سیاه‌ها بوده ودارای مذهبی شبیه به‌علی‌الله می‌باشند .

ازحیث فنون نبرد وشجاعت افراد بلوچ درارتش پاکستان معروف هستند و غالباً نسل‌جوان بلوچستان بهترین‌سربازان پاکستان راتشکیل میدهند لکن‌درعین حال دربین بعضی ازعشایرنیز افراد زیادی پیدا میشوند که ظاهراً بعلت مرورزمان تاریخی و کثیف شدن خون شجاعت وجسارت قومی خود را ازدست داده‌اند .

**تقسیم بندی عشایر بلوچستان :**

بزرگترین قبائل بلوچستان از قدیم‌الایام تا کنون دوایل رند و لاشار بوده و هستند ، در طول تاریخ سی‌سال گذشته افراد این دوایل برسر مسائل ایلی و خانوادگی بایکدیگرخصومت ودشمنی داشته وچندین بارنیزباهم جنگ نموده وبر اثرهمین خصومت ونفاق سران ومتنفذین‌این دوایل ازیکدیگرجداشده وهر کدام تشکیل‌یك شاخه جدیدی‌را داده ودریك‌منطقه از کلات مستقر گردیده‌اند .

بنابراین دوایل رند و لاشار ریشه اصلی ایلات صحیح‌النسب بلوچستان را

تشکیل میدهند وصرفنظر ازعشایر وایلات متفرق که ازخاك ایران وافغانستان باین منطقه مهاجرت نموده یاخانواده هائیکه در آبادیها وصحاری خشك بلوچستان در حال کوچ نشینی بسر میبرند بقیه عشایر بلوچستان شاخه های متفرق ابن دوایل بوده که براثر مرور زمان قدرت وقوتی پیدا کرده وتحت رهبری خانهای لایق خویش بکسب افتخار وموفقیتهائی توفیق یافته اند .

**عشایر رند :**

عشیره رند در سرتاسر مناطق سوران آباد متفرق هستند ومهم ترین سردار این ایل میرچا کرخان فرزند میرشهك میباشد که در سال ۱۹۳۰ فوت کرد و پس از وی اختلافات شدیدی در این ایل پیدا شده ودسته ای از آنها بمنطقه سیبی ودسته ای بخاران ومکران کوچ نمودند. بموجب آماریکه از طـرف مأمورین جیره بندی وزارت پاکستان درسال ۱۹۵۱ تحصیل گردیده تعداد افراد ایل رند مجموعاً در آن سال ۲۶۳۶۰ نفر بوده وسردار فعلی این ایل سردار تاج محمدخان فرزند سردار تاج امام بخش میباشد.

شاخه های عشایری ایل رند که خودشان آن را میررند نیز مینامند از حیث اهمیت و تعداد بشرح زیر است :

چاکرانی (ایل اصلی فرزندان میرچاکرخان)- میرانی- الهدادی - میروادی - بجارانی - بلگرانی - نوحانی - محمدانی - دومبکی - ابراهیمی - ریحانـی - نوشیروانی - عالیانی - سدرانی - هیبتانی - ننوانی - حیدرانی - گورچانی - فروزوئی - کیهازئی - مریدانی - قیصرانی زند - جمالانی - لیغاری - کلوئی - جسکانی - فروزائی - عمر نوحکانی - رخشانی - مزاری - مرانی - سیاه لاف - قلمتی - بلغت - جنگلانی - رستمانی - سارنگانی - اسرکانی - مستیانی - عمرزه - زیدجابرانی - لند - جاودانی - راهجه - کشکوری - هوتکانی - کهیری - دریشهك

عبدانی - یوسفانی شهکانی - علی‌خانی - گر گیج - شاهل‌زئی - پژ - عباسانی - مندرانی - حسنانی گو گیز - پندرانی گر گز - جلبانی - مسوری - هد گری - دشتی - سهربانی .

**عشایر لاشاری :**

عشیره لاشار پس از عشایر رند دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای میباشد و این عشیره نیز چون مدتها درحال جنگ و ستیز باعشایر رند بوده تدریجاً قدرت خود را از دست داد و سر انجام خان بزرگ این عشیره بنام سردار گهرام‌خان لاشاری در منطقه کاجان در یك جنگ ایلی از افراد تنگچی ایل رند شکست‌خورد و مناطق نفوذ خود را بافراد ایل رند واگذار نموده وافراد ایل از مناطق آباءواجدادی خود بطرف مناطق آباد بلوچستان وشهرها دراستان سند وپنجاب روآورده واز آن‌پس بکار زراعت پرداختند.

باشکست ایل لاشار سرداران این ایل متفرق گردیدند و هر کدام در داخله بلوچستان تشکیل قبیله‌ای دادند که بعدها دارای اهمیت واقتدار شده واز این‌جمله عشایر مگسی هستند که سردار آن نواب یوسف خان میباشد و افراد آن درمنطقه دیرغازی‌خان در نزدیکی مرز افغانستان مستقر گردیده‌اند.

شاخه‌های عمده ایل لاشار که فعلا دربلوچستان مستقر میباشند عبارتند از :

چك - شهدانی - رشیدانی - ملکانی - چهتانی - بنگلائی - میردادانی - مبارکانی - میرفانی - دیوانی - محمدانی - جیروانی - حسنانی - موهنانی - سومرانی - سالارانی - پیرمحمدانی - قلندرانی - پجارانی - مزارخانی - کمالانی سلمانی - توهم‌خانی - آخوندانی - عالیانی - شاهوانی - بهرمانانی - حدیانی - نوط‌بندیانی - چاروانی - بکرانی - جلالانی - اسمعیلانی - سلامانی - علقانی - مگسنی - تو کلانی - منگیانی .

**عشایر بلوچ افغانی پاتان:**

علاوه بر عشایر و ایلاتی که درصفحات قبل از آنها یادشد ، در نواحی شمال

پاکستان وپاره‌ای ازمناطق‌استان بلوچستان‌و کلات عشایری‌ازاقوام بلوچ سکونت دارند که ریشه اصلی آنها از کشورافغانستان بوده وسالیان قبل ازراه هرات وقندهار سرازیرشده وفعلا درکشورپاکستان مقیم گردیده‌اند.

افراد این عشایربراثراختلاط وامتزاج بااهالی شهرنشین وسایرعشایرمناطق سرحدی پاکستان و افغانستان، تدریجاً قومیت اصلی خود را که بلوچی میباشد فراموش نموده ومینماید(ولی هروقت که مصالح ایجاب نماید خودراازاقوام بلوچ وشاید بهترین وصحیح‌النسب ترین نژادبلوچ معرفی مینمایند)وفعلابعنوان عشایر پاتان خود را ازبلوچها کنار گرفته‌اند.

این عشایربه‌ترتیب عبارتند از:

١ - عشیره کاکر

٢ - عشیره عبدل اچکزئی پاتان

٣ - عشیره مندوخیل

٤ - عشیره شیرانی

٥ - عشیره ترین

٦ - عشیره لونی

٧ - عشیره کانی

٨ - عشایرمتفرق وغیرقابل اهمیت

غیرازعشایری که به‌ترتیب نام‌آنهاذکرشد عشایردیگری که ازافغانستان به هندوستان کوچ نموده وفعلا در کشورپاکستان سکونت دارند عبارتند از:

عشایردرانی درحدود ٧٣٠٠ نفر - عشایر غلزی به‌تعداد ١٠٢٩ نفر- عشایر بهریج به‌تعداد ٤٩٦٥ نفر- عشایربابی درحدود ٨٦٧ نفر.

همچنین تعدادی عشایرمتفرق درمنطقه‌خاران وچغای‌سکونت دارند که چون

تعداد افرادآن حتی بیك هزارنفر نمیرسد وشغل آنها بیابان گردی است قابل، ذکر نبوده وپیدا کردن نام عشیره ورئیس ومحل توقف آنها حتی برای عشایر بلوچ نیز آسان نیست .

**اقلیت‌های مذهبی موجود در کشور:**

با اینکه ملت پاکستان یك ملت مسلمان شناخته میشود ، معهذا عملا دربین طبقات مختلف مردم شاخه‌های مذهبی گوناگونی وجود دارند که بشرح زیر خلاصه میشوند :

۱ ـ مسلمانان اهل تسنن که اکثریت ملت پاکستان راتشکیل میدهند .

۲ ـ مسلمانان اهل تشیع که اقلیت مهمی راتشکیل داده ودر سراسر کشور پاکستان بطور متفرق زندگانی میکنند .

۳ ـ مسلمان قادیانی که پیروان میرزا احمد قادیانی بوده ودر پاکستان به احمدیه ومیرزائی معروف شده‌اند واین دسته نیزقریب پانصد هزارنفرمیباشند .

٤ ـ اسمعیلیه که ازطرفداران وپیروان آقاخان محلاتی بوده‌ودرسراسر کشور بطورپراکنده زندگی میکنند .

صرفنظرازشعب مختلف پیروان مذهب اسلام ، اقلیت‌های مذهبی دیگری با تعداد قابل ملاحظه دراین کشور زندگی میکنند که درسرنوشت سیاسی‌وبخصوص‌در جریان انتخابات کشوررل عمده‌ای را عهده‌دارمیباشند واقلیت‌های مزبورعبارتنداز:

۱ ـ هندوها که درحدود ده میلیون نفر آنها درپاکستان شرقی ودرحدودیك

میلیون ونیم آنها در سراسر منطقه پاکستان غربی پراکنده‌شده‌اند ،

هندوهای پاکستان به‌دودسته تقسیم میشوند که یك دسته به مشدول کست ودسته دیگر به‌نجس معروف‌شده‌اند وهر دسته‌دارای‌معابد و پرستشگاههای‌مخصوص بخود بوده‌وغالباً ازملاکین وسرمایه‌داران‌عمده بشمار میآیند که‌هر کدام‌عده‌زیادی از کشاورزان وکارگران مسلمان‌را اجیر نموده وعلاوه براینکه‌از آنها دربرابرمقدار مختصری دستمزدکار میکشند درمواقع اخذ رأی درپاکستان نیز چنانکه‌انتخابات به‌سیستم مشترك صورت بگیرد هندوها میتوانند با استفاده ازآرای کثیر کارگران ومزدوران مسلمان خویش‌درانتخابات اکثریت نسبی‌را بدست‌آورند. بقرارآخرین آمارهای موجود هندوها سی‌وسه درصد مجموع نفوس پاکستان شرقی را تشکیل داده و غالباً در حوالی بندر چیتاگونگ زندگی مینمایند .

جامعه هندوها در پاکستان ازکلیه مزایای اجتماعی‌ومساوات برخورداربوده منتهی چون غالباً مقامات هندی برای اعمال نفوذ و تحریك درداخله پاکستان از وجود هندوها استفاده مینمایند مقامات پاکستانی‌بادقت‌واحتیاط کاملی‌اعمال‌ورفتار آنها را مراقبت مینمایند (ولی‌مع‌الوصف هندوها همیشه در تحریکات کمونیستی منطقه پاکستان شرقی عامل اصلی شناخته شده‌اند. )

۳ ـ مسیحی‌ها که از دورهٔ تسلط پرتقالی‌ها به‌شبه‌قاره‌هندوستان،دراین‌مناطق زندگی نموده وبا انجام تبلیغات دینی برتعدادشان افزوده شده ومیشود .

اقلیت مسیحی پاکستان غالباً کاتولیك ویااز پیروان انگلیکن می‌باشند که ازخودداری‌کلیسا ومدرسه وبیمارستان‌مخصوصی‌بوده ودر احرازمشاغل‌اداری‌ودولتی وپارلمانی (جز حق‌رسیدن به‌مقام‌ریاست جمهوری) مانند یك تبعه عادی پاکستانی از مزایای مربوطه استفاده مینمایند .

۳ ـ پارسی‌هاباآنکه تعدادشان از سایر اقلیت‌ها کمتر میباشد لیکن چون ثروتمندترین‌طبقه‌مردم راتشکیل میدهند رگ‌حساس‌امور صنعتی وتولیدی کشور

را بدست داشته وقسمت عمده سرمایه منقول شهرهای پاکستان غربی را دراختیار دارند.

اقلت زرتشتی پاکستان دارای داتشکده وپرستشگاه مخصوصی بوده ومانند سایر اقلیت‌ها ازمزایای زندگی اجتماعی استفاده مینمایند و قسمت اعظم آنها در پاکستان باموزتجارت مشغول‌بوده ونقش‌مهمی رادرتامین ارزخارجی کشوربرعهده دارند.

٤- بودائی‌ها که بقرارآمارهای منتشره تعدادشان دراین کشور در حدود ۳۱۹/۰۰۰ نفربوده وقسمت اعظم آنها درمنطقه چیتاگونگ (درپاکستان شرقی) زندگانی میکنند ومانند سایر اقلیت ها از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در انتخابات عمومی کشور استفاده مینمایند.

بودائی‌های پاکستان به‌قسمت بودائی‌های چکمه وبودائی های مونگ و بودائی‌های بومونگ تقسیم شده وهردسته تحت سرپرستی‌یك‌رهبرمذهبی مخصوص بخود اداره می‌شوند. بودائی‌هادرپاکستان شرقی دارای ۳۷۳معبد ومجسمه بزرگ بودا بوده و از سال ۱۹۵۱ نیز رادیوی پاکستان شرقی برنامه مخصوصی برای شنوندگان بودائی خود اجراء میکند.

**مهاجرین :**

صرفنظراز تقسیمات نفوس پاکستان از نظر نژاد و قومیت ومذهب طبقه مهم دیگری بنام مهاجرین درحیات سیاسی واجتماعی پاکستان وجود دارند که در جغرافیای انسانی این کشور نقش مهمی را برعهده داشته وتعدادآنها برده میلیون نفربالغ می گردد.

این عده از سال ۱۹٤۷ که شبه قاره هندوستان به کشور های هندوستان و پاکستان فعلی تقسیم گردید خاك هندوستان راترك نمودهٔ وبه کشورجدیدالتاسیس

پاکستان مهاجرت نمودند ولی چون درابتدای تشکیل دولت پاکستان وسائل امرار معاش این تعداد مهاجر موجود نبود غالب این افراد بدون مسکن و وسایل اولیه زندگی، درشهرهای بزرگ پاکستان سرگردان شده وبتدریج درخانه‌های حصیری که درکنارخیابان‌ها تعبیه شده بود سکنی نمودند.

درمدت سیزده‌سالی که پاکستان باستقلال نایل‌آمده تعدادی‌ازاین مهاجرین دارای خانه و زندگی شده و در رژیم نظامی جدید نیز به دستور ژنرال ایوب خان اقدامات مجدانه‌ای برای بهبود وضع زندگانی‌کلیه مهاجرین‌آغاز گردیده است.

**زبان مردم پاکستان:**

مسئله دیگری که یکی از موجبات افتراق موجود بین نفوس پاکستان راتشکیل داده ومانع از رشد سریع روح ملی وملیت‌پرستی دراین کشور گردیده موضوع رواج واشاعه‌زبانهای مختلف درنقاط گوناگون پاکستان میباشد.

السنه عمده ورایج در کشورپاکستان عبارتند از:

زبان بنگالی - زبان اردو - زبان پشتو- زبان بلوچی - زبان گجراتی - زبان کشمیری - زبان فارسی - زبان سندی - زبان پنجابی وبالاخره زبان انگلیسی که درحال حاضرزبان رسمی کشور راتشکیل میدهد.

**ب - اوضاع اجتماعی پاکستان:**

بموجب‌آخرین آمارمنتشره پاکستان درحدود هشتاد وسه میلیون نفرنفوس دارد که درحدود سی‌وپنج میلیون نفرآن درپاکستان غربی وچهل وهشت میلیون نفرآن درپاکستان شرقی بسر میبرند وبدین ترتیب این کشور چهارمین مملکت پرجمعیت جهان محسوب میگردد.

این جمعیت کثیر از نژادها واقوام مختلف و مذاهب گوناگون با السنه

متفاوت درسراسر کشور پراکنده هستند و از سال ۱۹٤۷ که جمهوری پاکستان بوجودآمده این اقوام درمحیط آرام وساکتی بسرمیبرند و با آنکه حس برتری نژادی دربین اقوام و طوایف و ساکنین استانهای مختلف کشور همواره باعث انحطاط اجتماعی وتضعیف بنیان استقلال پاکستان بوده مع‌الوصف دولت حتی‌المقدور سعی نموده که این افراد مختلف باآزادی ومساوات‌کاملی درکناریکدیگر زندگی نموده و بجای بغض وعداوتهای ایلی ومحلی روح وحدت ویگانگی را در مردم بوجودآورد.

دسته‌های مختلف مردم پاکستان عبارتند از:

پنجابی - سندی - کشمیری - پاتان - بلوچی - گجراتی - بنگالی - مکرانی هندو - مهاجرین.

وبطوریکه قبلا نیزاشاره شد مذهب واقلیت‌های عمده کشورعبارتند از:

- مسلمانان که هشتاددرصد نفوس مملکت راتشکیل میدهند واکثریت‌آنها را اهل تسنن و مابقی راشیعه ها و سایر فرقه های متفرع اسلامی مانند احمدیه (پیروان میرزااحمد قادیانی) واسمعیلیه(پیروان‌آقاخان محلاتی) وپیروان دراویش وصاحبان کرامت مانند (درویش پیرپاکارو) که هر کدام ازاین اقلیت ها دریکی ازاستانهای مملکت مقیم گردیده‌اند.

۲- هندوها که تعدادشان به‌یازده میلیون نفر رسیده وده میلیون نفرآنها در جناح شرقی وبقیه درپاکستان غربی زندگانی مینمایند.

۳- بودائیها که اکثراً درپاکستان شرقی مقیم میباشند.

٤- پارسیها که‌طبقه ثروتمند کشوررا تشکیل داده وغالباًدر کراچی می‌باشند.

٥- عیسویان که انگلواینډین نام داشته و در نقاط مختلف پاکستان مقیم گردیده‌اند.

این افراد غالباً از دوره تسلط انگلیسها و ازدواج با خانواده‌های هند و یا مسلمان بیادگار مانده‌اند.

۶ - یهودیها که تعدادشان بسیار کم وشاید از یکصد نفر هم تجاوز نکند.

اگر چه بعضی اوقات بر اثر اغراض سیاسی یا خصوصی بین اهالی دهات و قصبات اختلافات ومشاجراتی بوقوع میپوندد، لیکن رویهمرفته پاکستان ازحیث مصونیت مذهبی واحترام بمذاهب طبقه اقلیت قابل توجه وبین کشورهای خاورمیانه ممتاز میباشد.

در نتیجه توقف طولانی درپاکستان وآمیزش زیاد باطبقات مختلف مردم آن بخوبی استنباط میشود که قطع نظر از آرامش وسکون ظاهری که در زندگی اجتماعی اینکشور احساس میشود باطناً بین طبقات مختلف وطوایف استانها وهمچنین پاره‌ای از فرق مذهبی عداوتهای دیرینه‌ای موجود است که غالباً در امورسیاست و اداری این کشور محسوس بوده ودشمنان پاکستان میتوانند باآشنائی بروحیه طبقات مختلف مملکت حد اکثر استفاده را از این موضوع حاصل نمایند.

عوامل و موارد مهم این اختلافات باطنی را میتوان بشرح زیر طبقه‌بندی نمود.

۱ - بطورکلی بین اهل تسنن وشیعیان اختلاف وخصومت پنهانی وجود دارد ومخصوصاً در سالهای اخیر که اسکندرمیرزا باسمت رئیس جمهور (که خود شیعه بود) برسر کار بود وغالب همکاران خودرا در دولت وارتش از بین شیعیان انتخاب کرده‌بودبیشتر بعمیق‌شدن این شکاف کمك گردیده و باطناً علمای اهل تسنن مردم را بخصومت وبغض نسبت بهشیعیان وهیئت حاکمه شیعه تحریك مینموده‌اند.

۲- بین قادیانی‌هاودستگاه فعلی دولت که‌غالباً آنهارااهل‌تسنن‌تشکیل‌میدهد مخالفت ودو دسته گی‌شدیدی موجوداست وچون‌مرکزاصلی طرفداران‌فرقه‌قادیانی

درهند می‌باشد دولت همواره بیمناك است که مبادا عوامل جاسوس هندی ازتعصب مذهبی قادیانی‌ها استفاده نموده وعلیه دستگاه دولت اقداماتی را معمول دارند .

فرد بارز وباشخصیت قادیانی ها آقای محمد ظفراله خان وزیرامور خارجه اسبق پاکستان است که فعلابعنوان قاضی دیوان داوری لاهه درهلند مقیم میباشد.

۳ـ بین هندوها و مسلمانان خصومت دیرینه‌ای وجود دارد و چون قبل از تقسیم شبه قاره هندطرفین بجان یکدیگرافتاده وقتل وعام‌های مهمی صورت گرفته اکنون نیز که سیزده سال ازآن حوادث میگذردهنوزطرفین‌خونریزی‌های آن ایام را فراموش نکرده وهنگام بروز حوادث غیر مترقبه که پای هندوها درکار باشد مسلمانان باچشم انتقام جویانه‌ای بآنها نگاه میکنند .

٤ـ درسرتاسر کشوروبین اهالی مقیم پاکستان شرقی وغربی اختلاف شدیدی حکمفرماست ، بدین ترتیب که اهالی پاکستان شرقی (بنگالیها) چون باتمرکز قوای دولت در پاکستان غربی مخالف هستند با اهالی جناح غربی مخالفند و حتی‌المقدور طرفین درکارها برای یکدیگر کارشکنی میکنند .

٥ـ چون ازتاریخ تشکیل کشور پاکستان اعضای‌اصلی کادر دولت راچه در کراچی و چه درلاهور افراد خانواده های مختلف پنجابی تشکیل داده‌اند وکلیه مشاغل عمده در وزارتخانه‌ها ودستگاههای دولتی وحتی ارتش بین افراد پنجابی تقسیم گردیده و افراد پاتان وسندی وبلوچ ازاین حق محروم گردیده‌اند افراد نامبرده اخیرعداوت شدیدی نسبت به‌پنجابیها دارند ودردوران حکومت‌های سابق کمترروزی بود که در دستگاههای دولت یا اجتماعات پاکستان منازعاتی بین یك پنجابی بایکنفرسندی یا پاتان یابلوچ اتفاق نیفتد.

مورد اختلاف اخیرالذکر شدیدترین ومهلك‌ترین خطر تفرقه بین افراد و آحاد کشوراست ودولت و زمامداران گذشته کمتر باین امر توجه داشتند وسعی میکردند باروی کارآوردن پنجابیها بیشتر دامنه بغض سایر اهالی را توسعه‌دهند.

اخیراً ژنرال ایوب خان متوجه این نکته شده و برخلاف اسکندر میرزا که از پشتیبانان جدی پنجابیها بود وی که‌خود نیز از پاتان‌ها می‌باشدسعی می کندتامشاغل حساس رااز پنجابیها گرفته وبه‌پاتانها بسپارد ویا لااقل تعدیلی را دراین امر بوجود آورد .

۶ - مهاجرین که هنگام تشکیل پاکستان از شبه قاره هند باین کشور مهاجرت نموده‌اند چون تعدادشان به‌ده میلیون نفرمیرسد هنوز دولت نتوانسته است برای تمام آنها جاومسکن تهیه نماید وغالب نامبرد گان تا کنون درحصیرهاو کنارخیابانها ومعابرعمومی زند گی‌میکنند واین افرادچون ازکلیه مزایای زند گی مانند برق وآب ونظافت وبهداشت وغیره محروم هستند طبعاً نسبت به‌طبقه متمول وثروتمند کشور با دیده بغض ونفرت نگاه میکنند و این خطر نیز همواره مورد ملاحظه دولتهای وقت بوده است ولی همان طور که قبلا نیزاشاره شد رژیم جدید نظامی پاکستان بدستور ژنرال ایوب خان تلاش مینماید که بزند گی این دسته از مردم سروسامانی داده و موجبات فراهم شدن حداقل وسائل مورد لزوم آنها را فراهم نماید ودراین راه با ساختن خانه های مناسبی جهت سکونت تعدادی ازآنها موفقیت قابل توجهی را حاصل نموده است .

صرف نظرازموارد نامبرده بالا، اجتماع عمومی ملت پاکستان راطبقات زیر تشکیل میدهند که ازهرحیث بایکدیگر متمایز ومطالعه روانی آنها ازهر نظرقابل ملاحظه می‌باشد :

۱ - طبقه ثروتمند و ملاك که غالب آنها را پنجابیها وسندیهاتشکیل میدهند .

۲ - خوجه ومیمن‌ها که قسمت اعظم تجارت وداد وستد ومعاملات داخلی و خارجی کشوررا دردست دارند .

۳- طبقه متوسط که ساکنین شهرها را تشکیل میدهند و کم‌و بیش‌بازند گی شهری وتمدن اروپائی آشنائی دارند.

٤ ـ طبقه روستائیان وبرزگران که هشتاد در صد ملت را تشکیل داده ودر سرتاسر پاکستان شرقی وغربی، بکار کشاورزی مشغولند.

٥ ـ دانشجویان و جوانان تحصیل کرده که غالبشان دانشکده‌های بزرگ انگلستان را دیده‌اند و از حیث فرهنگ وتربیت مانند یك فرد انگلیسی معاشرت میکنند ولی بعلت عقب افتادگی اقتصاد کشور از مزایای زندگی اروپائی محروم هستند.

٦ ـ خان هاونوابها که با افراد خانواده‌های خود در استانهای سند وپنجاب و بلوچستان و مکران بچندین میلیون افراد عشایر کـه غالبشان مسلح و بیسواد میباشند حکومت مینمایند.

**آداب واخلاق اجتماعی مردم :**

نسبت بروحیه‌وآداب واخلاق‌عمومی مردم پاکستان‌بطوراعم نمیتوان‌قضاوت کرد زیرا ملت‌پاکستان‌ازافراد وطوایف مختلف وامزجه متفاوت ترکیب‌شده‌وهر یك از دسته‌جات مقیم استانها دارای آداب ورسوم مخصوصی هستند واز این نظر نمیتوان برای روحیات همه‌آنها یك قاعده کلی را درنظر گرفت.

مثلاافراد ایل‌پاتان که اصلا مقیم مناطق مرزی ایران‌وپاکستان وافغانستان میباشند مردمی بسیار رشیدومتعصب وراستگو هستند ودربرخورد با اشخاص‌بیگانه بسیار خشك ودر مقام دوستی بی‌اندازه مهربان ومفید میباشند.

اما صرفنظر از اخلاق و روحیات اهالی ایلات که در شهرها ودهات متفرق میباشندتوده‌شهرنشین وتحصیلکرده پاکستان ازحیث‌آداب وسنن شبیه بیکدیگرند ونکات زیر خصوصیات عمومی‌آنها را تشکیل میدهد:

پاکستانیها قبل‌ازهر چیز بمحیط خانواده خودعلاقمند وچون وسائل‌تفریح

به اندازه کافی در کشور موجود نیست مردم از غروب آفتاب بمنزل میروند ودرمحیط خانه ودربین فرزندان خویش که غالباً تعدادشان زیاداست بسر میبرند .

جوانان تحصیلکرده ودانشجویان بیش از طبقات دیگر مقید بحفظ واحترام سنن ملی هستند وطبقه واقعی وطن پرستان پاکستان را جوانان تشکیل میدهندو هرقدر که از عمر تأسیس این کشور میگذرد ونسل جوان مملکت افزایش میابد حس وطن‌پرستی وغرور ملی درتوده پاکستانی بیشتر رشد میکند.

این طبقه ازتوده مردم بعلت آشنائی با تعلیم وتربیت انگلیسی ، بسبك ملت انگلستان زندگی‌میکنند ودرانجام برنامه خوراك و پوشاك ودیدوبازدید وورزشهای روزانه وغیره کاملا ازسیستم انگلیسی تقلید مینمایند .

زنان پاکستان هنوزدر چادربسرمیبرند وفقط عده‌ای که شایدازدوسه‌میلیون تجاوز نمیکند بدون چادر درزندگانی اجتماعی شرکت دارند و دولت پاکستان امیدوار است که بزودی به زنان‌نیزحق انتخابات داده شود وبدین ترتیب‌موجبات رفع حجاب آنها بطورکامل فراهم شود.

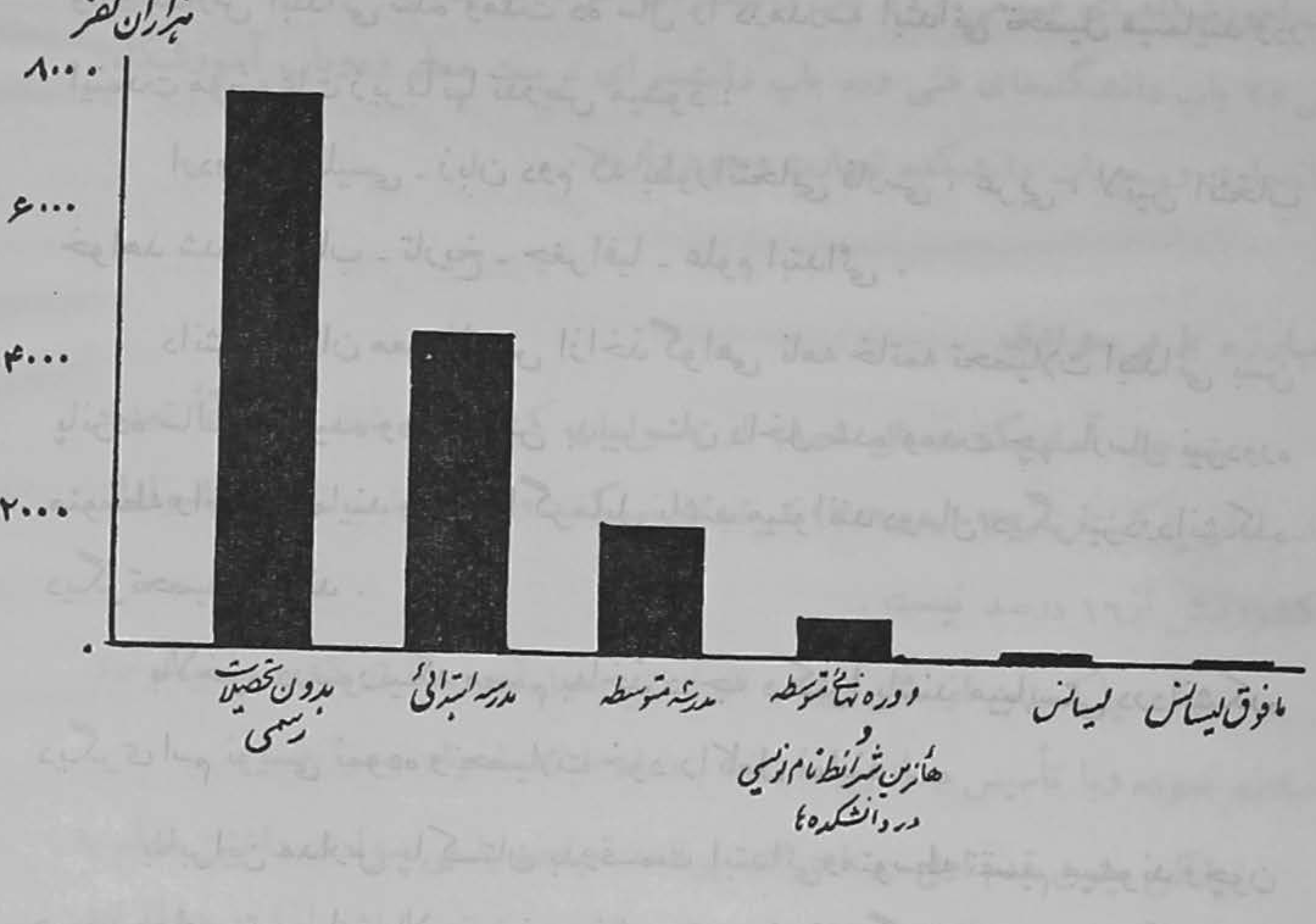
**ج ـ اوضاع فرهنگی پاکستان :**

با تقسیم شبه قاره هندوستان وتشکیل دولت پاکستان سیستم فرهنگی این کشورتغییر نکرده وظرف مدت سیزده‌سال‌اخیر که‌ازعمر جمهوری پاکستان‌میگذرد همچنان فرهنگ مملکت بسبك وسیاق فرهنگ دوره انگلیسها اداره‌میشود.

بسیاری ازکارشناسان امور فرهنگی معتقدند که انگلیس‌ها برای‌ادامه‌تسلط خود در شبه قاره هندوستان سیستم فرهنگی‌خاصی‌راباهالی این منطقه‌تحمیل کرده بودندوحالا که تسلط انگلیسها خاتمه یافته ومردم پاکستان میبایستی‌ازمزایای‌یك ملت مستقل و پیشرواستفاده نمایندمورد ندارد که همچنان همان سیستم دوره‌تسلط

# جمعیت باسواد پاکستان

## باتوجه به سطح معلومات



انگلیسها را در کشور خود ادامه دهند.

دولت جدید محمد ایوب خان در آغاز زمامداری ضمن اصلاحات واقداماتی که برای پیشرفت شئون مختلف مملکت بعمل آورد بموضوع لزوم وتجدید نظر درسیستم فرهنگی کشور نیز توجه نموده و کمیسیونی مرکب ازدانشمندان واستادان دانشگاه را مامور نمود که در باره انتخاب سیستم جدید فرهنگ کشور مطالعه نموده و سیستمی را انتخاب نمایند که فراخور اوضاع واحوال یك ملت مستقل و آزادبوده وعوامل دوره تسلط انگلیس هارادر بر نداشته باشد.

در سیستم فرهنگی فعلی کودکان ابتدا دوره کودکستان را طی نموده وسپس وارد مدارس ابتدائی شده ومدت ده سال را درمدرسه ابتدائی تحصیل مینمایند ودر اینمدت موضوعات زیر بآنها تدریس میشود :

اردو ـ انگلیسی ـ زبان دوم که بطورانتخابی فارسی ، عربی ، لاتین انتخاب خواهد شد ـ حساب ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ علوم ابتدائی .

دانش آموزان معمولا پس ازاخذ گواهی نامه خاتمه تحصیلات ابتدائی بسن پانزده سالگی رسیده ودراین سن بدبیرستان داخل شده ومدت چهارسال نیزدوره متوسطه راطی مینمایند وسپس اگرمایل باشند میتوانند دوسال دیگر نیزدردانشکده دیگر تحصیل نمایند .

بالاخره درصورتیکه مصمم بهاخذ درجه دکترا باشند میبایستی دردانشکده دیگری اسم نویسی نموده وتحصیلات خود راکامل نمایند .

بنابراین مدارس پاکستان بدوقسمت ابتدائی ومتوسطه تقسیم میشوند وچون هرچه مدارج تحصیلی بالا میروند مخارج تحصیل نیز گرانترمیشود غالباً مدارس ابتدائی پرجمعیت‌تر ازمدارس متوسطه ودانشکده‌ها میباشند .

بقراریك آماردقیق که ازوزارت فرهنگ پاکستان بدست آمده درسال ۱۹۵۷

در ۴۵۷۶۵ باب مدرسه ابتدائی کشور تعداد ۴/۱۰۰/۰۰۰ نفردانش‌آموز ودر ۵۷۰۶ باب مدرسه متوسطه کشورتعداد ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفردانشجوتحصیل میکرده‌اند .

**درپاکستان شش‌دانشگاه بشرح زیروجود دارد :**

دانشگاه پنجاب ـ دانشگاه داکا ـ دانشگاه کراچی ـ دانشگاه راج شاهی دانشگاه پیشاور ـ دانشگاه سند .

علاوه براین درحال حاضر در پاکستان ۷۴۹۵ باب مدارس متوسطه و۱۵۷ باب آموزشگاههای عمومی و۴۲ باب دانشسرای حرفه‌ای و۱۵باب آموزشگاه عالی فنی و۲ باب دانشگاه‌های فنی وده باب دانشسرای تربیت معلم ودوباب آموزشگاه خانه‌داری وپنج باب دانشکده تجارت وجود دارند .

**مبارزه با بی‌سوادی**

بموجب آماریکه درسال ۱۹۵۱ از باسوادان کشورتهیه شده مجموعاً تعداد باسوادان پاکستان‌از۱۳/۹۵۸/۰۳۳ نفرتجاوزنمیکنند وبدین‌ترتیب تناسب باسوادان کشوربیش از۱۶ درصد نیست .

دولت پاکستان از سال ۱۹۴۷ اقداماتی بعمل‌آورده تا در کشور با بیسوادی مبارزه نموده وبا تأسیس مدارس مختلفه بتعداد طبقه باسواد بیفزاید .

لکن چون قدم اول در اجرای برنامه مبارزه با بی سوادی داشتن معلم به تعداد کافی می‌باشد وپاکستان ازاین حیث بسیار در مضیقه میباشد لذا در وهله اول بتأسیس مؤسسات تربیت معلم اقدام نموده‌واکنون درپاکستان درحدود۱۰۴مدرسه تربیت معلم و۳۰مدرسه تربیت معلم زن وجود داردودولت امیدواراست همینکه معلم

ووسائل کافی درمملکت آماده شد برای اجرای تعلیمات اجباری قانون مخصوصی رابتصویب برساند .

سازمان برنامه پنج ساله نیز برای کمك باجرای برنامه توسعه فرهنگ در کشور درحدود ٥٥٠ میلیون روپیه اختصاص داده و مخصوصاً برای افزایش تعداد معلمین فارغ‌التحصیل ازمؤسسات تربیت معلم موجباتی را فراهم ساخته که بجای ٧٥٠٠ نفر معلم که هرسال ازآموزشگاههای مختلف فارغ‌التحصیل میشوند تعداد ١٠/٠٠٠ نفرمعلم فارغ‌التحصیل شوند .

همچنین معـادل ٥٦ میلیون روپیه برای توسعه مؤسسات تحقیقات علمی اختصاص یافته که فارغ‌التحصیلان کشور نیز درآینده بجای مسافرت بکشورهای خارجه تحقیقات علمی خود رادرداخله کشورانجام دهند ومخصوصاًدرسالهای اخیر با بسط مؤسسه تحقیقات علمی اتمی قدم بلندی برای کمك به‌تحقیقات علمی دانشمندان پاکستانی درداخله کشوربرداشته شده است .

**اتحادیه‌های دانشجوئی :**

درپاکستان تا قبل ازاستقرار رژیم جدید ایوب خان، دخالت دانشجویان در موضوعات و کشمکشهای سیاسی ممنوع نبود وچون محصلین درابرازعقاید خویش آزادی عمل داشتند همواره محیط مدارس و دانشگاهها مرکز فعالیت و تحریکات سیاسی بود، بدینمعنی که کارگردانان احزاب شعباتی را نیزبنام شعبه جوانان دائر نموده وسپس درداخل اتحادیه‌های دانشجویان اعمال نفوذ کرده ودر تظاهرات و میتینگهای حزبی‌ازاین عوامل‌استفاده مینمودند. چنانکه تاچندی قبل اتحادیه‌های دانشجویان مرکزثقل فعالیت عوامل تبلیغاتی کمونیستها بوده وهنوز نیز باآنکه ظاهراً این اتحادیه‌ها ازفعالیت ممنوع گردیده‌اند مع‌الوصف افراد شناخته شده‌ای

دردانشگاه‌ها وجود دارند که درشبکه‌های حزب سابق نشنال عوامی عضویت داشته ودربین دانشجویان اخلال مینمایند .

باآنکه دولت بخطردخالت دانشجویان درسیاست پی‌برده مع‌الوصف هنوزدر این باره‌تصمیم قاطع اتخاذ نشده‌وعده‌زیادی وجوددارند که دخالت جوانان دانشجو را درامورسیاسی لازم وضروری میدانند وازاین فکرجداً طرفداری مینمایند .

بهرحال این نکته ازجمله موضوعاتی‌است که پس ازالغاء حکومت نظامی و تصویب قانون اساسی وتجدید فعالیت احزاب سیاسی روشن خواهد شد .

پاکستان ظرف چند سال اخیر از نظر پیشرفتهای اقتصادی موفقیت‌های زیادی را پیدا نموده ولی برای وصول بهدفهای اقتصادی خود هنوز راه طولانی و پر فراز ونشیبی را در پیش دارد .

# کلیاتی از اقتصادیات پاکستان

# کلیاتی از اقتصادیات پاکستان

**الف ـ کشاورزی**

کشور پاکستان که از تـاریخ چهاردهم اوت سال ۱۹۴۷ بصورت جمهوری مستقل درآمده ازدوقسمت غربی وشرقی تشکیل شده که هریك ازدیگری درحدود یك هزار وصد میل فاصله دارد .

این فاصله موجود بین دوقسمت پاکستان غربی و شرقی نه‌تنهـا درسیاست عمومی این کشور مؤثراست بلکه دولت پاکستان مجبور شده که به‌تناسب اختلاف آب وهوا و رطوبت وشرائط کشت‌کار در هریك ازاین دوقسمت برای هریك ازدو منطقه پاکستان غربی وشرقی برنامه اقتصادی مشخص ومتفاوتی را تنظیم و بمورد اجرا بگذارد .

مثلا در حالیکه پاکستان شرقی از نقطه نظر داشتن رودخانه‌هـای پرآب و سیلاب‌های فصلی‌ازآب مستغنی است و گاهی هم وفورآب وجریان سیلاب‌های شدید خساراتی را بمزارع این منطقه وارد می‌آورد ، برعکس اهالی و مزارع پاکستان غربی ازنظر کم آبی وخشکی درمضیقه بوده وباآنکه‌پروژه‌های سد سازی وآبیاری دراستانهای پنجاب وسند وبلوچستان یکی پس‌ازدیگری بمورد اجراء گذارده میشود مع‌الوصف عملـیات ساختمانی دولت هند در روی رودخانه های پنجاب ( راوی ـ بیاس ـ جهلم ـ ستلج ـ چناب ) سرتاسر استانهای نامبرده را بسختی مورد تهدید خشکی و کم آبی قرارمیدهد .

درحالیکه درمنطقه‌پاکستان شرقی برنج غذای‌اکثریت ساکنین‌آنراتشکیل داده وتنها محصول صادراتی آن کنف است درپاکستان غربی مردم معتاد به‌مصرف گندم بوده وعلیرغم نداشتن هیچگونه محصول صادراتی دولت مجبور است که هر

سال مبالغ معتنابهی ارزحاصله از فروش محصول صادراتی کنف خودرا بمصرفوارد کردن مواد خوراکی و بندمورد احتیاج اهالی منطقه پاکستان‌غربی برساند.

ازاین گذشته همانطوریکه گفته شدچون درپاکستان شرقی وفورآب‌وسیلاب های شدید مزارع و کشتزارها را هرسال تهدید مینماید قسمت اعظم بودجه‌عمرانی دولت‌درآن جناح‌بمصرف ساختمان سدهای انحرافی و سیل گردان میرسد و حال آنکه در پاکستان غربی بخصوص درمناطق سند و کلات که صحاری‌خشك وسوزان وجود دارد دولت بیشتربودجه خود را بساختمان سدهای کوچك وبزرگ‌وبمنظور تأمین‌آب برای‌آبیاری مناطق لم‌یزرع اختصاص میدهد.

مسئله دیگری که اقتصاد پاکستان از بدوتأسیس این کشور با آن مواجه بوده ومیباشد موضوع تکثیر توالد و تناسل نفوس است بدین معنی کـه بقرار یك آمار دقیق‌هرساله‌تعدادنهصدهزارنفر بتعداد هشتادوسه‌میلیون‌نفوس این کشوراضافه میشوند واگردولت برای تأمین‌خوراك این افرادفکراساسی نکندخطرورشکستگی اقتصادی کشور را تهدید مینماید.

با شرح مطالب بالا بخوبی‌استنباط میشود که دولت پاکستان از آغازتأسیس ناگزیر بوده که سیاست اقتصادی خود را بر اساس سیستم اقتصاد کشاورزی استوار سازد و دولتهائیکه برسرکارآمده‌اندپیوسته‌سعی نموده‌اند که‌مملکت را از حیث‌مواد خوراکی وارزاق مستغنی سازند و با تهیه محصول غذائی شکم مردم را سیرو بـا افزایش محصول کنف بتوانند مقداربیشتری از آنرا بخارج صادر و ارزکافی برای اجرای پروژه‌های صنعتی کشور را تحصیل نمایند.

دولت با مطالعات کافی باین نتیجه رسیده که چون قـریب پنج ششم نفوس مملکت را طبقه دهاقین و روستائیان تشکیل میدهند و قریب یك‌سوم اراضی نیز با استفاده ازآب رودخانه‌ها قابل کشت خواهد شد یك برنامه اساسی را برای توسعه

کشاورزی پاکستان تنظیم نمایدتا ضمن اینکه به آبیاری وتوسعه محصول کشاورزی مملکت کمك میکند باساختمان کارخانجات مختلف و اجرای پروژه‌های صنعتی و تجارتی ببسط صنایع و آشنائی مردم بطرززند گی جدیدنیز اقدام نماید.

بنابراین در سال ۱۹۵۵ اولین برنامه پنجساله کشور بوجودآمد و هدف آن عبارت بود ازافزایش درآمد ملی تامیزان ۲۰ درصد وافزایش درآمد فردی تامیزان ۱۲ درصد.

بودجه‌ای که برای اجرای برنامه پنجساله پیش بینی‌شده بود معادل مبلغ یازده میلیون وششصدهزار روپیه بود که از این مبلغ معادل هشت میلیون روپیه برای اجرای پروژه‌های عمومی وسه میلیون وششصدهزار روپیه برای اجرای برنامه‌های اختصاصی تعیین گردیده بود.

در برنامه پنجساله کشور بموضوع کشاورزی و تأمین ارزاق عمومی بیش از شئون دیگر اهمیت داده‌شده بود ومخصوصاً پیش‌بینی شده بود که با تأسیس مدارس کمکهای روستائی در حدود پنجهزار نفراز رعایا و جوانان کشاورز پاکستانی با اصول جدید کشاورزی آشنائی پیدا کنند و سپس افرادکارآزموده نامبرده دربیست و شش هزار دهکده که فقط یك چهارم دهات پاکستان را تشکیل میدهند مشغول تعلیم سیستم جدید روستائی گردند.

**برنامه آبیاری و پروژه‌های مربوطه:**

در منطقه پاکستان غربی معادل یکصدوسی و یك میلیون اکر (هر اکر ٤٤٨٠ مترمربع) زمین قابل زراعت وجود دارد که بعلت عدم دسترسی به آب فعلا خشك ولم یزرع بوده ودر حال‌حاضر فقط بیست ویك میلیون اکر از این اراضی قابل کشت میباشند.

دولت برای اینکه به آبیاری این مناطق کمك کرده باشد ظرف مدت پنجسال

اخیر در مناطق مختلف پاکستان غربی وشرقی بشرح زیر باحداث کانال انحرافی مبادرت نموده است:

در پاکستان غربی مجموعاً ۱۷۱٤۸ کانال بوسیله دولت و ٥٤١٩ کانال بوسیله مردم احداث شده ودرنتیجه مجموعاً ۲۲۷٥۳ اکرزمین قابل آبیاری گردیده‌اند.

درپاکستان شرقی دولت شش کانال ومردم ٤۷ کانال احداث کرده‌اند ومجموعاً ٤٥۸ اکرزمین قابل آبیاری شده‌اند.

از این گذشته دولت دردوجناح پاکستان شرقی وغربی از محل اخذ کمك مالی از دولتهای امریکا وانگلستان وبرنامه کلمبو (مخصوصاً کانادا) به اجرای چندین پروژه‌وسیع سدسازی وایجاد برق‌موفق گردیده که مهمترین آنها عبارتنداز:

| | | |
|---|---|---|
| سدعظیم ورسك | ۱۸۸/۳میلیون‌روپیه | ۱۲۰هزارا کراراضی آبیاری‌میشوند |
| سد مانگالا | ۹۸۳ « | ۲٦۲ « |
| کورام گارهی | ٤۳ « | ۱۰۰ « |
| پروژه‌های شال | ۱٥٥/٥ « | ۲۷۰ « |
| گود وبارج | ۳۰٤/٤ « | ۲۳۰۰ « |
| غلام محمد بارج | ۲۷۳/۷ « | ۲۷٥۰ « |
| تونسا بارج | ۲۰۹/٦ « | ۷۱۰ اکرزمین آبیاری میشوند |
| کانال‌عباسیه | ۳۸/۳ « | - |
| مانگالامارالالینك | ۱۱۰/٥ « | - |

همچنین در حدود پانزده سد کوچك دیگر درمناطق مختلف پاکستان غربی احداث گردیده که بتوسعه اراضی قابل کشت کمك کرده است.

**پروژه‌های آبیاری و سد سازی درپاکستان شرقی ومخارج آن:**

| | |
|---|---|
| پروژه کارنافولی | ۳۰۲ میلیون روپیه |
| گنگز کوبادك | ۱٦٥ « « |

| | |
|---|---|
| تیستابارج | ۱۱۵ میلیون روپیه |
| تانگون | ۲٦ « « |

با احتساب کلیه‌پروژه‌های نامبرده بالاو برنامه‌های دیگر آبیاری درپاکستان، با اجرای برنامه پنجساله‌اول مجموعاً معادل هفت‌میلیون وششصدوسی هزار اکر زمین در دوجناح شرقی وغربی پاکستان قابل کشت خواهند شد.

ضمناً بقراریکه اداره برنامه پنجساله‌پیش‌بینی‌نموده بود بااجرای‌این‌پروژه‌ها محصول کشاورزی پاکستان بترتیب زیرافزایش پیدا میکند.

| | |
|---|---|
| برنج | ۸ در صد |
| گندم | ۱۲ « |
| کنف | ۱۵ « |
| پنبه | ۲۱ « |
| نیشکر | ۲۲ « |
| چای | ۱۵ « |

**تقسیم آب رودخانه‌ها واختلاف با دولت هندوستان :**

از دامنه کوههای هیمالیا واقع در شمال شبه قاره هندوستان چندرودخانه کوچك وبزرگ سرچشمه می گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

سند (Inous).

جهلم (Jhelum) .

چناب (Chenab) .

راوی (Ravi) .

ستلج ( Sutlej ) .

بیاس (Beas) .

ورودخانه کابل (این رودخانه ازهندو کش سرچشمه میگیرد) .

این رودخانه‌ها پس از طی مسافتی درحدود یکهزار میل در منطقه بهاولپور (Baka_Walpur) تبدیل به‌یك شط عظیمی بنام پنجاب می‌شوند که پس از ۸۰۰ میل طی مسافت دردریای عمان باقیانوس می‌پیوندد .

درمیان شش رودخانه نامبرده دربالا رودخانه سند ازهمه پرآب‌تروطولانی‌تر است وبهمین جهت سرتاسرمناطقی که این رودخانه ازآن عبورمیتماید به‌حوزه سند (Indus basin) معروف است .

درایام قبل ازتقسیم شبه قاره هندوستان تعداد زیادی کانال مختلف در نقاط معینی احداث شده بود که وسیله‌آنها آب رودخانه‌ها برای آبیاری و کشت و زرع باطراف برده می‌شد .

در ماه اوت سال ۱۹۴۷ که شبه قاره هندوستان به‌دوقسمت هند و پاکستان تقسیم گردید مرز دو کشور رودخانه سند را به دوقسمت تقسیم نمود بطوری که قسمتی از این رودخانه درخاك هندوستان و قسمتی دیگر درخاك پاکستان جریان داشت و بهمین ترتیب مناطق حاصل خیزاطراف رودخانه وکانالهای اطراف آن و نفوسی که ازآن استفاده می کردند به‌قسمت هندی وپاکستانی تقسیم شدند .

بدینمعنی که از۱۱۵ کانال انحرافی در روی رودخانه اندوس ۱۰۶ کانال در پاکستان و۹ کانال در هندوستان باقی مـاند واز ۳۲ سد ۳ سد نصیب هند و۲۹ سد نصیب پاکستان گردید .

تاقبل از تقسیم قریب ۲۶ میلیون اکر زمین بوسیله این سدهای انحرافی آبیاری میشدند و پس از تقسیم شبه قاره هندوستان و تقسیم آب رودخانه سند پنج میلیون اکر زمین در خـاك هندوستان و ۲۱ میلیون اکر در پـاکستان آبیاری میشدند .

اراضی مختلفی که بطورطبیعی ازآب رودخانه اندوس استفاده مینمایند قریب ٦٥میلیون اکر است که پس ازتقسیم ١٢٦ کر آن درهند و٣٩ اکر آن درپاکستان واقع گردید .

نفوسی که در دو طرف رودخانه اندوس ازآب آن استفاده میکنند در کشور هند، قریب ٢١ میلیون نفر ودرپاکستان ٢٥ میلیون نفرمیباشند .

بطوریکه مهندسین آبیاری دو کشورهند و پاکستان تخمین زده‌اند رودخانه سند هرسال بطورمتوسط قریب ١٦٨میلیون اکرفیت (Acre feet) آب از دامنه کوه هیمالیا بـا خود همراه می‌آورد که با تخمین مشروحه زیر در کشورهـای هند وپاکستان مصرف میشود :

| | |
|---|---|
| مقدارآبی که بوسیله کانال انحرافی درپاکستان مصرف میشود | ٦٦ میلیون اکرفیت |
| مقدارآبی که بوسیله کانال انحرافی درهند مصرف میشود | « ٩ « « |
| مقدارآبی که درمسیرهدرمیرود | « ١٨ « « |
| مقدارآبی که بدریا میریزد | « ٧٥ « « |

رویهمرفته طول رودخانه اندوس ١٨٠٠ میل می‌باشد ووسعت آن در بعضی نقاط تا ٩ میل میرسد واز حیث پرآبی کاملا شبیه رودخانه نیل درمصر و رودخانه کلورا دو درامریکا می‌باشد .

درقسمت شرقی این رودخانه دورودخانه جهلم وچناب قراردارند که ازلحاظ پرآبی بپای رودخانه سند نمیرسند لکن لااقل نصف آن رودخانه آب دارند وزمینهای اطراف رابخوبی آبیاری میکنند .

دورودخانه بزرگ بنام راوی وستلج ویك رودخانه کوچك بنام بیاس نیز به موازات دورودخانه نامبرده جریان دارد که اکنون سرچشمه این رودخانه‌ها در کوههای هیمالیا و درخاك هند وقسمتهای دیگر آن درخاك پاکستان جریان دارد.

مقدارآب این رودخانه‌ها درزمستان وتابستان متغیراست وجدول زیرمیزان آب هر کدام را درفصول سال به‌میلیون اکرفیت نشان میدهد.

| اسم رودخانه | درزمستان<br>اکتبر ـ مارس | درتابستان<br>آوریل ـ سپتامبر | سالیانه |
|---|---|---|---|
| ۱ـ سند | ٧/٤ | ٥٤/٥ | ٦١/٩ |
| ۲ـ جهلم | ٥/٧ | ١٨/٥ | ٢٤/٦ |
| ۳ـ چناب | ٣/٧ | ١٩/٨ | ٢٣/٥ |
| ٤ـ راوی | ١/٢ | ٥/٢ | ٦/٤ |
| ٥ـ ستلج | ٢/٣ | ١١/٣ | ١٣/٦ |
| ٦ـ بیاس | ٢/٦ | ١٠/٢ | ١٢/٨ |

درمسیراین شش رودخانه که پس ازطی یك مسیر طولانی تبدیل به‌پنجاب میشوند ، درخاك هندوستان وپاکستان قریب٤٦ میلیون نفوس زندگی میکنند که متأسفانه سطح زندگی عمومی اعم از هندی وپاکستانی بسیارپـائین واسف انگیز می‌باشد ودولتهای هند و پاکستان پس از طرح برنامه های عمومی خویش تصمیم گرفته‌اند باطرق جدید واحداث سدهای مجهزازآب این رودخانه‌ها برای‌آبیاری وکشت وزرع وبالا بردن سطح‌زندگی مردم سرزمین خویش اقداماتی‌رابعمل‌آورند.

**تقسیم‌آب رودخانه‌ها واختلاف بادولت هند :**

چون درموقع تقسیم شبه قاره هندوستان قسمت‌اعظمی ازاراضی‌اطراف مسیر

این رودخانه‌ها به کشورپاکستان واگذارشد دولت هند تصمیم گرفت که ازمسیر کوتاه این رودخانه ها از خاك خود حد اکثراستفاده را برای آبادی وآبیاری اراضی اطراف‌آن ببرد و چون سرچشمه و مبدأ این رودخانه‌ها درخاك هند واقع است ازهمان‌اوان تقسیم شبه قاره هندوستان دولت پاکستان نسبت به‌عملیات‌احتمالی دولت هند برای انحراف آب رودخانه ها یا کم کردن مقدار جریان آن درخاك پاکستان اظهارنگرانی نموده ودست باقداماتی زد که مشروح آن درقسمت مربوط به‌مشکلات سیاسی پاکستان همین کتاب مورد بررسی قرارخواهد گرفت .

### فرآورده‌های مهم کشاورزی

**غلات** ـ اگر میزان تولید غلات درسنوات قبل از جنگ ( مقارن سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸) را درنظر بگیریم محصول غلات درسال‌های ۱۹۵۵و۱۹۵۹ درحدود ۹ درصد افزایش داشته واگرتولید غلات رانسبت به هرسرسکنه پاکستان محاسبه نمائیم درحد واقع بواسطه افزایش جمعیت آن کشوردرحدود ۱۰درصدکاهش داشته است .

**۱ـ محصول غلات عمده مطابق مندرجات جدول زیر بوده :**

| نوع غله | سال ۱۹۵٦ | سال ۱۹۵۷ | اراضی زیر کشت درسال ۱۹۵۷ |
|---|---|---|---|
| گندم | ۲۸۵۰۰۰۰ تن | ۳۰۵۰۰۰۰ تن | ۱۱۸۰۷۰۰۰ اکر |
| جو | ۱٤۸۰۰۰ تن | ۱۲٤۰۰۰ تن | ۵٤۳۰۰۰ اکر |
| نی شکر | ۱۲۰٤۲۰۰۰ تن | ۱۲٤۹۱۰۰۰ تن | ۱۰۲٤۰۰۰ اکر |

۴ - برنج

| سال | محصول | سطح زیر کشت | ازدیاد کاهش محصول |
|---|---|---|---|
| ۱۹۵٦ | ۸٤۰۷ تن | ۲۳۰۱۰۰۰۰ اکر | |
| ۱۹۵۷ | ۹۰۵۲ تن | ۲۲٤٤۵۰۰۰ اکر | + ٪۰۷/۷ |

تولید مواد غذائی درپاکستان منظم نمیباشد . اراضی پاکستان غربی بیشتر صحرائی باباران کم و اراضی پاکستان شرقی که یك دلتا را تشکیل میدهد گاهی دچار سیل میشود وبیش ازاندازه آب دارد ، بدین ترتیب کمی باران از یك طرف و سیل از طرف دیگرممکن است توازن بین تولید غذائی و مصرف آنرا بهم بزند . وقتیکه طبیعت مساعداست وقیمت غلات وبرنج دربازارهای دنیا بالا استپاکستان میتواندکلیه احتیاجات داخلیخود راتأمین کرده و صادرات قابل توجهیداشتهباشد و ارزفراوانی بدستبیاورد که بمصرف برنـامه توسعه اقتصادی رسانیده شودهمان طوریکه در سالهای جنگ کره صورت گرفت اما موقعی که سیل و خشك سالی و ملخ و سایر آفات موجب کمی محصول میگردد تأمین احتیاجات غذائی مردم پاکستان باشکالاتی برمیخورد و احتیاج مبرمی بـه کمکهای خارجی ( مانند سالهای ۱۹۵۱ و۱۹۵٤و۱۹۵۳و۱۹۵۲ ) پیدا میشود که دولت آمریکا مقدار زیادی گندم به پاکستان ارسال داشته است .

برای تأمین محصول کافی و احتیاجات مواد غذائی کشور دولت پـاکستان برنامههایوسیع آبیاری ومبارزه باآفاتوجلو گیریازسیلابها( FloodControl ) را بموقع اجرا گذاشته است .

**چای**

| سال | محصول به میلیون کیلو | اراضی زیر کشت بر حسب اکر |
|---|---|---|
| ۱۹٤۷-٤۸ | ۱۳ میلیون کیلو | ۷۰ هزار اکر |
| ۱۹٤۸-٤۹ | ۱۵ » » | ۷۳ » » |
| ۱۹٤۹-٥۰ | ۱۷ » » | ۷٤ » » |
| ۱۹٥۰-٥۱ | ۱۷ » » | ۷٥ » » |
| ۱۹٥۱-٥۲ | ۲٤ » » | ۸۲ » » |
| ۱۹٥۲-٥۳ | ۲۳ » » | ۷۳ » » |
| ۱۹٥۳-٥٤ | ۲۳ » » | ۷٥ » » |
| ۱۹٥٤-٥٥ | ۳٤ » » | ۷٤ » » |
| ۱۹٥٥-٥٦ | ۲۳ » » | ۷٦/٥ » » |
| ۱۹٥٦-٥۷ | ۲۷/۳ » » | ۷٦ » » |

توتون:

| سال | محصول به تن | اراضی زیر کشت |
|---|---|---|
| ۱۹٤۹-۵۰ | ٦۷۰۰۰ تن | ١٦۰۰۰۰ اکر |
| ۱۹۵۰-۵۱ | » ۷۳۰۰۰ | » ۱۷۹۰۰۰ |
| ۱۹۵۱-۵۲ | » ۸۰۰۰۰ | » ۱۸٤۰۰۰ |
| ۱۹۵۲-۵۳ | » ۷۵۰۰۰ | » ۱۷۳۰۰۰ |
| ۱۹۵۳-۵٤ | » ۸۷۰۰۰ | » ۱۹۳۰۰۰ |
| ۱۹۵٤-۵۵ | » ۱۲۷۰۰۰ | » ۲٤۵۰۰۰ |
| ۱۹۵۵-۵٦ | » ۹۰۰۰۰ | » ۱٤۵۰۰۰ |
| ۱۹۵٦-۵۷ | » ۹۱۰۰۰ | » ۱۹۳۰۰۰ |

**۳ - پنبه :**

محصول این الیاف طبیعی درسال‌های گذشته افزایش قابل توجهی داشته‌است.
بیشتر پنبه ازنوع آمریکائی و Desi بوده‌است .
مصرف داخلی آن بواسطه ازدیاد فوق‌العاده کارخانجات ریسندگی‌وبافندگی ترقی فاحشی کرده است .

| سال | محصول | مصرف کارخانجات داخلی | مقدارصادرات |
|---|---|---|---|
| ۱۹۵۰ | ۲۲۱۰۰۰ تن | ۱۸۰۰۰ تن | ۲۱۶۰۰۰ تن |
| ۱۹۵۱ | « ۲۶۴۰۰۰ | « ۲۱۰۰۰ | « ۲۲۰۰۰۰ |
| ۱۹۵۲ | « ۲۵۱۰۰۰ | « ۳۳۰۰۰ | « ۲۴۶۰۰۰ |
| ۱۹۵۳ | « ۳۱۹۰۰۰ | « ۵۹۰۰۰ | « ۲۸۲۰۰۰ |
| ۱۹۵۴ | « ۲۵۶۰۰۰ | « ۱۱۱۰۰۰ | « ۱۴۲۰۰۰ |
| ۱۹۵۵ | « ۲۸۴۰۰۰ | « ۱۵۴۰۰۰ | « ۱۶۸۰۰۰ |
| ۱۹۵۶ | « ۳۰۹۰۰۰ | « ۱۷۱۰۰۰ | « ۱۴۰۰۰۰ |
| ۱۹۵۷ | « ۳۱۲۰۰۰ | | |

**کنف :**

عامل عمده‌ای که درحیات اقتصادی کشور پاکستان نقش مهمی‌را بعهده‌دارد کنف است( دولت پاکستان تقریباً هشتاد درصد مقدارمحصول کنف دنیارا دراختیار دارد و بسرتاسر نقاط جهان صادر میکند) وفقط ارز حاصله از فروش کنف است که سرمایه با ارزش این کشور را تشکیل داده ومخصوصاً در مدت سیزده سالی کـه از عمرحکومت پاکستان میگذرد وطی آن دولت با مشکلات مهم اقتصادی‌مواجه‌بوده فقط درسایه استفاده‌ازارزحاصله‌ازفروش کنف بوده که پاکستان‌ازخطر‌ورشکستگی نجات پیدا کرده‌است ومی‌توان گفت که کنف درحیات‌اقتصادی پاکستان‌همان‌نقشی را ایفامیکند که نفت در اقتصاد ایران وپنبه دراقتصادمصر .

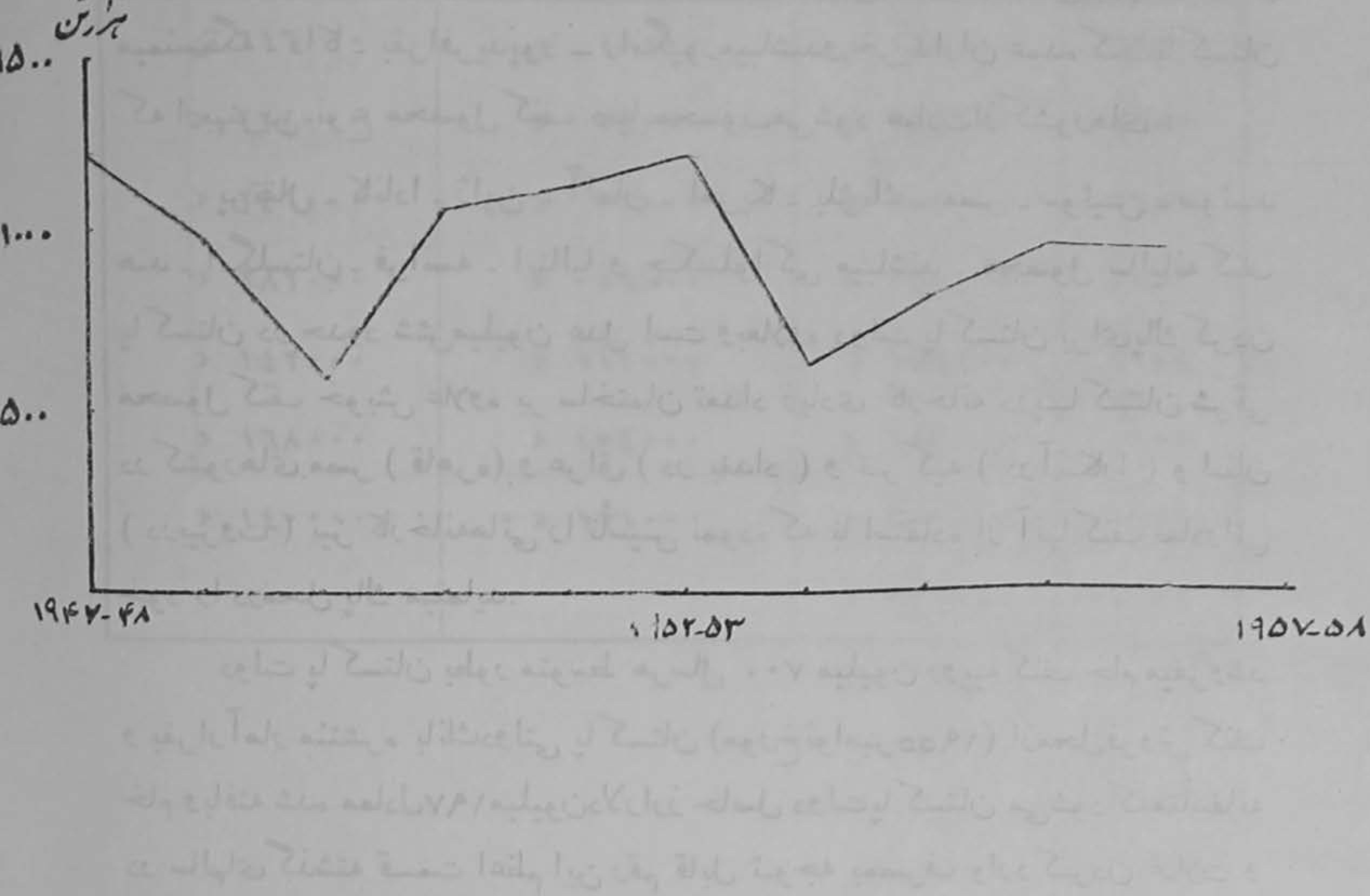
مرکز اصلی کشت کنف در پـاکستان شرقـی است و مناطق مهم کشت آن میمنسنگه - داکا - بقرافریدپور - رانگپورمیباشندو خریداران عمده کنف‌پاکستان که ازبهترین نوع محصول کنف دنیا محسوب‌می‌شود عبارت‌از کشورهای :

پرتقال - کانادا - ژاپن - آلمان - امریکا - بلژیك - مصر - سوئیس - سوئـد هند - انگلستان - فرانسه - ایتالیا و چکسلواکی میباشند . محصول سالیانه کنف پاکستان در حدود شش‌میلیون عدل است وبعلاوه دولت پاکستان برای‌پاك کردن محصول کنف خویش علاوه بر ساختمان تعداد زیادی کارخانه درپـاکستان شرقی درکشورهای مصر ( قاهره) و عراق ( در بغداد ) و تـرکیه ( درآنـکارا ) و لبنان ( دربیروت ) نیز کارخانه‌هائی را تأسیس نموده که با استفاده از آنها کنف صادراتی خود را درمحل پاك مینماید.

دولت پاکستان بطور متوسط هرسال ۷۰۰ میلیون روپیه کنف خام میفروشد و بقرارآمار منتشره بانك‌دولتی پاکستان (مورخ نوامبر۱۹۵۵) ازمحل‌فروش کنف خام وبافته شده معادل۱۹۷میلیون‌دلارارز حاصل دولت‌پاکستان می‌شود که‌متأسفانه در سالهای گذشته قسمت اعظم این رقم قابل تـوجه بمصرف وارد کـردن غـلات و حبوبات برای خوراك وزراعت مردم رسیده است .

# محصول کنف پاکستان درسالهای

## ۱۹٤۷ تا ۱۹۵۷



## تأمین مواد خوراکی و حبوبات :

با مطالعه سطحی تاریخ اقتصاد شبه قاره هند معلوم میشود که دولت هندوستان قبل از تقسیم شبه قاره‌هند هرسال مقادیرزیادی گندم وجو وبرنج ازمناطق پنجاب وسند وبنگال بکشورهای همسایه مانندافغانستان وشیخ نشین‌های‌خلیج‌فارس و یمن وعدن صادر میکرده وحال آنکه پس‌ازتقسیم شبه قاره هندوستان و تشکیل پاکستان باآنکه اکثراراضی حاصلخیز شبه قاره هندوستان مانند جلگه پنجاب‌در اختیار دولت پاکستان قرار گرفته‌مع‌الوصف هیچوقت محصول کشاورزی مملکت کفاف خوراك مردم را نمیداده وهمواره قحطی و کمیابی موادخواروبار مردم رادر مضیقه قرارمیداده است.

مطالعات معموله وسیله‌کارشناسان رسمی نشان داده که قحطی و کمی خوار و بار درپاکستان همواره معلول قاچاق و خروج گندم وجو و برنج از کشور بسایر کشورهای همجوار بوده و مادام که دولت نتواند برای مبارزه با قاچاق برنامه شدیدی اجراء کند هرسال مقدار زیادی ازارز کشور بمصرف‌وارد کردن موادغذائی و حبوبات، ازکشورهای خارج خواهد رسید .

بموجب آماریکه ازطرف وزارت دارائی پاکستان در سال۱۹۵۶ انتشاریافته است ، دولت درفاصله سال۱۹۴۷ که سال تشکیل کشور پاکستان است‌تاسال۱۹۵۵ معادل۱۵۲ میلیون تن موادخوراکی و حبوبات ازکشورهای خارج وارد نموده و بمصرف تأمین تغذیه و بذر کشور رسانیده است ودر سال ۱۹۵۶ رقم واردات گندم ۸۲۹۰۰۰ تن‌ورقم‌واردات‌برنج‌به ۷۵۵۰۰۰تن‌رسیده است‌وازمجموع۷۹۰/۰۰۰/۰۰۰ روپیه که دولت پاکستان تاسال ۱۹۵۶ ازدولت امریکا کمك اقتصادی دریافت‌نموده معادل۹۰/۰۰۰/۰۰۰ روپیه‌آن فقط برای‌وارد کردن دانه‌های نباتی‌وغذائی‌بمصرف

رسانیده شده است.

در مدت سیزده‌سال گذشته دولت پاکستان قسمت اعظم فعالیتهای اقتصادی خود را در زمینه حل مشکلات کمبود غذائی معمول نموده و بیش از چندین کمیسیون مختلف و چندین کارشناس خارجی فقط بمنظور حل این مسئله مشغول فعالیت گردیده‌اند و در نتیجه پس از مطالعه آمار میزان واردات پاکستان برای تأمین مواد غذائی مورد احتیاج بشرح زیر:

| سال | واردات گندم وجو و برنج |
| --- | --- |
| ١٩٤٧ | ١٤ هزارتن |
| ١٩٤٨ | ١٢٥ « « |
| ١٩٤٩ | ٢٠٠ « « |
| ١٩٥٠ | - |
| ١٩٥١ | ٢٢١ « « |
| ١٩٥٢ | ٣٢٥ « « |
| ١٩٥٣ | ٧١٨ « « |
| ١٩٥٤ | ١٣٤ « « |
| ١٩٥٥ | - |
| ١٩٥٦ | ١٥٨٤ « « |

معلوم گردید که میزان واردات کشور فقط بر اثر قاچاق و حتکار مواد غذائی درداخله کشور قوس صعودی را پیموده واگر قرار باشد بدینمنوال پیشرفت نماید دولت میبایستی نه‌تنها ارز حاصله از فروش کنف خود را که تنها سرمایه اقتصادی

پاکستان میباشد بمصرف وارد کردن حبوبات برساند بلکه بایستی کمکهای دیگری را هم که از دول دیگر دریافت میکند بهمین ترتیب خرج نماید .

دولت‌های سابق آنچه درقدرت داشتند برای مبارزه با قاچاق و قحطیهای مصنوعی که هرسال بوجود میآمد بکاربردند ولی متأسفانه دراین مورد تلاش دولت هاظرف یازده سال بجائی نرسید وهرروزقاچاق و کمیابی خوارو باربیشترپاکستان رابخطر ورشکستگی تهدید میکرد وهمین عامل مهم واساسی موجبات عدم رضایت وعدم ثبات اوضاع سیاسی رافراهم نموده و سرانجام به‌انقلاب هشتم اکتبر ۱۹۵۸ منتهی شد .

دولت فعلی پاکستان با اجرای برنامه اساسی مبارزه با قاچاق وتعقیب و مجازات قاچاقچیان وهمچنین تشویق زارعین بکشت بیشتر محصول واعلام برنامه رفورم ارضی در کشور امیدوار است که ظرف سالهای آینده تدریجاً میزان محصول کشاورزی را بالا برده وبالاخره درسال ۱۹۶۲ کشور رابکلی ازوارد کردن محصول نباتی وخوراکی ازخارج مستغنی سازد .

**استقرار رژیم جدید در پاکستان :**

اگرچه کودتای هشتم اکتبر ۱۹۵۸ ژنرال ایوب خان صورتاً درنتیجه هرج و مرج وعدم ثبات اوضاع سیاسی کشور بوجود آمد لکن علت‌العلل بروز کودتا آشفتگی اوضاع اقتصادی وفشار شدید طبقه ملاکین و سرمایه داران بطبقه ضعیف ومحروم بوده‌وبهمین جهت همینکه رژیم جدید برنامه قاطع ووسیعی بمنظورمبارزه باقاچاق واحتکار وتجدید نظر در سیاست اقتصادی وضع و بموقع اجراء گذارد از طرف آحادافراد کشورمورد استقبال قرار گرفت و هنوز نیز برنامه اقتصادی رژیم جدید باشدت وموفقیت پیشرفت مینماید .

اقدامات عمده رژیم جدید در زمینه تحکیم مبانی سیاست اقتصادی پاکستان بقرارزیرمیباشد :

بطورثابت سالیانه معادل ۳۰۰ میلیون روپیه طلای کشور پاکستان بوسیله قاچاقچیان محلی و بین‌المللی ازمرزهای کشور خـارج میشد و اقدامات دولتهای سابق برای جلوگیری ازعملیات قاچاق ثمربخش نبود لکن باروی کارآمدن رژیم جدید وشروع مبارزه باقاچاق ظرف مدت شش هفته‌اول عمراین حکومت معادل با ۱۶ میلیون روپیه طلای قاچاق در کشوربدست‌آمد وبخزانه‌داری تحویل گردید .

همچنین براثرشدت عمل مأمورین‌فرمانداری‌های نظامی کلیه مالیاتهای عقب افتاده که سالها بود مـالیات دهندگان عمده ازپرداخت آن خود داری میکردند تحصیل گردید وبقرارآماری که ازطرف وزارت دارائی انتشاریافت درمدت پنجماه زمامداری دولت جدید معادل ۳۰۰ میلیون روپیه بعنوان مالیات اخذ ومعادل ۹۰ میلیون روپیه ارزخارجی که بطور غیرقانونی دردست مردم باقی بود ضبط گردید.

قابل توجه‌ترین اقدام دولت جدید تنظیم و اجرای برنامه رفورم ارضی درکشوربود که درحال حاضرمرحله مقدماتی اجرای خودراسیرمینماید ودراینجا برای مزید اطلاع کلیاتی ازاین برنامه بشرح زیرخلاصه می‌شود .

## الف ـ اصول رفورم ارضی

درتاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۵۹ دولت پاکستان انجام رفورم ارضی دربخش غربی کشور را بترتیب زیراعلام داشت :

۱ـ یك مالك میتواند پانصد اکر (هراکر ۴۳۸۰ مترمربع) زمین مشروب و ۱۰۰۰ اکرزمین‌دیم داشته باشد ومازادآن بین‌دهقانان تقسیم وقیمت زمین باقساط ۲۵ ساله بمالك پرداخته‌خواهد شد .

۲ـ هرمالك میتواند صرفنظر اززمین مزروعی تا ۱۵۰ اکر نیز بـاغ میوه داشته باشد ، ازاین گذشته شرائط خاصی برای خانواده مالکین بزرگ منظور شده است . درضمن مقرراتی نیز برای کارگران کشاورزی وبهبود زندگی آنها وضع شده است .

۳ ـ حداقل زمینی که غیرقابل تقسیم است ۱۲/۵ اکراست و علت اینموضوع حداقل شرایط خاص آبیاری در پاکستان غربی می باشد .

**ب ـ مشمولین رفورم ارضی :**

سیستم مالکیت زمین در پاکستان بسیار پیچیده است و دراین مورددولت تصمیم خاصی بترتیب زیراتخاذ کرده است .

۱ـ اولین اصل درتقسیم زمین این است که برای هرزمین دومالك وجوددارد یکی مالك معمولی زمین که بآنها بترتیب مذکور در فوق غرامت داده خواهد شد ویکی مالکین نوع خاص که ازدریافت غرامت محرومند وبشرح زیرمیباشند :

یکم ـ دربعضی اززمینها دو مالك وجود دارد یکی ادنی مـالك که صاحب حقیقی زمین است ویکی عالی مالك که ازهراکر زمین مبلغی باج میگرفت .

حق عالی مالك بدون پرداخت غرامت حذف شده است.

دوم ـ در بعضی زمینها دومالك وجود دارد که یکی ازآنها کشاورز ومطابـق عرف مالك زمین است و کسی حق فروش ملك اورا ندارد ودیگری مالك که منافع بسیار ناچیزی اززمین دریافت میدارد وحق هردوی آنها ارثی بود .

اکنون کشاورز ساکن بدون پرداخت غرامت صاحب زمین شده است.

سوم ـ واسطه های مختلف بین کشاورزان و مالکین که هر يك سهم مختصری اززمین میبردند .

این واسطه ها بدون پرداخت غرامت ازمیان برداشته شده اند.

چهارم ـ هنگام اشغال هند بوسیله انگلیسها ببعضی اشخاص بعلت خدمات آنها (بطورشخصی ویابعنوان موروثی) حق گرفتن قسمتی از مالیات دهکده معینی داده میشدوبنابراین سهم مالیات دولت کمترمیگردید و این طبقه جاگیردارخوانده میشدند و اکنون بدون پرداخت غرامت ازمیان رفته اند.

پنجم - وقف بکلی منسوخ شده است ودر مواردیکه وقف بمنظورهای مفید مانند اداره بیمارستان ومدرسه بوده است دولت معادل درآمد موقوفه بصندوق این مؤسسات خیریه میپردازد.

**ج - نحوه انجام رفورم ارضی.**

۱ - کمیته‌ای مرکب ازفرماندار پاکستان‌غربی و چهارنفر دیگر بنام کمیته اجرای رفورم ارضی تشکیل، ومأمورعملی کردن قانون رفورم ارضی گردید.

هر مالك گزارشی درباره مساحت ملك خود بکمیته مزبور میدهد و کمیته با اختیارات تام تقسیم اراضی را بعهده میگیرد.

۲ - تعداد مالکین مشمول رفورم ارضی ۶۰۰۰ نفر ومساحت زمین آنها در حدود ۷/۵ میلیون اکراست.

۳ - چون کشاورزانی که صاحب زمین میشوند احتیاج بسرمایه برای کشت وزرع دارند دولت بوسیله دستگاه‌های زیر اعتبار کافی در اختیار آنهاخواهد گذارد:

یکم - سازمان اعتبار توسعه کشاورزی .

دوم - بانك کشاورزی .

سوم - شرکتهای تعاونی .

٤ - دولت از هم اکنون تبلیغات وسیعی را در باره رفورم ارضی و اجتماعی شروع کرده است ولی با وجود این احتمال میدهد که بعضی مالکین بزرگ ویا روحانیون متولی‌املاك موقوفه باآن مخالفت نمایند .

دولت پاکستان جداً مصمم است که با نهایت شدت اینگونه مخالفت ها را سرکوبی کند .

چنانچه ملاحظه شد رفورم مزبور فقط شامل مالکین بزرگ نمیشود بلکه بکعده واسطه نیز که بر طبق سنت قدیمی سهمی ازدرآمدزمین میبردند از حقوق

خود محروم شده‌اند و بدین‌ترتیب دولت پاکستان بمعنی واقعی کلمه دست بیك انقلاب اجتماعی زده است.

مردم پاکستان بخصوص طبقه جوان و روشنفکر وهمچنین کشاورزان ازاین رفورم بینهایت خوشحال وازدولت خودباغرور وسربلندی سخن می گویند.

شرائط اجتماعی واقتصادی پاکستان نیزبصورتی است که تصور نمیرودحتی باتعویض حکومت کسی بتواند ازاین رفورم جلوگیری کند.

### ب ـ صنایع

**تحول ورشد صنایع در پاکستان :** تولیدصنعتی اززمان تجزیه شبه‌قاره هندوستان و استقلال پاکستان افزایش بسیار سریعی داشته واین کشور نه تنها در مورد تعداد زیادی ازکالاهای مصرفی احتیاجات‌داخلی خود را وسیله ایجاد صنایع مرتفع مینماید بلکه دراین‌قسمت از صنایع جزو کشورهای صادر کننده‌نیز بحساب می‌آید.

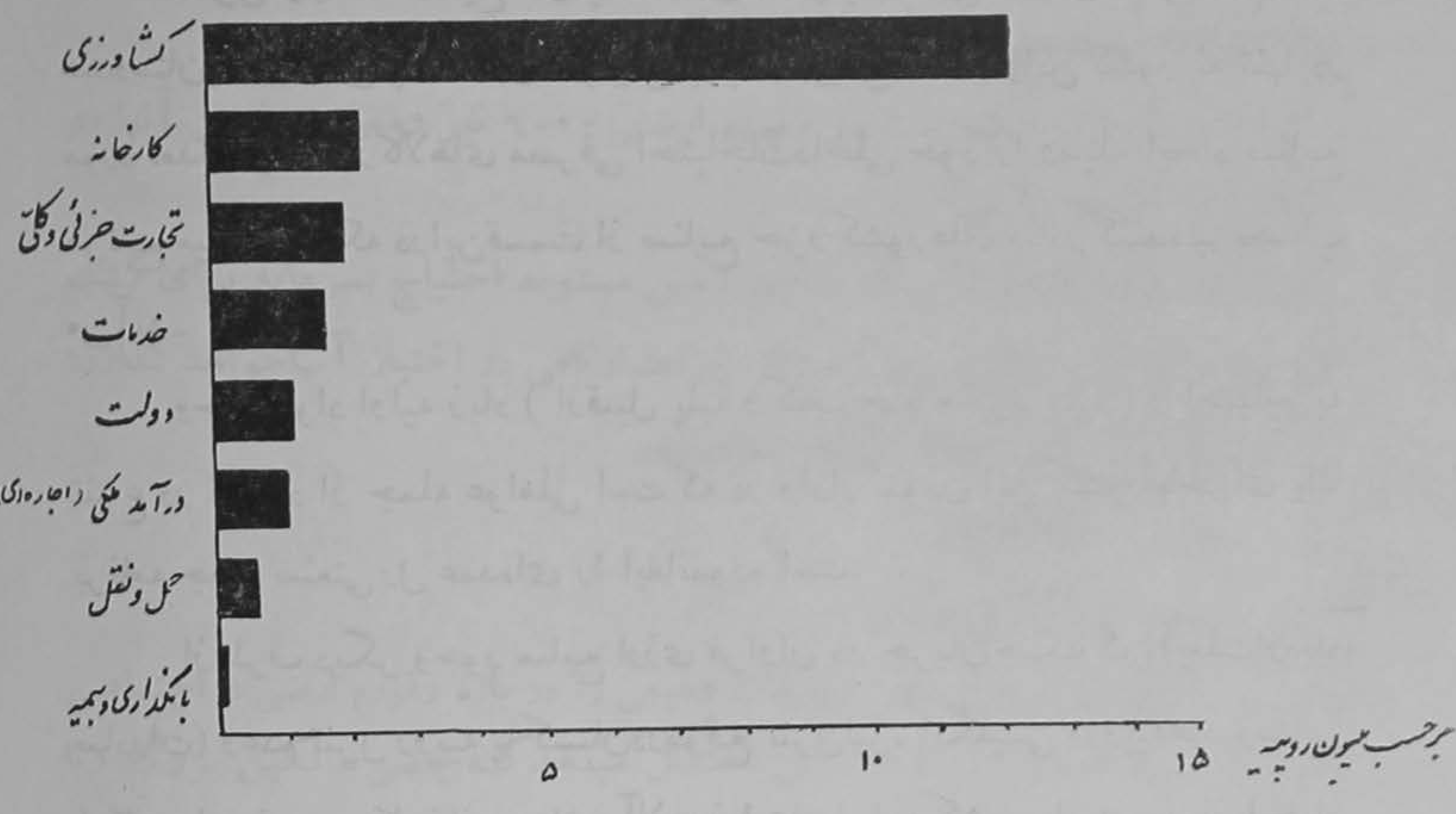
وجود مواد اولیه زیاد ( ازقبیل پنبه و کنف خام وغیره .... ) و احتیاج به تنوع در اقتصاد از جمله عواملی است که در وادار نمودن این کشور باجرای یك برنامه جدی صنعتی رل عمده‌ای را ایفانموده است.

از طرف دیگر وجود منابع ارزی فراوان در جریان‌جنگ کره(بعلت‌ازدیاد صادرات) وعدم تنزل روپیه پاکستان‌درموقع تنزل‌لیره انگلیسی وروپیه‌هندوستانی امکان وارد نمودن کارخانه وماشین‌آلات زیادی را باین کشور داد و بعد از ایجاد این صنایع دولت آنها را وسیله ایجاد سد گمرکی در مقابل خطر رقابت خارجی حمایت نمود.

شرکت‌توسعه‌صنعتی‌پاکستان (PakistanDevelopment Corporation) سرمایه‌های زیادی را در اختیار اربابان صنایع گذارد و درمدت پنج سال ونیم اخیر

# درآمد ملّی پاکستان بر مبنای صنایع

## در سال ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷



۲۶ پـروژه صنعتی از قبیل کارنجات کنف وکاغذ و قند وسیمان و کـود شیمیائی با سرمایه گذاری ٤٩٤ میلیون روپیه بوجودآمده که درحال بهره برداری‌است.

**برنامه صنعتی کردن کشور :**

دولت پاکستان بمنظور تأمین‌صنایع کشور و استفاده از منابع معدنی‌وارضی داخله تصمیم گرفت که بموازات اقداماتی که برای آبیاری اراضی و تهیه خوراك مردم بعمل میآورد برنامه‌ای را نیزبرای صنعتی کردن کشور بموقع اجراء گذارد

بدین‌منظور درسال۱۹۵۵ بموجب برنامه پنجساله Pakistan Industrial Development Corporation را تأسیس نمود وسازمان مزبور ازمحل‌بودجه کل کشور واخذ کمك مالی از دول امریکا وانگلیس و استرالیا چندین پروژه مهم را برای‌صنعتی نمودن کشور بموقع اجراء گذارد .

بموجب آماریکه در ماه‌مارس۱۹۵۹ ازطرف وزارت اطلاعات پاکستان‌انتشار یافت درسازمان مزبور معادل مبلغ ۳۰۰ میلیون روپیه برای صنایع سنگین و مبلغ ۱۷۰ میلیون روپیه برای صنایع کوچك وکارهای دستی‌اختصاص یافته وظرف‌مدت پنجسال اخیرسازمان‌نامبرده موفقیت حاصل نموده که به‌تنهائی یا با همکاری‌سایر صاحبان سرمایه‌های خصوصی با صرف ۹٤۰ میلیون روپیه‌درحدود٤٦ پروژه صنعتی را بموقع اجرا درآورد و در حال حاضر نیز اجرای قریب ۱۷ پروژه را در دست عمل‌دارد.

پروژه‌های مهم صنعتی که ظرف مدت پنجسال اخیر بوسیله سازمان نامبرده اجراء شده بقرارزیر میباشند :

## الف - در پاکستان غربی

| نام پروژه | هزینه | ظرفیت | تعداد کارگر |
|---|---|---|---|
| امانگر تکستایل ( پارچه‌بافی ) | ۱۸/٤ میلیون روپیه | ۷۵۰۰ لیبر | ٦٥۰ نفر |
| کارخانجات استرا | ۱۲/۱ « | ۷۵۰۰ « | ٤٦۱ « |
| کارخانجات سیمان (زیل پاك) | ۲۸/۱ « | ۲٤۰/۰۰۰ لیبر | ٦۳۷ « |
| ماپل لیف (کارخانه‌سیمان ) | ٤۲/۱ « | ۱۱۰/۰۰۰ « | ٥۷۳ « |
| تعمیر گاه کشتی اسکله کراچی | ٤۲/٦ « | تعمیر کشتیها تا ۷/۰۰۰ تن | ٦۸۰ « |
| کارخانه قندجوهر آباد | ۱۰/۸٥ « | ۱۲۰۰۰ تن | ۱۱۰۰ « |
| کارخانه قندچارصدا | ۱٥/٥۱ « | ۱۸/۰۰۰ « | ۹۲٤ « |
| کارخانجات پشمبافی هرنائی | ٥/۰۰ « | ۱۰۰/۰۰۰ دوك | ٥۰ « |
| کارخانه پشمبافی بانو | ٥/۰۰ « | « | ٥٥۰ « |
| کارخانه پشمبافی قائدآباد | ۳/۰۰ « | ٤۰۰/۰۰۰ « | ۲٥۲ « |
| کارخانه شیمیائی پاك امریکا | ۸۰/٥۰ « | ٥۰۰/۰۰۰ « | ۷۰۰ « |
| کارخانه شیمیائی نوشروا | ۲/٦۰ « | ۳٥۰۰ کستیك سودا | ۱۹۰ « |
| کارخانه د . د . ت | ۲/۹۳ « | ۷۰۰ تن | ۱۲۰ « |
| احداث لوله کشی گاز نفت سوئی | ۸٤/۰ « | ۲۲ میلیون کوبیك فیت | ۱۳۰۰ « |
| کارخانه پنسیلین | ۹/۸۸ « | ۷۰۰ میلیون مگایونیت | ـ |
| کارخانه شیمیائی (پاك‌دای) | ٦/۰۰ « | ۲٥۰ تن | ـ |

**ب ـ در پاکستان شرقی**

| نام پروژه | هزینه انجام شده |
|---|---|
| کارخانجات کنف آدامجی شماره ۱ | — |
| کارخانجات کنف آدامجی شماره ۲ | — |
| کارخانجات کنف آدامجی شماره ۳ | ۷۵/۰۰ میلیون |
| کارخانه کنف «پیپل» | ۲۱/۸۹ میلیون روپیه |
| کارخانه کنف «کرسنت» | ۱۷/۵ « « |
| کارخانه کنف امین | ۱۵/۰ « « بظرفیت ۲۲۰/۰۰۰تن |
| کارخانه کنف چیتاگونگ | ۱۵/۰ « « |
| کارخانه کنف کریم | ۷/۰ « « |
| کارخانه کنف دولتپور | — |
| کارخانه کنف لطیف باوانی | ۱۷/۰ « « |
| کارخانه کنف داکا | ۱۰/۰ « « |
| کارخانه کنف نشاط | ۱۰/۰ « « |
| کارخانه کنف جوبیلی | ۳۰/۰ « « |
| کارخانه کاغذ سازی کارنافولی | ۷٤/۰ « « بظرفیت ۳۰/۰۰۰ تن |
| تعمیرگاه کشتی « خلنا » | ۲۳/۵۰ « « |
| تعمیرگاه نیزانگنج | ۱۰/۳۰ « « |
| کارخانه قند رانگپور | ۲۱/۰۰ « « |
| کارخانه ریسندگی «مسلم» | ۲۰/۰۰ « « |

علاوه بر پروژه‌های نامبرده بالا سازمان صنعتی کردن کشور در جناحین

شرقی وغربی پاکستان پروژه‌های زیررا نیزدردست اقدام دارد که قراراست انجام آنها را تاپایان دوره برنامه پنجساله اول سال ۱۹۶۰ بپایان برساند .

**الف ـ درپاکستان غربی**

| | | | |
|---|---|---|---|
| لوله گازنفت درامتداد منطقه سوئی تاشهرمولتان | بامخارج | ۷۷ | میلیون روپیه |
| مرکز کارخانه برق مولتان | « | ۱۳۷ | « « |
| انتقال قوه برق مولتان بشهرلیالپور | « | ۱۶ | « « |

**ب ـ درپاکستان شرقی**

| | | | |
|---|---|---|---|
| پروژه کاغذ سازی شهر «خولنا» | بامخارج | ۱۱۵ | میلیون روپیه |
| کارخانه‌قند ومزارع چغندرکاری تاکورکون | « | ۲۰ | « « |
| کارخانه قندوانگنج | « | ۲۰ | « « |

بطورخلاصه دولت پاکستان موفق گردیده است درظرف مدت کوتاهی مقام قابل توجهی را دربین کشورهای صنعتی منطقه آسیا بدست آورد و ۱۵ درصد از درآمد ملی این دولت از مصنوعاتی بدست می‌آید که در ۷۰۰۰ مؤسسهٔ صنعتی این کشورتولید شده وارزش آن جمعاً بالغ بر ۳۰۰۰ میلیون روپیه می‌باشد .

رژیم نظامی پاکستان درراه توسعه وترقی صنعت پاکستان تسهیلات زیادی را ایجاد و با طرح توسعه و تشویق صادرات وسیله اعطای امتیاز و پاداش بصادر کنندگان موجبات تشویق صاحبان صنایع داخلی رافراهم نموده است .

**فعالیت‌های مربوط به‌اکتشافات نفتی**

یکی ازنقاط ضعف اقتصاد پاکستان کمبود مواد سوختی است وبهمین دلیل مقدارنیروی برق پاکستان بسیارکم است (مقدار نیروی برق پاکستان در موقع تقسیم شبه قاره هندوستان ۷۷۷۰۰ کیلووات بود ودرسال ۱۹۵۵ این مقدار بانضمام

نیروی برق کارخانجات جدیدالاحداث به ۳۴۳۰۰۰ کیلووات ودراواخرسال ۱۹۵۶ تقریباً به ۴۰۰/۰۰۰ کیلووات رسید .)

اکتشاف نفت و گاز ازچندین سال قبل شروع شده است وبا اینکه بتازگی منابع قابل‌توجه جدیدی‌ازنفت کشف نشده مع‌الوصف یك منبع بزرگ گازدرمحل سوئی در ایالت بلوچستان پاکستان کشف گردیده که مقدار گاز تولیدی‌آن ۳/۸ میلیون مترمکعب در روز میباشد . ( قدرت حرارت آن معادل قدرت حرارتی یك میلیون تن ذغال درسال بوده و میتواند این مقدار حرارت را برای مدت ۶۰سال تأمین نماید .)

برای حمل گاز مزبور تا کراچی وبعداً حیدرآباد و سکور ( درایالت سند ) یك لوله بطول ۵۶۳ کیلومتراحداث شده است .

علاوه براین در شمال شرقی پاکستان شرقی نیزمنبع گاز دیگری کشف شده که نوع گاز آن بهتر از گاز منبع سوئی است و مقدار گازآن برای تأمین احتیاجات سی سال‌آینده پاکستان شرقی‌کافی خواهد بود .

برای تصفیه نفت تنهایك تصفیه خانه خیلی کوچك بظرفیت ۷۴۳ تن درروز وجود دارد که برای تصفیه نفت پاکستان کافی بوده وازاین نظررفع احتیاج این کشوررا مینماید .

واردات مواد نفتی در ترازنامه پرداخت پاکستان خیلی سنگین وتقریباً در حدود ۱۰۰ میلیون روپیه درسال میباشد .

## ج - رژیم پولی و بانکی

ضرورت وجود یك توازن قابل توجه درپرداخت‌هاوافزایش تعدادنقشه‌جات عمرانی دولت وترقی فعالیتهای صنعتی وتجاری سبب شده که پول درداخله کشور پاکستان جریان بیشتری پیدا نموده وسپرده‌های بانکی نیز ترقی حاصل نماید .

روی این اصل درسالهای اخیر معاملات تجاری - اوراق بهادار - افزایش وامهای بانکی برای انجام کارهای تولیدی وصنعتی وتأمین نیازمندی سرمایه‌های بکارافتاده جریان محسوس وسریعی داشته وپیش پرداخت های بانکی تا سی برابر افزایش حاصل نموده است .

## اخذ کمك از کشورهای خارجی

دولت پاکستان برای پیشرفت مقاصد اقتصادی خویش ازسال ۱۹۵۰ درصدد برآمد که ازمحل دریافت کمکهای مالی از کشورهای بیگانه وضع عقب افتاده اقتصاد خود را سروصورت داده وعلاوه برتأمین تعادل بودجه کل کشور ازمحل ارز حاصله نیزبرای وارد کردن مواد غذائی استفاده نماید .

بموجب آماریکه دولت امریکا درتاریخ ۲۴دسامبر ۱۹۵۸ درواشنگتن انتشار داد دولت پاکستان ازسال ۱۹۵۰ که شروع باخذ کمك وقرضه از دولت امریکا نموده تا اول سال مالی ۱۹۵۹ معادل مبلغ ۷۲۵/۶۷میلیون دلار دریافت نموده که ازاین مقدارمبلغ ۶۱۷/۱۷ میلیون دلار بعنوان کمك اقتصادی و مبلغ ۱۰۸/۵۰ میلیون دلار وام بوده است .

با در نظر گرفتن کمك و وامی که این دولت درسال مالی ۱۹۵۹ از دولتامریکا اخذ نموده مجموعاً تاپایان سال مزبور کل مبلغ دریافتی پاکستان از امریکا بالغ بر۹۵۲/۵۲ میلیون دلار بوده است .

## طرح کلمبو :

درژانویه سال ۱۹۵۰ وزرای خارجه کشور های مشترك‌المنافع انگلستان بمنظور انجام تشریك مساعی در کشورهای جنوب شرقی آسیا ( پاکستان - برمه - هندوستان - سیلان - نپال - تایلند - ویتنام - لائوس - کامبوج - فیلیپین - مالایا -

سنگاپور - اندونزی - برنئو ) طرحی را پی ریزی نمودند که بموجب آن توافق گردید طی مدت ٦سال(ازسال۱۹٥۱تا ۱۹٥۷)نسبت به تجدیدنظردر امکانات پیشرفت کشورهای نامبرده بالا که جمعاً دارای جمعیتی در حدود ٦۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون نفر ( یك چهارم جمعیت دنیا) می‌باشند اقدامات لازم را معمول دارند .

در سال۱۹٥٥ این طرح بمدت ٦ سال دیگر ( تاسال۱۹٦۱ ) تمدید شد .

با اضافه‌نمودن اینکه کشورهای نامبرده بالادرحال حاضر تقریباً تمام‌محصول کنف و کائوچوی طبیعی‌دنیا وبیشتراز $\frac{۳}{۴}$ ازچای و $\frac{۲}{۳}$ ازقلع و $\frac{۱}{۲}$ ازنفت وروغن‌دنیا را تأمین مینمایند، نمایندگان کشورهای بریتانیا وهندوستان و پاکستان و سیلان واسترالیا وزلاند جدید (از کشورهای مشترك المنافع انگلستان ) برای تشریك‌ مساعی در امور فنی مربوط به کشورهای جنوب و جنوب شرقی‌آسیا انجمنی رادر کلمبو تشکیل داده و موافقت شد که‌در اموربهداشتی وتحقیقات علمی و کشاورزی وفعالیت‌های صنعتی وتعلیم و تربیت این کشورها اقدام لازم معمول شده و وجوه لازم برای انجام این طرحها وسیله کشورهای ذی نفع منطقه نامبرده و کشورهای دیگرمشترك‌المنافع انگلستان وامریکا وبانك بین‌المللی تأمین شود .

هدف طرح کلمبو در پیشرفتهای اقتصادی مشروحه فوق آن است که در کشورهای مورد نظرمناطق زراعتی را سه‌تا پنج‌درصد ، مناطق قابل‌آبیاری شدن‌را هفده در صد ومحصولات غذائی‌راده درصدوتولید نیروی برق راشصت و هفت‌درصد توسعه دهد .

ناگفته نباید گذارد که قسمت کمك‌های فنی سازمان ملل متحد نیز برای اجرای این طرح کارشناسانی را آماده می‌نماید بدون اینکه ازاین بابت هزینه‌ای‌را پرداخت نماید .

**ترقی هزینه زندگی :**

در دوره‌سیزده ساله تشکیل دولت‌پاکستان‌براثرعواملی که عمده‌آنراقاچاق

گندم وطلا وواردات زیاد مواد غذائی تشکیل میداده تدریجاً هزینه زندگی در این کشور قوس صعودی میپیموده است وچون در خلال این ترقی قیمتها حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران ثابت میمانده لذا فشار هزینه زندگی اهالی کشور را دچار تضییقات فراوانی نموده است .

در مناطق شمالی پاکستان غربی براثر احتکار گندم وجو وسایر مایحتاج عمومی قیمتها بقدری بالا رفت که دولت ناگزیر شد بسیاری از اجناس خوراکی راجیره‌بندی نماید .

جدول زیر میزان ترقی بهای زندگی را در خلال دهسال اخیر یعنی ازمارس ۱۹۴۸ تا مارس ۱۹۵۷ نشان میدهد و رقم یکصد حد متوسط هزینه زندگی را نشان میدهد .

| سال | در کراچی | در لاهور | در پاکستان شرقی |
|---|---|---|---|
| ۱۹٤۹-۵۰ | ۹۸ | ۹۳ | ۱۰۳ |
| ۱۹۵۰-۵۱ | ۵۹ | ۸۱ | ۹۸ |
| ۱۹۵۱-۵۲ | ۱۰۰ | ۹۱ | ۱۰٤ |
| ۱۹۵۲-۵۳ | ۱۰٤ | ۹۸ | ۱۰۹ |
| ۱۹۵۳-۵٤ | ۱۱۲ | ۱۰۰ | ۱۰٦ |
| ۱۹۵٤-۵۵ | ۱۰۹ | ۹۷ | ۹۰ |
| ۱۹۵۵-۵٦ | ۱۰٦ | ۹۳ | ۹۹ |
| ۱۹۵٦-۵۷ | ۱۱۱ | ۱۱۰ | ۱۲۵ |

**ذخایر ارزی :**

بطوریکه قبلاً تشریح شد ظرف مدت دهسال گذشته رقم عمده صادرات پاکستان را کنف ورقم عمده وارادت کشور را گندم وجو ومواد غذائی تشکیل میداده ومتأسفانه

چون کشور هر چند سال یکبار باقحطی یا سیل مواجه میگردیده غالباً رقم واردات کشور برصادراتش افزایش داشته چنانکه اعلامیه‌ای کـه در پایـان سال۱۹۵۷ ازطرف‌وزارت‌دارائی پاکستان‌درباره‌میزان‌صادرات‌وواردات کشورانتشاریافت‌حاکی از آن بود که واردات پاکستان در سال مالی ۱۹۵۷ معادل با چهارصد ویك‌میلیون ویکصد هزار روپیه برصادراتش فزونی داشته و همچنین ذخیره ارزی (طلا - دلار - لیره ) دولت نیز درهمان سال بیکهزار و بیست و یك میلیون روپیه رسیده است ( یعنی تاآخر سال ۱۹۵۷ معادل با دویست و چهل و یك‌میلیون وپانصدهزار روپیه کاهش یافته است) .

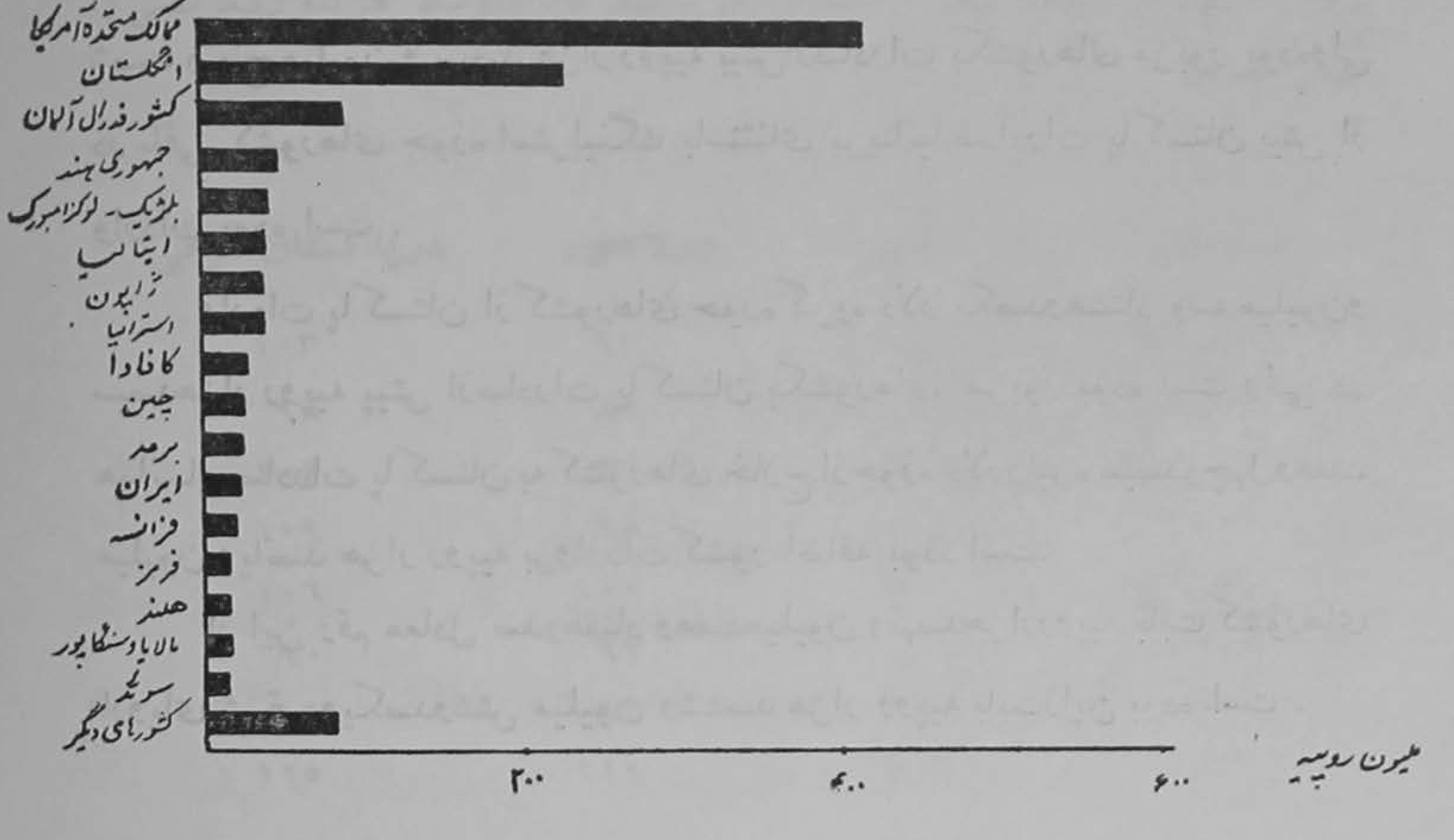
در سال‌مزبور واردات‌پاکستان از کشورهای‌حوزه استرلینگ معادل‌پانصد و شصت و پنج میلیون و سیصد هزار روپیه بیش‌ازصادرات بکشورهای مزبور بوده‌ولی در باقی کشورهای حوزه استرلینگ باستثنای بریتانیا صادرات پاکستان بیش از واردات بوده است .

واردات پاکستان از کشورهای حوزه گروه دلار یکصدوهشتاد وسه میلیون‌و سیصدهزار روپیه پیش ازصادرات پاکستان بکشورهای مزبور بوده است ولـی در همانسال صادرات پاکستان به کشورهای خارج ازحوزه دلارولیره سیصدوچهل‌وهفت میلیون وپانصد هزار روپیه برواردات کشور اضافه بوده است.

از این رقم معادل صدوهفتاد وهفت‌میلیون ونهصدهزارروپیه بابت کشورهای اروپای شرقی ویکصدوشش میلیون وششصد هزار روپیه بابت‌ژاپن بوده است .

# مقدار واردات پاکستان از کشورهای عمدهٔ دنیا

## در ژانویه و ژوئیه سال ۱۹۵۷



## د ـ بازرگانی خارجی

تاقبل اززمامداری ژنرال ایوب خان وضع تجارت خارجی پاکستان گرفتار هرج ومرج بوده وبااینکه وسیله مقامات دولتی کوشش‌هائی برای کنترل تجارت خارجی وواردات معمول می‌شد مع‌الوصف قاچاق مانع ازآن بود که این کوشش به‌نتیجه برسد وناگفته نباید گذارد که کمی ارزهم خود یکی از موجبات تشویق فساد دراساس تجارت خارجی پاکستان محسوب میشد.

برای واردات سهمیه هائی تعیین مینمودند ولی این سهمیه ها اغلب هنگام تعیین دراختیارتجاربزرگ ومتنفذ قرارمیگرفت وآنها نیز بادریافت مبالغی سهمیه را در اختیار تجار دست دوم می گذاشتند و بالنتیجه اجناس به قیمت گرانی تمام شده وامور وابسته به‌صنایع نیزفلج گردیده وتورم مصنوعی بوجود میآمد.

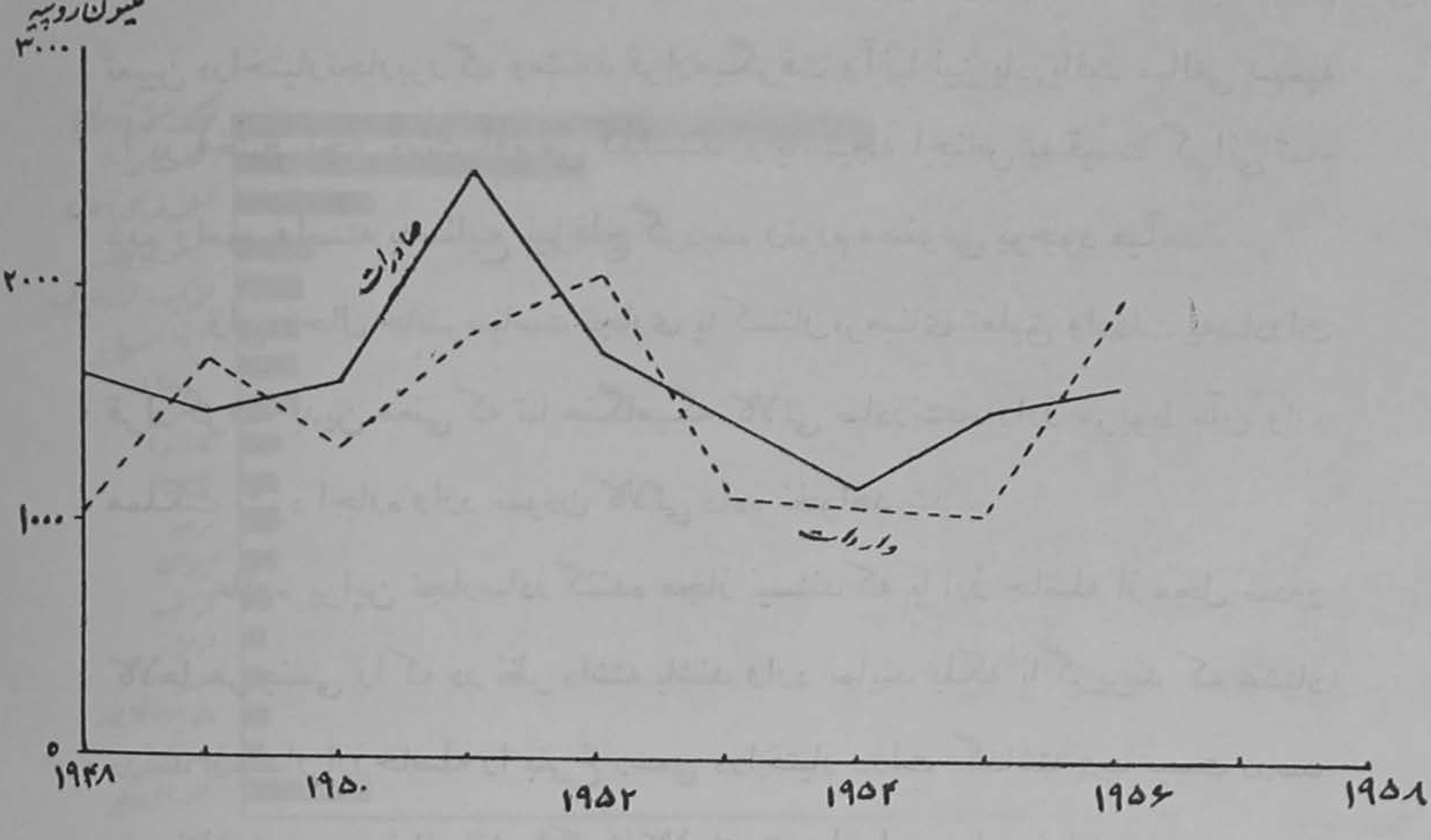
ولی‌درحال حاضرسیاست تجاری پاکستان‌برمبنای تعلیق واردات به‌صادرات قرارگرفته بدین معنی که تا هنگامیکه کالائی صادرنشده وارز مربوط بآن وارد مملکت نشود اجازه وارد نمودن کالائی داده نخواهد شد.

علاوه براین تجارصادرکننده مجاز نیستند که با ارز حاصله از محل صدور کالاها هرجنسی راکه در نظر داشته باشند وارد نمایند بلکه ناگزیرند که هشتاد درصد ازمقدار ارزحاصله را بنرخ رسمی دراختیار دولت گذاشته وبا بیست درصد بقیه کالاهای مورد نیاز بازاررا که ازکالاهای تجملی است وارد نمایند.

دولت نیزبرای مصرف نمودن هشتاددرصد ارزصادراتی درآغازهرسال برنامه صنعتی مربوط بهمان سال راتهیه وباتوجه بآن لیست کالاهای وارداتی مورد لزوم توسعه‌صنعتی کشورراتنظیم وورود کالاهای‌وارداتی‌خارج‌ازاین لیست راممنوع‌مینماید

# جمع کُل صادرات و واردات پاکستان در سالهای

## ۱۹٤۸ تا ۱۹۵۸



برای حمایت صنایع داخلی نیز رویه ممنوعیت در پیش گرفته شده و ورود کلیه کالاهائی که مشابه‌آن درداخل کشورتولید می‌شود ممنوع گردیده است .

**ه ـ بودجه عمومی کشور:**

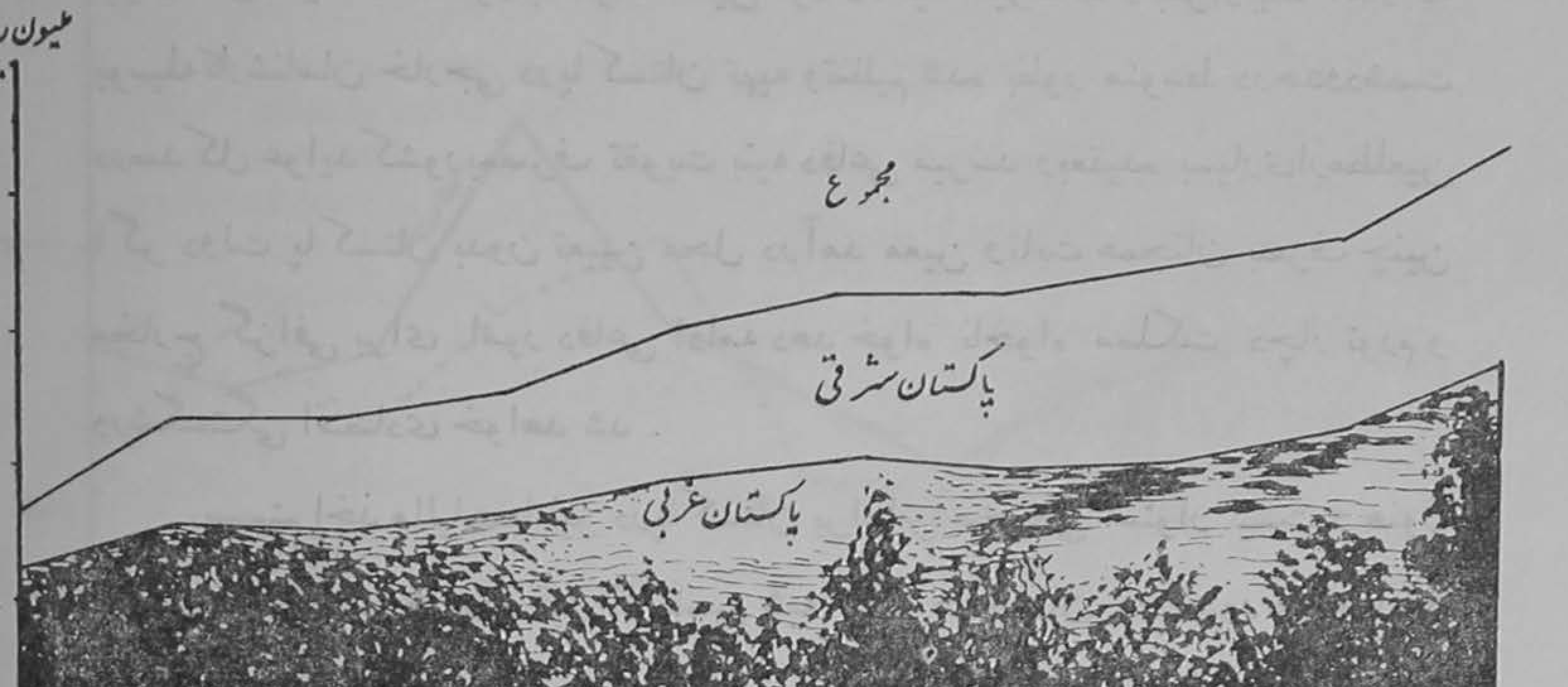
بودجه کل کشور پاکستان از تاریخ تأسیس جمهوری تاکنون بعلت هزینه غیرمتناسب دولت برای خرید تجهیزات ارتش هیچوقت متعادل نبوده و دولت هر سال علاوه برمبالغی که ازمحل کمك نظامی ازدولت امریکا دریافت میدارد مبالغی نیزازمحل عایدات کشور بمصرف تأمین قوه دفاعیه میرساند و بقرار یك آمار که بوسیله‌کارشناسان خارجی درپاکستان تهیه وتنظیم شده بطور متوسط درحدودشصت درصد کل عواید کشوربمصرف تقویت بنیه دفاعی میرسد وبعقیده بسیاری‌ازمطلعین اگر دولت پاکستان بدون تعیین محل درآمد معین وثابت همچنان بصرف چنین مخارج گزافی برای امور دفاعی ادامه دهد خواه ناخواه مملکت دچار تورم و ورشکستگی اقتصادی خواهد شد .

سیستم اخذ مالیات‌ها نیز درپاکستان براساس صحیحی استوار نیست و هنوز قوانین مالی مصوبه دوره قبل از تقسیم شبه قاره هندوستان در کشور مستعمل و متداول است وبهمین جهت چون مالیات دهندگان بزرگ از زیربار دادن مالیات فرارمیکنند قسمت اعظم فشارمالیاتها بدوش طبقه فقیریاطبقه دوم واردمیشود وبهمین جهت درسالهای اخیر عده‌ای از متخصصین مالی سازمان ملل متحد وآلمانی باین کشوردعوت شده‌اند وبرای وضع‌سیستم جدید مالیاتی مطالعاتی‌رامعمول‌نموده‌اند. مالیاتهائی که دولت بطورمستقیم یاغیرمستقیم در کشورجمع آوری میکند وبتناسب مخصوصی برای انجام امور اصلاحی و عام‌المنفعه استانها اختصاص داده میشود بقرارزیراست :

# هزینه های حکومت های استانی پاکستان

در

سالهای مالی ۴۸-۱۹۴۷ تا ۵۷ - ۱۹۵٦



| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| پاکستان شرقی | ۴۵ درصد کل مالیاتهای دریافتی دولت رامیپردازد | | | | | |
| استان پنجاب | ۲۷ درصد | » | » | » | » | |
| استان سند | ۱۲ درصد | » | » | » | » | |
| مناطق شمال غربی پاکستان‌غربی | ۸ درصد | » | » | » | » | |
| بهاولپور | ۴ درصد | » | » | » | » | |
| مابقی استانها | ۴ درصد | » | » | » | » | |

آخرین بودجه متعادل کشور که درسال ۱۹۵۸ ازطرف دولت پاکستان‌تنظیم و بتصویب مجلس شورای ملی مرکزی رسید حاکی بود که جمع کل عایدات کشور به یکهزار و چهارصدوسی وهفت میلیون وششصد هزار روپیه و هزینه کشور معادل مبلغ یکهزار و چهارصدوسی وپنج میلیون‌وچهار صدهزار روپیه میباشد واین بودجه مجموعاً دارای دومیلیون و دویست هزار روپیه مازاد بود.

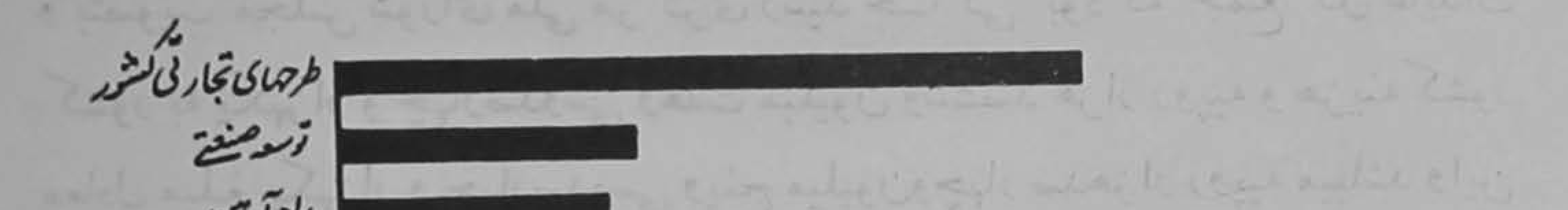
در سال ۱۹۵۸ معادل مبلغ سیصد و چهل و پنج میلیون و پانصد هزار روپیه برای برنامه‌های عمرانی پاکستان شرقی و معادل مبلغ سیصد وچهل وشش‌میلیون و نهصد هزار روپیه بهمین منظور برای پاکستان غربی اختصاص یافته بود.

بموجب قانون بودجه در سال مالی ۱۹۵۸میزان‌بودجه‌دفاعی‌پاکستان‌عبارت از هشتصد وهشت میلیون و پانصد هزارروپیه‌ازمحل سرمایه بوده است یعنی‌مجموعاً معادل یکهزار میلیون روپیه ( ۷۰ در صد کل بودجه کشور ) صرف امور دفاعی‌شده واین مقدار بالاترین رقمی است که از بودجه کشوری در دنیا صرف هزینه دفاعی آن گردیده است.

آقای محمد شعیب وزیر دارائی پاکستان در تاریخ اول آوریل ۱۹۵۹ طی یك نطق رادیوئی متن لایحه بودجه سه ماهه اول سال مالی جاری کشور را باطلاع ملت رسانیده وبلافاصله ازفردای آنروز مقررات جدید اخذ مالیاتها در کشوربموقع

# هزینه‌ها و بودجه کل دولت مرکزی پاکستان

## در سال مالی ۱۹۵۷ - ۱۹۵۸



اجراء گذارده شد .

دوره اجرای این بودجه سه ماه یعنی از تاریخ اول آوریل تا پایان ماه ژوئن - ۱۹۵۹ بود و سال مالی پاکستان که تا کنون از ماه آوریل - مارس شروع میشده به ژوئن و ژوئیه تغییر پیدا کرده است .

نکات قابل توجه در بودجه موقت پاکستان بشرح زیر بود :

۱ - دولت ظرف سه ماهه آینده ۲۰۰/۴٤۰/۰۰۰ روپیه بمصرف اموردفاعی آن کشور خواهد رساند و صرف این هزینه دربرابر ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ روپیه درآمد کل سه ماهه کشور نشان میدهد که تقریباً معادل ۵۵ درصددرآمد کشوردراینمدت کوتاه صرف هزینه‌دفاعی کشور میگردد .

۲ - دربودجه‌سه ماهه‌پاکستان‌میزان درآمدبه ۳۵۰/۱۹۰/۰۰۰روپیه‌ومیزان هزینه عمومی کشور به ۳۵۰/۱۷۰/۰۰۰ روپیه تخمین زده شده یعنی در حدودبیست هزار روپیه درآمد کشور بیش از مخارج میباشد .

۳ - درلایحه موقت اخذ مالیات هیچگونه مالیات جدید بمالیات دهندگان کشور تحمیل نشده و بهمین جهت افکار عمومی لایحه جدید مالیات را استقبال نموده اند .

٤ - در مقررات جدید اخذ مالیات اشل اخذ مالیات از پنجهزار روپیه‌به‌شش هزار روپیه ترقی داده شده است و با ترتیباتی که برای اخذ مالیات از طبقه متوسط درنظر گرفته شده‌است تقریباً بمیزان ۳۱ درصدبمالیات دهندگان ارفاق گردیده‌است

۵ - تا میزان ۲٤۰۰ روپیه در سال ازصاحبان‌خانه هائی که خودشان درآنجا سکنی دارند مالیات اخذ خواهد شد و این میزان نسبت به سابق کاهش یافته است .

۶ - اخذ مالیات تعطیل از صاحبان صنایع وکارخانجات برای مدت دو سال موقوف گردید .

دولت‌ها نیز هریك مانند انسان دارای بیو گرافی مخصوصی هستند. خطوط برجسته این بیو گرافی‌ها آنگاه شناخته می‌شود که تجزیه و تحلیل سیاست و اقتصاد این کشورها بخوبی انجام شده باشد.

**اشپنگلر**

# مشکلات سیاسی پاکستان

# مشکلات سیاسی پاکستان

پاکستان از نظر جغرافیائی قطعه‌ای ازسرزمین‌هندوستان‌است درحالی که از نظر تاریخی مدتی است از آن سرزمین جدا شده وبالنتیجه بـا مشکلات سیاسی و اقتصادی قابل توجهی روبرو گردیده است که در این جا مختصری از اهم ایـن اشکالات را بشرح زیر مورد بررسی قرار میدهیم :

**۱ ـ اختلاف هند و پاکستان :**

چندی قبل جـواهر لعل نهرو نخست وزیـر هندوستان هنگام طرح مسائل مربوط به سیاست خارجی آن کشور درمجلس ضمن‌اشاره بذکر وقایع‌مرزی‌وروابط تیره کشورهای هندو پاکستان اظهار داشته بود :

« قدر مسلم این استکه پاکستانی‌ها با دریافت اسلحه ومهمات از کشورهای متحده امریکا عقیده پیدا کرده‌اند که بدین ترتیب موفق خواهند شد تا اختلافات خـود را بـا هند حـل کنند . بنابراین ما نمی‌توانیم درمقابل این قبیل تهدیدات ساکت نشسته وازطرح مسئله کشمیر در کنفرانس‌هائی‌از قبیل اتحادیه کشورهای جنوب آسیا ( S . E . A , T . O . ) بیم نداشته باشیم » .

ژنرال‌ایوب‌خان‌رئیس‌جمهور جدید دولت‌پاکستان نیز در مصاحبه‌مطبوعاتی مورخ هشتم آبان سال ۱۳۳۷ خود اظهار داشته بود که :

« وی طرفدار حل مسالمت آمیز قضایای کشمیر و اختلافات ناشیه‌ازتقسیم آب رودخانه‌هامی باشد واگر هندیها حاضر بدادن حقوق پـاکستان نشوند دولت پاکستان بجنگ مبادرت خواهد نمود ... »

بنابراین‌باذکراین‌این مقدمه وتوجه باینکه‌درحال‌حاضر اهم‌اختلافات‌موجود

بین دولتین هند و پاکستان را مسائل کشمیر و تقسیم آب رودخانه‌ها تشکیل میدهد
سابقه مختصر تاریخی این مسائل را بشرح زیر مورد مطالعه قرار میدهیم .

**الف ـ مسئله کشمیر :**

کشمیر که دارای جمعیتی در حدود ۴/۱۶۵/۰۰۰ نفر می‌باشد (ازاین عده ۸۷۰/۰۰۰ نفر هندو وسیك و ۵۵/۰۰۰ نفر بودائـی و ۳/۲۴۰/۰۰۰ نفر مسلمان می باشند) از قرن ۱۴ میلادی به بعد تحت حکومت امرای مسلمان اداره می‌شده و پس از مدتی مغول‌های هندوستان آن منطقه را ضمیمه امپراطوری خود نموده و مدت دو سال آنرا تحت تصرف خود نگاهداشته و سپس افغانها بر آن تسلط یافته و تا سال ۱۸۱۹ آنرا در تصرف خود نگاهداری نموده و بالاخره در اوایل قرن نوزده هجری این منطقه ضمیمه کشور جدید التأسیس سیك ( بریاست مها راجه رنجیت سینك ) گردید .

پس از فوت مهاراجه‌رنجیت سینگ در نتیجه جنگی که بین انگلیس ها و سیك‌ها اتفاق افتاد و در سال ۱۸۴۶ به شکست سیك‌ها منجر گردید سیك‌ها منطقه کشمیر را بانگلیس ها وا گذار نموده و دولت انگلستان نیز کشمیر را در ازای خدمات مهاراجا گلاب سینك بمشارالیه فروخته و از آن تاریخ به بعد این خانواده بر کشمیر حکومت نمودند .

**وضعیت کشمیر در موقع تقسیم شبه‌قاره هندوستان :**

در موقع تسلط انگلیس‌ها بر هندوستان کشور هندوستان به دو قسمت تقسیم شده بود که قسمت اول تحت اداره دولت هندوستان و قسمت دیگر که متجاوز از پانصد امارت نشین بود تحت حکومت مهارا جاها ( هندوها) و نواب‌ها (مسلمان‌ها) اداره می‌شدند و ارتباط بین امارات مزبور و حکومت هندوستان فقط وسیله تبعیت

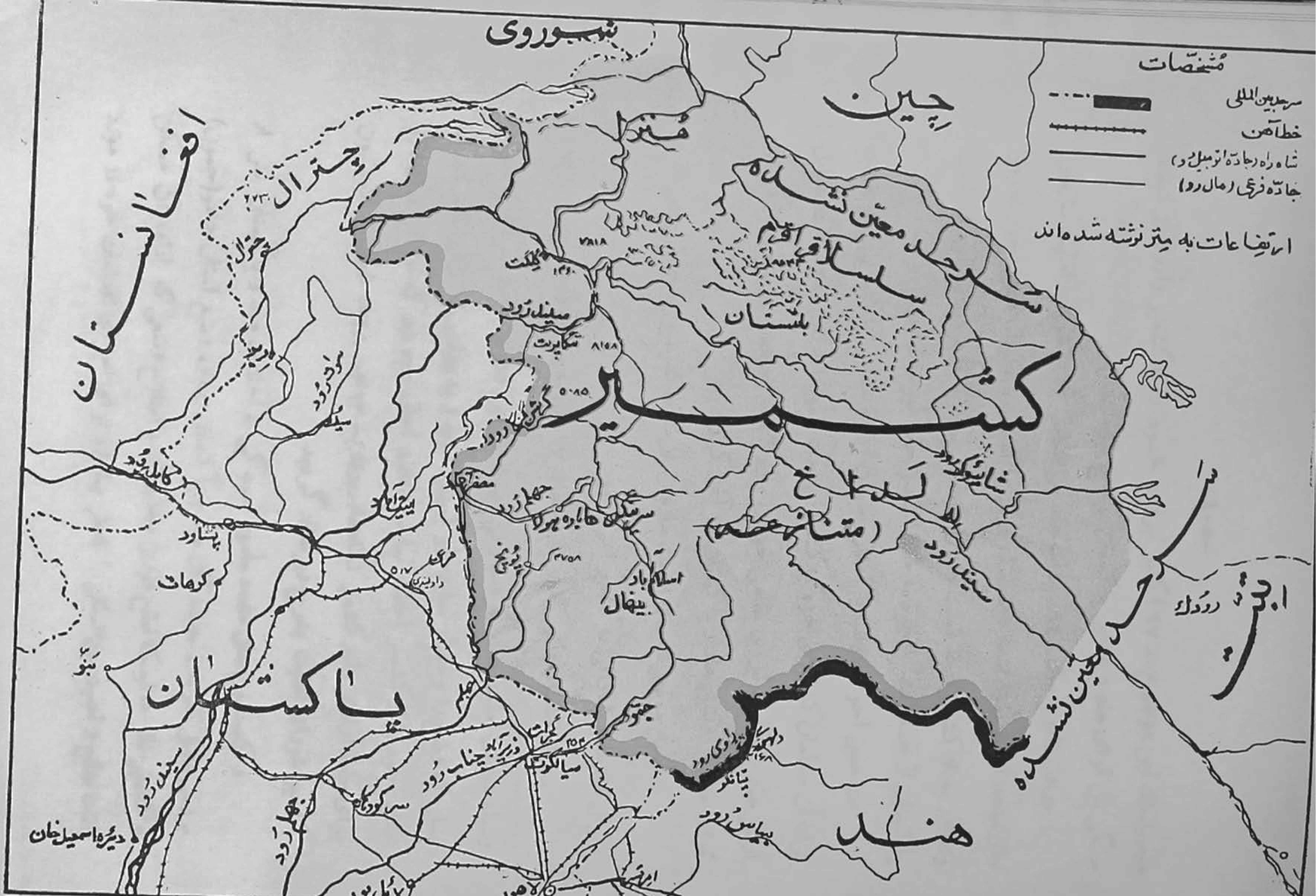
حکام امارات مذکور از پادشاه انگلستان و نایب السطنه هندوستان تأمین می گردید.

**تفویض استقلال:**

هنگام تقسیم شبه قـاره هندوستان به دولت‌های هند و پـاکستان فعلی دولت انگلستان بموجب قانون تفویض استقلال کلیه حقوق خود را بر ؤسای امارات نشین‌ها واگذار نموده و بآنان اختیار داده شد که بنا بر تمایل شخصی می‌توانند بهر یك از دو کشور هند یا پاکستان ملحق شوند و ناگفته نباید گذارد که در قانون مذکور مقرراتی که مانع از حفظ استقلال امارت نشین‌های مذکور شده باشد وجود نداشت.

بموجب آنچه که در فوق گذشت تقریباً کلیه امارت نشین‌ها باستثنای عده کمی از قبیل حیدر آباد و کشمیر که بحالت خود مختاری باقی ماندند بقیه بیکی از دو کشور هند یا پاکستان ملحق گردیدند.

در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹٤۷ مهاراجای کشمیر قرار دادی را با دولتین هند و پاکستان منعقد نمود، وبامضای این قرارداد هریك از دولتین هند وپاکستان امیدوار بودند که بااستفاده از فرصت‌های آتی موجبات الحاق کشمیر را بخاك خود فراهم نمایند اما چون اکثریت قریب باتفاق اهالی کشمیر را مسلمانانی تشکیل میدادند که متمایل به الحاق به پاکستان بودند و از طرفی دولت پاکستان نمی‌توانست با اعمال قدرت موجبات الحاق این منطقه را بخاك خودفراهم نماید، در نتیجه تحریکاتی که وسیله عوامل مختلف در بین عشایر پاتان معمول شد عشایر مزبور به کشمیر تجاوز نمودند و سریعاً بطرف شهر سری ناگار پیشروی نمودند و چون قوای مهاراجای کشمیر نتوانستند از پیشروی عشایر پاتان جلو گیری نمایند مهاراجای کشمیر در تاریخ ۲۶ اکتبر سال ۱۹٤۷ طی نامه‌ایکه بعنوان لورد مونت باتن ارسال نمود با استفاده از قانون تفویض استقلال الحاق خود را به هند اعلام نمود و دولت



مشخصات
سرحد بین المللی
خط آهن
شاه راه (جادهٔ اتومبیل رو)
جادهٔ فرعی (مال رو)
ارتفاعات به متر نوشته شده اند
شوروی
چین
افغانستان
پاکستان
هند
کشمیر
لداخ
(متنازع فیه)
بلتستان
سرحد معین نشده
سلسلهٔ قراقرم
سرحد معین نشده
تبت
چترال
هنزا
گلگت
سینده رود
جهلم رود
مظفرآباد
پونچ
اسلام آباد
بیهال
جمون
سیالکوت
گجرات
وزیرآباد
چناب رود
سرگودها
لاهور
لائل پور
امرتسر
پتانکوت
بیاس رود
ستلج رود
ستلج
راوی رود
کوهات
پشاور
کابل رود
بنو
دیره اسمعیل خان
راولپندی
سینده رود
جهلم رود
کرگل
دراس
شایوک رود
لیه
۸۱۵۸
۵۰۸۵
۷۸۱۸
۱۴۹۰
۲۷۵۸
۵۱۷
۲۵۴

هند باتکای این موضوع در ۲۷ اکتبر نیروی خـود را به کشمیر وارد و در نتیجه جنگی بین قوای هند و عشایر پاکستان بوقوع پیوست .

دراول ژانویه سال ۱۹۴۸ دولت هند طی شکایتی که به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم نمود اشعار داشت که دولت پاکستان باتحریك عشایر خود بهورود وتجاوز بخاك کشمیر، حاکمیت هند را مورد تعرض قرار داده وتقاضانمود که دولت پاکستان از حمله عشایر خود به خاك کشمیر جلو گیری نماید .

در همین احوال دولت پاکستان بعنوان اینکه عشایر پاکستانی که بیاری برادران مسلمان کشمیری خود به کشمیر عزیمت نمودهاند تاب مقاومت در مقابل ارتش هند را ندارند نیروی نظامی خود را وارد کشمیر نموده و در نتیجه جنگی بین قوای نظامی دولتین هند و پاکستان نیز آغاز گردید .

درچنین موقعی شورای امنیت سازمان‌ملل‌متحد کمیسیون تحقیقی رابریاست ژنرال ماك‌ماتن‌کانادائی به کشمیر اعزام نمود .

پس از قطعنامه‌هائی که در تاریخ های ۱۷ ژانویه ۱۹۴۸ و ۲۱ آوریل ۱۹۴۸ وسیله شورای امنیت صادر گردید وطی آنها از طرفین دعوی تقاضا شد که از انجام عملی که وضع را وخیم‌تر نمایدجلو گیری نموده و به دولت پاکستان تکلیف‌شد که عشایر خود را از کشمیر احضار نماید و به‌هند اجازه داده شد که حداقل قوای‌لازم برای حفظ‌آرامش رادر کشمیر نگاهدارددرتاریخ ۱۳اوت ۱۹۴۸ قطعنامه کمیسیون کشمیر شورای امنیت بشرح زیرصادر گردید :

« کمیسیون ملل متحد مأمور رسیدگی به اختلاف هند و پاکستان پس از بررسی دقیق نظریات نمایندگان هند و پاکستان درباره وضع استان جامو(جمون) و کشمیر نظر به اینکه قطع فوری مخاصمات و اصلاح وضعی که ادامه آن ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را بخطر بیندازد برای اجرای اقدامات خود در مورد

مساعدت بحکومتهای هند و پاکستان و حل نهائی قضیه لازم میداند پیشنهاد زیر را بحکومتهای هند وپاکستان تسلیم کند :

**قسمت اول : فرمان آتش بس**

الف ـ حکومتهای هند وپاکستان موافقت مینمایند که فرمانده عالی نیروهای هریك در زودترین تاریخی که باید در ظرف چهار روز پس از موافقت هردوحکومت بااین پیشنهاد تعیین گردد جداگانه دریك زمان به تمام نیروهای تحت فرمان خود در استان جامو و کشمیر فرمان آتش بس بدهند .

ب ـ فرماندهان عالی نیروهای هندی وپاکستانی موافقت مینمایند که از هر گونه اقدامیکه موجب تقویت نیروهای نظامی آنها در استان جامو و کشمیرشود جلوگیری کنند .

( در این پیشنهاد مقصود از نیروها تمام قوای متشکل وغیرمتشکل است که برای طرفین میجنگندیا باآنها همکاری میکنند )

ج ـ فرماندهان عالی نیروهای هند وپاکستان بیدرنك درباره تحولات محلی لازمی که در وضع موجود بعمل آیدو باعث تسهیل درجریان آتش بس باشدبایکدیگر مذاکره خواهند کرد .

د ـ کمیسیون میتواند به میل و تشخیص خود ناظران سیاسی تعیین کند که زیر نظر کمیسیون و با همکاری فرماندهی هردو طرف رعایت جریان آتش بس را مورد نظارت قرار دهند .

**قسمت دوم : قرار داد متارکه جنگ**

هر دوحکومت بلافاصله پس ازقول قطع فوری مخاصمات بشرحیکه درقسمت اول مذکور است برای تنظیم قرار داد متارکه جنگ که جزئیات آن بوسیله نمایندگان آنها و کمیسیون مذاکره تعیین خواهد شد اصول زیرین را خواهند

پذیرفت .

**الف :**

۱ : چون حضور نیروهای پاکستان در خطه جامو و کشمیر تغییر عمده‌ای در وضعیکه حکومت پاکستان درشورای امنیت اعلام داشت بوجود میآورد حکومت پاکستان موافقت مینماید که قوای خود را از آن استان بیرون برد .

۲ ـ حکومت پاکستان حداکثر مجاهده را بعمل میآورد که عشایر و اتباع پاکستان که از سکنه معمولی استان جامو و کشمیر نیستند و به منظور شرکت در جنگ وارد آنجا شده‌اند از آنجا بیرون روند .

۳ ـ تازمان حل نهائی موضوع وپس از تخلیه قوای پاکستان مقامات محلی استان زیر نظر کمیسیون به رتق وفتق امور خواهند پرداخت .

**ب :**

۱ ـ هنگامیکه کمیسیون به اطلاع حکومت هند برساند که عشایر و اتباع پاکستانی مذکور درماده ۲ بند الف ازقسمت دوم خارج شده‌اند و درنتیجه وضعیکه مطابق اعلام حکومت هند به شورای امنیت منجر به حضور نیروهای هندی دراستان جامو و کشمیر شد دگرگون گردید وبعلاوه نیروهای پاکستانی از استان جامو و کشمیر درحال خروج باشند حکومت هند موافقت خواهد کرد که در مراحلی که مورد موافقت کمیسیون باشد به بردن عمده قوای خود از آن استان آغاز کند .

۲ ـ پیش از قبول شرایط حل نهائی موضوع استان جامو و کشمیر حکومت هند حداقل قوای خود را که بنظر کمیسیون برای کمك به مقامات محلی در حفظ نظم و اجرای قانون لازم باشد درحدود مقتضیات زمان آتش بس نگاه خواهدداشت. کمیسیون درهرجا که لازم بداند ناظرانی خواهد گماشت .

۳ ـ حکومت هند تعهد میکند که حکومت استان جامو و کشمیر برای تأمین

صلح و قانون و نظم و تضمین همه گونه حقوق انسانی و سیاسی علنا اقدام کند.

ج :

۱ ــ متن کامل قرارداد متارکه جنگ با اعلامیه‌ای که شامل اصول مربوط بآن باشدومورد توافق دو حکومت و کمیسیون قرار گرفته باشد بلافاصله پس از امضاء به‌اطلاع عموم خواهد رسید

**قسمت سوم :**

حکومت هند وحکومت پاکستان مجدداً تأئید میکنند که وضع آینده استان جامو و کشمیر به اراده مردم‌آن سامان تعیین خواهد شد و برای این منظور پس‌از تصویب قرار داد متارکه جنگ هر دوحکومت موافقت خواهند نمود که بمنظور محقق ساختن شرایط مساعد و منصفانه ای برای آگاهی از اراده مردم با کمیسیون وارد مذاکره شوند.

پس از صدور این قطعنامه در تاریخ ۵ ژانویه سال ۱۹۴۹ وسیله کمیسیون کشمیر شورای امنیت ، قطعنامه دیگری در تکمیل قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ بشرح زیر صادر گردید :

کمیسیون سازمان ملل متحد مأمور رسیدگی به اختلاف هند و پاکستان از حکومتهای هند وپاکستان نامه هائی بترتیب‌بتاریخ ۲۳ دسامبر و۲۵ دسامبر۱۹۴۸ حاکی از قبول اصول زیرین که مکمل قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ کمیسیون میباشد دریافت داشته است.

۱ ــ مسئله الحاق‌استان‌جامو و کشمیر به هند یاپاکستان بشیوه دموکراتیك بایك رفراندوم‌آزاد وبیطرفانه حل خواهد شد.

۲ ــ رفراندوم هنگامی بعمل خواهدآمد که بتشخیص کمیسیون ترتیبات آتش بس و متارکه جنگ مذکور در قسمت اول و دوم قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸

کمیسیون اجراء شده و ترتیبات رفراندوم تحقق یافته باشد .

۳ :

الف -- دبیر کل ملل متحد با موافقت کمیسیون یکی از شخصیتهای برجسته وقابل اعتماد بین‌المللی را برای اداره امور رفراندوم نامزد خواهد کرد و حکومت جامو و کشمیر رسماً وی را به این کار منصوب خواهد داشت .

ب -- مدیر امور رفراندوم برای اجرای رفراندوم و تامین آزادی و بیطرفی آن اختیاراتی را که‌لازم بداند خواهد گرفت .

ج -- مدیر امور رفراندوم حق انتخاب دستیاران و ناظرانی را که‌لازم بداند خواهد داشت .

٤ :

الف -- پس از اجرای قسمت اول و دوم قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹٤۸ کمیسیون و هنگامیکه بتشخیص کمیسیون اوضاع کشمیر مقرون به آرامش باشد کمیسیون و مدیر امور رفراندوم بامشورت حکومت هند تکلیف نهائی نیروهای مسلح‌هندوستان در کشمیر را تعیین‌خواهد کرد . این امر باتوجه به امنیت استان و آزادی‌رفراندوم بعمل خواهد آمد .

ب -- در مورد قلمرو مذکور در ماده ۲ بند الف قسمت دوم قطعنامه ۱۳ اوت تکلیف نهائی نیروهای‌مسلح موجوددر آن‌خطه‌بوسیله کمیسیون‌ومدیر امورررفراندوم بامشورت مقامات محلی تعیین خواهد گردید .

۵ -- همه مقامات کشوری و ارتشی داخل استان و عناصر سیاسی اصلی‌استان باید در تدارکات مقدمات واجرای رفراندوم بامدیر امور رفراندوم همکاری کنند.

٦ :

الف ـ همه اتباع‌استان که بر اثر اغتشاشات مهاجرت کرده‌اند دعوت خواهند

شد و آزاد خواهند بود که به موطن خود باز گردند و از تمام حقوق اتباع استان برخوردار شوند . برای تسهیل باز گشت آنان دو کمیسیون یکی مرکب از نامزدهای هند و دیگری متشکل از نامزدهای پاکستان تشکیل خواهند شد و براهنمائی مدیر امور رفراندوم کار خواهند کرد . حکومتهای هند و پاکستان و همه مقامات داخل استان جامو و کشمیر در اجرای این امر با مدیر امور رفراندوم اشتراك مساعی خواهند داشت .

ب -- همه افرای که از ۱۵ اوت ۱۹٤۷ برای مقاصد غیر قانونی داخل استان شده‌اند ( باستثنای اهالی استان ) بایدآنجا را ترك گویند .

۷ -- همه مقامات داخل استان جامو و کشمیر باهمکاری مدیر امور رفراندوم عهده دار خواهند شد تا :

الف -- در رفراندوم تهدید یا تحمیل یا ارعاب یا ارتشاء یا فشارهای ناروای دیگر نسبت به رأی دهندگان بعمل نیاید ،

ب - فعالیت های سیاسی قانونی در سراسر استان مورد هیچگونه محدویتی قرار نگیرد و همه اتباع استان صرف نظر از عقیده و مذهب و حزب خود بتوانند آزادانه و بدون مخاطره در موضوع الحاق استان به هندیا پاکستان اظهار نظر کنند و رأی دهند و همچنین آزادی مطبوعات و نطق و اجتماع و مسافرت در نواحی استان و از جمله آزادی و رود و خروج قانونی وجود داشته باشد .

ج -- همه زندانیان سیاسی آزاد شوند .

د -- در همه قسمت های استان بقدر کفایت ازاقلیت ها حمایت شود ،

ه -- فریب و خدعه بعمل نیاید .

۸ -- مدیر امور رفراندم میتواند در مورد مسائلی که بمساعدت نیازمند است بکمیسیون ملل متحد مأمور رسیدگی به اختلاف هند و پاکستان رجوع کند و

کمیسیون میتواند اجرای هر قسمت از وظایف خود را که شایسته بداند از مدیر امور رفراندوم خواستار شود.

۹ - مدیر امور رفراندوم درپایان رفراندوم نتیجه رابه کمیسیون وحکومت جامو و کشمیر گزارش‌خواهدداد سپس کمیسیون به‌شورای‌امنیت‌اطلاع خواهد داد که رفراندوم با آزادی و بی طرفی صورت گرفته است یا نه؟

۱۱ - پس ازامضای قرارداد متارکه‌جنگ جزئیات پیشنهادهای فوق‌الذکر با مشورت مقامات مذکور در قسمت سوم قطعنامه‌مورخ ۱۳ اوت ۱۹:۷ کمیسیون تنظیم خواهد شد.

مدیر امور رفراندوم در این مشاوره‌ها دخالت تام خواهد داشت.

کمیسیون حکومتهای هند و پاکستان را میستاید که پیرو موافقت ناشی‌از قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ اقدام‌فوری‌بعمل آوردند تا از یك دقیقه پیش ازنیمه‌شب‌اول ژانویه ۱۹۴۹ فرمان آتش بس بموقع اجراء گذارده شد.

کمیسیون در آینده نزدیك برای اجرای‌وظایفی که براثر قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ و اصول سابق الذکر به آن سپرده شده است به شبه قاره باز خواهد گشت.

با توجه بمقررات مندرجه در این قطعنامه دولتین هند و پاکستان در تاریخ ۲۷ ژانویه سال ۱۹۴۹ موافقت خود را در باره خط آتش بس‌اعلام‌نمودندو به جنگ بین قوای طرفین خاتمه داده شد ولی‌نسبت به‌اجرای مراحل دیگر قطعنامه درمورد خلع سلاح و مراجعه بآراء عمومی مردم تعلل شد واختلاف دو دولت‌باشدت‌وقدرت بیشتری بر جای خود باقی ماند. دولت هند که از مخالفت اکثریت اهالی کشمیر در مورد الحاق به هند اطلاع داشت برای آنکه موقعیت خود رادراین منطقه مستحکم سازد مجلس مؤسسانی را که کلیه ۷۵ کرسی آن‌وسیله‌نمایندگان طرفدار دولت هند اشغال می شد تشکیل داده و وظیفه این مجلس آن بود که

نسبت به امورزیر اتخاذ تصمیم نماید :

۱ - پرداخت غرامت صاحبان املاك پس از رفورم ارضی .

۲ - آینده رژیم سلطنتی کشمیر .

۳ - الحاق کشمیر به پاکستان یا هند

٤ - تهیه قانون اساسی برای ایالت کشمیر

در نتیجه تشکیل این مجلس دولت پاکستان بشورای امنیت شکایت نمود و پس از آنکه نماینده هند ( سر بنگال رائو ) صریحاً به شورای امنیت اطمینان داد که این مجلس مانع اجرای تصمیمات شورای امنیت نخواهد شد شورای امنیت در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۵۱ طی قطعنامه‌ای اعلام نمود که سرنوشت کشمیر بایستی از طریق مراجعه بآراء عمومی مردم تعیین شود و کلیه تصمیمات مجلس مؤسسان درباره الحاق تمام یاقسمتی از خاك کشمیر بیکی از دولتین هندیاپاکستان بلا اثر خواهد بود .

ولی علیرغم این قول و قرار ها مجلس مؤسسان متشکله الحاق کشمیررابه هند موردتصویب قرارداده و پس ازتدوین قانون اساسی برای کشمیر در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۵٦ روز ۲٦ ژانویه ۱۹۵۷ ( روز جمهوری هند ) را روز شروع باجرای قانون اساسی مدونه اعلام نمود .

مجدداً دولت پاکستان برای جلو گیری از اجرای تصمیم وفعالیتهای مجلس مؤسسان بشورای امنیت شکایت نمود و شورای امنیت دو روز قبل از روز جمهوری هند قطعنامه دول انگلستان - امریکا - استرالیا - کلمبیا و کوبا رادایر باینکه وضع کشمیر تاتعیین تکلیف ازطرف شورای امنیت بحال فعلی آن باقی بماندباا کثریت دو رأی موافق و یك رأی ممتنع ( رأی نماینده شوروی ) تصویب نمود ولی دولت هند بدون اعتنا برأی شورای امنیت مجلس مؤسسان را که وظیفه خود را

انجام داده بود منحل نمود .

**نظر دولت‌هند در مورد مسئله کشمیر :**

بطور خلاصه نظر دولت هند در مورد مسئله کشمیر این است که طبق قانون تفویض‌استقلال که درموقع تقسیم‌شبه‌قاره‌هندوستان به‌تصویب دولت‌انگلستان رسیده روسای کلیه امارت نشین های شبه قاره هندوستان اختیار داشته‌اند که به میل خود الحاق خود را بیکی از کشور های هندو یا پاکستان اعلام نمایند و چون مهاراجای کشمیر الحاق خود را به هند اعلام نموده بنا بر این مسئله کشمیر از نظر این دولت حل شده تلقی میشود و در مورد مراجعه به‌آراء عمومی نیز نظر هند این است که چون قوای نظامی پاکستان خاك کشمیر را اشغال نموده اند بنابراین مراجعه به‌آراء عمومی قبل از اینکه قوای نظامی پاکستان خاك کشمیر را تخلیه نماید عملی انجام ناپذیر است .

**نظر پاکستان در مورد مسئله‌کشمیر :**

دولت‌پاکستان عقیده‌دارد که‌اکثریت‌قابل ملاحظه مردم کشمیر‌رامسلمانان تشکیل میدهند وچنانچه مراجعه بآراء عمومی تحت نظر سازمان ملل متحد انجام شود مسلماً اهالی کشمیر الحاق به پاکستان را بر پیوستن به هند ترجیح خواهند داد .

ضمناً دولت پاکستان نظر دولت هند را دایر باینکه روسای امارت نشین اختیار داشته‌اند که تمایل خود رابالحاق بهریك از کشورهای‌هندویاپاکستان اعلام نمایند رد نموده وعقیده دارد که اگر چنین موضوعی جنبه کلی دارد چرا در باره حیدرآباد و جوناگار باین نحو عمل نشده است . توضیح آنکه اکثریت مردم این دو امارت‌نشین‌راهندوهاتشکیل میدادند ولی‌روسای این دوامارت‌نشین مسلمان‌بودند و دولت هند با استناد باینکه‌اکثریت اهالی این دو امارت نشین را هندوها

تشکیل میدهند بدون توجه به تمایل رؤسای آنها قوای خود را باین دو منطقه ( حیدرآباد و جوناگار ) اعزام نموده وآنها راتصرف نموده است .

بنابرآنچه که گذشت مسئله کشمیر مهمترین اختلاف بین هند وپاکستان را تشکیل داده و در مدت سیزده سالی که از تاریخ استقلال پاکستان می گذرد مانع از بهبود روابط دو کشور مذکور بوده و مانع ازآن گردیده است که مردم این دو کشور باهمکاری صمیمانه‌ای در جوار یکدیگر زندگی نمایند و مسئله مهمتر آن است که هریك از دو دولت هند وپاکستان بعلت ناراحتی و سوءظن زیادی که از یکدیگر داشته و دارند بیشتر از ۵۰ تا ٦۰ درصد از بودجه خود را صرف مخارج نیروهای مسلح خود نموده و مینمایند و حال‌آنکه اگر در مورد کشمیر و سایر اختلافاف بین این دو دولت سازشی حاصل شود نه فقط باری اردوش ملتین هند و پاکستان برداشته‌می‌شود بلکه انجام همکاری‌مؤثری در زمینه سیاست واقتصادودفاع مشترك نیز بین این دو کشور امکان پذیر خواهد شد ،

**ب ــ اختلاف ناشی از تقسیم‌آب رودخانه ها :**

از دامنه کوههای هیمالیا واقع در شمال شبه قاره هندوستان چند رودخانه کوچك و بزرك سرچشمه میگیرد که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ -- سند ( Indus )

۲ -- جهلم ( Jhelum )

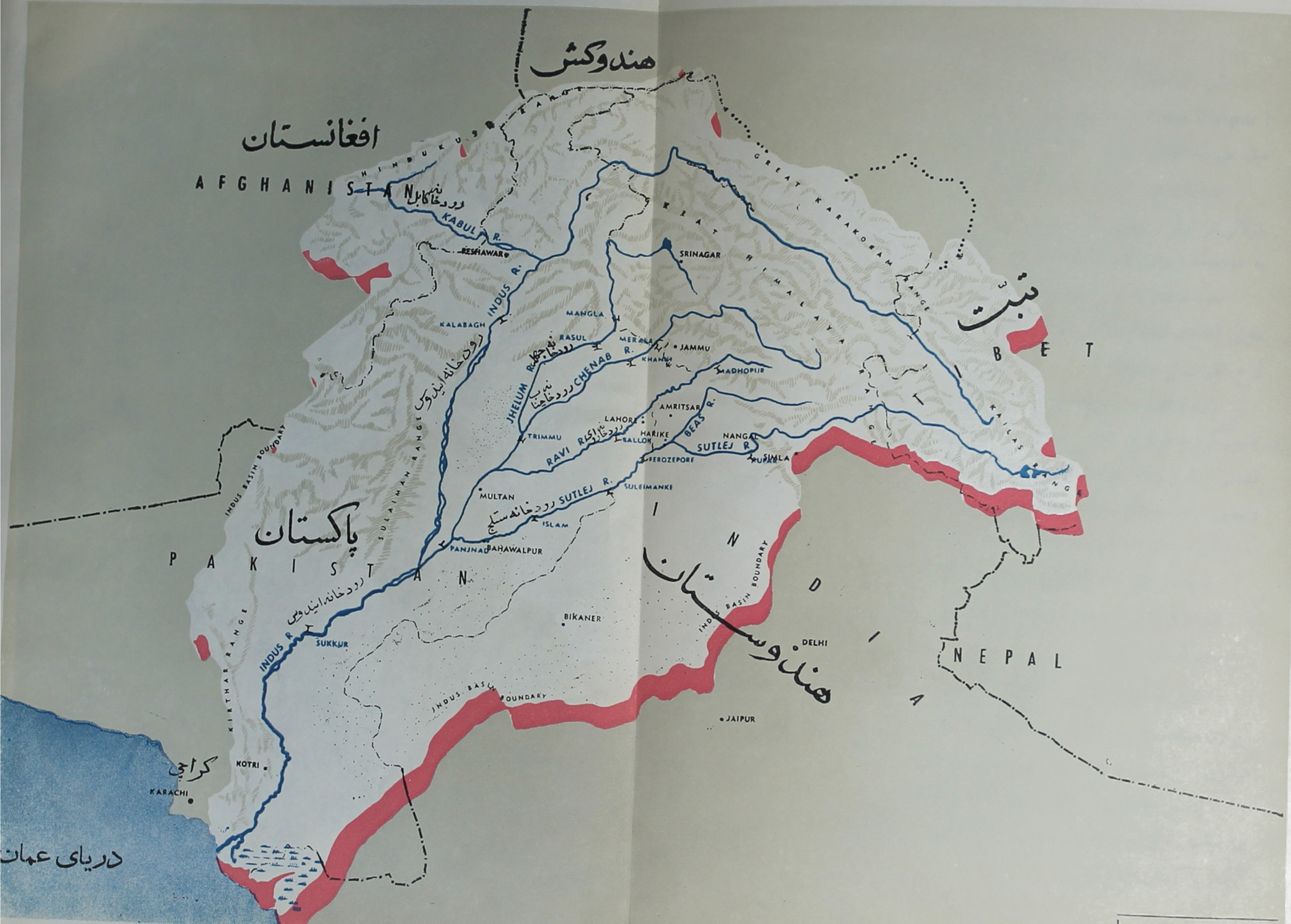
۳ -- چناب ( Chenab )

٤ -- راوی ( Ravi )

۵ -- ستلج ( Sutlej )

٦ -- بیاس ( Beas )

و رودخانه کابل ( رودخانه اخیر از هندو کش سرچشمه میگیرد )



هندوکش
افغانستان
AFGHANISTAN
HINDU KUSH
KABUL R.
رودخانه کابل
PESHAWAR
INDUS R.
KALABAGH
رودخانه ایندوس
SULAIMAN RANGE
MANGLA
RASUL
رودخانه جهلم
JHELUM R.
MERALA
JAMMU
CHENAB R.
رودخانه چناب
KHANKI
SRINAGAR
GREAT HIMALAYA RANGE
GREAT KARAKORAM RANGE
تبت
TIBET
KAILAS
MADHOPUR
AMRITSAR
LAHORE
RAVI R.
رودخانه راوی
HARIKE
BALLOKI
BEAS R.
NANGAL
SUTLEJ R.
SIMLA
FEROZEPORE
TRIMMU
MULTAN
SUTLEJ R.
رودخانه ستلج
SULEIMANKE
ISLAM
PANJNAD
BAHAWALPUR
پاکستان
PAKISTAN
INDIA
هندوستان
رودخانه ایندوس
INDUS R.
SUKKUR
BIKANER
DELHI
NEPAL
JAIPUR
INDUS BASIN BOUNDARY
KIRTHAR RANGE
KOTRI
کراچی
KARACHI
دریای عمان

این رودخانه ها پس از طی مسافتی در حدود یکهزار میل در منطقه بهاولپور ( Baha Walpur ) تبدیل به یك شط عظیمی بنام پنجاب میشوند که پس از ۸۰۰ میل طی مسافت در دریای عمان باقیانوس می پیوندد .

در میان شش رودخانه نامبرده شده در بالا رودخانه سند از همه پرآب تر و طولانی تر است و بهمین جهت سرتاسر مناطقی که این رودخانه از آن عبور مینماید به حوزه‌سند ( Indus BaSin ) معروف است .

در ایام قبل از تقسیم شبه قاره هندوستان تعداد زیادی کانال مختلف در نقاط معینی احداث شده بود که بوسیله آنها آب این رودخانه ها برای آبیاری و کشت و زرع باطراف برده میشد .

در ماه اوت سال ۱۹۴۷ که شبه قاره هندوستان به دو قسمت هند و پاکستان تقسیم گردید مرز دو کشور رودخانه سند را به دو قسمت تقسیم نمود بطوری که قسمتی از این رودخانه در خاك هند و قسمتی دیگر در خاك پاکستان جریان داشت وبهمین ترتیب مناطق حاصل خیز اطراف رودخانه و کانالهای اطراف آن و نفوسی که از آن استفاده میکردند به قسمت هندی و پاکستانی تقسیم شدند .

بدینمعنی که از ۱۱۵ کانال انحرافی در روی رودخانه سند ۱۰۶ کانال در پاکستان و ۹ کانال در هند باقی ماند و از ۳۲ سد ۳ سد نصیب هند و ۲۹ سد نصیب پاکستان گردید .

تاقبل از تقسیم قریب ۲۶ میلیون اکر زمین بوسیله این سدهای انحرافی آبیاری میشدند و پس از تقسیم شبه قاره هندوستان و تقسیم آب رودخانه سند پنج میلیون اکر زمین در خاك هند و ۲۱ میلیون اکر در پاکستان آبیاری میشدند .

اراضی مختلفی که بطور طبیعی از آب رودخانه اندوس استفاده‌مینمایندقریب ۶۵ میلیون اکراست که پس ازتقسیم ۲۶ میلیون اکر آن درهند و ۳۹ میلیون اکر آن در پاکستان واقع گردید .

نفوسی که دردوطرف رودخانه سند از آب آن استفاده میکنند در کشور هند قریب ۲۱ میلیون نفر و در پاکستان ۲۵ میلیون نفر میباشند.

بطوریکه مهندسین آبیاری دو کشور هند و پاکستان تخمین زده‌اند رودخانه سند هر سال بطور متوسط قریب ۱۶۸ میلیون اکرفیت ( Acre - Feet ) آب از دامنه کوه هیمالیا با خود همراه میآورد که با تخمین مشروحه زیر در کشور هند و پاکستان مصرف میشود :

| | |
|---|---|
| مقدار آبی که بوسیله کانال انحرافی در پاکستان مصرف میشود | ۶۶ میلیون اکرافیت |
| مقدار آبی که بوسیله کانال انحرافی در هند مصرف میشود | ۹ میلیون اکرفیت |
| مقدار آبی که در مسیر هدر میرود | ۱۸ « « |
| مقدار آبی که بدریا میریزد | ۷۵ « « |

رویهمرفته طول رووخانه سند ۱۸۰۰ میل میباشد و وسعت آن در بعضی‌نقاط تا ۹ میل میرسد و از حیث پرآبی کاملا شبیه رودخانه نیل در مصر و رودخانه کلورادو درامریکااست.

دو رودخانه بزرگ بنام راوی ، وستلج ، و یك رودخانه کوچك بنام ، بیاس نیز به موازات دو رودخانه نامبرده جریان دارد که اکنون سرچشمه این رودخانه‌ها در کوههای هیمالیا و در خاك هند و قسمتهای دیگر آن در خاك پاکستان جریان دارد.

مقدار آب این رودخانه هادرزمستان و تابستان متغیر است و جدول‌زیرمیزان آب هر کدام را در فصول سال به میلیون اکرفیت ( هر اکرفیت معادل ۴۳۵۶۰ کوبیك فیت میباشد ) نشان میدهد.

| اسم رودخانه | در زمستان | در تابستان | سالیانه |
| --- | --- | --- | --- |
| ۱ - سند | ۷/٤ | ٥٤/٥ | ٦۱/۹ |
| ۲ - جهلم | ٥/۷ | ۱۸/٥ | ۲۲/٦ |
| ۳ - چناب | ۳/۷ | ۱۹/۸ | ۲۳/٥ |
| ٤ - راوی | ۱/۲ | ٥/۲ | ٦/٤ |
| ٥ - ستلج | ۲/۳ | ۱۱/۳ | ۱۳/٦ |
| ٦ - بیاس | ۲/٦ | ۱۰/۲ | ۱۲/۸ |

در مسیر این شش رودخانه که پس از طی یك‌مسیر طولانی تبدیل به پنجاب میشوند در خاك هند و پاکستان قریب ٤٦ میلیون نفوس زندگی میکنند که متأسفانه سطح زندگی عمومی اعم از هندی و پاکستانی بسیار پائین و اسف انگیز میباشد و دولتهای هند و پاکستان پس از طرح برنامه‌های عمومی خویش تصمیم گرفته‌اند با طرق جدید و احداث سدهای مجهز از آب‌این رودخانه‌هابرای‌آبیاری و کشت وزرع و بالا بردن سطح زندگی‌مردم‌سرزمین خویش‌اقداماتی رابعمل‌آورند

چون در موقع تقسیم شبه قاره هندوستان‌قسمت اعظم اراضی اطراف‌مسیراین رودخانه به کشور پاکستان واگذار شد دولت هند تصمیم گرفت که از مسیر کوتاه این رودخانه‌ها در خاك خویش حداکثر استفاده را برای آبادی و آبیاری اراضی اطراف آن ببردو چون سر چشمه و مبدأ این رودخانه ها در خاك هند واقع است از همان اول تقسیم شبه قاره هندوستان دولت پاکستان نسبت به‌عملیات احتمالی دولت هند برای انحراف آب رودخانه ها و یا کم کردن مقدار جریان آن در خاك پاکستان اظهار نگرانی کرد.

دولت هند در همان اوان تقسیم شبه قاره هندوستان با دلائل و براهین و نشان دادن ارقام‌واعداد بدولت پاکستان ثابت کرد که مقدار زمینهای بایراطراف

رودخانه‌های مزبور در پنجاب غربی ( در خاك پاکستان ) خیلی بیشتر از هند است منتهی چون این اراضی غالباً متعلق بدولت پاکستان و جنبه خالصه را دارد دولت پاکستان باین زودی نمیتواند از آب رودخانه‌های مزبور برای آبادی و آبیاری زمینهای خالصه استفاده نماید .

بنابراین اگر دولت پاکستان در آبادی اراضی اطراف رودخانه‌های منطقه پنجاب خودداری یا کوتاهی نماید تقصیری بگردن هند نیست .

ضمناً دولت هند مایل است که از آب رودخانه‌های مزبور برای آبادی و عمران اراضی اطراف آن در خاك هند حداکثر استفاده را بنماید و پاکستانیها هیچوقت راضی نخواهند شد که آب پنج رودخانه از خاك هند بگذرد و ما از این منبع ثروت وتولید وعمران و آبادی بنفع طبقه ضعیف هندی استفاده نکنیم ...»

در قبال اظهارات دولت هند دولت پاکستان معتقد بود چون سر چشمه ومبدأ هر پنج رودخانه در خاك هند می‌باشد و ضمناً اختلافات عمومی بین دو کشور فعلا مرتفع نشده دولت هند هر لحظه میتواند به بهانه‌های سیاسی واقتصادی آب این رودخانه‌ها را از خاك پاکستان منحرف ساخته ومیلیونها نفوس پاکستانی را که در اطراف این رودخانه‌ها زندگی میکنند ازتشنگی و گرسنگی تلف نمایند بهمین جهت در تاریخ ٤ مه ۱۹٤۸ برای جلوگیری ازهر گونه سوء استفاده‌ای از آب این رودخانه‌ها بین دولتین هند وپاکستان قراردادی مشتمل بر هفت ماده تنظیم ودرشهر دهلی ازطرف آقای جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند و غلام محمد فرماندار پاکستان امضاء و مبادله گردید .

در این قرارداد بجای دولت هند کلمه ( پنجاب شرقی ) و بجای دولت پاکستان کلمه ( پنجاب غربی ) ذکر شده واهم مواد این قرار دادآنست که دولتین هند و پاکستان توافق نمودند که هر گونه اختلافات مربوط به استفاده از آب

رودخانه‌های مزبور را بطور مسالمت آمیز در محیط دوستانه حل و فصل نمایند و ضمناً دولت هند موافقت کرده است که آب رودخانه های مزبور را منحرف نسازد و در صورت لزوم قبل از اینکه دولت پاکستان را مطمئن وموافقت وی راجلب نکرده بچنین اقدامی مبادرت نکند و در یکی ازمواد قرارداد نیز پیش بینی شده که طرفین برای حل اختلافات خود بحکمیت مراجعه نمایند .

دو سال بعد ازامضاء این قرارداد دولتین هند وپاکستان برای آبیاری واحیای اراضی موات اطراف رودخانه‌های ستلج و راوی و جهلم پروژه‌هائی تنظیم و برای ساختمان سدهای انحرافی ومولد برق برنامه‌هائی را بموقع اجراء گذاردند .

از جمله دولت پاکستان در پنج سال اول تأسیس موفق گردید پنج سدبزرگ فیروزپور - سلیمانکی - اسلام - پنج ناو و مانگالا را در روی رودخانه‌های ستلج - جهلم و راوی بسازد و قریب ۸/۲۲۵/۰۰۰ اکر زمین را احیا و آبیاری نماید و در سالهای ۵۸ - ۱۹۵۷ این مقدار به ۱۸/۷۴۱/۰۰۰ اکر رسید .

همچنین پروژه‌های دیگر بنام غلام محمد بارج - گودوبارج - تونابارج - کوم گره و غیره در روی رودخانه‌های راوی وستلج واندوس اجرا شدوضمناً مبالغ زیادی از عواید کشور صرف ساختمان کانال‌های انحرافی و تلمبه خانه‌های مختلف برای انتقال آب رودخانه‌ها به اراضی موات در پاکستان غربی رسید .

در قبال فعالیت هائی که دولت پاکستان بشرح بالا برای استفاده از آب رودخانه‌ها می‌نمود دولت هند نیز بیکار ننشسته وطی برنامه پنجساله اول خویش در دهانه‌ها ومسیر رودخانه‌های ستلج و راوی وچناب و جهلم که از کشمیرسرچشمه میگرفتند سدها و کانالهائی را ایجاد و اراضی موات اطراف را آبیاری می‌نمود . منتهی عملیات و اقدامات دولت هند برای استفاده از آب این رودخانه‌ها چون در قسمت ابتدائی مسیر چهار رودخانه نامبرده صورت میگرفت تدریجاً آب

رودخانه‌ها مخصوصاً در تابستان و مواقع خشکسالی رو بکاهش میگذاشت ووقتی آب رودخانه‌ها به منطقه پنجاب غربی درپاکستان میرسید بکلی غیرقابل استفاده بود .

از جمله سدهای مهمی که دولت هند ظرف پنجسال اول روی رودخانه‌های مزبور ایجاد کرده یکی سدمعروف مدهوپور روی‌رودخانه راوی وسدفروزپورروی خط مرزی هند و پاکستان و رودخانه‌ستلج میباشد که در مواقع کم آبی، این‌دوسد بکلی جریان آب رودخانه‌های راوی وستلج را بطرف پاکستان مختل میساخت .

در سال ۱۹۵۳ که آب رودخانه‌ها کاهش یافته بود دولت هند از دولت پاکستان تقاضا کرد که هیئتی از طرف دولت پاکستان برای‌معاینه‌وتحقیق‌محلی به هند مسافرت نمایند و از نزدیك وضع خشگسالی و کم آبی را ملاحظه نمایند .

این هیئت پس از معاینه و باز گشت با یکدیگر اختلاف عقیده پیدا کردند وعده‌ای خشکسالی را بهانه‌ای بیش‌نمیدانستند و دسته دیگرمعتقد بودند که‌سدهای احداثی بهیچوجه در کمی آب تأثیر نداشته است .

بهمین جهت مطبوعات پاکستان حملاتی را علیه دولت هند شروع کردند و چون دولت هند نیز یکبار در آوریل سال ۱۹٤۸ با بستن رودخانه‌های راوی وستلج و قطع جریان آب بطرف کشور پاکستان‌نشان داده بود که بآسانی‌میتواند مناطق حاصلخیز و آباد پاکستان را بی آب گذارده ودچار خشکی‌نمایدلذا دولت پاکستان برای اینکه خود را از تهدید دائمی دولت هند نجات داده باشد بموجب مقررات پیش بینی شده در قرارداد مورخ ٤ مه ۱۹٤۸ منعقد بین دو کشور مصلحت دید که مسئله را برای حکمیت به دیوان داوری لاهه ارجاع نماید .

دولت هند زیر بار این پیشنهاد پاکستان نرفت و مطبوعات هند نوشتند ممکن نیست سرنوشت و حیات و ممات چندین میلیون نفوس هندی و پاکستانی بدست حکم‌های دیوان داوری لاهه‌سپرده شود .

مقامات هندی پیشنهاد کردند موضوع اختلاف مجدداً بیك کمیسیون مشترك هند و پاکستان ارجاع شود تا عده‌ای از متخصصین آبیاری از طرف دولتین هند و پاکستان درباب تقسیم آب رودخانه ها و جلوگیری از اتلاف آب مطالعاتی را بعمل آورند و نظریه خود را بصورت یك پروژه بدولتین متبوع خود تقدیم نمایند.

موضوع اختلاف بر سر استفاده از آب رودخانه‌ها ازسال ۱۹۴۹ بطور دائم بین دولتین هند وپاکستان وجود داشت تاآنکه در چهارم اوت ۱۹۵۱ بر اثر مقاله‌ای که بقلم دیدویدلیلنتال امریکائی مدیر کمیسیون انرژی اتمی و رئیس اداره پروژه دره تنسی امریکا در کلیرز ( **Colliers** ) انتشار یافت و طی آن پیشنهاد شده‌بود که‌این مسئله باید باتوجه بلزوم کمك به زندگی ساکنین اطراف رودخانه ها حل شود، بانك بین‌المللی توسعه و ترمیم حاضر شد که در این موضوع دخالت کرده و پس از مطالعات نظریه خود را بدولتین هند وپاکستان اعلام نماید.

در سپتامبر ۱۹۵۱ آقای اوژن بلاك ( **Mr. Eugene Black** ) مدیر بانك بین المللی توسعه وترمیم‌طی نامه‌ای‌خطاب‌به نخست وزیران هند وپاکستان آمادگی خود را برای قبول دخالت در امر اختلاف بر سر تقسیم آب رودخانه ها اعلام نمود و ضمناً توصیه کرد تاطرفین‌مهندسین ومتخصصین خود را برای مذاکره تحت‌نظارت اولیای بانك بین‌المللی بواشنگتن اعزام نمایند مشروط براینکه در تمام مدتی که مطالعات ومذاکرات‌ادامه دارد هیچ گونه‌اقدامی که سبب کاهش مقدار آب‌رودخانه‌ها گردد صورت نگیرد.

اولیای‌دولتین هندوپاکستان پیشنهادبانك بین المللی رابرای اعزام‌متخصصین بواشنگتن قبول و درماههای مه و ژوئن سال ۱۹۵۲ نمایندگان طرفین در شهر واشنگتن اجتماع نموده وبانظارت نمایندگان بین المللی یك برنامه کلی‌شامل‌نکات زیر را برای استفاده از آب رودخانه ها تنظیم نمودند.

۱ ـ مقدار آب‌کلیه رودخانه های مشترك بین هند و پاکستان در هر سال.

۲ - مقدار آب ضروری برای آبیاری مناطق آباد در هر کشور .

۳ - پروژه های آبیاری طرفین در سالهای آینده .

٤ - برآورد اعتبار مخارج آن .

نمایندگان طرفین برای تقدیم گزارش مطالعات خویش بدولتهای متبوعه به کراچی و دهلی بازگشتند و ضمناً نمایندگان بانك بین المللی باتفاق متخصصین و مهندسین آبیاری دو کشور ظرف مدت شش هفته کلیه مناطق و مسیر رودخانه‌هارا بازدید کرده و بطور تخمین در حدود ۹۰۰۰ میل راه را با هواپیما ، جاده شوسه ، ترن و ازطریق رودخانه ها درخاك هندو پاکستان بدقت مطالعه‌نمودند و درسپتامبر ۱۹۵۳ این سه هیئت ( هندی - پاکستانی - نمایندگان بانك بین‌المللی ) برای اخذ تصمیم نسبت بمطالعات خود در واشنگتن اجتماع نمودند .

اتفاقاً درسالهای۱۹۵۲ و۱۹۵۳ بنا براظهارمقامات هندی رودخانه های راوی‌وبیاس دچار کم آبی شد وخشکسالی در سرتاسر پنجاب شرقی و غربی محصول تابستانی را از بین برد و این اتفاق سبب گردید که در مطبوعات پاکستان علیه قحطی مصنوعی که فکر میکردند بوسیله هندیها ایجاد شده سروصدا راه افتاد و سبب گردید که مذاکرات واشنگتن قدری بتأخیر بیفتد .

در مدتی که مذاکرات واشنگتن دچار وقفه شده بود از طرف مقامات‌مسئول دولت پاکستان و هند گزارشات مختلفی درباب عملیات آبیاری و استفاده از آب رودخانه ها انتشار یافت که در خور توجه میباشد .

دولت هند ادعا میکرد که بموجب آمار سال ۱۹٤۱،دولت پاکستان درمنطقه پاکستان غربی دارای ۲۵ میلیون جمعیت میباشد که از ۳۹ میلیون اکر زمین حاصلخیز که از آب رودخانه سند آبیاری می شود استفاده می نمایند و حال آنکه هند فقط در ساحل رودخانه سند دارای ۲۱ میلیون نفوس میباشد که تنها از ۲٦

میلیون اکر زمین حاصلخیز استفاده مینماید و این تناسب نشان میدهد که دولت هند برای استفاده از آب رودخانه‌های مزبور نسبت به پاکستان مستحق تر میباشد .

همچنین اظهار میداشت که رودخانه‌های سند وجهلم در جریان عبور از خاك هند غالباً از مناطق صعب‌العبور و کوهستانی میگذرد و اهالی هند قادر نیستند از آب رودخانه به ترتیب صحیح استفاده نمایند و ضمناً آب رودخانه‌های راوی و بیاس وستلج که از خاك هند عبور میکنند فقط برابر با آب رودخانه های سند و کابل و جهلم و چناب می‌باشد که در خاك پاکستان جریان دارند .

دولت هند همچنین معتقد بود که چنانچه دولت پاکستان با احداث کانالهای مجهز بتواند رودخانه‌های سند وجهلم را بیکدیگر متصل نماید بخوبی میتواند کلیه مناطق پاکستان غربی را با آب این سه رودخانه آبیاری‌نمایدودیگر احتیاج به آب رودخانه های دیگر که از خاك هند عبور میکنند نخواهد داشت .

ضمناً دولت پاکستان از محل برنامه پنجساله اول موفق گردید یك سد ( بالوکی - سلیمانکی ) بین رودخانه‌های چناب وستلج ایجاد نماید ودرمنطقه سند سفلی نیز مقدمات احداث سد کوتری بارج فراهم گردید . همچنین یك‌پروژه‌بنام ورسك در روی رودخانه کابل بموقع اجراء گذارده شد .

دولت هند نیز در همین مدت یك سد عظیم ذخیره‌ای در روی رودخانه - ستلج بنام سد بها کارامانگا **(Bhakara Manga)** احداث نمود و چندین کانال انحرافی نیز برای آبیاری مناطق مرزی هند و پاکستان در پنجاب شرقی ایجاد کرد .

## پیشنهاد بانك بین‌المللی برای رفع اختلافات .

اولیای بانك بین‌المللی ظرف شش ماه مطالعه در باب پیشنهادات طرفین و تحقیقات مهندسین و متخصصین اعزامی سر انجام باین نتیجه رسیدند که نظریات مهندسین و متخصصین هندی و پاکستانی بقدری با یکدیگر مغایر ومتفاوت است که بهیچوجه نمیتوان نسبت بیکی ازآنها تصمیم گرفت بنابراین اولیای بانك مستقلا یك پروژه خاصی طرح وبرای مطالعه دراختیارنمایندگان اعزامی دولتین هندوپاکستان گذاردند و ضمناً اظهار داشتند که این پروژه‌ها پیشنهاد بانك بین‌المللی برای رفع اختلافات موجود بین هند و پاکستان می‌باشد وبانك حاضر است در مورد اجرای این پروژه هر گونه کمك و مساعدت مالی و معنوی را برای طرفین بعمل آورد .

**خلاصه پیشنهادات بانك بین المللی این بود که :**

آب رودخانه های کابل وجهلم و چناب بجز درمنطقه‌ای که ممکن‌است مورد استفاده اهالی جامو و کشمیرواقع شود متعلق بدولت پاکستان خواهد بود و آب رودخانه‌های راوی و بیاس وستلج متعلق بدولت هند باشد ،

ضمناً طرفین حاضر شوند که برای نقل و انتقال و تقسیم آب رودخانه ها چنانچه مخارجی متحمل شده‌اند بطور عادلانه بیکدیگر بپردازند وحساب خود را تصفیه نمایند .

پیشنهاد بانك بین‌المللی بسیار ساده و بنظر قابل قبول می آمد وچون‌اجرای آن بدون هیچگونه‌اشکالی امکان پذیر بود از طرف کلیه‌محافل بین‌المللی باخوشبینی تلقی گردید . دولت هند ادعا میکرد که پیشنهاد بانك بین‌المللی قدری ظالمانه است زیرا مقدار آب رودخانه‌های راوی و بیاس وستلج که در اختیاردولت هند قرار میگیرد فقط معادل ۲۰ در صد مجموع آب رودخانه هائی است که در اختیار دولت پاکستان قرار میگیرد و بعلاوه در صورتیکه هند حاضر بقبول

پیشنهاد بانک بین المللی میشد نا گزیر بود مبالغ زیادی بابت مخارج ساختمان و احداث سدها و کانالهای انحرافی که بوسیله دولت پاکستان در روی رودخانه هـای راوی و بیاس و ستلج ساخته شده به مقامات کراچی بپردازد .

از پنجم فوریه ۱۹۵٤ تا۲۱ ژوئن همان سال گزارش پیشنهادی بانک‌بین‌الملل در شهرهای دهلی و کراچی مورد مطالعه مقامات هندی وپاکستان قرار گرفت و سرانجام دولت هند موافقت خـود را با پیشنهاد بانک بین المللی و دولت پاکستان موافقت‌مشروط خود را اعلام‌نمودندو ضمناً‌دولت پاکستان خاطر نشان کردچنانچه بانک بین‌المللی در پیشنهادات خود قائل به تجدید نظر شود ( مخصوصاً در مـورد استفاده ازآب رودخانه ها در منطقه کشمیر که درتصرف هندیها بوده ) حاضرخواهد بود پیشنهادات مذکور را بپذیرد .

پاسخ دولتهای هند و پاکستان به پیشنهادات بانک بین المللی چندان‌روشن‌و ساده بنظر نمیرسید و اولیای بانک نمیتوانستند پاسخ های مزبور را مثبت یا منفی تلقی نمایند لذا قریب دو سال تمام پس ازآن تاریخ موضوع اختلاف پاکستان‌وهند بر سرکانالهای‌آبی دچار وقفه شد و مطبوعات هندی و پاکستان در تمام این مدت علیه یکدیگر حملاتی نموده و اتهاماتی زده و محیط را برای مذاکرات نامساعدتر میکردند .

اولیای بانک بین المللی بر اثر خواهش سفرای کبار دول هند و پاکستان یکبار دیگر در سال ۱۹۵٦ برای حل مسئله‌کانالها مجاهدت نمودند و یکبار نیز معاون بانک بین المللی به‌دهلی و کراچی مسافرت نموده و در ماه مه ۱۹۵٦طی‌یک تذکاریه نظریات سابق بانک‌بین‌المللی را به دولتین هندوپاکستان خاطرنشان‌ساخت در این تذکاریه معاون بانک‌بین‌المللی‌درپیشنهادات‌سابق خودقائل به تجدیدنظرهائی

شده بود لکن چون قسمت مربوط به تقسیم آب هم چنان طبق پیشنهاد قبلی تنظیم شده بود برای پاکستان چندان قابل قبول بنظر نمیرسید.

بطوریکه جراید در نوامبر سال ۱۹۵۶ در شهر کراچی اظهار اطلاع نموده بودند دولت پاکستان برای قبول پیشنهادات بانك بین‌المللی شرایط زیر را متقابلا پیشنهاد کرده بود:

۱ــ دولت هند در قبال تحویل کانالهائی که بخرج دولت پاکستان در روی رودخانه های ستلج و جهلم و راوی ساخته شده مبلغ ۱/۳۰۰ میلیون دلار بدولت پاکستان تأدیه نماید.

۲ــ دولت هند مادام که دولت پاکستان سدهاو کانالهای تازه‌ای برای جانشین شدن کانالهائی که تحویل هند میدهد نساخته است آب لازم را برای آبیاری اراضی در اختیار دولت پاکستان قرار دهد،

۳ــ عملیات ساختمانی سد و کانال در کشورهای هند و پاکستان بوسیله یك کمیسیون از مهندسین بین المللی نظارت و کنترل شود.

٤ــ دولت هند بدهکاری خود را بابت کانالها بتدریج بپردازد.

این پیشنهادات مورد قبول بانك بین المللی قرار گرفته لکن دولت هند در قبال پیشنهادات دولت پاکستان سکوت اختیار کرد.

بانك بین المللی در آوریل سال ۱۹۵۷ طی یاد داشتی بدولتین هند و پاکستان پیشنهاد کرد که حاضر است هیئتی برای مذاکرات نهائی و عقد یك قرارداد آبی به دهلی و کراچی اعزام نماید.

دولت هند و پاکستان پیشنهاد بانك بین‌المللی را پذیرفتند وفقط دولت پاکستان قبول پیشنهاد اصلاحی بانك بین المللی را در مورد قرارداد آبی بشرطی پذیرفت که:

اولا ــ در قرار داد بهیچوجه برای تحویل و تحول سدها و کانالها مدت تعیین نشود و مدت می‌بایستی به نسبت سالهائی که ساختمان سدهای جدید طول میکشد پیش بینی شود .

ثانیاً ــ دولت هند بدهی خود را بطور نقد بپردازد که دولت پاکستان بتواند از آن محل سدهای تازه‌ای بسازد .

دولت هند نسبت باین پیشنهاد دولت پاکستان روی خوش نشان نداده و بعلاوه مرور زمان نشان داد که هرچه از تاریخ پیشنهادات بانك بین المللی (سال ـ ۱۹۵٤ ) میگذشت برمناطق حاصلخیز اطراف رودخانه های ستلج و راوی و بیاس در خاك هند افزوده میشد و روی این اصل دولت هند نسبت بقبول پیشنهادات بانك بی میل تر میشد .

این بی میلی حتی بجائی رسید که نزدیك بود بانك بین المللی بکلی خود را از معرکه کنار بکشد ودامنه این اختلافات که قریب شش سال بطول انجامیده بود همچنان کشیده شود .

تاآنکه درآوریل سال ۱۹۵۷ آقای ایلیف ( Iliff ) معاون بانك بین المللی یکبار دیگر برای جلب نظر اولیای دولتین هند وپاکستان باین دو کشور مسافرف نـمود .

آقای امجد علی وزیـر دارائی پاکستان در جلسه ۳۰ اوت ۱۹۵۷مجلس شورای ملی درباره مسافرت آقای ایلیف و موضوع اختلافات بر سر کانال ها چنین اظهار داشت :

« بانك بین المللی درپیشنهادات مورخ فوریه ۱۹٥٤ خویش قائل به تجدید نظر شد وآقای ایلیف در طی مسافرت اخیر خویش پیشنهادات اصلاحی راباتوجه‌به

نظریات دولتین هند و پاکستان بدولتین نامبرده تسلیم کرد و ضمناً به دولتین توصیه کرد که یك قرار دادآبی بایکدیگر امضاء نمایند .

دولتین هند و پاکستان این نظریه اصلاحی را قبول کرده بودند لکن چون در نظریه جدید اصلاحات تازه تری شده‌است دولتین مهلت خواسته‌اند تا ۱۰ سپتامبر سال جاری پیشنهادات یکدیگر را مورد مطالعه قرار دهند وسپس نظریه خود را نفیاً یا اثباتاً اعلام نمایند .

هنوز هیچگونه تاریخی برای ملاقات وزیران یا نخست وزیران دو کشور برای مذاکره یا امضاء قرارداد آبی تعیین نشده است ، لکن ما امیدواریم که با حزم و احتیاط درمحیط کاملا مساعد بتوانیم باحسن نیت اولیای بانك این اختلاف نه‌ساله‌را پایان بخشیم ... »

آقای امجد علی در همان جلسه در پاسخ یکی از نمایندگان ( آقای یوسف هارون ) اظهار داشت در سالهای قبل که تازه‌مذاکرات برای حل اختلافات کانالهای آبی بین دولتین هند وپاکستان شروع شده بود و دولت هند پیشنهاد دولت پاکستان را برای ارجاع موضوع به دیوان داوری لاهه رد کرده بود و بنابراین درآینده نیز اگر مذاکرات ما از طریق بانك بین‌المللی بجائی نرسد موضوع به دیوان داوری لاهه ارجاع نخواهد شد .

مقارن همان تاریخ آقای سن . ك . پاتل وزیر آبیاری و نیروی هند در مجلس شورای ملی آن کشور اشاره بمسئله اختلافات کانالهای آبی نمود وچنین گفت:

« دولت هند بیش از این نمیتواند حیات و سرنوشت میلیونها مردم هندی را که درساحل رودخانه‌های پنجاب زندگی میکنند بخطر بیندازد . دولت پاکستان از روزی که بانك بین‌المللی وارد مذاکره و میانجیگری شده تا کنون سه کانال روی رودخانه مورد استفاده خویش ساخته و باآنکه ظرف نه سال اخیر دولت پاکستان

از حداکثر مقدار آب استفاده کرده مع‌الوصف هیچوقت حاضر نشده که قرارداد شرافتمندانه ای را با دولت هند منعقد سازد و اساساً دولت پاکستان از قبول پیشنهادات بانك بین‌المللی طفره میرود ولی اضافه کرد آقای ایلیف معاون بانك بین‌المللی در مسافرت‌اخیرخویش پیشنهادات اصلاحی تازه‌ای‌بسران هندوپاکستان تسلیم کرده لکن دولت پاکستان هنوز از دادن پاسخ مثبت به این پیشنهادات طفره میرود .

دولت پاکستان و مطبوعات آن کشور در سالهای اخیر دولت هند را متهم میکنند که ما میخواهیم سدها را ببندیم و کشور پاکستان را تبدیل‌به‌صحرای لم یزرعی بکنیم . این اتهامات بی اساس و برای قلب حقیقت عنوان میشود .

پاکستان از هشتاد در صد آب رودخانه‌های جناح غربی رودخانه سند استفاده میکند ، چطورما که فقط از ۲۰ درصد آب رودخانه‌ها استفاده‌میکنیم‌میتوانیم پاکستان را تبدیل به بیابان لم یزرع کنیم .

دولت هندوستان باولیای بانك‌بین‌المللی پیشنهاد کرده مدتی که برای‌تبدیل و تحویل کانالها لازم است تا سال ۱۹۶۲ تمدید شود ...»

بطوریکه از مطالعه نطق وزیران دارائی پاکستان و آبیاری هند معلوم میشود هر کدام ازدولتین هندوپاکستان‌مسئولیت عدم رفع‌اختلاف‌رابعهده دیگری میگذارد ، لذا اولیای بانك برای اینکه این بهانه جزئی را مرتفع ساخته باشند در ماه سپتامبر نمایندگان دولتین هند و پاکستان رابواشنگتن دعوت کردند تا درباب تهیه پیش نویس یك قرارداد آبی مذاکرات و مطالعاتی را بعمل آوردند .

آقای امجدعلی وزیر دارائی پاکستان باتفاق عبدالقادر مدیر کل بانك دولتی و آقایان مظفر احمد و وقار احمد معاونین وزارت‌دارائی به‌واشنگتن‌مسافرت نمودند و باحضور یك هیئت هندی بریاست آقای پاتل وزیر آبیاری ونظارت و آقای

ایلیف‌معاون بانك مذاکراتی‌رابعمل آوردند و طرفین توافق نمودند که یك‌هیئت‌از مهندسین و متخصصین بانك تاپایان ماه دسامبر ۱۹۵۷ به‌شبه قاره هندوستان‌مسافرت نمایندو یك قرارداد فرعی برای تحویل سدها و پرداخت خسارات تنظیم گردد .

این هیئت پس از پایان مذاکرات به کراچی ودهلی باز گشتندودرماه‌اکتبر ۱۹۵۷ یك هیئت بریاست آقای لارس بنگستن (Lars Bangstan) از طرف بانك بین‌المللی برای رسیدگی باین امر وارد کراچی و دهلی شدند .

در این هیئت چند نفرمهندس آبیاری و کشاورزی وجود داشت که قریب‌دو هفته مناطق‌مختلف رودخانه‌هارابازدید کردندو با اولیای دولت پاکستان‌مذاکراتی بعمل آوردند ضمناً در مدتی که هیئت نمایندگان بانك بین المللی در هند بودند از دولت پاکستان تقاضا کردند که‌نمایندگان خود را برای شرکت در مذاکرات با نمایندگان دولت هند بدهلی اعزام نمایند . دولت پاکستان نیز هیئتی را باتفاق دو نفر از نمایندگان مجلس پاکستان شرقی و پاکستان غربی بدهلی‌اعزام داشت و پس از دو هفته مذاکرات معلوم شد که دولت هند با پیشنهادات نمایندگان بانك برای تعیین‌یك کمیسیون فرعی نقل وانتقالات وپرداخت غرامات مخالفت کرده‌و نمایندگان بانك بدون موفقیت‌بصوب واشنگتن مراجعت کردند.

آقای پاتل وزیر آبیاری هند در ۲۴ دسامبر یعنی چند روز بعد از شکست میسیون بانك بین‌المللی طی یك مصاحبه مطبوعاتی در دهلی جدید اظهار داشت :

« عدم موفقیت نمایندگان‌بانك بین‌المللی‌دلیل قطع مذاکرات نیست،دولت هندوستان امیدوار است آقای ایلیف‌معاون بانك بین‌المللی مجدداً به‌هندوپاکستان مسافرت نمایند و از نزدیك مشکلات ما را بسنجند .

وی اضافه کرد در اوایل آوریل ۱۹۵۸ که فصل کشت شروع میشود دولت هندوستان نظریات تازه‌ای ببانك بین‌المللی عرضه خواهد کرد . دولت هند فعلا با

احترام به پیشنهادات سال ۱۹۵٤ بانك بین‌المللی مشغول ساختمان سدهائی میباشد و تا سال ۱۹٦۲ که ضرب الاجل تحویل و تحول بین دولتین پاکستان وهند میباشد ما آب را قطع خواهیم کرد .

وزیر آبیاری هند ضمناً گفت دولت هند حاضر نیست دیناری بجز مبلغی که بانك بین‌المللی پیشنهاد کرده بعنوان غرامت ساختمان کانال بدولت پاکستان بپردازد.

اظهارات آقای پاتل در محافل رسمی مطبوعات پاکستان باعصبانیت شدید تلقی شد وکلیه مطبوعات مقالات تندی علیه هند انتشار دادند و مخصوصاً روزنامه مورنینگ نیوز مورخه ۲۳ دسامبر ۱۹۵۷ در سر مقاله خویش نوشت وزیر آبیاری هند اعلام کرد که در سال ۱۹٦۲ ساختمان سد بهاکرا ( Bhakra ) بپایان خواهد رسید و باقطع آب سه رودخانه شرقی پنجاب قریب ۳/۵۰۰/۰۰۰ نفر پاکستانی از تشنگی و گرسنگی تلف خواهند شد .....»

آقای مظفرعلی قزلباش وزیر صنایع کابینه آقای ملك فیروزخــان نون در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۵۷ در مجلس شورای ملی که در داکا تشکیل شده بـود اشاره بعدم موفقیت بانك بین المللی بحل مسئله کانالها نموده و چنین گفت :

« اکنون پاکستان حاضراست که مسئله رفع اختلافات را به‌حکمیت ارجاع نماید . زیرا دولت هند با پرداخت سهمیه خویش برای ساختمان کانالها مخالفت کرده است و با چنین مخالفتی دیگر راه حل مسالمت‌آمیز بانك بین‌المللی‌مسدود شده است .

بانگ بین المللی تاآخرین‌روز فعالیت خویش از پیشنهادات دولت‌پاکستان جانبداری کرده است ، دولت پاکستان حاضر شده است پیشنهادات سال ۱۹۵٤ و تذکاریه سال ۱۹۵٦ بانگ بین‌المللی را طابق النعل بالنعل بپذیرد . »

ولی بالاخره در تاریخ آوریل سال ۱۹۵۹ نمایندگان دولتین هند و پاکستان

در شهر واشنگتن بامیانجی گری اولیای بانگ بین المللی یك موافقتنامهٔای‌رابرای حل اختلافات مربوط به تقسیم آب رودخانه ها بمدت یکسال امضاء نمودند .

باتوجه بآنچه که در فوق گذشت ملاحظه میشود که تاکنون فعالیت‌نه ساله دولتین هند وپاکستان و بانگ‌بین‌المللی آنچنانکه مورد انتظار بود بجائی نرسیده و این مسئله نیز مانند کشمیر یکی از موارد اختلاف و تیر گی روابط دولتین هندو پاکستان را تشکیل‌میدهد و چنانچه درسالهای‌آینده ازطرف مراجع مهم‌بین‌المللی اقدام مؤثری برای رفع‌کلی این اختلاف صورت نگیرد با نزدیك شدن سال ۱۹۶۲ که‌آخرین موعد تحویل و تحول کانالها می باشد مناسبات دولتین هند و پاکستان وخیم‌تر خواهد شد . درخاتمهٔ ناگفته نباید گذارد بامسافرتی که‌اخیراً فیلدمارشال ایوب خان برای اولین مرتبه در دوران زمامداری خود و بمنظور ملاقات با نهروبه دهلی نو نمود اگرچه موفق نگردید به‌اختلافات خاتمه دهد ( زیرا درحال حاضر در روابط دو کشور اختلافات مربوط به مسئله کشمیر کماکان موضوع غیر قابل سازشی را تشکیل میدهد) مع‌الوصف توانست روابط دو کشوررا تا اندازه‌ای التیام بخشیده وزمینه را برای سازش های احتمالی آینده هموارسازد .

**۲ ـ اختلاف پاکستان و افغانستان ـ مسئله پشتونستان .**

درقسمتی ازخاك پاکستان‌قبائلی بنام‌پشتو زند گی میکنند که دولت‌افغانستان مدعی است‌اراضی محل‌سکونت آنها پشتونستان نام دارد وبه اهالی‌آن نیز بایدبرابر مفاد قانون آزادی بشر استقلال داده شود .

افغانستان عقیده دارد کهٔ سرزمین واقع بین سلسله کوههای هندو کش‌وخاك افغانستان و ایران وبحرعمان وسند وپنجاب سرزمین پشتونستان می باشد که‌وسعت آن درحدود هشتاد هزار میل مربع وجمعیت‌آن نیز هفت میلیون نفرمی‌باشد .

از نظر افغانستان پشتونستان‌به‌دوقسمت پشتونستان آزاد وپشتونستان‌محکوم تقسیم می‌شود .

پشتونستان آزاد از قبیل مناطق وزیرستان ــ میترا ــ با جور همیشه آزادبوده و علیرغم سعی و کوششی که انگلیس هادر بدو ورود بخاك هندوستان برای حکومت براین منطقه نمودند هیچوقت قبایل ساکن آن تن بحکومت آنها نداده‌اند .

پشتونستان محکوم عبارت از مناطق پیشاور تا رودخانه سند ، بلوچستان ، کویته ، چمن تا بحرعمان می باشد .

به عقیده افغانستان منطقه پشتونستان محکوم قبل از تجاوز انگلستان به افغانستان ( ۱۸۳۸ تا ۱۸۷۸ میلادی ) جزوخاك افغانستان بوده ولی چون بعد از تاریخ ۲۶ مه ۱۸۷۹ میلادی حکومت قانونی در افغانستان وجودنداشته انگلستان ازموقعیت استفاده نموده و عهد نامه گندمك را جبراً به امیر محمد یعقوب خان مخلوع تحمیل نموده وهمچنین درتاریخ۱۲ نوامبر سال۱۸۹۲ امیرعبدالرحمن‌خان را مجبور نموده‌اند که معاهده مربوط به خط سرحدی دیوارند رابرسمیت بشناسدو حال آنکه تمام مناطق‌مزبور جزولاینفك‌خاك‌افغانستان‌بوده وجبراًاز خاك‌افغانستان جدا شده‌اند ( باین دلیل افغانها این منطقه را منطقه پشتونستان محکوم مینامند )

دولت افغانستان معتقد است که تقاضای استقلال‌مردم پشتونستان امر تازه‌ای نبوده بلکه از زمان قدیم این‌احساسات وجودداشته وهرموقع بیگانگان خواسته‌اند آنها را محکوم نمایند نه تنها اهالی پشتونستان بلکه پشتونهای خاك افغانستان نیز در برابر آنها ایستادگی و دفاع نموده و نیروی بیگانگان را مغلوب نموده‌اند .

در موقع تقسیم شبه قاره‌هندوستان‌به دولت های هند وپاکستان نیزپشتون ها ندای آزادی را بلند نموده و جداً خواستاراستقلال‌خود گردیدند ولی چون‌استقلال پشتونستان مخالف‌با سیاست انگلستان بود مصمم‌شدند که برای‌تعیین تکلیف‌تقاضای پشتون ها به‌آراءِ عمومی مردم مراجعه نمایند .

این پیشنهاد از طرف پشتون ها پذیرفته شد ولی رفراندم بدین ترتیب عملی

شد که دریك جعبه کلام الله مجید و در جعبه دیگر کتاب مذهبی هند را قرار داده و از پشتون ها استفسار مینمودند کدام یك از کتب دینی مذکور را قبول دارند و چون پشتون ها مسلمان هستند رأی خود را درجعبه‌ای که حاوی کلام‌الله مجیدبود ریخته وبدین ترتیب انگلیس‌ها موفق گردیدند که‌سرزمین پشتونستان مورداختلاف رابه خاك پاکستان که مردم آن‌مسلمان هستندضمیمه نمایندوچون کاربدین‌جا کشید در تاریخ اول سپتامبر ۱۹٤۹ میلادی رؤسای قبایل پشتو جلسه‌ای را تشکیل داده‌و طی‌آن تصمیماتی را بشرح زیر مورد تصویب قرار دادند :

۱ ـ قبایل‌آزاد سو گند یاد نمایند که‌بین خود اتفاق‌کامل داشته وتمام‌کارهای قومی را با مشورت یکدیگر انجام دهند .

۲ ـ قبایل‌آزاد خود را مکلف بدانند که‌آزادی‌کامل پشتونستان را تحصیل نموده و در برابر تجاوز خارجی ها ایستاد گی نمایند .

۲ ـ قبایل‌آزاد خود را مکلف بدانند که ارتباط خود را باپشتوهای‌هرقسمت از پشتونستان محکم‌نموده ودرخیروشر یکدیگرسهیم باشند .

٤ ـ برای رسید گی بمسائل مربوط به پشتونستان و حل مشکلات آن یك جرگه بزرك‌تری از تمام زعمای پشتونستان درآتیه نزدیکی منعقد شود .

باتوجه به قسمت چهارم‌ازتصمیمات رؤسای قبائل پشتو در تاریخ ۱۱و۱۲و۱۵ ژانویه ۱۹۵۰ جلساتی باحضور زعمای پشتونستان تشکیل وطی این جلسات باتفاق آراءآقای حاج میرزا علی خان فیتربنی بریاست حکومت ملی پشتونستان انتخاب و نامبرده برنامه خود را بشرح زیر اعلام نمود :

۱ ـ از دولت پاکستان خواسته شود که تمامیت واستقلال پشتونستان وهفت میلیون نفوس آنرا برسمیت بشناسد .

۲ ـ دولت پاکستان به‌کلیه مأمورین لشکری و کشوری خود دستور دهد که

خاك پشتونستان را ترك نمایند واگر درانجام این امر تعلل شد مسؤلیت عواقب وخیم آن متوجه پاکستان خواهد بود .

٣ ـ چون وسایل چاپ و انتشارات درپشتونستان نواقصی دارد ازدولت وملت برادر افغانستان که همواره با پشتونها همدردی صمیمی دارند تقاضا شود که در این قسمت به پشتونستان کمك نماید .

٤ ـ از سازمان ملل متحد تقاضا شود که پشتونستان را بعنوان یك کشور و ملت آزاد جزو اعضای خود پذیرفته و دولت پاکستان را موظف نماید که استقلال پشتونستان را برسمیت بشناسد .

دولت افغانستان برای اینکه در ظاهر اقداماتی رابعمل آورد کهابتدا پشتونستان آزاد و مستقل را بوجود آورده و در مرحله بعد منطقه مذکور را ضمیمه خاك خود نماید فعالیت دامنه داری را آغاز نموده و بعد ازتقسیم شبه قاره هندوستان به کشورهای هند وپاکستان و تعیین مرحوم جیناه بفرمانروائی دولت پاکستان آقای سردار نجیب الله خان ( کفیل وزارت فرهنگ ) را باسمت نماینده مخصوص پادشاه افغانستان به پاکستان اعزام نمود تا درزمینه استقلال پشتونستان مذاکراتی را بعمل آورد .

نامبرده در مذاکرات خود به دولت پاکستان خاطرنشان نمود که قبایل پشتو که در بین خط سرحدی دیوراندواستان سند اقامت دارند باافغانهای افغانستان ازافراد یك خانواده بوده و رشته های برادری ویگانگی مادی و معنوی ازهزاران سال قبل آنها را به برادران افغانی خودشان پیوند داده است و باین جهت دولت افغانستان نمی تواند نسبت به تعیین سرنوست آینده آنها بی علاقه باشد وحال آنکه بهمان ترتیب که دربالا اشاره شد منظور دولت افغانستان از اقدامات ودلسو زیهائی که بنفع قبایل پشتو و بلوچ معمول میداشت این بود که ابتدا مناطق مربوط باین

قبایل را از پاکستان مجزا نموده و سپس برای‌دست پیدا کردن به دریا این مناطق را ضمیمه خاك افغانستان نماید .

سردارنجیب الله خان پس از خاتمه مأموریت خود و درمراجعت به‌افغانستان گزارش داد که موافقت دولت پاکستان را در مورد مسائل مشروحه زیر جلب نموده است :

۱ ـ حکومت پاکستان استقلال قبایل آزاد سرحدی را برسمیت‌شناخته است .

۲ ـ حکومت پاکستان خود مختاری صوبه سرحد شمال غربی را برسمیت می‌شناسد و مردم این منطقه قادر خواهند بود کـه مؤسسات سیاسی و اجتماعی و عرفانی خود را باآزادی تمام ترقی و توسعه دهند .

۳ ـ حکومت پاکستان با استناد باظهارات آقای قائد اعظم ( مرحوم‌جیناه ) صدر اعظم و وزیر امور خارجه پاکستان و بعضی از وزرای دیگر با هر نامی که قبایل‌آزاد به تناسب با قومیت خود برای صوبه سرحد شمال غربی انتخاب نمایند نه تنها مخالفت نداشته بلکه مساعدت لازم راهم معمول خواهد داشت .

٤ ـ حکومت پاکستان باوحدت‌کلیه افغانهای آنطرف‌خط دیوراندموافق‌بوده واین امر را مربوط به امور تشکیلاتی خود مردم میداند .

ولی چون علیرغم این مذاکرات‌عملا اقدامی معمول‌نگردید، درسال ۱۹٤۷ مجدداً تحریکاتی دربین قبایل پشتو بعمل‌آمده و دولت افغانستان وعده همه گونه همکاری و مساعدت را بآنها داد و قبایل مذکور بامید استفاده از پشتیبانی افغان‌ها شروع به انجام تظاهرات و عملیات تخریبی نموده و مجدداً طی تشکیل‌جلساتی از دولت پاکستان تقاضای استقلال وآزادی خود را نمودند ولی دولت پاکستان‌بدون توجه به تقاضای آنها اقدام به تشکیل پاکستان غربی وشرقی نموده‌ومناطق‌پشتون رانیز جزء منطقه پاکستان غربی اعلام نمود .

این وضعیت بیشتر اسباب یأس وناامیدی قبایل پشتون را فراهم نمود وقبایل مذکور بااستفاده‌ازراهنمائی های زعمای‌قوم خود از قبیل عبدالغفارخان وعبدالصمد خان به ادارات ونیروهای دولت پاکستان حملاتی نموده و ضمن تخریب پل‌ها و سربازخانه ها اعتراضات شدید خود راعلیه تشکیل واحد پاکستان غربی اعلام نمودند.

مترادف باچنین زمانی آقای سردار محمد داودخان نخست وزیر و صدراعظم افغانستان بیانیه‌ای را باین شرح منتشر نمود: «هموطنان عزیز بحیث شخصی خود را مکلف میدانم وقایع مهمی را که در سرنوشت امروز وآینده کشور ما تأثیرزیادی دارد باطلاع عموم رسانیده و هموطنان عزیز را از جریان وقایع بی‌خبرنگذارم.

اعلامیه‌ای که‌دیروزدر کراچی‌منتشر گردیدحاکی‌است که‌حکومت‌پاکستان برخلاف تمام قوانین و فرامین بین‌المللی و بدون در نظر گرفتن حقوق مردم پشتونستان در تعیین سرنوشت آنها و مراجعات مکرری که باین اساس از جانب حکومت افغانستان باحکومت پاکستان بعمل آمده تصمیم گرفته‌اند که علاقه های پشتونستان آزاد و محکوم را در یونیت غربی پاکستان شامل و بااین عمل خود خدای ناخواسته‌آزادی و ملیت میلیونها برادران پشتونستانی ما را برای همیشه محو و نابود سازد. این تصمیم حکومت پاکستان بهیچ صورت در افغانستان نظربه علائق تاریخی که با برادران پشتونستانی خود داردنمیتواند بی‌اثر بماندومسئولیت عواقب وخیمی که ازاین ناحیه نشست و صلح این گوشه دنیا را بخطرمی‌اندازدفقط متوجه حکومت پاکستان خواهد بود.

بصورت بسیار روشن و واضح‌می‌خواهم‌یك‌بار دیگر بسمع‌زمامداران پاکستان و همه جهان صلح دوست برسانم که ملت‌وحکومت افغانستان بهیچ صورت‌علاقه‌های پشتونستان را جزء خاك‌پاکستان‌نشناخته و نمی شناسد. حکومت افغانستان‌تصمیم

گرفته است عواقب ناگوار این تصمیم متجاوزانه را باطلاع حکومت پاکستان رسانیده و پروتست نماید و به شارژدافر خود در کراچی دستور داده است در صورتیکه اقدامات او به نتیجه نرسد به افغانستان مراجعت نماید.

ما بارها برادران پشتونستانی خود را به صبر وحوصله توصیه نموده و ایشان را به نتیجه اقدامات سیاسی دولت افغانستان امیدوار نگاهداشته‌ایم ولی اکنون این تصمیم غیر عادلانه حکومت پاکستان ما را وادار مینماید که به آنها به طور وضوح بگوئیم که متاسفانه عدالت و مفهوم مقررات بین‌المللی در نزد زمامداران پاکستان ارزش و قیمتی ندارد.

من یکبار دیگر به برادران پشتونستانی خود پیام همدردی و پشتیبانی ملت و حکومت افغانستان را اعلام واطمینان میدهم که ملت افغانستان هیچوقت محرومیت آنها را از حق آزادی و محکومیت آنها را بدست دیگران تحمیل نخواهد کرد.

برادران عزیز این حادثه ناگوار ازجمله حوادث ووقایعی است که برای مارخ داده و هر ورق تاریخ شاهد آن است، من احساسات و تأثرات هموطنان عزیز رادر مقابل این سیاست دولت پاکستان که موجبات سلب حقوق و آزادی برادران پشتونستانی ما را فراهم نموده است آگاه میباشم ولی با این حال از شما توقع دارم که باثبات وخونسردی منتظر وقایع بوده و باهر گونه آمادگی درانتظار اقدامات اساسی دولت باشید .... »

متعاقب صدوراین بیانیه در روز نهم فروردین ماه ۱۳۳٤ و شاید بـه تحریك مقامات افغانی عده‌ای از اهـالی کابل و دانشجویان با شعار هـای ملی پشتونستان به سفارت کبرای پاکستان هجوم آورده پرچم پاکستان را پائین آورده وبجای آن پرچم پشتونستان را افراشته وسپس به غارت اثاثیه‌واموال دفتروعمارت منزل شخصی سفیر کبیر مبادرت نمودند و بهمین ترتیب در پیشاور نیز پاکستانی‌ها

متقابلا تظاهراتی رابر علیه دولت افغانستان بعمل آورده و پرچم کنسولگری افغانستان را پائین آورده واثاثیه آنرا غارت نمودند.

در نتیجه پائین آوردن پرچم های پاکستان و افغانستان در کابل و پیشاور تیره گی روابط و مناسبات دو کشور هر روز شدید تر شده و کار بآنجارسید که اعلیحضرت پادشاه عربستان سعودی عموی خود والاحضرت امیر مساعدرا بعنوان میانجی به کابل و کراچی اعزام نمود و متعاقب آن آقای انورالسادات وزیر مشاور دولت مصر و سفیر کبیر آن دولت در تهران نیز به کابل عزیمت نموده و مذاکراتی را با طرفین آغاز نمودند ولی نظر باینکه دولت افغانستان حل اختلافات مربوط بپائین آوردن پرچم ها را موکول به حل و فصل قضیه پشتونستان نموده بود میانجی ها موفق برفع فوری اختلاف نشده و پس از مدت شش ماه در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۳٤ از طرف آقای سردار محمد نعیم وزیر امور خارجه دولت افغانستان وسفیر کبیر دولت پاکستان در کابل اعلامیه ای باین شرح صادر گردید.

« در نتیجه مساعی حکومت های افغانستان و پاکستان ومذاکراتی که دراین اواخر بین وزیر امور خارجه و سفیر کبیر پاکستان بعمل آمد دولتین برای رفع اختلاف ناشیه از حوادث پرچم توافق حاصل نمودند وامیداست در آتیه نزدیکی این موافقت بموقع اجراء گذارده شود. »

پس از آن با حضور آقای سردار محمد نعیم وزیر امور خارجه دولت افغانستان وکلیه نمایندگان سیاسی دول خارجی مقیم در کابل درحالی که یك عده گارد مخصوص ارتش افغانستان صف کشیده بودند، پرچم پاکستان باتشریفات و احترامات لازمه افراشته شد و آقای وزیر امور خارجه و آقای کلنل شاه سفیر کبیر دولت پاکستان هریك بیاناتی را مبنی بر دوستی دوملت مسلمان افغانستان و پاکستان ایرادنمودند و روز بعد نیز پرچم افغانستان باتشریفات خاصی در پیشاور در بالای کنسولگری

افغانستان افراشته شد .

بعد از حل اختلافات مربوط به پرچم آقای چودری محمد علی نخست وزیر وقت دولت پاکستان از آقای سردار محمد داودخان نخست وزیر افغانستان دعوت بعمل آورد که به کراچی مسافرت نموده و برای بهبود مناسبات طرفین مذاکرات واقداماتی را بعمل آورند ولی نخست وزیر افغانستان بعنوان اینکه دولت پاکستان علاقه های پشتون را جزء خاك پاکستان غربی اعلام نموده وانجام مذاکرات فایده‌ای ندارد از قبول این دعوت خود داری نموده و کارداردولت افغانستان را نیز از کراچی احضار نمود و دولت پاکستان هم متقابلا مجبور شد سفیر کبیر خود را از کابل احضار نماید و کنسولگری های طرفین هم در خاك یکدیگر تعطیل شد و چون دولت افغانستان از تعقیب موضوع استقلال پشتونستان منصرف نشده و همواره بوسایلی بین قبایل پشتو تحریکاتی را برعلیه دولت پاکستان معمول میداشت دولت پاکستان با توجه باینکه دولت افغانستان از راه ترانزیت پاکستان کالاهای مورد نیاز خود را از کشورهای خارج به خاك افغانستان وارد مینمود برای صدور و ورود کالاهای افغانستان مشکلاتی را برای این دولت بوجود آورد و ماشین آلات مربوط به کارخانجات و کالاهای دیگر آنرا در داخل خاك خود توقیف نموده و در نتیجه خسارات زیادی به دولت و بازرگانان افغانستان وارد شد و با اینکه این اقدام دولت پاکستان انجام طرحهای مهم اکتشافی را برای مدت مدیدی به تعویق انداخت و خسارت سنگینی را به طبقات بازرگانی و دولت افغانستان وارد نمود با این حال دولت افغانستان از تبلیغات و تحریکات خود علیه پاکستان دست بر نداشته و بعنوان اینکه شش میلیون نفوس پشتونی در خاك افغانستان زندگی میکنند زبان پشتو را زبان رسمی اعلام نموده و تدریس آنرا در کلیه دبستان ها و دبیرستانها اجباری اعلام نمود و کارمندان دولت را نیز مجبور نمود که زبان مذکور را تحصیل نمایند ،

روزنامه هائی بزبان پشتو منتشر شد و صاحبان مغازه‌ها نیز مجبور شدند که تابلوی مغازه های خود را که تا آن زمان بزبان فارسی نوشته شده بود بزبان پشتو تهیه نمایند.

بهرحال پس از آنکه قبایل پشتون ودولت افغانستان در پیشرفت منظور خود موفقیتی راحاصل ننمودند به‌پیشنهاد آقای سردار محمد داودخان صدراعظم افغانستان و تصویب اعلیحضرت پادشاه‌افغانستان‌مجلس کبیر ملی ( لوی جرگه ) درتاریخ ۲۲ آبان ماه سال ١٣٣٤ تشکیل گردید . ( در ازمنه سابقه که افغانستان مجلس شورا نداشت‌هر موقع که مشکلاتی‌پیش میآمد امرای افغانستان مجلس کبیرملی‌مرکب از نماینده گان ملت را تشکیل میدادند و مصوبات‌آنرا بموقع اجرا میگذارند . )

این مجلس که میبایستی‌بریاست شخص پادشاه‌تشکیل‌شود با خطابه افتتاحیه پادشاه شروع بکار نمود وپس‌ازآن چون‌پادشاه نمی توانست مرتباً عهده‌دار ریاست آن گردد آقای محمد نوروز رئیس مجلس شورای ملی بوکالت از طرف ایشان‌عهده‌دار ریاست‌آن گردید وآقای سردارمحمدخان صدر اعظم ضمن بیانات مفصلی سیاست افغانستان را در مورد مسئله پشتونستان تشریح نموده وخاطرنشان نمود که مساعی دولت افغانستان در مدت هشت سال برای حل مسئله پشتونستان بجائی نرسیده و زمامداران پاکستان عملانشان داده‌اند که تصمیم دارند برخلاف میل وآرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوق این قوم را برای‌همیشه از بین برده و علاقه‌آنها را ضمیمه پاکستان نمایند و علاوه براین کمك های نظامی و اقتصادی که از طرف بعضی از دول بزرك نسبت به دولت پاکستان بعمل‌آمده و میآید مسئله موازنه قوا را بکلی در این قسمت از منطقه‌آسیا برهم زده و خطرات مدهشی را برای امروز و آینده افغانستان تولید نموده ، چنانکه‌همین تقویت نظامی بدولت پاکستان فرصت داده تا از راه جبر وظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پایمال نموده و برای

محو و نابودی آنها اقدامات مجدانه‌ای را معمول دارد .

آقای سردار محمد داود خان پس ازایراد بیانات مزبور اضافه نمود که : وظیفه وجدانی وملی خود میداند که‌حقایق‌وخطراتی که افغانستان راتهدید مینماید باطلاع نمایندگان ملت برساند و باکمال وضوح روشن نماید که دراین موقع مهم تاریخی دونکته بارز وجود دارد که ذیلا تشریح مینماید :

۱ ـ آیا دولت افغانستان صدای تظلم و ندای مردم پشتونستان را مربوط به حمایت حقوق مسلم آن برادران‌خود که ازیك‌نژاد می‌باشندقبول واز حقوق‌مشروع آنها حمایت مینماید یاخیر ؟

۲ ـ چون موازنه قوا با کمك تسلیحاتی که به پاکستان شده و می‌شود از بین رفته‌آیا حکومت افغانستان‌برای‌بقاوحفظ شرافت ملی خود برای تقویت‌نیروی دفاعی خود بایستی اقدام نماید یاخیر ؟ ...

بالاخره مجلس کبیر ملی(لوی جرگه)پس‌از چند جلسه مذاکرات‌محرمانه باتفاق‌آراء تصویب نمود که :

۱ ـ حمایت حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران هم کیش وهم نژاد ماهستند وظیفه ملت وحکومت افغانستان‌است. بنابراین‌مجلس ملی به‌حکومت توجه میدهد که مطابق واجبات‌اوامر شرعی واشتراك تاریخ وفرهنگ ازدرخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت نماید .

۲ ـ نظر به سیاست موجوده حکومت پاکستان ومخصوصاً برهم خوردن توازن قوا در این منطقه که در نتیجه گرفتن کمك‌های نظامی از کشورهای بزرك ازطرف پاکستان بوجودآمده واقدامات خطرناك پاکستان نیز متوجه افغانستان گردیده است درچنین موقع‌خطرناك وظیفه حکومت است که کشوررانظر به‌فریضه حفظ استقلال و تمامیت ملی تقویت نمایـد علیهذا مجلس ملی بحکومت توصیه

مینماید بهر گونه طرق ووسایل که امکان داشته باشد و بهر قیمتی که بصورت شرافتمندانه میسر شود کشور را به منظور دفاع از خود مجهز و تقویت نماید .

۳ ـ مجلس ملی به نمایندگی ملت افغانستان اعلام میدارد که بهیچ صورت علاقه‌های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان جزوخاك پاکستان ندانسته و دراین مورد مصوبات قبلی مجلس شورای ملی و مجلس سنا را تأئید و تصدیق مینماید .

در اجرای مصوبات مجلس ملی سردار محمدداودخان چنین تشخیص داد که باید از نزدیکی با دولت شوروی استفاده نماید وبدین منظور از مارشال بولگانین نخست وزیر و خروشچف دعوت نمود که در مراجعت از مسافرت هندوستان از افغانستان نیز دیدن نمایند . بنابراین مهمانان مذکور دراواخر آذرماه سال ۱۳۳٤ باتفاق هیئتی به کابل مسافرت نموده و اعلامیه های مشترکی را صادر نمودند که یکی از موادآن پشتیبانی و حمایت دولت شوروی را در تحصیل استقلال و آزادی پشتونستان تصریح مینمود وضمناً قراردادهای دیگری هم بین دولت های افغانستان و شوروی و چك اسلواکی منعقد گردید که بموجب آنها دولت افغانستان سلاح مورد نیاز تقویت ارتش خود راازدولتین مذکور خریداری نموده و بهای آنها را طی مدت ۸ سال مستهلك نماید .

درنتیجه نزدیکی دولت افغانستان به دولت شوروی و اقدام دولت افغانستان در مورد خرید اسلحه از شوروی و پشتیبانی دولت شوروی از استقلال پشتونستان آقای ایدن نخست وزیر وقت دولت انگلستان در مجلس عوام آن کشور اختلاف دولتین پاکستان و افغانستان در مورد مسئله پشتونستان را مورد بحث قرارداده و خاطر نشان ساخت که خط سرحدی دیوراند خط بین المللی است ودولت افغانستان متقابلا طی اعلامیه‌ای اعلام نمود که خط سرحدی دیوراند همواره مورد اعتراض

آن دولت بوده و رسمیت ندارد .

متعاقب این اقدام در اوایل اسفندماه سال ۱۳۳٤ کشورهای عضو اتحادیه جنوب خاوری آسیا ( S.E.A.T.O ) طی اعلامیه مشترك خود اعلام نمودند که خطسرحدی دیوراندخط بین‌المللی مرزافغانستان‌وپاکستان‌بوده‌وبنابراین‌اراضی قبایل پشتو جزء خاك پاکستان شناخته شده است و دولت افغانستان ضمن‌اعتراضی به کشورهای عضو اتحادیه جنوب خاوری‌آسیا رونوشت اعتراض خود را به‌دبیر کل سازمان ملل متحد نیز تسلیم نمود .

درنتیجه بیانات آقای ایدن و تصمیمات کشورهای عضو اتحادیه جنوب‌خاوری آسیا دولت شوروی برای نزدیکی به دولت افغانستان حداکثر استفاده را نموده و دامنه نفوذ خود را در این کشور هر روز بیشتر از روز پیش نموده است .

در مسافرتی که چندی‌قبل ژنرال اسکندرمیرزا رئیس جمهور سابق‌پاکستان به دعوت پادشاه افغانستان به‌کابل نمود ضمن مذاکرات خود با اولیای امور دولت افغانستان خاطرنشان نمود که‌مذاکره درباب‌پشتونستان بی‌حاصل ودولت‌پاکستان نمیتواند قسمتی از خاك خود راازدست بدهد ولی در باب سایرمسائل‌آماده‌است که باحفظ منافع طرفین مذاکراتی را شروع نماید و در نتیجه ژنرال اسکندر میرزا موافقت‌نمود که در باب استفاده افغانستان‌از راه‌ترانزیت پاکستان وتخفیف‌عوارض و تشریفات گمرکی و فراهم‌نمودن‌تسهیلات لازم برای‌عبور و مرور کالاهای‌صادراتی و وارداتی افغانستان از خاك پاکستان کمك های مؤثری را معمول دارند ولی‌چون اساس منظور دولت افغانستان حل مسئله پشتونستان بود و این موضوع مسکوت گذارده شده بود اولیای دولت افغانستان از انجام این مذاکرات راضی نبوده و در مذاکرات بعدی هم که هنگام مسافرت سردار محمد داودخان به کراچی انجام شد ( ۲٤ نوامبر سال ۱۹۵٦ ) توفیق مورد نظر دولت افغانستان حاصل نگردید و باین

ترتیب اختلاف دولتین افغانستان و پاکستان در مورد مسئله پشتونستان بقوت‌خود باقی ماند واخیراً خان عبدالغفار خان رهبر نهضت تشکیل پشتونستان مستقل که پس ازروی کارآمدن رژیم جدید در پاکستان ازطرف مأمورین فرماندار نظامی دستگیر و زندانی شده وازطرف دادگاه نظامی لاهور تحت بازجوئی قرار گرفته‌بود در این‌باره ( نهضت تشکیل پشتونستان) چنین اظهار نمود :

« نهضت پشتونستان از سال ۱۹۲۹ بوجودآمده و هدف‌آن ترکیب وتحکیم جامعه پشتونستان در مناطق مختلف میباشد . البته تا سال ۱۹۴۷ فعالیت طرفداران این نهضت ازحدودفکر و خیال تجاوز نمیکرد لکن پس از اعلام‌استقلال پاکستان و اعطای خود مختاری بپاره‌ای از استان ها قبایل پاتان مقیم ایالات شمال غربی پاکستان تصمیم گرفتند بایکدیگر روابط نزدیکتر و محکم تری را پیدا نمایندو تدریجاً موضوع نهضت پشتونستان جنبه عملی‌تری پیدا کرد ... »

پرزیدنت محمد ایوب خان که در تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۹ برای شرکت در مراسم دوره فارغ التحصیلی دانشکده نیروی هوائی رسال پوربه شهر فورت ساندمن ( واقع درشمال پاکستان غربی ) مسافرت نموده بود ضمن انجام یك مصاحبه مطبوعاتی که درکلیه جراید پاکستان منتشر گردید اظهار داشت که : « دولت پاکستان خیلی خوب میداند که از قلمروخود چگونه دفاع نماید بگذار دیگران هرچه دلشان میخواهد بگویند » .

منظور ژنرال ایوب خان از ایراد این جمله و استعمال کلمه دیگران فقط دولت افغانستان بود زیرا اخیراً سردار محمد داودخان نخست وزیر افغانستان طی انجام مصاحبه‌ای بایك خبرنگار ژاپنی اظهار داشته بود که :

« مناطقی که بنام‌پشتونستان نامیده میشود قرنهاست که متعلق به افغانستان میباشد و دولت افغانستان نسبت به این مناطق خود را محق میداند » .

در دنبال این جریانات روزنامه پاکستان تایمز چاپ لاهور در شماره مورخ پنجم ژانویه ۱۹۵۹ خوددر سرمقاله‌ای تحت عنوان « روابط پاکستان و افغانستان» ضمن اشـاره باظهارات اخیر آقای سردار داودخـان نخست وزیرافغانستان و پاسخ پرزیدنت ایوب خان رئیس جمهورپاکستان ( بشرح آنچه که در فوق گذشت )اشعار داشت که :

« ما امیدواریم که هیئت حاکمه‌افغانستان آنقدر درباره قضیه قلمروپاکستان کورکورانه و جاهلانه قضاوت نکند و کار را به بروز اختلافات شدید بین دولتین نکشاند ولی بهر صورت نحوه عمل واظهارات تعرضی زمامداران افغانی که گاه‌بگاه صورت میگیرد مورد کمال توجه ودقت پاکستان می باشد.

شاید واقعاًافغانها از اینکه هرچندیکبار موضوع‌پشتونستان را بمیان‌میکشند قصد داشته باشند که هربار عکس العمل ما را نسبت باین موضوع استنباط نمایند

تاریخ روابط‌پاکستان‌وافغانستان‌همواره‌حاکی‌ازپیشنهادات دوستانه‌پاکستان و غرض ورزیهای افغانستان بوده و ناسازگاریهای اولیای دولت افغانستان باساکنین این منطقه از همان ایام‌آغاز گردید که افغانها از شناسائی خط مرزی دیوراند خود داری میکردند.

افغانستان از روزتأسیس تاکنون‌از شناسائی حق‌حاکمیت این کشوردرمنطقه پشتو زبان خود داری کرده وهمواره‌باشدت زیادی که بوسیله عوامل خارجی‌تقویت میگردید حملات و تبلیغاتی علیه پاکستان شروع میکرده است.

هنوز ما حملات وحشیانه افغانها را بکنسولگری های خود که سه سال قبل بوقوع پیوست فراموش نمیکنیم ولی بخاطر حس همسایه داری ، ما گذشته هـا را فراموش کرده‌ایم و پیوسته برای بسط مناسبات خو باافغانستان‌نسبت بتأمین‌اقتصاد این کشور ابراز حسن نیت نموده‌ایم با همه این احوال افغانها هیچوقت دست از

تبلیغات پشتونستان خود نکشیده‌اندو اظهارات اخیر نخست وزیر افغانستان بیش‌از پیش موجب تعجب وناراحتی‌ما را فراهم کرده و شاید افغانها تصور کنند که‌سکوت ما دلیل ضعف ماست .

اکنون موقعی رسیده که‌دولت پاکستان‌نشان دهد که در برابر ادعاهای‌پوچ افغانها ضعیف نیست و برای همیشه باین تبلیغات پایان بخشیده شود و اگر افغانها حاضر بسکوت نمیشوند دولت پاکستان‌بدون فوت‌وقت امتیازاتی‌را که‌سال گذشته باامضای قرارداد ترانزیت بافغانستان داده مسترد دارد .

فشار اقتصادی پاکستان بافغانستان بهترین دلیل و راهی خواهد بود که پاکستان میتواند افغانها را بجای خود بنشاند »

باتوجه بآنچه که‌در فوق گذشت ملاحظه‌می‌شود که‌دولت‌پاکستان ناچاراست که در مرزهای شمالی خود خطرات دائمی سیاست تهدیدآمیز دولت افغانستان را که توأم با پشتیبانی و حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت شوروی نیز می‌باشد بر خود هموار نماید و از این راه با مشکلات قابل ملاحظه دست بگریبان باشد ولی نباید فراموش کرد که پاتان های ساکن‌منطقه شمال‌پاکستان دارای زندگی‌بهتری بوده وخودشان نیز حاضر نیستند که‌باتشکیل پشتونستان به‌نحو مورد تقاضای‌دولت افغانستان زندگی مرفه فعلی خود را از دست بدهند .

مع الوصف ایوب‌خان‌پس از بازگشت از مسافرت اخیر خود بایران از وزیر امور خارجه افغانستان ( سردار محمد نعیم خان ) دعوتی بعمل‌آورد که برای انجام مذاکراتی بپاکستان مسافرت نماید .

این دومین باری است که بین رهبران دو کشور تماس مستقیم حاصل میشود ( همان طور که قبلا گذشت در دوران قبل از انقلاب پاکستان نیز سردار محمد داودخان نخست وزیر افغانستان واسکندرمیرزا چنین دیدارهائی را ردوبدل‌نموده

بودند ) ولی این بار نیز از مذاکرات معموله با محمد نعیم خان تغییرات اساسی مهمی در روابط دو کشور ایجاد نشد و افغانها حاضر نشدند که از مسئله پشتونستان چشم پوشی نمایند ، زیرا تشکیل دولت خود مختاری از ۹ میلیون اهالی پشتو یا پختونستان که در نهایت امر تحت حمایت و تسلط کامل دولت افغانستان خواهد افتاد جمعیت آن کشور رابضرر پاکستان افزایش خواهد داد و افغانهاشدیداً می کوشند تا بر بزرگی واعتبار خود بهر نحو که مسیر باشد بیفزایند .

برای پاکستانی ها نیز تسلیم در برابر دعاوی افغانستان امکان پذیر نمی باشد و مقامات این دولت و بویژه فیلدمارشال ایوب خان بهیچ قیمتی حاضر نخواهندشد که تن بجدائی پشتونستان از پاکستان بدهند .

دعاوی افغانها متکی بهمجواری پشتونستان و افغانستان و هم زبانی وهم نژادی پشتون ها با بسیاری از افعان ها است ولی پاکستان نیز به حق تصرف استناد کرده و خود را جانشین حکومت انگلیسی هندوستان می دانند که در قرن گذشته ضمن امضای قرار دادی با امرای افغانی کنترل منطقه پشتونستان را بدست آورده اند .

همیشه در مناطق خاورمیانه و آسیا فرصت هـای
مناسب سیاسی برای توسعه نفوذ شوروی موجود
است .

لنین

**سیاست نفوذی شوروی در پاکستان :**

سیاست روسیه شوروی پس از جنگ جهانی دوم همیشه آن بوده وهست کـه سیاست بیطرفی را بهر صورتی که باشد بر کشورهای جنوب و جنوب خـاوری آسیا تحمیل نمایدو در مورد پاکستان مفهوم این بیطرفی (از نظر سیاست مداران کرملین) آن بوده که این کشور از اتحادیه های اقتصادی و نظامی منطقه‌ای که عضویت آنها را قبول نموده خارج شده وهیچگونه وظیفه‌ای را دررقابت های سیاسی منطقه جنوب خاوری آسیا برعهده نگیرد .

روی این اصل زمامداران شوروی همیشه مترصد بوده وهستند که با استفاده از اشکالات سیاسی واقتصادی دولت پاکستان این کشوررا تحت فشارقرارداده وموجبات کناره گیری آنرا از پیمان دفاعی جنوب خاوری آسیا و پیمان سنتو ( پیمان بغداد سابق ) فراهم نماید وبدیهی است چنانچه کمونیست‌ها دراین راه توفیق حاصل نمایند از نظر بلوك غربی منطقه وسیعی بین دریای مدیترانه و چین بخطر افتاده و بقایای تکیه گاههای غرب از تنگه سوئز تا سنگاپور از دست رفته و شاه راه نفوذی شوروی درهند و خلیج فارس بروی او باز خواهد شد .

ولی در حال حاضر علیرغم اینکه مناطق غربی پاکستان بعلت نفوذ شوروی در افغانستان وضع نا معلومی را بخود گرفته وپاکستان شرقی نیز با وجود بیطرفی برمه و دورافتادگی از مناطق غربی کشور در حقیقت از کشورهای جنوب شرقی نیز جدا مانده و بالنتیجه پاکستان در گازا نبر سیاست نفوذی شوروی قرار گرفته است

مع الوصف بستگی پاکستان به دنیای غرب قطعی است و مردی که فعلا زمام امور کشور را در دست گرفته فردی ضد کمونیست شناخته شده است، منتهی باید بخاطر داشت که این شخص ( فیلد مارشال ایوب خان ) درقبال ملت پاکستان تعهداتی را قبول نموده و میخواهد تعهداتش را همان طور انجام دهد که مرحوم آتاتورك در ترکیه انجام داده است .

ناگفته نباید گذارد که درحال حاضر مناسبات نزدیکی که افغانها باشورویها برقرار نموده‌اند و نفوذ عظیم اقتصادی دولت شوروی درافغانستان برای پاکستانی‌ها این وحشت را ایجاد نموده که شورویها دیر یازود برافغانستان تسلط یافته و بالنتیجه پاکستان از ناحیه مرز شمالی خود با شوروی هم مرز خواهد شد .

هم اکنون روس ها درخاك افغانستان مشغول ساختن دو رشته راه سراسری می باشند که علاوه بر آنکه کامیون و اتومبیل ازآنها عبور خواهد نمود ، تانگها و وسائل سنگین نظامی نیز قادر به عبورازآنها خواهندبودوعلاوه براین فرودگاه نظامی عظیمی که در مجاورت کابل بوسیله شوروی ها ساخته شده نیز برای فرود وپرواز هواپیما های سنگین چهار موتوره جت مناسب می باشد .

نیمی از بازرگانی افغانستان با دولت شوروی انجام می‌شود وشورویها تاکنون بیش از ۲۰۰ میلیون لیره اعتبار عمرانی به دولت افغانستان داده‌اند .

کارشناسان روسی بصورت روزافزونی درداخل خاك افغانستان راه پیدامینمایند وازآسفالت خیابان تا ساختمان سیلو و فرودگاه همه چیز بدستور و تحت نظارت آنها انجام می‌پذیرد و همه این مطالب بانضمام نحوه تفکر مغرضانه افغان‌هانسبت به دولت و ملت پاکستان و دعاوی ارضی آنها نسبت به منطقه پشتونستان نگرانی عمیقی را در محافل دولتی وملی پاکستان ایجاد نموده است .

نه‌تنهاشورویها میتوانندازطریق افغانستان به‌جنوب سرازیر گردند بلکه‌چینی‌ها

نیز با اندك فعالیتی موفق خواهند گردید که ازشمال شرق وازآن سوی پامیر راهی را بافغانستان پیدا نمایند .

بدین ترتیب پاکستانی‌ها که از یك سو باتجاوزات دولت چین کمونیست در ناحیه « لاداخ » کشمیرمواجه گردیده‌وازسوی دیگرنگران نزدیك شدن شورویها از طریق افغانستان می‌باشندخود رادرمحاصره گازانبری‌خطرناکی احساس‌مینمایند که دو سراین گازانبر هروز بیکدیگر نزدیك تر می‌شوند و انعکاس این نگرانی‌را از یك مصاحبه مطبوعاتی فیلدمارشال ایوب خان بخوبی می‌توان استنباط نمود .

ایوب خان در این مصاحبه اظهار داشته بود که :

تهدید کمونیسم را در افغانستان خطر جدی می‌شمارد و مایل است بـرای نجات افغانستان از سقوط دردامان کمونیسیم بکوشد .

واین اظهارات صریح ترین‌سخنانی است که تاکنون از جانب همسایــگان افغانستان نسبت بوضعیت آن کشور ایراد شده است .

آنچه موجب نگرانی‌دولت پاکستان شده‌کاملا بمورداست‌زیرا درحال‌حاضر شورویها براقتصاد وارتش افغانستان تسلط قابل توجهی راحاصل نموده‌اند وباآنکه دولت امریکا باین کشور(افغانستان) کمك هائی‌را معمول‌داشته و میدارد،مع‌الوصف مقامات دولتی کابل بیش ازآنچه که به‌دولت امریکا تمایل داشته باشند به شورویها تمایل داشته و دارند و دلیل آن نیز به نحو بارزی‌آشکار می باشد .

افغانها کمك‌های قابل‌ملاحظه‌ای را که‌امریکائی‌ها به دولتین‌ایران‌وپاکستان داده و می دهند با منافع خود متباین تلقی نموده وحال‌آنکه سیاست دولت شوروی مخالف باپیمان سنتو بوده و ازهیچ گونه اقدامی در مورد تضعیف موفقیت دول عضو این پیمان فروگذار نمی‌نماید و پرواضح است که این سیاست تاچه حد موردقدر-شناسی دولت افغانستان بوده و می‌باشد .

ولی به عقیده نویسنده ( که اخیراً ضمن مسافرتی بافغانستان مسئله نفوذ

شوروی دراین کشور راتا آنجا که امکان داشته بررسی نموده) نمی‌توان گفت افغانستان دست نشانده شوروی و یا در معرض سقوط در دامان کمونیسم می‌باشد زیـرا ملت افغانستان دارای احساسات ملی نیرومندی بوده وعلاوه براین دستگاه حکومتی افغانستان که از اجتماع افراد یك خانواده تشکیل یافته با مراقبت زیادی تماس مردم عادی را با روس ها تقلیل داده واین همان سیاستی است که نسبت به روابط اتباع افغانی باکلیه بیگانگان اعمال شده و می‌شود .

عاملی که طبقه حاکمه افغانستان را علیرغم همه بد گمانی‌هائی که نسبت به بیگانگان داشته و دارند به قبول کمك های اقتصادی و فنی شورویها مجبور نموده عقب افتادگی زیاد این کشور است که تنها کمك امریکائی ها رابرای غلبه برعقب ماندگی خودکافی ندانسته وناچار هر گونه کمك معموله‌ازناحیه روس ها راباآغوش بازاستقبال مینمایند ضمن اینکه بخوبی میدانند کـه شوروی هـا کمك بلاعوض بکسی نمیدهند .

سرنوشت بیطرف ها در جنگ سوم معلوم نیست
اما سرنوشت دوطرف متخاصم معلوم است یا پیروزی
یا شکست .

**مارشال مونتگمری**

# پاکستان و پیمان‌های منطقه ای

# پاکستان و پیمان های منطقه ای

دول پاکستان مانند هر کشور جوان وفعال دیگری پس ازسروصورت دادن باوضاع داخلی خویش به منظور حفظ حدود وثغور قلمرو خود سیاست بیطرفی را بعنوان یك روش غیر واقعی ردنموده وبااعتقاد باینکه هیچگاه به‌تنهائی قادر به‌دفاع از خویشتن نمی‌باشد عضویت پیمان‌های منطقه‌ای جنوب خاوری آسیا (S.E.A.T.O) وپیمان مرکزی (پیمان سابق بغداد) را یکی پس ازدیگری با توجه به‌نکات وعوامل مشروحه زیرقبول نموده است:

۱- موقعیت خاص جغرافیائی پاکستان وهمسایگی آن با کشورهای هنداز دو جناح پاکستان شرقی وپاکستان غربی و افغانستان و شوروی (ازشمال) با توجه باینکه هریك ازدولتین هند وافغانستان وشوروی نسبت به قسمت‌های مختلف خاك پاکستان مقاصد تجاوز کارانه‌ای را تعقیب مینمایند.

۲- ازبین رفتن اهمیت دفاعی استحکامات طبیعی در مرزهای کشوروضعف فوق‌العاده‌قدرت دفاعی پاکستان درمقام مقایسه باقدرت‌های دول هندوشوروی.

۳- احتیاج مبرم پاکستان به اخذ کمك مالی و اقتصادی به منظور تحکیم مبانی اقتصاد کشور و تثبیت اوضاع عمومی آن .

٤- پیروی از اصول مذهب اسلام و طرفداری شدید ازایده ئولوژی « پـان اسلامیزم» و رغبت شدید به همبستگی با سایر دول مسلمان جهان بخـاطر ایجاد جبهه اسلامی علیه مقاصد هند در کشمیر .

٥- وقوف باین حقیقت کـه ملل کوچك وضعیف از آنجا که خود قـادر به

دفاع ازخویشتن نمیباشند موجبات جلب مقاصد ومطامع تجاوز کارانه همسایگان خود را فراهم نموده و نقاط ضعفی را برای حفظ صلح جهانی بوجود میآورند .

این عوامل با آنکه بخودی خود دولت پاکستان را بلزوم ترك بیطرفی و پیوستن به اتحادیه های دفاعی منطقه‌ای تشویق میکرد مع الوصف اقدام دولت‌هند بسفارش اسلحه ومهمات زیاد مانند هواپیما های بمب افکن کانبرا و تعداد زیادی تانگهای سنتورین برای مقابله با ادعای پاکستان‌در کشمیر ، اختلافات تقسیم‌آب رودخانه های سند - ستلج - و بیاس که منطقه پنجاب علیا در پاکستان غربی را به خطر خشکی وقحطی تهدید مینماید ، بیش از پیش دولت پاکستان را بفکر انداخت که قبل‌ازآنکه دیپلماسی‌وقدرت دفاعی‌هند بکلی‌اوراتحت‌الشعاع‌فعالیتهای خود قرار دهد همت وبودجه خود را برای تقویت قدرت دفاعی کشورمصرف‌نماید

روی این اصل دولت پاکستان درسال۱۹۵۱ تقریباً شصت‌و یك درصدبودجه خود رابه تقویت‌بنیه دفاعی کشوراختصاص‌دادولی‌درهمان‌سال‌عده‌ای از کارشناسان اقتصادی به دولت خاطر نشان ساختند که فشار بودجه دفاعی عکس العمل شدیدی را نسبت به اقتصاد کشور در برخواهد داشت و دولت قبل از اینکه گرفتار بحران مالی ناشی ازاین امر شود باید برای اخذ کمك مالی بادول خارجی واردمذاکره شود .

درسال بعد که خانم الئنو روزولت و سپس ریچارد نیکسون و مرحوم مستر دالس از امریکا به پاکستان مسافرت نمودند اولیای دولت پاکستان طی جلسات متوالی‌مشکلات اقتصادی‌و دفاعی کشوررا با آنها درمیان گذارده و پیشنهاد نمودند درصورتیکه دولت امریکا حاضر باشد بهمان نحو که به دولت ترکیه کمك مالی‌و نظامی میکند به پاکستان نیز کمك نماید دولت پاکستان حاضرخواهد بودنسبت به‌امضای یك‌قراردادنظامی بادولت امریکا براساس قانون امنیت‌مشترك‌اقدام‌نماید.

درسپتامبر ۱۹۵۳ آقای غلام‌محمد فرماندار کل پاکستان وفرمانده کل نیروهای مسلح آنکشور به امریکا مسافرت نموده ودر آنجا درباب انعقاد قرار داد نظامی بین دولتین امریکاوپاکستان مذاکرات لازم را معمول نمودند ولی هنوز مذاکرات بجائی نرسیده بود که مطبوعات ومقامات رسمی شوروی اخباری را منتشر نمودند که دولت پاکستان حاضر شده در قبال دریافت کمك اقتصادی و نظامی از دولت امریکا ، پایگاههائی را درخاك خود به این دولت واگذار نماید و بدنبال این شایعات در ۲۹ مارس سال ۱۹۵٤ دولت شوروی وسیله کار دارسفارت خود در کراچی یادداشت اعتراضیه‌ای رابهمین مناسبت به‌دولت پاکستان تسلیم وخاطر نشان ساخت که امضای قرارداد نظامی پاکستان وامریکاروابط دوستانه دو کشوررا متزلزل خواهد نمود .

بموازات اعتراض شورویها دولت هند نیز مخـالفت خود را ابراز و آقای جواهر لعل نهرو نخست وزیرهند طی نطقی کـه در مجلس آن کشور ایراد نمود اظهارداشت که :

« کمك امریکا به پاکستان مقدمه محو آزادی در آسیااست واین اولین قدمی خواهد بود که برای دعوت استعمار به قاره‌آسیا برداشته میشود . . . »

بالاخره علیرغم این مخالفت ها دولت پاکستان در آوریل ۱۹۵٤ (در زمان نخست وزیری آقای محمد علی و وزارت امور خارجه‌آقای چودری ظفرالله‌خان ) قرارداد نظامی مورد بحث را بادولت امریکا امضاء نمود بدون آنکه متعهد شود که در صحنه سیاست بین‌المللی سیاست خود را تغییر دهد .

از تاریخ امضای قرارداد مزبور دولت امریکـا طبق تعهد خویش و بموجب قانون امنیت مشترك مورخ ۱۹٤۹ ولایحه اصلاحی قانون امنیت مشترك سال ۱۹۵۱ به منظور تقویت بنیه دفاعی دولت پاکستان کمك‌هائی را بارتش این کشورمعمول وعده‌ای از افسران وافراد ارتش امریکا را نیز برای تعلیم افسران و افراد ارتش

پاکستان باین کشور اعزام نمود و بموجب آخرین آماری که در فوریه سال ۱۹۵۹ از طرف سفارت کبرای امریکا در کراچی منتشر شده تا این تاریخ دولت امریکا معادل ۹۲۵ میلون دلار را بعناوین مختلف بدولت پاکستان پرداخت نموده است .

**پاکستان و پیمان منطقه‌ای جنوب خاوری آسیا :**

مخالفت‌های شدیدی که از ناحیه دولتین هند وشوروی درقبال امضای قرارداد نظامی پاکستان وامریکا به‌منصه ظهور رسید جای تردیدی را باقی نمی گذاشت که دولت پاکستان ناگزیر بوده که سیاست بیطرفی خود را ترك گفته وبرای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بادول هم پیمان غرب همکاری و اشتراك مساعی نماید و گذشته ازاین بهمان اندازه که دولت پـاکستان موقعیت خود را درجناح غربی در مخاطره تجاوزافغانها وشورویها وهندیها احساس می‌نمود بهمان اندازه نیز موقعیت پاکستان‌شرقی‌را که جزء مناطق آسیای‌جنوب خاوری محسوب می‌شود ودرمعرض تهدید کمونیست‌ها وهندیها بوددرمعرض خطردیده‌و ناگزیر برای تأمین‌اقتصادیات و دفاع ازاین قسمت از خاك خود به فکرچاره جوئی افتاد وبدیهی‌است که‌بهترین راه حل برای رفـع این محظور آن بود کـه عضویت اتحادیـه دفاعی‌آسیا جنوب خاوری را قبول نماید .

بنابراین پنج ماه بعدازامضای قرارداد نظامی بادولت امریکا ، بعنوان‌یکی از امضاء کنند گـان پیمان جنوب خاوری‌آسیا نیز به عضویت اتحادیه منطقه‌ای نامبرده در آمد .

گذشته ازآنچه که درفوق بآن‌اشاره شد سایر علل وجهات پیوستن‌پاکستان به اتحادیه جنوب خاوری‌آسیا را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود :

الف ـ توجه مخصوص پاکستان به‌آبهای ساحلی‌پاکستان شرقی مخصوصاً در این منطقه که اقیانوس کبیراز اقیانوس هند جدا شده وموقعیت کشورهای‌برمه

مالایا - تایلند وهند وچین برای دفاع ازپاکستان شرقی اهمیت مخصوصی را دربر دارد زیرا این کشورها ممکن است بصورت اولین پایگاه برای حمله بـه پاکستان شرقی مورد استفاده واقع شوند، چنانکه درجنگ بین المللی دوم همین که ژاپونی ها موفق شدند کنترل سیام و هندوچین را دردست گیرند برمه رامورد حمله قرارداده وازآنجا شبه قاره هندوستان را مورد تهدید قرار دادند .

ب - دولت پاکستان در کشورها ومناطق واقع در آسیای جنوب خاوری علاقه و مقاصد فرهنگی و اقتصادی داشته و صرفنظر از چند میلیون مسلمانان که دراین مناطق زندگی میکنند ودولت پاکستان بااستفاده ازنفوذ خود میتواند در احساسات مذهبی آنها رسوخ نماید اساساً کشورهای نامبرده صادر کنندگان بسیاری ازمواد خواربارمخصوصاً برنج هستند که دولت پاکستان ناگزیراست هرسال برای تأمین خوراك اهالی پاکستان شرقی مقادیر زیادی برنج و گندم مورد احتیاج خود را با استفاده از تسهیلات زیادی از این مناطق وارد نماید .

ج -روشن شدن مقاصد تجاوز کارانه کمونیست های چین وهندوچین ونقشه های تخریبی زعمای کمونیست از قبیل هوشی مینه در کشورهای همسایه که پاکستان شرقی نیز جزء آنها است .

د - ادامه فعالیت های محرمانه هند در مورد اعزام عوامل مخرب به پاکستان شرقی و سمپاشی بین مردم به نفع کمونیست ها وبرای الحاق بنگال شرقی به بنگال غربی .

باتوجه باین دلائل وجهات در تاریخ هفتم سپتامبر ۱۹۵٤ که کنفرانس نمایندگان دول امریکا - انگلستان - فرانسه - استرالیا - زلند جدید- پاکستان- تایلند و فیلیپین درشهر مانیلا ( پایتخت فیلیپین) برای تهیه مقدمات طرح پیمان «سیتو» تشکیل گردید آقای چودری ظفرالله خان نماینده پاکستان پیشنهاد کرد

که منظور ازخطر تجاوز در پیمان سیتو نباید منحصر به خطر کمونیسم باشد و برای آنکه خطر هندیها نیز نسبت به پاکستان مورد توجه قرار گیرد پیشنهاد نمود در متن پیمان گنجانیده شود: «هر گونه تجاوز». مرحوم دالس وزیر امور خارجه امریکا با پیشنهاد وزیر خارجه پاکستان باحذف کلمه :« کمونیست» موافقت کرد مشروط باینکه دولت امریکا درمنازعات دو دولت غیر کمونیست شرکت نکند وبنا براین دولت امریکا یاد داشتی ضمیمه قرارداد سیتو نمود مبنی براینکه وی فقط تعهدات خود را در مورد خطر تجاوز کمونیست انجام خواهد داد .

عضویت پاکستان در پیمان سیتو در تاریخ هشتم سپتامبر ۱۹۵٤ با امضای قراردادهای مربوطه عملی گردیده و بموجب آن:

دول امضاء کننده پیمان متعهد گردیدند که مشترکا وجداگانه بوسائل مؤثر و مداوم واخذ کمکهای مشترك بایکدیگر تشریك مساعی خواهند نمودتا موقعیت خود را برای مقابله باخطر حمله مسلح وجلوگیری از عملیات تخریبی علیه حاکمیت واستقلال ارضی خویش تقویت و تثبیت نمایند و ضمناً متعهد میشوند که برای پیشرفت اوضاع اقتصادی کشورهای خویش بایکدیگر همکاری و اشتراك مساعی نمایند .

......... و بموجب ماده چهارم پیمان سیتو :

در صورتیکه یکی از اعضای پیمان مورد حمله مسلح واقع گردیدسایرهم - پیمانان حمله مزبوررامشترك تلقی نموده ودر صدد مقابله با آن برخواهندآمد ، لکن هیچگونه اقدامی بمنظورخنثی نمودن فعالیتهای تخریبی یا مقابله باحمله مادام که از طرف دولتی که مورد حمله و تجاوزواقع گردیده تقاضای کمك نشده بعمل نخواهدآمد

تشکیل اتحادیه جنوب خاوری آسیا وعضویت پاکستان در آن نیز بامخالفت

وعدم رضایت دولتهای هندوشوروی وچین کمونیست مواجه گردید و آقایان چوئن لای نخست وزیر چین کمونیست و نهرو نخست وزیر هند هر کدام با لحن خاصی مخالفت خود را درجلسات کنفرانس باندونك متشکله از کشورهای افریقائی و آسیائی بیان نمودند ولی دولت پاکستان اتهامات واعتراضات دول مخالف را قبول نکرده وعضو وفادار پیمان باقی ماند و در ماه مارس ۱۹۵٦ دوره اجلاسیه شورای کشور های عضو پیمان سیتو درشهر کراچی تشکیل گردید وتصمیم گرفته شد که مرکز شورای پیمان در بانکك تاسیس وشروع بکار نماید .

از نظر دولت پاکستان عضویت در پیمان سیتو این فایده را در بردارد که تا حدی دفاع و امنیت منطقه پاکستان شرقی موردتضمین قرار گرفته و بااخذ کمك مالی ودفاعی بنیه اقتصادی و نظامی آن منطقه را تقویت مینماید و ضمناً درجلسات پیمان سیتودر کراچی نمایندگان عضو پیمان موافقت نمودند مادام که خط دیوراند مرز مشترك پاکستان وافغانستان را تشکیل میدهد کلیه مرزهای پاکستان مشمول مقرارت دفاعی پیمان سیتوواقع خواهد شد واین تصمیم ازلحاظ تأمین دفاع مناطق شمالی پاکستان غربی که بعلت سکنای پاتانها و ادعای افغانها به تشکیل دولت پشتونستان همواره مورد مخاطره بوده است بسیار مفید و قابل ملاحظه میباشد .

دولت پاکستان اگر چه نتوانسته است بموجب پیمانهای سنتو (پیمان سابق بغداد) وسیتو کمك امریکا را درمورد خطر حمله دول غیر کمونیست (هند و افغانستان) جلب نماید لکن بموجب پیمان سیتو مرزهای شمالی پاکستان غربی راجزء تعهدات دفاعی منطقه آسیای جنوب خاوری در آورده وچنانچه روسها بخواهند بعناوینی دربین عشایر پاتان فعالیتهای مسلحانه نمایند دولت پاکستان بخوبی میتواند از تعهدات اعضای پیمان «سیتو» استفاده نموده و بهره مند گردد .

باید دانست که چون هدف اصلی پاکستان از عضویت درپیمان سیتو دفاع منطقه پاکستان شرقی و تقویت بنیه اقتصادی آن خطه بوده است از تاریخ عضویت

درپیمان نامبرده تا کنون قسمت اعظم و واقعی کمک‌های اقتصادی ونظامی امریکا ازبابت پیمان « سیتو » در همان منطقه پاکستان شرقی بمصرف رسیده و هنوز نیز این اقدامات ادامه دارد منتهی چون در آن منطقه قریب چهل وچهارمیلیون نفوس زندگی میکنند که صدی هشتاد آنها گرسنه و فقیر و بیسواد میباشند لذا کمکهای عمومی سیتو چندان تأثیری در تثبیت اوضاع آن خطه نداشته و تحریکات عوامل مخرب هندی و کمونیست دراین منطقه هم چنان ادامه دارد.

درماه ژانویه سال ۱۹۵۹ آقای «سارابین» دبیر کل پیمان سیتوهنگام عبور از کراچی چند روزی دراین شهر توقف نمود وضمناً اظهارداشت:

کمك وهمکاری سیتو باپاکستان باندازه قابل اهمیتی ازنفوذ کمونیستهادر پاکستان کاسته و مخصوصاً فعالیت کمونیستها برای در دست گرفتن سندیکاهای کارگران و اتحادیه های دانشجوئی در کشور با یأس مواجه گردیده است و امید میرود که درسایه رژیم جدید نظامی بیش از پیش از پیشرفت و عملیات تخریبی کمونیستها دراین کشورکاسته شود.

### عضویت پاکستان درپیمان مرکزی (پیمان بغداد سابق)

پاکستان از نظر موقعیت جغرافیائی طوری تقسیم شده که جناح غربی آن جزء مناطق خاورمیانه وجناح شرقی آن درحلقه کشورهای آسیای جنوب‌خاوری محسوب میشود و بعلاوه چون تشکیل پاکستان بر اساس ایده‌ئولوژی حکومت اسلامی استوار بوده دولت پاکستان‌همواره‌سعی نموده خود را درجرگه کشورهای مسلمان خاورمیانه وارد کرده وگاهی نیز بعنوان داشتن حداکثر نفوس مسلمان پیشوائی دول مسلمان را ادعا کند.

از این گذشته پاکستان برای اینکه بتواند روابط اقتصادی خود را با کشورهای مسلمان خاورمیانه توسعه داده و ضمناً هر سال عده زیادی از زائرین

بیت‌الله را بکشورهای عربستان سعودی وعراق روانه نمایدوبالاخره بعلت همبستگی تاریخی با تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران پیوسته خود را عضو لاینفك کشورهای مسلمان خاورمیانه دانسته وازحق نباید گذشت که درطی سالهای اخیر در هروقت وعندالاقتضاء درسیاستهای مختلف جهانی بنفع دول مسلمان خدمت و گذشت نموده است.

بنا براین موضوع عضویت پاکستان در پیمان دفاعی این منطقه که بدلائل زیادی مبتنی برمنافع پاکستان بوده امرمهم وخارق‌العاده‌ای نبوده است.

بدین ترتیب که در ماه اکتبر سال ۱۹۵۱ پس از اینکه دولت‌مصر پیشنهاد دولت امریکا را برای تشکیل فرماندهی خاور میانه با عضویت دول امریکا - انگلیس - ترکیه - مصر رد نمود دولت جدید امریکا که تازه بریاست جمهوری پرزیدنت ایزنهاورتشکیل شده بود با استفاده از نتایج مسافرت و مطالعات مرحوم آقای فوستردالس‌وزیرامورخارجه‌وقت امریکا تصمیم گرفت که فعلا بجای‌تشکیل فرماندهی خاور میانه با دول این منطقه وارد مذاکره شده و آنها را بلزوم عقد قراردادهای جداگانه نظامی واقتصادی با یکدیگر تشویق نموده و سپس با دادن کمکهای مالی نظامی بهر کدام در این منطقه یك جبهه دفاع دسته جمعی بر علیه خطرحمله کمونیسم بوجود آورد.

این فکر ابتدا از طرف اولیای دولت امریکا با مقامات دولتین ترکیه و پاکستان که هردواز کشورهای غیر عرب خاورمیانه میباشند درمیان گذارده شدو طرفین که هر دو دارای ارتش نسبتاً قوی و مجهز بودند حاضر بقبول پیشنهاد امریکائیها شده و درتاریخ آوریل ۱۹۵۴ بین پاکستان و ترکیه قرار داد دوستی و همکاری مشترك بامضاء رسید وبلافاصله پس ازامضاء قرارداد مزبور بود که دولت امریکا تصمیم گرفت میزان کمك نظامی خود را به پاکستان‌افزایش‌دهدواین‌امر

درمحافل‌مختلف‌دول‌هندوشوروی وپاره‌ای از کشورهای عربی ایجاد سروصدا وعدم رضایت نموده ودولت شوروی بهمین مناسبت درهمان اوقات یادداشت شدیدالحنی را بدولت پاکستان تسلیم نمود .

مقارن ایامی که قرارداد مودت نظامی ترکیه ـ پاکستان بامضاء رسیددولت عراق نیزموافقت خود را بقبول کمك نظامی واقتصادی امریکا اعلام نمود وچون این کمك بدون‌هیچگونه‌قید وشرط ( فقط با تعهد عدم‌استفاده ازآن‌بمنظورتعرض) صورت میگرفت‌طبعاً‌دولت عراق اولین دولت عربی‌بود که‌حاضرشده‌بودبامتحدین غربی‌همکاری نماید .

بنا براین دراکتبرسال ۱۹۵٤ که نوری‌السعید نخست‌وزیر عراق مسافرتی به ترکیه نمود علاقه دولت متبوعه خود را بالحاق به پیمان مودت ودفاعی ترکیه وپاکستان ابراز و وقتیکه درژانویه ۱۹۵۵ آقای عدنان مندرس نخست وزیر وقت ترکیه ببغداد مسافرت نمود موجبات امضای قرارداد دفاعی عراق وترکیه فراهم گردید واین قرارداد دربیست وچهارم فوریه سال۱۹۵۵ بین‌دولتین عراق‌وترکیه بامضاء رسید.

ازهمین‌جا بود که هسته مرکزی پیمان بغداد بوجود آمد ودولت‌امریکااز دولتهای پاکستان و ایران دعوت نمود تا آنها نیزبه پیمان دفاعی عراق و ترکیه ملحق شوند .

اگرچه دولت ایران بعلت ادامه سیاست بیطرفی تاریخی‌خود مدتی‌درقبول الحاق به پیمان مزبور تأمل و مطالعه نمود لکن دولت پاکستان که قبلا با دولت ترکیه قرارداد مودت ودفاعی‌امضاء نموده بود درتصمیم‌خود درالحاق به‌پیمان‌بغداد تردیدی راه نداده و چندی بعد که دولت شاهنشاهی ایران نیز موافقت خود را به عضویت در پیمان مذکور اعلام نمود در نوامبر ۱۹۵۵ دول عضو پیمان منجمله

پاکستان درنخستین جلسه شورای پیمان بغداد درشهر بغداد شرکت نمودند.

در آوریل سال بعد که جلسات شورای پیمان بغداد در شهر تهران تشکیل گردید هنگام بحث پیرامون موضوع مخالفت پاره‌ای از کشورهای عربی باپیمان بغداد دولت پاکستان نیز نظریات خود را دائر بلزوم توجه اعضای پیمان بخطر هندیها و فراهم ساختن موجبات حل قضیه کشمیرابراز و بالاخره براثر پافشاری نماینده دولت پاکستان دراعلامیه نهائی کنفرانس تهران اشاره شد که‌اعضای‌پیمان حل قضایای فلسطین و کشمیررا با اهمیت تلقی مینمایند.

ازتاریخ عضویت پاکستان در پیمان بغداد تاکنون بخوبی استنباط گردیده که اگرچه هدف اصلی ایجاد پیمان مزبورجلوگیری‌ازخطرتجاوزومقابله‌باحمله مسلحانه کمونیستها دراین منطقه بوده لکن غرض اصلی دولت پاکستان‌ازعضویت دراین پیمان استفاده ازهمکاری و کمك های مالی و نظامی وبالاخره تعهدات دول عضوپیمان دربرابرخطرحمله وتجاوزهندیها در موضوع کشمیر و مسئله تقسیم‌آب رودخانه های سند ــ ستلج ـ وبیاس و مسئله دعاوی و حقوق‌املاك مهاجرین‌هندو پاکستانی بوده وخلاصه آنقدر که پاکستانیها بمسئله خطر هندیها اهمیت میدهند بموضوع خطر کمونیستها اهمیت نداده وآنچه از پیمان بغداد و سیتو توقع دارند تأمین اطمینان خاطریا گرفتن تعهد برای استفاده از همکاری دول عضو پیمانهای نامبرده دربرابرخطرتجاوزهندیها میباشد وبس.

خدمت مهمی که دولت پاکستان در راه بقای‌پیمان‌بغداد (پیمان‌مرکزی فعلی) کرده آنست که درجریان حوادث حمله نیرو های دریائی انگلستان بکشور مصر که دولت عراق براثرتعصب عربی وتبلیغات دولت عبدالناصرشدیداً بعضویت انگلیس در پیمان بغداد اعتراض نمود و مخصوصاً خاطر نشان ساخت چنانچه دولت انگلیس ازپیمان بغداد خارج نشود او عضویت پیمان را رها خواهد نمود، دولت پاکستان بعنوان میانجی خود را وارد موضوع نموده و با مهارت‌خاصی‌موفق

گردید که دولت عراق را به ادامه عضویت انگلستان درجرگه دول عضو پیمـان راضی نماید .

در ژوئن ۱۹۵۷ جلسات شوری پیمان بغداد درشهر کراچی تشکیل شد ودر همین جلسات بود که نمایندگان عضو پیمان توافق نظر حاصل کردند که ازتاریخ تشکیل پیمان بغداد فعالیت عوامل مخرب درداخله کشورهای عضو پیمان بحداعلی رسیده و درباره همکاری دول عضو و تبـادل اطلاعات بـایکدیگر قرار و مداری گذاردند .

باید تصدیق کرد که پاکستان نیزمانند سایر دول عضو پیمان بغداد درخاور میانه باعضویت درپیمان بغداد دوستی دولتهای شوروی وچین کمونیست را ازدست داده و باآنکه تاکنون چندین بار طی یادداشتهای مختلف بدولت شوروی اطلاع داده که پیمان بغداد وسیتو پیمانهای کاملا دفاعی است مع الوصف، در رفع سوءظن و محیط سردروابط تغییری حاصل نشده وشورویها بوسیله عوامل روسی ومحلی خویش در اقصی نقاط کشورپاکستان بخصوص درمنطقه پاکستان شرقی که محیط ازحیث فقر و فاقه و گرسنگی وبیسوادی کاملا آماده قبول کمونیسم میباشد مشغول فعالیت تخریبی بوده و می باشند ،

عیب عمده درپاکستان اینست باآنکه ایجاد تشکیلات کمونیسی در این کشور ممنوع گردیـده لکن احزاب چپ و کمونیستی مـانند نشنال عوامی پارتی باماسك ملی درصحنه سیاست این کشورفعالیت شدیدداشته وبسیاری ازسندیکاهای کارگری و اتحادیه‌های دانشجوئی و روزنامه‌های یومیه و هفتگی دراین کشوربا پول و سرمایه روسها اداره میشوند ومتاسفانه دولت پاکستان نیز تاقبل از کودتای ژنرال ایوب‌خان برنامه صحیح وواقعی برای مبارزه وشدت عمل دربرابر کمونیستها و این قبیل عوامل مخرب نداشته است .

بیشك دلیل عمده سهل انگاری دولت پاکستان در مبارزه با عوامل مخرب این بوده که تاکنون مقامات این کشور خطر جاسوسان هندی‌وعوامل مخرب هند را بمراتب شدیدتر و مؤثرتر از کمونیسم تلقی‌نموده‌اند و هنوز هم که‌با یك مأمور انتظامی عالیرتبه صحبت کنید آنقدر که بخطر هندیها در پاکستان اهمیت میدهند بخطر تخریبی کمونیستها وقعی نمیگذارند.

صرفنظر از سمپاشیهائی که از جانب مأمورین روسی و شبکه‌های کمونیستی بر علیه دو پیمان سنتو وسیتو در پاکستان بعمل میآید بعضی از طبقه خواص در پاکستان نیز نسبت به پیمان مرکزی نظر خوب وخوشی‌را نداشته و یکی ازعلل مهمی که موجب عدم رضایت این دسته از مردم گردیده‌آنست که عضویت‌پاکستان در پیمان بغداد به از دست دادن دوستان مسلمانش بخصوص عبدالناصر نمیارزیده و معتقدند پاکستان که دم از ایده‌ئولوژی پان اسلامیزم میزند نباید کاری کرده باشد که دوستان مسلمان عرب را از خود بر نجاند.

مجله هفتگی‌اینترپرایز چاپ کراچی‌درشماره ۲۱ فوریه ۱۹۵۹خودطی‌یك مقاله اساسی تحت عنوان پاکستان وپیمان ها بقلم تماشاچی برویه‌همکاری دولت پاکستان با پیمان‌های بغداد وسیتوحمله نموده واظهارعقیده نموده که چون‌دولت امریکا حاضر نشده‌در پیمانهای سیتو وبغداد دفاع پاکستان را در برابر هرگونه خطر (که مقصود خطر حمله هند میباشد) تضمین نماید بنابراین عضویت در این پیمانها موردی ندارد و در اینجا برای روشن شدن اذهان ترجمه قسمت‌هائی ازآن مقاله را بدون هیچگونه اظهار نظری بشرح زیر از نظر خوانندگان‌میگذراند:

«بستن پیمان در مناسبات وروابط بین‌المللی فقط از جنبه‌استحفاظی وتأمین علیه تجاوزات تلقی میشود تا کشورها بدان وسیله برای دفاع از خود کمك نظامی

وبرای پیشرفت‌ها وترقیات عمرانی‌خویش کمك اقتصادی‌مورد لزوم‌را بدست آورند ماهم بایستی برای حال و آینده کشور خویش همین اصول را درپیمان‌هائی که با دیگران منعقد مینمائیم مورد توجه قرار دهیم .

پاکستان درحال حاضرعضویت دو پیمان جنوب شرقی آسیا و بغداد راقبول نموده است و ما بایستی از نظر خودمان اجرای مقررات این پیمان ها را باتوجه به‌تغییراحتمالی‌استراتژیك‌واختراع وپیشرفت‌ساختمان‌موشك‌های‌قاره پیما و سایر سلاحهای مخرب مورد بررسی وتجزیه و تحلیل قرار دهیم .

ضمانت کنند گان پیمان جنوب خاوری‌آسیا صراحتاً دراین پیمان مقرر داشته اند به محض اینکه یکی از اعضای پیمان مورد حمله کمونیستها واقع شود سایراعضاء‌بلاد رنگ بکمك‌وی‌خواهند شتافت‌ولی‌امضاء کنند گان قبول نکرده‌اند که هر گاه یکی‌ازاعضاء‌مورد حمله کشوری غیر از کمونیستها واقع شود به کمك او اقدام کنند .

بدون‌شك چودری محمد ظفرالله‌خان‌وزیرامورخارجه ودولت وقت‌پاکستان درهنگام امضای پیمان‌سیتووجود هندوستان رادرهمسایگی کشورمادر نظرداشته‌اند ولی اعضای نیرومند این پیمان بدان توجهی ننموده‌اند وبنابراین پیمان سیتو تا آنجا که مربوط به‌نگرانی پاکستان ازهندوستان باشد نمیتواند پیمان بسیارنافع وذی قیمتی بشمار آید .

هندوستان در مجاورت ما مبداء خطر است و ما باید پیوسته هوشیار وازهر جهت مهیاباشیم . ما کمك دوستان‌خود رالازم‌داریم ولی پیمان سیتو در مقابل‌چنین دشمنی نمیتواند هیچگونه کمك و معاضدتی را درحق ما معمول دارد .

صحبت در باره تجاوز و تخطی آینده کمونیست ها و ندیده گرفتن خطرات هندوستان که در هرروز وساعت مارا تهدید میکند صحیح ومنطقی نیست ومثل‌این

است که رفقای‌ما در مقابل حمله‌غول آدم خواری که درمسافتی‌دور ازما قرار گرفته برای حفظ وهراست ما قراولی کنند ولکن ازدسته دزدان و قاتلینی که پشت‌دیوار خانه ما مشغول برانداز وضع ساختمان دیوارها هستند تـا راهی را برای ورود و قتل‌وغارت پیدا کنند غافل باشند .

. . . دشمن مجاورما ممکن‌است‌خصم‌اعضای دیگر پیمان سیتو نباشدولی‌در هرحال یك پیمان در صورتی خوب و مفید است که خطرمربوط بیك عضو را خطر عمومی برای کلیه اعضاء تلقی‌نماید .

باید دولت رژیم جدید ماجهد وافی بعمل‌آورد کـه این اصل را بتمام اعضای پیمان تفهیم نماید و امیدواری حاصل است که اعضای نیرومند پیمان سیتو که در حکومت ضعیف سابق ما باین موضوع مهم و گرفتاری ما اهمیتی ندادند واغماض نمودند اکنون این انقضا را از طرف رژیم‌قوی و انقلابی ماموردمطالعه قرارداده‌و بحرف ما گوش‌دهند .

حال پیمان بغداد را مورد بررسی قرار میدهیم :

حکومت های سابق ما دربرخی‌از مواقع اظهار داشته‌اند که پیمان بغدادبر خلاف پیمان سیتو جنبه جدی وواقعیت بیشتری را در بردارد . بدینمعنی که اگر هریك از اعضای پیمان از هرناحیه مورد تجاوز و مخاطره واقع شوند پیمان‌بغداد بدون هیچگونه شرطی‌حمایت فوری خود را نسبت باین عضو معمول خواهد داشت ولی این امیدهم خیلی زود مبدل بیأس گردید وفکر اینکه اگر بپاکستان حمله شد تمام اعضای پیمان بغداد اعم از بزرگ و کوچك به کمك‌آن بشتابند باسردی تلقی شد .

. . . بنابراین پیمان‌بغدادنیز تاجائی که دفاع درمقابل‌تجاوز هندوستان‌مورد نظر باشداقدامات مؤثری وشدیدی راتعهد ننموده وبهمین ترتیب پیمان مذکوردر

مورد ایران هم چندان تعهدات رضایت بخشی را برعهده نگرفته بود و بطوری که ازسخنان ماه قبل رهبران ونمایندگان ایران درشورای پیمان بغدادمنعقده در کراچی مستفاد می‌شود آنها هم (ایران) مانند ماازعقد پیمان بغداد انتظار وتوقع داشته‌اند که کشورشان علیه هر گونه تجاوزی تضمین شود.

. . . ازطرفی پیمان مذکور که قبلا در بغداد انعقاد یافت نوری سعید مبتکر اصلی خودرا ازدست داد وسلطنت درعراق منقرض گردید وپاکستان راخصم اعراب و مخالف پیشرفت آرزو وهدف‌های آنها قلمداد نمود.

اعراب انگلستان را که یك عضو مؤثر وفعال پیمان بغداد است امپریالیست و استعمارطلب دانسته و خصوصاً وقتی که انگلستان باکمك اسرائیل وفرانسه بمصر حمله کرد وبا عزمی جزم درنظر داشت که روح انقلاب وناسیونالیزم را درآن کشور عربی پایمال سازد پیمان بغداد نزد اعراب یك پیمان ملعون ومنفوری تلقی شد.

. . . بدین ترتیب پاکستان نه فقط اطمینان و پشت گرمی به دو نیروی مهم وارد پیمان بغداد (امریکا ـ انگلستان) را ندارد که وی را درمقابل هند یاری و حمایت کنند و حقوق تعیین تکلیف و سرنوشت اهالی کشمیر را که خودشان در اتخاذآن آزاد باشند بخودشان واگذار نمایند بلکه مقام وموقعیت واحترام خودرا نیز نزد برادران هم کیش خود، اعراب پست کرده است.

این موضوع که نزدیك‌ترین دوستان ما که ازلحاظ وحدت دین و آئین وفرهنگ و سوابق تاریخی باید متفق و صمیمی ما باشند ما را بدترین دشمن خود بدانند و خصم ما هند را دوست خیر خواه خود تلقی نمایند واقعاً برای ما بسی ناگوار خواهد بود والبته برای پاکستان خوش آیند نیست.

. . . دراین میان انقلاب عراق پیدا شد که پیمان بغداد را دردرجه دوم اهمیت قرار داد وموجب تایید اطمینان و استظهار اعراب بخود گردید که میتوانند

بپای خود بایستند وصاحب سرنوشت وآینده خودشان باشند .

دراین صورت تکلیف پاکستان چیست و چه باید بکند ؟

بدیهی استکه انتقادآسان ولی تعقل و ابتکار و بدست آورون افکار مفید بسی دشوار است معهذا میتوان گفت طرقی که در چند سال اخیر پیش گرفته ایم و طرفدار آن شده‌ایم یك رویه وراه استراتژیکی نبوده است .

. . . بالاخره سیاست خارجی یك کشور وحی منزل نیست کـه نتوان آنرا تغییر داد اگر حالا باخروج عراق از پیمان بغداد کـه محور مؤسس آن بوده است پیمان مزبور فاقد خواص و شکلی کـه مقصود ار انعقا دآن بود شده باشد در این صورت ما بایدآنرا ترك کنیم و به ثبت در تواریخ بسپاریم و نباید تلاش کنیم کـه آنرا بصورت و قصدی که قبل از انقلاب عراق از آن در نظر بوده در بیاوریم .

. . . فعلاعهدنامه پیمان‌بغداد بایستی‌بین‌دولتهای‌ایران و ترکیه وپاکستان و همچنین افغانستان (اگر این کشور با نظر اینکه خطر برای یك کشور عضو خطر نسبت بآنها تلقی شود و این نکات را بطور صریح و روشن در بر داشته باشد وارد در این پیمان شود) وجود داشته باشد دراین صورت آمریکا و انگلستان باید از پیمان مزبور خارج شوند .

. . . البته کمك نظامی و اقتصادی کـه غرب برای استحکام و تقویت این پیمان بما میدهد بسیار خوب و خوش آیند است و مردم کشور مـا نسبت بچنین مساعدت ها نظر مخالف ندارند و محققاً در صورتی کـه بـا نظر پیشرفت و ترقی داده شود ملل نامبرده هم خوشحال خواهند بود و از آن استقبال خواهند نمود .

اگر چنین قراردادی (پیمان بغداد) دربین نباشد موضوعی که پاکستان‌با آن روبرو است‌این‌استکه این کشورباید متمایل بشرق‌یاغرب ویا بکلی بیطرف‌بماند واین سیاست رادنبال کند . آنهائیکه مایلند پاکستان دراین کشمکش دنیا بیطرف

بماند این نظریه را تأیید می کنند که ما که این قدر درمسائل ومشکلات خودمان گرفتار و غوطه‌وریم مناسب نیست درجنگ بین شرق و غرب که برای تسلط و حکومت بردنیا بایکدیگر کشاکش دارند دخالت کنیم .

آنها معقدند که با هردو طرف باید دوست باشیم و با کمال تشکر و امتنان از هردوی آنها کمك بلا شرط قبول نمائیم .

. . . همسایه ما هند پیوسته نسبت به غرب لاف زده ، تهدید و درشتی نموده و باج سبیل گرفته معهذا هر چه تقاضا کرده تأمین شده و هر کمکی لازم داشته دریافت نموده و علاوه براین غرب را مجبور نموده است که از پاکستان ضمانت و حمابت نکنند .

. . . هند درهمین حال از شوروی هم هر چه خواسته است اخذ نموده‌است

. . . گفتگودر باره وحدت و اتحاد نیز فکر و موضوع بیطرفی را بی معنی جلوه میدهد .

طرفداران‌روش‌اتحاد با سایرین‌این عمل بیطرفی را برای یك ملت کوچکی کـه عقیده دارند اگرهم‌ازخارج مورد تجاوزواقع نشود درنتیجه خرابکاری‌های عناصر داخلی حاکمیت خود را از دست داده و استقلال خود را گم خواهد نمود بسیار مضر میدانند .

خوب است وزارت امور خارجه ما جد و جهد نموده و جنبه های له و علیه وحدت و بیطرفی را مورد مطالعه دقیق قرار دهد .

ممکن‌است روزی‌برسد که لازم‌باشد ما بیطرف باشیم وشاید هم‌یك‌وقت‌واجب شود که درصف جدیدی وارد شویم ولی درهر حال باید از صحت و درستی طریقی که در پیش گرفته‌ایم مطمئن باشیم .

باید بوسیله سیاست معین و خاصی که اتخاذ مینمائیم کاملا مطلع شویم که چه نفع و ضرری می‌بریم . باید به نیروی مقاومت و استقامت در کشور خودمان

اتکا داشته و تعلق خاطرمان بدیگران یك اتکا و تعلق پست و حقارت آمیزی نباشد.

نباید مانند گذشته خودمان را بچیزی نگیریم و در قبال پشیزی خویشتن را بفروشیم ، باید اگر بتوانیم با تمام ملل اعم از بزرگ و کوچك دوست و رفیق باشیم.

ما نباید با مللی که زود تحریك در آنها اثر می کند و طرز فکر آنها را نمی‌پسندیم همراه وهم‌عقیده شویم وبالاخره پیوسته باید درامور بین المللی پشتیبان حق باشیم . . . »

**درجه علاقمندی دولت پاکستان باین پیمان ها :**

آنچه در فوق گذشت نشان میدهد که محرك اصلی دولت پاکستان بعضویت در پیمان‌های مرکزی (پیمان سابق بغداد ) و سیتو دوعامل زیر بوده است :

۱ـ موقعیت جغرافیائی

۲ـ احساس خطر مداوم هندی‌ها درپاکستان شرقی و غربی

بنابر این مادام که این دو عامل طبیعی و انسانی در پاکستان احساس میشود دولت پاکستان خود را به ادامه عضویت در پیمانهای نامبرده ناگزیر میبیند ، بخصوص که این دولت در مورد استفاده‌های مالی و اقتصادی و ارتباطی و نظامی نیز از هردو پیمان نامبرده استفاده کرده است .

اگرچه کلیه مردم کشوربادامه عضویت پاکستان در این دوپیمان مخصوصاً پیمان مرکزی راضی نیستند ، لکن دولتهای وقت اعم از دوره ریاست جمهوری اسکندرمیرزارئیس جمهورسابق یا فعلاتحت زمامداری فیلدمارشال ایوب‌خان‌نسبت به ادامه عضویت درپیمانهای مزبور راضی وآنرا برای ادامه حیات سیاسی وتضمین استقلال کشور ضروری دانسته‌ومیدانند ،

تنها مورد عدم رضایت پاکستان از پیمانهای مزبور یکی آنست که درپیمان مرکزی از کلمه (خطر) فقط خطر کمونیست معناً مفهوم میشود و حال آنکه پاکستان مایل است در پیمان گنجانیده شود هرگونه خطر و منظور آنست که خطرات ناشیه از ناحیه دولتین هند و افغانستان را نیز مشمول شود و ثانیاً هنور دولت امریکا آنطور که شایسته است بعنوان عضو پیمان مرکزی ( پیمان سابق بغداد ) بدولت اخیر کمك مالی و نظامی نکرده است و در جلسات شورای پیمان مرکزی (پیمان بغداد سابق ) که در تاریخ بیست و ششم ژانویه ۱۹۵۹ در شهر کراچی تشکیل گردید وقتی آقایان دکتر اقبال نخست وزیر و دکتر آموزگار وزیر کار وقت ایران از روش دولت امریکا و انگلیس و عدم پیشرفت امور پیمان گله و شکایت نمودند نمایندگان دولت پاکستان باطناً از رویه دولت شاهنشاهی ایران خوشحال بوده و پس از پایان جلسات شورا صریحاً اظهار عقیده کردند که نماینده دولت ایران ازبان دولت پاکستان نیز صحبت کرده است .

مردان همیشه تکیه بشمشیر میکنند

# کلیاتی درباره ارتش پاکستان

# کلیاتی درباره ارتش پاکستان

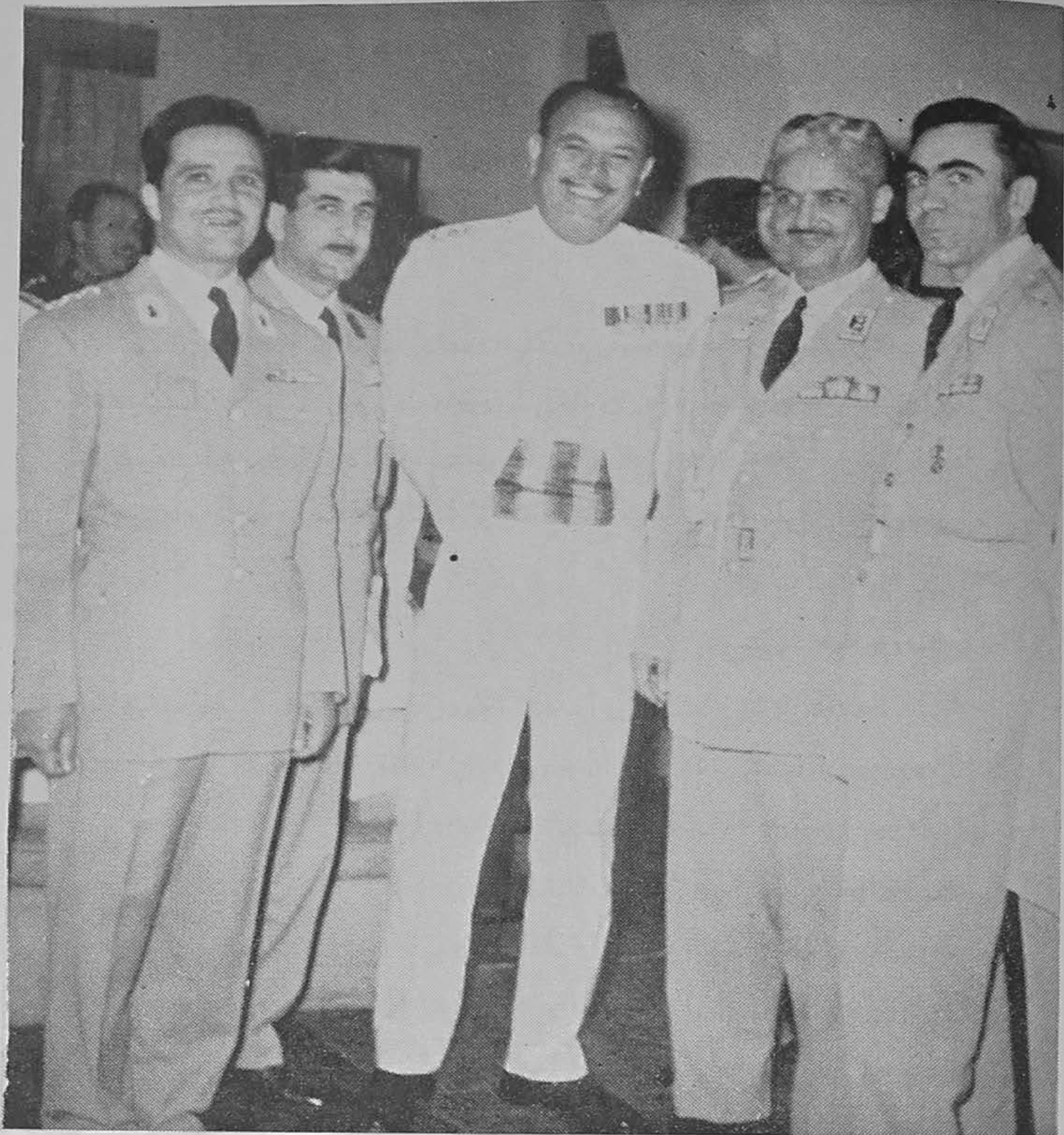
**ـ ارتش پاکستان**

ارتش پاکستان قسمتی از ارتشی است که در زمان تسلط انگلستان برشبه قاره هندوستان تشکیل یافته و دارای سابقه تاریخی یکصد ساله ایست که بمرور درتکمیل آن کوشش فروانی بعمل آمده و کشور پاکستان که وارث قسمتی از آن ارتش می‌باشدنه تنها در مدت سیزده سالی که باستقلال نایل آمده باتلاش روز افزون خود موفق گردیده که کماکان استاندارد ارتش سابق انگلستان را به نحو کاملی حفظ نماید بلکه موفق گردیده است که دربعضی‌ازقسمت‌ها توسعه بیشتری را نیز ایجاد نماید.

**۲ـ هزینه نگاهداری ارتش :**

دولت پاکستان با توجه بموقعیت خاص جغرافیائی خود و همسایگی با کشورهای (هند از دوجناح پاکستان شرقی وپاکستان غربی) و افغانستان و شوروی (ازشمال) و با درنظر گرفتن آنکه هریك از دولتین هند و افغانستان و شوروی‌نسبت به قسمت‌های مختلف خاك آن مقاصد تجاوزکارانه ای را تعقیب مینمایند همت و بودجه زیادی را مصروف تقویت قدرت دفاعی کشور نموده وبیش از نصف بودجه کشور را صرف نگاهداری ارتش خود نموده است ( درسال ۱۵۹۱ تقریباً ٦۱ در صد بودجه کل پاکستان صرف نگاهداری ارتش گردیده است) و از این مبلغ درحدود هفتاد درصد برای نیروی زمینی و ۲۰ درصدبرای نیروی هوائی وده ددصد برای نیروی دریائی هزینه می‌شود.

بطور کلی‌ارتش پاکستان به نحوقابل توجهی نگاهداری شده ودرشهرهائی



افسران هیئت نظامی ارتش شاهنشاهی ایران در میهمانی شام
**حضرت فیلدمارشال ایوب خان** (فرمانده وقت ارتش پاکستان)

ازراست بچپ :

**تیمسار سرتیپ فریدون جم- تیمسار سپهبد اسمعیل ریاحی (رئیس هیئت)- حضرت فیلدمارشال ایوب خان- نویسنده کتاب- سرکار سرهنگ عبدالمجید معصومی**

که در آن‌ها پادگان‌های نظامی وجود دارد سربازخانه‌های وسیع با ساختمان‌های متناسب ایجاد گردیده وعلاوه براین برای کلیه افسران خانه های سازمانی راحتی جهت سکونت آنها فراهم‌شده که معادل‌هفت درصدحقوق ماهیانه آنها بعنوان کرایه منزل دریافت میشود.

**۳ـ انضباط ارتش :**

وجودیك انضباط معنوی‌وعمیقی‌در کلیه‌رده‌های سلسله‌مراتب‌ارتش‌پاکستان بشکل بارزی مشهود وانضباط ظاهری ناشی ازروح معنوی‌آن در برخورد باهرفرد نظامی‌اعم ازافسرویادرجه دار وسربازتوجه هر بیننده وناظری رابخودجلب مینماید ومی‌توان صراحتاً اظهار عقیده نمود که ارتش پاکستان ازیك انضباط معنوی‌عالی درجه‌ای برخوردار میباشد.

**۴ـ روحیه ارتش :**

ایمان وعلاقه بارتش‌واطمینان واتکای بخودوغرور ملی در کلیه‌پرسنل‌ارتش پاکستان موجود و ارتشی که بیش از سیزده سال از عمر استقلال‌آن‌نمی گذرد از احساسات وطن پرستانه قابل تقدیری برخوردار میباشد.

**۵ـ روابط پرسنل:**

بااینکه روابط پرسنل جزئی ازمسئله عمومی انضباط‌وروحیه‌است‌مع‌الوصف، چون این‌موضوع‌دراستحکام‌یك‌ارتش تأثیر بسزائی‌را دارامی‌باشد می‌توان‌جداگانه نیز مورد بررسی واقع گردد.

درروابط افسران پاکستانی علاقه مفرط متقابل وصمیمیت‌ودوستی ویگانگی نسبت‌بیکدیگر کاملامحسوس وسیستمی که‌برای حل مسائل پرسنلی‌اتخاذنموده‌اند انجام امررا تسهیل وموجبات تقویت روزانه‌آن را فراهم مینماید.

**۶ـ سازمان**

بطور کلی سازمان ارتش پاکستان براصول سازمان ارتش انگلستان که در

قرون متوالی درصحنه‌های نبردهای مختلف مورد آزمایش واقع شده وسیر تکاملی خودرا پیموده است استوار می باشد .

ارتش پاکستان هنوزسازمان‌های خودرا برای جنگ‌های اتمی تغییر نداده ولی دراین مورد بررسی‌های مقدماتی انجام شده ودر آینده نزدیکی تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد .

**۷ـ آموزش افسران :**

الف ـ دانشکده افسری ودانشکده های پیاده وتوپخانه ومهندسی ومخابرات وخلبانی ارتش پاکستان دارای وسائل کمك آموزش فراوانی بوده که با توجه بـه سیستم‌های جدید آموزشی مورد استفاده واقع میگردد .

ـ دراین مؤسسات آموزشی جنبه عملی آموزشی برجنبهٔ تئوری آن برتری داشته و کلیه‌وسائل کار درلابراتوارها و کارگاههای مختلف دردسترس دانشجویان گذارده شده است.

ـ درهر کلاس بیش از ۱۰ تا ۱۱ نفر دانشجو شرکت نداشته وبااین ترتیب استادان بهتر می‌توانند وظیفه محوله بخودرا انجام دهند .

ـ وسائل زیست دانشجویان درشرائط بسیارعالی فراهم گردیده‌وهردانشجویك اطاق اختصاصی کامل دراختیاردارد.

ـ درانتخاب دانشجویان برای نیل بمقام افسری دقت کاملی مبذول میشود.

**ب ـ دانشگاه جنگ :**

بطور مسلم دانشگاه جنگ کویته یکی ازدانشگاههای درجه‌اول دنیادرنوع خود میباشد .

این دانشگاه که درحدود ۵۹ سال ازعمر آن می گذرد دارای بهترین وسائل ساختمان‌هابوده وخاطرات تاریخی آن به‌نحوبسیارجالبی نگاهداری شده است.

درحال حاضر افسران ۹ کشورمختلف ومنجمله آمریکاوایران‌وترکیه دراین

دانشگاه مشغول تحصیل هستند و سرداران بزرگی نیز از قبیل ژنرال ویول ومونت‌گمری ازشاگردان واستادان این دانشگاه بوده‌اند.

**آموزش افراد :**

آموزش افراد که همه بطور داوطلب انجام وظیفه مینمایند در سطح بالائی قرار گرفته وافسران پاکستانی بی‌نهایت باین آموزش مغرور می‌باشند.

وسائل کمك آموزشی بحد کافی موجود و کادرمسئول آموزش نیز بسیارقوی وآموزنده است .

اداره کنندگان ارتش پاکستان معتقدند که مزیت ارتش داوطلب آن است که دراولین برخوردبا دشمن می‌تواند مقاومت نماید و همین مقاومت اولیه اساس دفاع کشوررا تشکیل میدهد واضافه مینمایند چنانچه در کشور پاکستان سیستم خدمت‌وظیفه وجودداشته‌باشد انجام بسیج بااشکال زیادی مواجه خواهدشد. آنچه دراین مورد استنباط میشود پاکستانی‌ها ازلحاظ رقابت‌واختلافی که درحال‌حاضر (در موضوع مسائل مختلف ) بادولت هند دارند هر تغییر وضعیتی رابزیان کشور خود تشخیص می‌دهند.

**۸ـ تدارکات:**

آنچه ازوضع تغذیه وزیست افسران و افراد ونگاهداری وسائل وسلاح در ارتش پاکستان دیده می‌شود مؤید آن است که سیستم تدارکاتی ارتش پاکستان از هرلحاظ باارزش می‌باشد .

**۹ـ باشگاهها:**

وجودباشگاههای بسیارمرتب ومنظم وقابل استفاده در کلیه‌پادگانهای نظامی ازنکات قابل‌توجه‌دیگر ارتش‌پاکستان بشمارمی‌رود .

در این باشگاهها هرنوع وسائل را حتی و تفریح افسران فراهم و افسران می‌توانند‌درموقع‌فراغت وموقع‌صرف غذاوریکدیگر جمع شده واوقات استراحت

وبیکاری خودرا به بهترین وجهی بگذرانند و بدیهی است وجود این باشگاهها و وجود خانه‌های سازمانی افسران درحفظ روحیه کادر ارتش پاکستان بسیار مؤثر می‌باشد.

**۱۰- نیروی مرزی**

نیروی مرزی پاکستان نیز که استعدادی درحدود ۳۰هزارنفررادارامی‌باشد قابل توجه بوده و در حال حاضر این نیرو در تمام طول مرز افغانستان و ایران و کشمیر مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

روش آموزشی این نیزوباآنچه که درارتش متداول است تفاوتی نداشته‌ولی اسلحه سنگین در اختیار آن گذارده نشده است.

نیروی مذکور در زمان صلح بدون‌آنکه تبعیت مستقیمی ازارتش‌داشته‌باشد وظایف خودرا انجام‌داده ولی درزمان جنگ‌دراختیار ارتش قرارخواهد گرفت. در قسمت هائی‌ازمرزنیزچریك های مسلحی وجود دارند که دو شادوش افراد نیروی مرزی مسئول دفاع ازمنطقه مربوطه بخود میباشند.

چریك‌های نامبرده عموماً دارای تفنگ بوده ودر منطقه خود از مقررات و قوانین مخصوصی استفاده مینمایند.

«هدف پاکستان همانا ایجاد یك کشور است که در آن توده مردم از حقوق اساسی برخوردار باشند وبهترین وسائل اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی در دسترس هر فرد گذارده شوند.

بادر نظر گرفتن مرام فوق دولت من مشغول فعالیت های دامنه دار عمران ملی است.

درصحنه های مختلف موفقیت‌های شایانی بدست آمده است وعقیده دارم که در آینده نزدیکی وضع عموم مردم بطور غیر قابل ملاحظه‌ای بهبود خواهد یافت.»

**«فیلد مارشال ایوب خان»**

# آینده پاکستان در جهان بین الملل

# آینده پاکستان درجهان بین الملل

چون پاکستان جمهوری جوان و پر جمعیتی بوده ودارای منـابع سرشار کشاورزی نیز می باشد بنابراین موجبـات پیشرفت وترقیات آتی آن از هرجهت فراهم بوده ومطالعه تاریخ سیزده ساله تأسیس این کشور نشان میدهد اگرچه دراین مدت کشور درحال رشدوتکوین بوده وحکومتهای ضعیف وجنجالهای سیاسی مانع ازپیشرفتهای سریع اقتصادی آن شده اند لیکن بطور کلی درزمینه پروژه‌های اقتصادی وفلاحتی وعمرانی (بخصوص سدسازی) پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای را بدست آورده است .

پاکستان طی دوازده سال اخیر بطورمتوسط هرسال ۶۰ تاهفتاد درصد بودجه عمومی خود را برای تأمین هزینه دفاعی کشور بمصرف رسانیده و واقعاً اگر چنین هزینه گزافی بمصرف خرید ساز وبرگ وتأمین بنیه دفاعی کشور نمیرسیدو چنین مبلغی صرفاً درراه اجرای پروژه‌های اقتصادی وعمرانی خرج میشدمسلماً امـروز ترقیات عمومی بمراتب بیشتر بود وپاکستان میتوانست بآرزوی خود کـه بی نیاز شدن ازواردات کشاورزی وصنعتی خارج میباشد نایل گردد.

باهمه این احوال دولتهای وقت ضمن توجه بسیار دقیق بمسائل و مشکلات سیاسی کشور که اهم آنها رامسئلهٔ کشمیر واختلافات رودخانه‌ها ومسئله پشتونستان وعوامل مخرب داخلی تشکیل میداده ومیدهدمتوجه تکثیر نفوس روزافزون کشور بوده‌وبرای تهیه خوراك وپوشاك ومسکن افرادازبذل همت وفعالیت مضایقه نکرده‌اند وهنوز نیز اقدامات دولت درزمینه پیشرفتهای اقتصادی وعمرانی با سرعت وهمت بیشتری ادامه دارد ومخصوصاً باروی کارآمدن رژیم جدید این کشور خیلی زود تر

ازآنچه که پیش‌بینی میشد بمقصود خود خواهد رسید وچون‌شالوده سیاست عمومی هر کشور را اقتصاد آن مملکت تشکیل میدهد بنابراین حیات سیاسی پاکستان‌از روزی آغاز خواهد شد که این کشور از نظر محصولات کشاورزی و صنعتی بی‌نیاز شده وبتواند بدون استعانت جنسی (اخذ کمکهای خوار باروادانه‌های نباتی) ازدول دیگر روی پای خود بایستد ودرصحنه سیاست بین‌المللی خودنمائی وعرض اندام کند.

پاکستان دربدو تأسیس برای آنکه خودرا درجر گه کشورهای پیشرو داخل نماید موضوع هشتاد میلیون نفوس‌ملت را پیش کشید و بعنوان اینکه پاکستان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان است درصدد برآمد دربین کشورهای اسلامی آسیا بخصوص خاور میانه نقش رهبری‌آنها رابرعهده بگیرد و در سیاست عمومی کشورهای مسلمان این منطقه اعمال نفوذ نماید وبهمین جهت هیئت هائی بعنوان مطالعه درزمینه تشکیل پان‌اسلامیزم واتحاددول مسلمان وغیره بکشورهای‌مزبور فرستاد و بارؤسای دول مربوطه نیزمذاکراتی را بعمل آورد ولی براثر بی‌اعتنائی دول نامبرده به پیشنهادات پاکستان وبروزوقایع ملی شدن نفت درایران ورویکار آمدن عبدالناصر در کشور مصردولت پاکستان نسبت به‌پیشرفت ایده‌ئولوژی خود مأیوس گردیده وتدریجاً اتحاد اسلامی ازبین رفت و درجریان روی کارآمدن رژیم جدید درپاکستان‌هنگامیکه دولت‌دستورداد کلمه‌اسلامی‌ازعبارت جمهوری‌اسلامی پاکستان حذف گرددمعلوم شد که دولت قصد دارد اساساً مذهب راازسیاست کشور تفکیک نموده وپاکستان نیزمانند دول دیگربدون بستگی‌بمسائل مذهبی درصحنه سیاست بین‌المللی ظاهرشود.

پاکستان چون در جرگه کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان عضویت‌دارد طبعاً خودرا نسبت باجرای تعهدات کنفرانس نخست وزیران کشورهای مشترک - المنافع موظف میداند وچون دراساسنامه این کنفرانس که هرساله درلندن‌تشکیل

جلسه میدهد قید شده که گروه مزبور از کشور های آزاد دمو کرات تشکیل می‌شود علیهذا دولت پاکستان بخاطر حفظ عضویت خویش در این کنفرانس سعی خواهد کرد که اصول وسیسیم اداره کشور را براساس دمو کراسی استوارسازد و بهمین جهت فیلد مارشال ایوب خان در اولین نطق خود خطاب بملت پاکستان اظهار داشت .

« می‌خواهم با بیانی صریح و واضح اعلام نمایم که هدف عالی ما اعاده دمو کراسی در کشور می‌باشد ولی نوعی از دمو کراسی که مردم آنرا درك كنند و مطابق آن عمل نمایند ».

وبدنبال این اظهارات اقداماتی برای ایجاد يك رژیم جمهوری که بانبوغ و قریحه آحاد پاکستانی سازش داشته باشد بعمل‌آمد وفیلد مارشال ایوب خان در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۵۹ اظهارداشت:

« بدون آغاز دمو کراسی ازقریه‌ها ودهکده‌ها هر گونه سیستم دمو کراسی مانند گذشته غیرازبازی باتوده مردم چیزدیگری نخواهد بود .

اکثریت مردم این سرزمین دردهات بسر میبرند . آنان کاملابی سواد بوده ولذا اهمیت انتخابات نمایندگان خودرا درك نمی کنند اما آنان می‌توانند درقریه های خود فردی را که مورد اعتماد باشد انتخاب نمایند .

دراین چنین محیط فقط وسیله «سیستم دمو کراسی اساسی» ایجاديك دولت نماینده که طبق تمایلات حقیقی مردم باشد امکان پذیراست.»

در تفسیر این قسمت ازبیانات فیلدمارشال ایوب خان باید توضیح داده‌شود که پاکستان کشوری است فلاحتی که متجاوز ازهشتاددرصد از۸۳ میلیون‌جمعیت آن دردهات زندگی میکنند وبدیهی است که درچنین کشوری نوع حکومت‌واقعی باید براساس ده قرارداشته باشد.

از طرف دیگر منظوراز دمو کراسی آنست که مردم بتوانند وسیله نماینده گان منتخبه خویش اعمال حاکمیت نمایند و برای انتخاب صحیح نماینده گان مردم اولا بایستی انتخاب کننده گان از منافع خویش اطلاع داشته واشخاصی را انتخاب نمایند که بتوانند این منافع را حفظ نمایندودر ثانی باید وسائلی دراختیار مردم گذارده شود تا آنها بااستفاده از این وسائل اشخاص واجد شرایط انتخاب شدن را تشخیص دهند و درحال حاضر فقط دردهات پاکستان میتوان این دواصل را بمورد اجراء گذارد . برای یك فرد دهاتی منافع شخصی او بامنافع ده محل سکونتش بستگی داشته و مادام که این فرد که این‌فرد مرحله فرهنگی مورد لزومی را طی نکرده باشد باشکال میتواند خارج ازمحیط ده خویش منافع کشورمتبوعه خود را تشخیص داده ومعتقد شود که خارج از حدود ده نیز منافعی برای او متصور است .

در کشورهائی که اکثریت مردم آن دارای حداقل فرهنگ لازم بوده و مطبوعات وجراید نقش مؤثری رادر آشنا کردن آنها به رموز سیاست ومصالح مملکت بازی میکنند انتخاب کننده گان بوظایف ملی و سیاسی خویش آشنا بوده و دراین قبیل کشورها میتوان انتخابات را بهمان ترتیب که در کشورهای غربی انجام می‌پذیرد عملی نمود ولی در کشورهائی که اکثریت مردم آن ازداشتن حداقل فرهنگ لازم محروم هستند باید طریقه‌ای رادرپیش گرفت که انتخاب نماینده گان مردم براساس انتخابات دهات انجام پذیرد زیرا بهمان ترتیب که در بالااشاره شد برای مردم ده‌نشین امکان داشته و دارد که منافع خودرا که جزمنافع ده چیزدیگری نیست تشخیص داده وازبین کاندیداهای انتخاباتی ده شخص یا اشخاصی را انتخاب نمایند که منافع آنها را حفظ نمایند .

این نوع انتخابات را دمو کراسی اساسی می‌نامند که برای اولین بار در آسیا و در کشور پاکستان بمرحله آزمایش درمیآید .

اصول دموکراسی اساسی که بموجب طرح چهار مرحله‌ای دموکراسی در پاکستان بمورد اجرا گذارده میشود شامل تشکیل شوراهای منطقه‌ای در نقاط شهر نشین و شوراهای ده در مناطق روستائی میباشد .

هدف اصلی این طرح آنستکه حق حاکمیت دردست خود مردم باشد ، البته این حقوق بسازمانهائی واگذار میشود که بوسیله خود مردم تشکیل میشوند تادر کمال صداقت حقوق مردم راحفظ نمایند . درمقابل‌نمایندگان منتخب بطوردسته جمعی حقوق قاطبه مردم را درنظر میگیرند نه حقوق عده بخصوص را ، چون۸۵ درصد ازمردم پاکستان دردهات زندگی میکنند لذا اکثریت نمایندگان منتخب از دهات خواهند بود و بعلت همین عوامل است که شوراهای ده حلقه‌اصلی اصول دمکراسی اساسی درپاکستان محسوب میشود . بعداز شوراهای ده شوراهائی‌حائز اهمیت است که درشهرها تشکیل میگردد . علت اینکه این شوراها دردرجه دوم اهمیت قرار دارند آنستکه‌آنها فقط نماینده ۱۵ در صد از مردم کشور خواهند بود

برای هر ۱۰۰۰ نفر تا ۱۵۰۰ نفریك نماینده برای عضویت در شوراهای ده انتخاب میشود ، هرشورای ده دارای ۱۰ نماینده منتخب‌وه نماینده انتصابی‌خواهد بود . رئیس شورا از طرف اعضای‌آن انتخاب میشود .

**وظایف شوراهای ده بقرار ذیل‌است :**

الف ـ اموراداری شهرداری

ب ـ امور قضائی

ج ـ شهربانی

د ـ عمران

ه ـ توسعه‌وترقی ملی

بعضی منابع درآمد بمنظور مالیات دراختیار شوراهای‌ده گذارده میشود

این شوراها همچنین مسئول نظارت بروصول بدهی‌های دولت خواهند بود .

انتخابات برای تشکیل شوراهای ده که حلقه اصلی دمکراسی اساسی میباشند بر اساس حق رأی برای اشخاص بالغ انجام میشود .

البته بعد از اعلام قانون اساسی که بموجب آن پارلمان تشکیل میشود شوراهای ده جزء حوزه‌های انتخابی محسوب میشوند و در آنصورت فقط اعضای منتخب مردم دارای رای خواهند بود نه اعضای انتخابی .

دومین مرحله بموجب اصول دمکراسی اساسی مربوط است به شوراهای ناحیه‌ای در پاکستان غربی و شوراهای منطقه‌ای در پاکستان شرقی ، رئیس شورای ده خود بخود عضو شورای ناحیه‌ای و شورای منطقه‌ای میشود .

وظایف شوراهای ناحیه‌ای فقط رسیدگی بامور عمرانی ناحیه مربوط بخود میباشد در حالیکه شوراهای منطقه‌ای بیشتر بامور عمرانی دهات رسیدگی میکنند

در شوراهای ناحیه‌ای تعداد اعضای رسمی که بامور عمرانی رسیدگی میکنند از نصف تعداد اعضای غیر رسمی تجاوز نمیکنند .

سومین مرحله از اصول دمکراسی اساسی عبارتست از شوراهای شهرستان که ریاست آن بافرماندار هرشهرستان میباشد ، درشوراهای شهرستان تعداداعضای رسمی و غیر رسمی که بامور عمرانی شورا رسیدگی میکنند مساوی میباشند .

شرکت مقامات رسمی و غیر رسمی در شوراهای ده ناحیه شهرستان ومنطقه موجب خواهد شد که آنها با همکاری یکدیگر بهتر بتوانند بمسائل مختلف اداری آشنا شوند و یك روح همکاری و معاضدت و تفاهم بوجود آورند . در نتیجه این همکاری آنها خواهند توانست بنحو مؤثری به هدفهائی که عبارتست از بهبود وضع مادی و معنوی مردم نائل گردند ، بدیهی است هنگامیکه اصول دمکراسی اجرا و بمرحله عمل درآید حس مسئولیت در بین توده‌های مردم و همچنین حس

بیداری سیاسی آنها که لازمه موفقیت دمکراسی میباشد تقویت خواهد شد .

منظور از ایجاد سازمانهای دمکراسی تحمیل آن از بالانیست بلکه منظور اجرای اصول دمکراسی از پائین ببالا میباشد وهمان طور که فیلد مارشال ایوب خان خاطر نشان ساخته بموجب این اصول دمکراسی مردم بهیچوجه تحت فشـار قرار نخواهند گرفت بلکه در محیطی کـاملا آرام وعـاری از هرقید و شرطی خواهند توانست نمایند گان واقعی خود را انتخاب کنند و سازمانهای دمکراسی در واقع رابطه‌ای بین دولت و ملت خواهند بود .

تعداد کل نمایند گان مردم بموجب طرح چهار مرحله‌ای اصول دمکراسی اساسی ۱۲۰/۰۰۰ نفرخواهد بود ، این نمایند گان بعنوان قسمتی از دستگاه دولتی بوظایف خود عمل میکنند .

انجام انتخابات بشیوهٔ دمکراسی اساسی ازتاریخ ۲٤ دسامبر ۱۹۵۹ آغاز و تا کنون مراحل اول ودوم آن انجام پذیرفته ومراحل بعدی نیزدرآتیه انجام خواهد شد. در تاریخ چهاردهم فوریه ۱۹٦۰ هشتاد هزار نفرنماینده انتخابی شوراهای ده و کمیته‌های اتحادیه‌های شهری به‌حضرت‌فیلدمارشال محمدایوب‌خان رأی اعتماد دادند و ایشان را به عنوان رئیس جمهور پاکستان‌انتخاب نمودند . در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹٦۰ پرزیدنت ایوب‌خان باردیگر به عنوان رئیس جمهور پاکستان مراسم تحلیف را بجای‌آورده و فوراً اعضای کمیسیون تدوین‌قانون اساسی را تعین نمودو پیش بینی میشود کمیسیون تا اواخرسال ۱۹٦۰ میلادی کارخود را بپایان‌رسانیده و باانجام یك رفراندم نسبت به تصویب آن اقدام شود .

بنا بر آنچه که در فوق گذشت ملاحظه میشود با آنکه فعلا هیئت حاکمه نظامی براین کشورحکومت میکند مع‌الوصف مقدمات‌انجام‌انتخابات‌برای‌تشکیل شوراهای دمکراسی اساسی درسرتاسر کشور فراهم گردیده و پیش بینی میشود که

درآتیه بسیار نزدیکی انتخابات مزبور انجام شده و پاکستان بصورت یك کشور دموکراسی پارلمانی اداره شود .

بدیهی است با انجام انتخابات در کشور و تشکیل پارلمان سرنوشت سیاست داخلی و خارجی پاکستان از دست و اراده فرد معین خارج و بمصلحت اندیشی و صوابدیدا کثریت نمایندگان مجلس های قانون گذاری سپرده خواهدشدو بدین ترتیب پیش بینی نقش آتی پاکستان درصحنه سیاست بین المللی قدری مشکل بنظرمیرسد. مع الوصف نظرعمومی پارلمان پاکستان بنابراینکه چه اشخاصی اکثریت رابدست آورند قابل پیش بینی میباشد .

مثلا اگر طبقه جوان و تحصیل کرده دانشگاهها روی کار آمده و کرسیهای پارلمان را اشغال نمایند مسلماً پاکستان سیاست همکاری بادول غرب راترك نموده وبطرف سیاست بیطرفی مثبت سوق داده خواهد شد واگرعوامل ناراضی و کمونیست در انتخابات موفقیت حاصل کنند این کشور همکاری غرب را ترك و بسوی بلوك شرق و کمونیستها متمایل خواهدشد، لکن بنابرقرائنی کـه تا کنون بدست آمده و قابل پیش بینی میباشد انتخابات آینده با کنترل شدید دولت انجام خواهد شد و چون دولت ورژیم فعلی متمایل به حزب مسلم لیگ میباشد طبعاً اکثریت کرسیهای پارلمان را کاندیداهای حزب نامبرده اشغال نموده وحزب مسلم لیگ کماکان روابط پاکستان را بادول غرب و هم پیمانان خود در پیمان سنتو وسیتو حفظ خواهد کرد.

در پاکستان هرحکومتی که روی کار آمده روابط خصومت آمیز خود را با هند (همچنانکـه طـی دوازده سـال اخیر نیز بهمین نحو بود) حفظ نموده منتهی با مسافرتی که اخیراً فیلد مارشال ایوب خان برای اولین مرتبه پس اززمامداری خود به هند نموده و مذاکراتی که بانهرو بعمل آورده است ممکن است اختلافات مربوط به تقسیم آب رودخانه ها تاسال ۱۹۶۲ به نحوی بین دو کشور حل شده و

طرفین باپرداخت غرامت براساس میانجیگری بانك بین‌المللی توسعه وترمیم آب مورد احتیاج خود را از رودخانه‌های مزبور تحصیل نمایند .

درمورد مسئله کشمیر شاید پاکستان سرانجام ناگزیر خواهد بود که علیه دولت هند سیاست خشن‌تری رااتخاذنماید ومادام که این‌موضوع بنحورضایتبخشی حل نشود دولتین مذکور کماکان قسمت اعظم بودجه خود را صرف خرید وتهیه ساز و برگ جنگی واموردفاعی‌خواهند کردوبنابراین دول‌بزرگ ناگزیرخواهند بود که باسیاست‌عملی‌وواقعی بین دولتین‌هند وپاکستان میانجیگیری نموده وقضیه راحتی اگر بااعطای خود مختاری به استان کشمیر باشد حل و فصل نمایند .

پاکستان درصحنه سیاست‌بین‌المللی‌سعی‌خواهد کرد تا حتی‌الامکان‌رقابت خود را در شئون مختلف تمدن ـ فرهنگ ـ اقتصاد ـ پیشرفتهای صنعتی و غیره با دولت هند حفظ نماید و هرزاهی راکه هند میپماید او نیز بخاطر حفظ موقعیت خویش طی کند هرچند که انجام‌آن نقشه با مقتضیات پاکستان متناسب نباشد .

پاکستان درمناسبات خویش‌بادول‌اسلامی‌خاورمیانه بخصوص با دولت‌ایران بیش‌ازپیش بحفظ مناسبات موجود علاقمند خواهد بود ومادام که رقابت‌وخصومت مسلمانان و هندوها بین دولتین پاکستان و هند و جود دارد دولت اخیر خود را بدوستی‌ملل‌مسلمان منطقه خاورمیانه محتاج دانسته وسعی خواهد کرد ازهمکاری معنوی‌آنها برای حل اختلافاتش باهند استفاده لازم را ببرد .

روابط پاکستان وبلوك کمونیست مادام که‌دولت شوروی در مناسبات‌خود با هندوافغانستان سیاست‌فعلی‌راادامه دهد وبرسرقضیه کشمیرازحقانیت‌اشغال کشمیر بوسیله قوای هند ودرمورد پشتونستان‌ازنظردولت‌افغانستان‌جانبداری کندهمچنان سرد خواهد بود واگر روزی دولت شوروی تصمیم بگیرد نظر پاکستان را نسبت

به سیاست خودتغییر داده وفرضاً پاکستان‌را ازهمکاری باغرب وشرکت‌درپیمانهای دفاعی منطقه‌ای خــارج سازد میبایستی در مناسبات دوستانــه وهمکاری با هند و افغانستان تجدید نظر نموده ولااقل در سر قضیه کشمیر و پشتونستان جنبه‌بیطرفی را اتخاذ نماید . ولی در هرحال بعید بنظر میرسد که پاکستان جانب غرب را رهانموده و دوستی بلوك شرق را برهمکاری با هم پیمانان و هم مسلکان فعلی‌خود ترجیح دهد.

# ضمیمه‌ای به بخش کلیاتی از اقتصادیات پاکستان

## نتایج حاصله از اجرای برنامه پنجساله اول :

با اینکه هنوزمدت برنامه پنجساله اول‌پاکستان خاتمه نیافته واین مدت‌در تیر ماه سال ۱۳٤۰ شمسی پایان خواهد پذیرفت مع‌الوصف چندی قبل گـزارش یکی از کمیسیونهای سازمان برنامه پنجساله در باره نتایج برنامه پنجسالـه اول انتشار یافت .

در این گزارش اشاره شده که تولید ملی‌ومیزان درآمد ملی بآن نحو که‌در برنامه پنجساله اول پیش بینی شده بودافزایش نیافته ودرآمد ملی پس ازصرفنظر نمودن از اثرات ترقی‌وتنزل قیمت‌هافقط به میزان کمی‌نسبت به سال ۵۵-۱۹۵٤ که سال شروع اجرای برنامه پنجساله اول پاکستان میباشد ترقی حاصل نموده است وترقی درآمدسرانه‌هم بعلت افزایش جمعیت خیلی کم و یااصولا ثابت مانده است ( وحال آنکه در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده بود که درآمد ملی۱۵در صد و درآمد ملی سرانه۷/۵ درصد افزایش‌خواهد یافت.)

در آمد کشاورزی ـ ماهیگیری ـ دام‌پروری و جنگل تـرقی خیلی کمی را داشته وافزایش درآمد صنایع کوچك نیز علیرغم توسعه قابل توجهی که در این رشته به چشم میخورد چندان قابل توجه نبوده است.

یکی از علل اساسی عدم ترقی وتزیید در آمد ملی رکود پیشرفت تولیدات کشاورزی است. تولیدات کشاورزی شصت‌درصد تولیدات ملی پاکستان راتشکیل میدهد ولی بدی وضع آب وهوا سبب شده که طی چهارسال از دوره‌برنامه پنجساله

اول تولیدات کشاورزی در پاکستان افزایش قابل توجهی را پیدا ننماید واظهار نظر شده که اگر در سال جاری وضع هوا بهتر شود این احتمال موجود است که قسمتی از کمبود تولیدات کشاورزی درسالهای گذشته جبران شود.

در سایر رشته‌ها افزایش تولیدات باپیش‌بینی های برنامه پنجساله اول تطبیق مینماید واز آن جمله صنایع بزرگ وحمل ونقل پیشرفت زیادی را داشته و عقب ماندگی تولید برق ومواد معدنی را جبران نموده‌است. یکی ازهدف‌های پیش‌بینی شده در برنامه پنجساله اول آن بود که اختلاف اوضاع اقتصادی موجود بین مناطق پیش رفته ومناطق کم رشد از میان برداشته شده و یا حتی‌الامکان تقلیل پیدا نمابد ولی بررسی‌های معموله نشان میدهد که در این‌رشته موفقیت قابل توجهی حاصل نشده است ولی در این مورد نیز اظهار نظرشده که زمینه برای پیشرفت‌های آتی فراهم گردیده است.

**مخارج توسعه :**

در برنامه پنجساله اول پیش بینی شده بود که برای رشته‌های عمومی ۷/۵ میلیارد روپیه هزینه شود ولی‌در چهارساله اول برای‌این رشته‌ها مبلغ ٤/٥٥میلیارد روپیه هزینه شده‌است واگرمخارج آخرین سال‌برنامه بنج‌ساله را نیزدرنظربگیریم جمع هزینه‌های مربوط برشته‌های عمومی بالغ بر٦/٢٥ میلیارد روپیه‌خواهدشد.

درآمدهای دولتی نیزخیلی بیش ازآنچه که دربرنامه پنجساله اول‌پیش‌بینی شده بود افزایش حاصل نموده است زیرا در برنامه پیش‌بینی شده بود که درآمد مالیاتی دولت ۱۷ در صدافزایش حاصل نماید وحال‌آنکه عملا درآمد دولت‌ازاین راه ۲۲ درصدافزایش حاصل نموده است.

ضمناً دولت مالیات‌های جدیدی رانیزوضع نموده ودرآمد مالیاتی کشور را در چهار ساله اول برنامه پنجساله به ۳/٦ میلیارد روپیه افزایش‌داده است.

**مخارج غیرعمرانی :**

در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده‌است که مخارج غیرعمرانی دولت حد اکثر تاحدود ده درصد افزایش‌پیدا کند ولی افزایش‌این نوع مخارج بیش‌ازآنچه که در برنامه پیش بینی‌شده است بوده‌ودر چهارساله اول این‌افزایش‌بالغ بر۲/۰۸ میلیارد روپیه گردیده است .

این امرموجب شد که دولت با کسر بودجه مواجه گردد وپول درجریان‌از ۳/۹۱میلیارد روپیه‌درسال۱۹۵۴به۵/۴۵ میلیارد روپیه‌درمارس ۱۹۵۹ افزایش‌حاصل نماید و چون میزان‌کالاها و خدمات نیزبهمین نسبت افزایش حاصل نکرده ضمن ایجاد یك نوع تورمی‌هزینه زندگی نیز درطی چهارساله اول برنامه پنجساله در شهرهای بزرگ ازه ۸ تا۱۰ درصد افزایش حاصل نموده‌است .

**درآمدهای ارزی :**

درآمدهای ارزی مملکت دردوره چهار ساله اول‌برنامه پنجساله باآنچه که پیش‌بینی شده بودتطبیق نکرد وعلل‌آنرا باین شرح‌می‌توان خلاصه نمود:

۱ ـ تقلیل صادرات

۲ ـ تغییر وضع تجارت بین‌المللی‌بضررپاکستان

۳ ـ تعویق‌دراجرای پروژه‌ها بعلت دیررسیدن محمولات ازخارج

**کمکهای خارجی :**

میزان کمك‌های خارجی برای سرمایه گذاری دردوره برنامه پنجساله اول کمتر ازمراتب پیش بینی شده دربرنامه بوده است زیرا دربرنامه پیش بینی شده بود که میزان کمك‌ها بر۳/۸۵ میلیارد روپیه بالغ خواهد شد وحال آنکه میزان واقعی این کمك‌ها درحدود ۱/۶۹ میلیارد روپیه بوده است .

### سرمایه‌گذاری خصوصی :

در طی مدت چهار ساله اول برنامه پنجساله مبلغ ۳/۷۵ میلیارد روپیه در رشته‌های ساختمانی وماشین آلات بطورخصوصی سرمایه گذاری شده‌است وحال آنکه دربرنامه پنجساله پیش بینی‌شده بود که درطی مدت ۵ سال ۳/۳۰میلیارد روپیه بطور خصوصی سرمایه گذاری خواهد شد. میزان تولیدات مواد کشاورزی نیزیادرحدود افزایش جمعیت ویا دربعضی موارد کمتر ازافزایش جمعیت بوده است .

دررشته آب وبرق باآنکه پروژه های عظیمی در دست اجرا است مع‌الوصف موعد تکمیل برنامه‌ها عقب افتاده است . میزان تولیدات صنایع بزرگ بامقایسه باارقام پیش بینی‌شده دربرنامه پنجساله‌اول افزایش قابل توجهی‌داشته ومخصوصاً تولیدات کنف ـ قند وشکرومحصولات نساجی ترقی زیادی راداشته است و علاوه براین صنایع تازه‌ای دررشته‌های : کاغذ ـ مقوا ـ تخته فشرده ـ کاغذ روزنامه ـ رنگ مواد شیمیائی ـ دارو و کود شیمیائی نیز بوجودآمده است .

### گاز طبیعی وذغال :

تولید گازطبیعی افزایش زیادی یافته ودرتولید ذغال ونفت هم‌ترقی پیداشده ولی میزان این ترقی ازآنچه که دربرنامه پیش بینی شده بود کمتراست .

### حمل و نقل و ارتباطات :

دررشته‌های‌راه‌آهن ـ جاده‌سازی ـ بندرسازی ـ هواپیمائی کشوری ـ تلگراف ـ تلفن وسازمانهای پستی یا درحدود پیش بینی برنامه پنجساله ویابیش ازآن ترقی حاصل شده است .

دررشته فرهنگ نیزپیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای حاصل شده ولی هدف‌های

پیش بینی شده دربرنامه تحصیل نگردیده است .

دررشته بهداشت نیز فقط درمورد مبارزه با سل هدفهای پیش بینی شده در برنامه حاصل گردیده ولی پیشرفت درسایررشته‌ها چندان قابل توجه نبوده است .

## برنامه پنجساله دوم :

درتاریخ اول مرداد ماه ۳۸ پرزیدنت ایوبخان تصمیم و پروژه دولت رابرای اجرای دومین برنامه پنجساله کشور اعلام نمود و بلافاصله مفاد آن در رادیو باستحضارعامه رسانیده شد .

تاریخ اجرای برنامه عمرانی جدید ازژوئیه سال ۱۹۶۰ آغاز و قراراست تا ماه ژوئن ۱۹۶۵ بپایان برسد . پیش بینی شده بااجرای این برنامه میزان درآمد ملی تا ۲۰ درصد ترقی نماید وچنانچه عملیات عمرانی در کشور بهمان نحو ادامه پیدا کند درحین اجرای برنامه پنجساله سوم درآمد ملی بیست و پنج درصد و در دوره اجرای برنامه پنجساله چهارم درآمد ملی تاحدود سی درصد ترقی نماید .

اساس برنامه عمرانی و اقتصادی برنامه پنجساله جدید را افزایش میزان محصول کشاورزی وخواربارعمومی تشکیل میدهد وضمناً تصمیم گرفته شده که با اجرای پروژه های مختلف میزان محصول کارخانجات صنعتی تا پنجاه در صد افزایش یابد .

### پیش بینی‌های برنامه پنجساله دوم :

درطرح برنامه پنجساله دوم سعی شده حتی‌الامکان عواملی که مانع اجرای صحیح برنامه پنجساله اول گردیده مرتفع گردد وضمناً تکثیرمواد غذائی و بسط بهداشت وفرهنگ کشور درمد نظر گرفته شده است .

**کشاورزی :**

در برنامه پنجساله دوم در نظر گرفته شده که پروژه ها طوری بموقع اجرا گذارده شود که در پایان دوره مزبور کشور از وارد کردن مواد غذائی از خارج بی‌نیاز گردد. برای انجام این منظورپیش بینی شده که درحدود یازده میلیون اکر زمین بایر دایر وآبیاری شود و با افزایش میزان محصول کود شیمیائی درداخله مملکت وتقسیم آن بین کشاورزان موجبات تکثیرمحصول کشاورزی فراهم گردد.

**صنعت :**

درنظر گرفته شده که محصول صنعتی کشورتامیزان پنجاه درصدترقی داده شود وبرای اجرای این نقشه درومهلهاول تصمیم گرفته شده بااستفاده ازسرمایه‌های خارجی ظرفیت تولیدی کارخانجات رازیاد کنند وضمناً بوسائل مختلف صنایع دستی وصنایع کوچك داخلی راتقویت وتشویق نمایند .

دربرنامه‌پنجساله دوم مخصوصاً پیش بینی شده که کارخانه ذوب آهن پاکستان تأسیس وتا قبل ازپایان دوره برنامه شروع بکارنماید .

**آب وآبیاری :**

چون با وجود سدهای متعددی در کشورهنوزمقادیر زیادی ازآبهای داخله پاکستان غربی بهدر وهرز میرود دولت تصمیم دارد باساختمان سدهای کوچك و انحرافی آبهای مزبور را تحت کنترل درآورده وبمصرف آبیاری مفید برساند .

مخصوصاً دربرنامه پنجسالهدوم‌پیش‌بینی‌شده که مسئله تقسیم آب‌پنج‌رودخانه با دولت هندوستان حل خواهد شد ودر اینصورت دولت موظف است برای کنترل آبهائی که ازرودخانه‌های خویش بدست میآورد سدهای مورد نیازخود رابسازد .

**ارز :**

طرق فعلی تحصیل ارز در پاکستان کفاف حوائج را نمیدهد وبهمین جهت واردات درپاکستان محدود و با شرایط سهمیه بندی ببازرگانان ارز داده میشود . بنابراین دربرنامه پنجساله دوم ترتیبی پیش بینی شده که مقداربیشتری ارز ازراه فروش کنف تحصیل شده وارز حاصله صرفاً بمصرف وارد کردن لوازم و مایحتاج ضروری کشوربرسد .

مهمترین طریقه تحصیل ارزبرای کشور صادر نمودن مواد کشاورزی معرفی شده است .

**نفوس :**

دربرنامه پنجساله‌اول پیش بینی‌شده بود که تکثیرنفوس‌درپاکستان بمیزان ۱/٤ درصد خواهد بود لکن اخیراً معلوم شده که میزان افزایش نفوس در فاصله اجرای برنامه ۱/۸ درصد بوده است .

بنابراین در برنامه پنجساله جدید سعی شده است از میزان تکثیر نفـوس جلوگیری وبه‌نسبت افزایش برای همه‌افراد خوراك وپوشاك ومسکن تهیه شود .

# ضمیمه‌ای به بخش مشکلات سیاسی پاکستان

در تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۳۹ قرارداد کانال ها برای تقسیم و بهره برداری از آب رودخانه‌های شمالی شبه قاره هندوستان بین دولتین هندو پاکستان در کراچی امضا گردید.

این قرار داد براساس پیشنهادهای بانك بین‌المللی که در سال ۱۹۵٤ میلادی مطرح شده بود تنظیم گردیده‌وبرای اجرای کامل آن یك دوره انتقالی بمدت‌ده‌سال در نظر گرفته شده است.

مبنای قرارداد براصل حق استفاده دولت پاکستان ازآب رودخانه‌های: سند - جهلم وچناب وحق استفاده دولت هندوستان ازآب رودخانه‌های راوی-ستلج وبیاس واقع گردیده است.

در طی دوره دهساله‌انتقال، دولت هندبپاکستان اجازه میدهد که همچنان‌از آب سه رودخانه راوی‌ستلج وبیاس استفاده نماید ولی میزان‌آبی که بپاکستان‌داده میشود هرسال چند درصد تقلیل پیداخواهد نمود ودرطی این‌مدت دولت‌هندوستان سد بزرگی را برروی رودخانه بیاس تعبیه خواهد نمود وهمچنین دولت پاکستان برای جبران تقلیل سالیانه‌آب رودخانه‌های راوی - ستلج وبیاس طی اجرای یك برنامه عمرانی، سدهائی را برروی رودخانه‌های سند - جهلم‌وچناب ایجادخواهد نمود ولی انجام این امر(برنامه عمرانی پاکستان) جزئی از قراردادکانال‌هانبوده وبرای اجرای آن قرارداد جداگانه دیگری بین دولتین هند وپاکستان وبانك بین‌المللی وچند کشور دیگری که قراراست‌برای اجرای‌این‌پروژه عمرانی به‌دولت

پاکستان کمك ومساعدت نمایند امضا خواهد شد ونکته جالب اینجا است که چون پاکستان بتدریج ودر ظرف مدت ده سال از آب سه رودخانه راوی ـ ستلج وبیاس محروم میشود وناچاراست که برای تأمین آب مورد احتیاج خود پروژه عظیمی را برای استفاده ازآب سه رودخانه سند ـ جهلم وچناب اجرا نماید دولت هند مبلغی در حدود هفتصد میلیون روپیه را به دولت پاکستان کمك خواهدنمود.

مخارج پروژه بزرگ کانال‌ها که وسیله دولت پاکستان اجراخواهد شد بر ۴۵۰۰ میلیون روپیه بالغ می‌شود که وسیله بانك بین‌المللی ودولتین آمریکا ـ انگلیس کانادا ـ آلمان ـ استرالیا ـ نیوزلاند وپاکستان پرداخت خواهدشد. بموجب این پروژه ترتیبی داده خواهد شد که پس ازقطع آب رودخانه‌های راوی ـ ستلج وبیاس دولت پاکستان بتواند با استفاده ازآب رودخانه‌های سند ـ جهلم وچناب زمین‌های زراعتی خود راآبیاری نماید و بدین جهت پاکستان دوسد بزرگ ذخیره‌ای خاکی که از جمله بزرگترین سدهای خاکی جهان خواهد بود وپنج سد انحرافی وهفت کانال ساخته خواهد شد.

اولین سدبزرگ ذخیره‌ای باحداکثر ارتفاع ۳۷۰ پاوطول دومیل برروی رودخانه جهلم ساخته خواهد شد ودر قسمت جنوبی مخزن سدچهار سد کوچکتر که ارتفاع هریك ازآنها از ۳۰ تا ۲۴۵ پاومجموع طول آنها پنج میل خواهد بودساخته خواهدشد.

طول مخزن این سدبر ۳۶ میل بالغ خواهد شد وابتدا ۳۴۰ هزار کیلووات وپس ازتکمیل سدتا یك میلیون کیلووات نیروی برق ایجادخواهد شد.

سد ذخیره‌ای دیگری برروی رودخانه سند ساخته خواهد شد که طول آن در بالای سدبه دومیل وارتفاع آن نیزبر ۳۲۰ پا بالغ خواهد شد.

طول هفت کانالی که بموازات ساختمان سدها ساخته خواهد شدبر ۳۸۸ میل بالغ خواهد شد وبرای حفر آنها باید ۸۴۸ میلیون یارد مکعب خاك برداری شود ( این رقم تقریباً دوبرابر رقم خاك ریزی موردلزوم دو سدخاکی است که برروی رودخانه های جهلم وسندساخته خواهد شد)

اکنون که قرارداد کانال ها بین دولتین هند و پاکستان امضا شده است مقامات هندی و پاکستانی اظهار نظر مینمایند که امضای این قرارداد مقدمه همکاریهای بیشتر دو کشور در زمینه‌های سیاسی واقتصادی بوده وایـن امید هست که پس از امضای این قرارداد موجبات رفع اختلاف دولتین هند وپاکستان درباره مسئله کشمیر نیز فراهم گردد .

**پایان**

## برای تدوین این کتاب از منابع مشروحه زیر استفاده شده است


**الف ـ منابع فارسی**

۱ ـ نتایج سیاسی جنگ بین‌الملل اول — ترجمه آقای احمد فرامرزی

۲ ـ سلسله مقالات دنیا میان دوجنگ — نگارش آقای دکتر رضازاده شفق

۳ ـ اختناق هندوستان — ترجمه آقای ر. نامور

٤ ـ حقایق موضوع کشمیر

٥ ـ آمار گمرکی ایران

٦ ـ روزنامه‌ها ومجلات داخلی وخارجی

۷ ـ سایر اطلاعات جمع آوری شده درمورد پاکستان

**ب ـ منابع خارجی**

1- Ten years of PAKISTAN (1947-1957)

2- PAKISTAN and Regional Pacts ( By Mohammed Ahsen Chaudhri)

3- Basic Data of the economy of PAKISTAN

4- Constitutional problems in PAKISTAN (By Sir Ivor Jennings 1957)

5- The Muslim League (By Lal Baadur 1954)

6- A Dictionary of politics ( By Florence Elliott and Micheal Summerskill 1959)

7- Biographical Encyclopedia of PAKISTAN ( By Biographical Research Institute PAKISTAN 1955-1951)

8- The Diplomacy of South-East ASIA: 1945-1958(By Russell. K. Fifield)

9- The Colombo Plan for Co - Operative economic development in South and South-East ASIA (Fifth annual report of the Consultative Committee)

**ج ـ مطالعات ومشاهدات نویسنده در مسافرت‌های به پاکستان**

## خواهشمند است اغلاط چاپی این کتاب را بشرح جدول ذیل تصحیح فرمائید

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|
| ۲ | ۹ | قرون | قرن |
| ۱۵ | ۱۷ | اسنکدر میرزا | اسکندر میرزا |
| | ۲۰ | پاکسان | پاکستان |
| ۲۷ | ٦ | نداشته باشد | مغایرت نداشته باشد |
| ۳۱ | ۱۱ | بازمیدار | بازمیدارد |
| ۳۲ | ۱۱ | چند بکبار | چند یکبار |
| ٤۱ | ۸ | تنگچی | تفنگچی |
| ٤۱ | ۱۷ | دیوانی | دیدوانی |
| ٤۱ | ۱۹ | عالیانی | آلیانی |
| ٤۱ | ۱۹ | بهر مانانی | بهر امانی |
| ٤۱ | ۲۱ | مگسنی | مگسی |
| ٤٤ | ۳ | داتشکده | آتشکده |
| ٤۵ | ۱۹ | ازخود داری | ازخود دارای |
| ٤۵ | ۱۱ | بهقسمت | بهسه قسمت |
| ٦٤ | ۱۲ | ۲۲ | ۳۳ |
| ٦۹ | ۸ | تولید غذائی | تولید مواد غذائی |
| ۱۱۱ | ۷ | اوت ۱۹۰۷ | اوت ۱۹٤۸ |
| ۱۱۳ | آخر | باایبکه | باینکه |
| ۱۲۹ | ۱۱ | ۰د | ۲۰ |
| ۱۲۹ | آخر | پانل | پاتل |
| ۱۲۹ | آخر | نظارتوآقای | نظارتآقای |
| ۱٤۱ | ۹ | می‌گذارند | می‌گذاردند |
| ۱٤۸ | ٦ | مسیر باشد | میسر باشد |
| ۱۵۱ | ٦ | هروز | هرروز |
| ۱۷۰ | ۱۳ | نسبت بآنها | نسبت بههمهآنها |
| ۱۷٦ | ۱۱ | (هند از | هند (از |
| ۱۷٦ | ۱۸ | ده ددصدد | ده درصد |
| ۱۷۷ | ٤ | دریافت میشو | دریافت میشود |
| ۱۷۷ | ۱۸ | مورد برسی | مورد بررسی |
| ۱۷۷ | ۲۱ | نجام | انجام |
| ۱۸۰ | ۸ | این نیزو | این نیرو |